



مهمانان ناخوانده

نقض حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان توسط ایران

HUMAN
RIGHTS
WATCH

مهمانان ناخوانده

نقض حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان توسط ایران

تمام حقوق محفوظ است
نشر شده در ایالات متحده امریکا
طرح جلد از رافایل جیمینز
ISBN: 978-1-62313-1166

دیدهبان حقوق بشر متعهد به دفاع از حقوق انسان‌ها در سراسر جهان است و تلاش می‌کند که با جلوگیری از تبعیض و دفاع از آزادی‌های سیاسی یکجا با قربانیان و فعالان حقوق بشر از مردم در برابر رفتارهای غیر انسانی در زمان جنگ حفاظت کند و مجرمین را به پنجه عدالت بسپارد. دیدهبان حقوق بشر با بررسی و افشای موارد نقض حقوق بشر مسبب آن را پاسخگو می‌داند و دولت‌ها و قدرتمندان را به چالش می‌کشد که به اعمال تبعیض گرایانه خود خاتمه داده و قانون بین‌المللی حقوق بشر را محترم بشمارند. ما از مردم و جامعه جهانی می‌خواهیم از اساس حقوق بشر برای همگان پشتیبانی کنند.

دیدهبان حقوق بشر یک سازمان بین‌المللی است که در بیش از چهل کشور فعالیت داشته و دفاتر آن در آمستردام، بیروت، برلین، بروکسل، شیکاگو، ژنو، گوما، جوهانسبورگ، لندن، لوس آنجلس، مسکو، نایروبی، نیویورک، پاریس، سانفرانسیسکو، توکیو، تورنتو، تونس، واشنگتن دی سی و زوریخ فعالند.

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر وبسایت ما: www.hrw.org را ببینید.

مهمانان ناخوانده

نقض حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان توسط ایران

ii	نقشه
۱	چکیده
۱۰	توصیه های کلیدی
۱۰	جمهوری اسلامی ایران
۱۰	جمهوری اسلامی افغانستان
۱۰	کمیسیرای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان:
۱۱	سازمان ملل متحد و شرکای جهانی افغانستان و ایران:
۱۲	روش شناسی
۱۵	۱. زمینه: افغان ها در ایران
۱۸	شرایط سیاسی
۲۱	شرایط فعلی افغانستان
۲۶	۲. موانع دریافت و ابقای وضعیت پناهندگی در ایران
۲۷	شرایط دشوار ثبت نام آمایش برای پناهندگان و پناهجویان
۳۳	کناره گرفتن از وضعیت پناهندگی
۳۵	بازگشت داوطلبانه
۳۷	موانع موجود بر سر راه ثبت نام پناهندگان جدید
۴۰	طرح جامع ساماندهی: راهی به سوی «قانونی شدن»؟
۴۴	«استراتژی راه حل»
۴۶	۳. آزار و اذیت افغان های ساکن ایران
۴۶	«مناطق ممنوعه»
۴۸	ماجرای حکیم س. و خانواده
۴۹	سرگذشت نجیب ت. و خانواده
۵۲	محروم نمودن از تحصیل و ممانعت نکردن از کار کودکان
۵۳	محدودیت دسترسی به تحصیل
۵۷	مبادلات دانشگاهی
۵۸	محرومیت از حقوق شهروندی و ازدواج
۶۰	محدودیت های حق اشتغال به کار
۶۲	«عدالت» خود گمارده

۴. آزار و بدرفتاری در طول مراحل اخراج از کشور..... ۶۵

- ۶۵..... آزار و اذیت‌های جسمی، سرقت، و تخریب اموال
- ۶۹..... اخراج از کشور بدون انجام تشریفات حقوقی لازم
- ۷۱..... شرح حال نبیل م. و خانواده
- ۷۲..... شرح حال هاشم و خانواده
- ۷۳..... شرایط ناگوار بازداشتگاه‌ها
- ۷۵..... آزار و اذیت و عدم مراقبت از کودکان مهاجر بی‌سرپرست
- ۷۶..... شرح حال زالمای ک
- ۷۹..... شرح حال سلیم ت
- ۸۱..... دستگیری، بازداشت، و بدرفتاری در قرارگاه‌های پلیس و بازداشتگاه‌های انتقال اخراجیان
- ۸۵..... جدا شدن از خانواده
- ۸۵..... شرح حال حسینا و زهره و خانواده
- ۸۶..... شرح حال عارف و خانواده
- ۸۶..... شرح حال نصرت ب
- ۸۷..... شرح حال نادر ر
- ۸۷..... شرح حال مریم گ
- ۸۹..... هزینه‌های مربوط به اخراج از کشور و کار اجباری

۵. توصیه‌ها..... ۹۲

- ۹۲..... به جمهوری اسلامی ایران
- ۹۲..... دسترسی پناهندگان و پناهجویان و محافظت از آنها
- ۹۳..... دسترسی به تحصیل، استخدام، و خدمات دیگر برای پناهندگان و پناهجویان
- ۹۳..... گزینه‌های منصفانه برای کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها
- ۹۳..... قانونی و انسانی بودن مراحل اخراج از کشور
- ۹۴..... به جمهوری اسلامی افغانستان
- ۹۴..... به کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان
- ۹۵..... به سازمان ملل متحد و شرکای جهانی افغانستان و ایران

۶. قدردانی و سپاس..... ۹۷

- ضمیمه ۱- نامه دیده‌بان به وزیر عبدالرضا رحمانی فضلی و مدیر کل اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی،
دکتر عزیز کاظمی..... ۹۸
- ضمیمه ۲- نامه دیده‌بان به رییس جمهور، حامد کرزای..... ۱۰۲

نقشه

نقشه



چکیده

هنگامی که فرزندان ما [به علت خارجی بودن] از مدرسه اخراج شدند، تصمیم گرفتیم [ایران را] ترک کنیم. اما دیگر خیلی دیر شده بود. ما دیگر مقیم قانونی نبودیم و بنابراین نمی‌توانستیم به جای دیگری برویم. ما کارت‌های سبز [کارت‌های اقامت]، مدارک سازمان ملل داشتیم. اما دولت ایران این مدارک را جمع‌آوری کرد و مدارک جدیدی صادر کرد که هر شش تا نه ماه تمدید می‌شد. آخرین مدرک، ارزش چندانی نداشت [و بعد] نهایتاً آن را هم از ما گرفتند.

نجیب ت، ۵۵ ساله و همسرش ۴۵ ساله. هنگامی که دولت ایران اعلام کرد شهری که آنها در آن به مدت ۱۸ سال زندگی کرده بودند، برای خارجی‌ها جزء «مناطق ممنوعه» می‌باشد و آنها پس از آنکه به تمام خارجی‌ها دستور داده شده بود آنجا را ترک کنند، هنوز در آنجا به سر می‌بردند، جواز پناهندگی خود را از دست دادند.

بیشتر پناهندگان از افغانستان می‌آیند تا از کشورهای دیگر. دوره‌های مکرر درگیری‌های مسلحانه - که جدیدترین آنها نبردهای خشونت آمیز فزاینده میان طالبان از یک طرف و دولت افغانستان و حامیان جهانی آن از طرف دیگر بوده است - میلیون‌ها افغان را از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بر آن داشته تا پناهنده شوند.

بر طبق اطلاعات سازمان ملل متحد، از سال ۲۰۱۲، اکثریت قریب به اتفاق پناهندگان افغان در پاکستان و ایران زندگی کرده‌اند، که از این گروه حدود ۱,۷ میلیون نفر در پاکستان و نزدیک به یک میلیون نفر در ایران ثبت نام شده‌اند. از سال ۲۰۱۳ در ایران حد اقل برای نیم میلیون یا تعدادی در همین حدود انواع دیگر پروانه‌های اقامت موقت صادر گردیده است.

میلیون‌ها تن دیگر از افغان‌ها در اثر خشونت، ناامنی و نابود شدن وسائل امرار معاش گریخته‌اند، اما به دلایل مختلف به عنوان پناهنده ثبت نام نکرده، جویای حفاظت‌های قانونی دیگر بوده و یا جواز پناهندگی خود را از دست داده‌اند. این مهاجران فاقد مدارک نیز عمدتاً در پاکستان و ایران سکونت گزیده، یا به صورت بخشی از مهاجرت‌های اقتصادی منطقه‌ای و دوره‌ای، برای دوره‌های طولانی در این کشورها اقامت کرده‌اند.

بر طبق سرشماری دولت، از اکتبر ۲۰۱۱، ایران پذیرای ۸۸۲,۶۵۹ پناهنده ثبت نام شده بوده است که از آن تعداد، ۸۴۰,۱۵۸ تن اتباع افغان، و بقیه عراقی بوده‌اند. بر طبق تخمین‌های اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی ایران در سال ۲۰۱۲، در حال حاضر حدود ۱,۴ تا ۲ میلیون تن افغان در ایران زندگی و کار می‌کنند که به عنوان پناهنده ثبت نام نشده‌اند. مجموعاً به همراه پناهندگان ثبت نام شده، تعداد کل افغان‌ها در ایران به ۲,۴ تا ۳ میلیون تن می‌رسد.

افغان‌ها در ایران یکی از بزرگترین جمعیت‌های پناهندگان شهرنشین جهان را تشکیل می‌دهند، به طوری که فقط ۳٪ از پناهندگان افغان در اردوگاه‌های واقع در مناطق روستایی به سر می‌برند. برای میلیون‌ها تن افغان‌های دارای مدارک و فاقد مدارک که در ایران زندگی می‌کنند، منافع چشمگیری وجود داشته است.

بسیاری از آنها قادر بوده‌اند دستمزد دریافت کنند، که اگرچه در حد اقل گذران زندگی یا حتی کمتر از آن بوده است اما در مقایسه با آنچه که در افغانستان جنگ زده می‌توانستند به دست آورند زندگی‌ای با کیفیت بهتر برای آنها فراهم می‌آورد. به پناهندگان ثبت نام شده اجازه داده شده است از فرصت‌های تحصیلی بهره مند شوند که اغلب در مقایسه با آنچه که در افغانستان قابل دستیابی است، دارای کیفیت بالاتری است. در حالی که مسئولین تا حدی سعی کرده‌اند آموزش ابتدائی برای افغان‌های فاقد مدرکی که در ایران زندگی و کار می‌کنند را فراهم آورند، اما بسیاری از آنها به علت هزینه‌ها و محدودیت‌های دیگری که توسط دولت ایران به آنها تحمیل شده از چنین حقی محروم هستند. برخی از افغان‌ها هم که اصلاً نمی‌توانستند در افغانستان به تحصیل دسترسی داشته باشند.

من حدود یک ماه پیش افغانستان را ترک کردم. از آنجا رفتم چون دیگر چیزی برای خوردن نداشتیم. هیچ پولی نداشتیم. در حقیقت نابود شده بودیم. خانواده‌ام هزینه رفتن مرا به قاچاقچی پرداخت کردند، اما این تصمیم من بود که بروم. از طریق پاکستان رفتیم. در کوهستان‌های پاکستان در حالیکه پیاده می‌رفتیم دزدها با پنج اسلحه کلاشنیکف آمدند و هر چه داشتیم از ما گرفتند.... بین راه زاهدان و تهران دوباره به ما دستبرد زدند. من داخل کفشم مبلغی پول داشتم که دزدهای اولی پیدا نکردند، اما دزدهای دومی آن را پیدا کردند. یک روز بعد در حالیکه هنوز پیاده می‌رفتیم، پیش از رسیدن به تهران، پلیس ما را پیدا و دستگیر کرد. در بازداشتگاه، غذا خیلی کم بود. من در بازداشتگاه اول ۳۰,۰۰۰ تومان [معادل ۲۵ دلار آمریکا] و سپس ۱۰,۰۰۰ ریال [معادل ۸ دلار آمریکا] در سفید سنگ [اردوگاه اخراج] پرداختم. خانواده‌های ما این پول‌ها را فرستادند. پلیس به ما گفت یا باید این مبلغ را پرداخت کنید و یا همین جا خواهید ماند. سلیم، ۱۴ ساله، که تنها به همراه قاچاقچی از استان دایکندی در مرکز افغانستان به ایران آمد تا به دو برادر بزرگتر خود که در ایران بودند بپیوندد.

اگرچه بعضی از قوانین ایران تبعیض‌هایی برای زنان قائل می‌شود، به ویژه در ارتباط با طرز لباس پوشیدن و نیز موقعیت آنها در برابر قانون در موضوعات مربوط به ازدواج، طلاق، ارث و حضانت اطفال، اما زنان افغان در ایران از شماری از آزادی‌ها بهره مند هستند که در کشور خودشان از آنها دریغ شده بود. مخصوصاً در مقایسه با زنان و دختران ساکن افغانستان، آنها آزادی بیشتری برای رفت و آمد، دسترسی به تحصیلات بهتر، و امکان درخواست طلاق دارند. همانگونه که یکی از مقامات رسمی دولت افغانستان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت، «مردم در باره قتل‌های ناموسی [دختران و زنان] و از این قبیل مطالب [در افغانستان] می‌شنوند و در نتیجه نمی‌خواهند به اینجا باز گردند.»

اگرچه دولت ایران بار سنگین مقابله با سرازیر شدن این افراد را به دوش می‌کشیده است و از بعضی جهات هم به خوبی عمل کرده است، اما حد اقل از سال ۲۰۰۷ به بعد، ایران به افغان‌های تازه وارد اجازه نداده به عنوان پناهنده ثبت نام کنند، که در نتیجه اگر این پناهنجویان بالقوه را به علت اقامت غیر قانونی در ایران به افغانستان اخراج کنند، آنها را در معرض خطر باز گردانده شدن به شرایط آزار و اذیت یا سایر اوضاع خشونت‌بار قرار می‌دهند. در واقع «راهنمای ارزیابی حمایت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناهنجویان افغان» که در اوت ۲۰۱۳ توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تهیه شده، هر گونه سیاستی که نیازهای مداوم بسیاری از افغان‌ها برای پناهنجویی را دست کم برآورد کند مورد سؤال قرار می‌دهد.

در سال‌های اخیر، شرایط دشوارتر شده است و فشار علیه تقریباً تمام افغان‌های مقیم ایران افزایش یافته است، که از جمله می‌توان موانع بزرگتر برای دست یافتن به کمک‌های بشردوستانه و خدمات اجتماعی، دستگیری و بازداشت خودسرانه و مصونیت آزار دهندگان افغان‌ها در برابر کارکنان دولت و بخش خصوصی را نام برد.

این گزارش—بر پایه مصاحبه با ۹۰ تن افغان که اخیراً تجربیاتی در ایران داشته‌اند، و نیز مقامات رسمی افغان و متخصصین امور پناهندگی و مهاجرت—اوضاع رو به وخامت [این افراد] را مستند می‌سازد. این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند از آنجا که ایران به علت فقدان یک نظام پناهجویی کارآمد و نیز ارتکاب یک سلسله نقض حقوق از جمله دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، محافظت‌های لازم را برای پناهجویان تازه وارد فراهم نمی‌کند، هم بر اساس قانون ایران و هم طبق حقوق بین‌الملل، بر خلاف تعهدات خود نسبت به پناهندگان و مهاجران افغان عمل می‌کند.

آنها به سر و شانه‌های ما می‌زدند. پنج بار با اسلحه کلاشنیکف به پشت سر من کوبیدند. پس از نشستن، به چانه ام لگد زدند. به چانه من لگد زدند و گفتند برو توی صف.

رفیق، ۱۸ ساله، از اعضاء یک گروه افغان بود که به همراه یک قاچاقچی سعی داشتند وارد ایران شوند. چند تن از آنها پس از دستگیری توسط پلیس و پاسخ ندادن به سؤال پلیس که چه کسی در میان آنها قاچاقچی بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

در طی ۳۵ سال گذشته، در حالیکه افغانستان وقوع جنگ‌های مکرری را تجربه کرده است، سیاست‌های ایران برای پناهجویان افغان در ایران شدیداً تغییر کرده است. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲ دولت ایران خود به خود به اکثر افغان‌هایی که وارد ایران می‌شدند اجازه اقامت دائم می‌داد. اما از سال ۱۹۹۲ به بعد، ایران از طریق اقداماتی از جمله انجام مراحل پر پیچ و خم اداری برای تجدید جواز پناهندگی، امتناع از ثبت نام افغان‌های تازه وارد به عنوان پناهنده، و محروم کردن پناهندگان دارای مدرک از دسترسی به خدمات عمومی، شروع به ترغیب و تحت فشار گذاشتن افغان‌ها برای بازگشت به افغانستان نمود.

در طی سال‌های بلافاصله پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، تعداد بسیاری از افغان‌ها از ایران و دیگر کشورها به افغانستان بازگشتند، به طوری که تنها در سال ۲۰۰۲ تعداد بازگشت کنندگان به ۲,۳ میلیون تخمین زده می‌شود. در حالیکه برخی از افغان‌ها با شور و شوق به وطن خود بازگشتند، بسیاری دیگر به علت خصومت و اذیت و آزارهای فزاینده در ایران و پاکستان، تحت فشار قرار داشتند که به کشور خود بازگردند. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان گزارش می‌دهد که از سال ۲۰۰۲ به حدود ۸۸۶,۰۰۰ پناهنده افغان کمک کرده است از ایران به کشور خود بازگردند.

در سال ۲۰۰۱ دولت ایران اعلام کرد مرزهای خود را به روی افغانستان بسته است و اینکه برای ایران «دیگر عملاً قبول پناهندگان جدید غیر ممکن شده است.» در سال ۲۰۰۲، سازمان دیده‌بان حقوق بشر امتناع دولت ایران برای ثبت نام پناهجویان افغان تازه وارد را مستند ساخت، رویکردی که به جز چند مورد معدود استثناء—برای مثال ۱۶ مورد در سال ۲۰۱۲—تا به امروز ادامه یافته است. در همین حال، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کاهش مداومی

را در تعداد افغان‌هایی که به افغانستان باز می‌گشتند مستند کرد، که این جریان از سال ۲۰۰۸ (یعنی همزمان با کاهش چشمگیر میزان امنیت در افغانستان) شروع شده بود.

به محض بیدار شدن متوجه شدیم که سربازهای ایرانی ما را محاصره کرده‌اند. آنها گفتند از جای خود حرکت نکنید والا شلیک می‌کنیم. پلیس افرادی که حلقه داشتند، را برد. آنها تلفن مرا شکستند. ما را داخل کانتینر کامیون‌های بزرگی گذاشته و با خود بردند. نزدیک بود از کمبود اکسیژن بمیریم. درها را قفل کرده بودند. به آنها التماس می‌کردیم در را باز بگذارند، در غیر اینصورت خواهیم مرد. آنها گفتند شما باید بمیرید. مرد چاقی همراه ما بود که در حال مرگ بود. بیهوش شده بود. یکی از بستگانش روکش پارچه‌ای [کامیون] را پاره کرد تا او بتواند نفس بکشد.

نعیم، ۳۰ ساله، به همراه یک گروه ۵۰۰ نفری افغان توسط قاچاقچی‌ها به ایران سفر می‌کردند. پس از عبور از مرز، در حال استراحت بودند که توسط پلیس دستگیر شدند.

در سال ۲۰۰۳، ایران سیستم جدیدی به نام «آمایش» (که در زبان فارسی به معنای تدارکات و آماده‌سازی است) را برای ثبت نام مجدد تمام اتباع افغان که در آن زمان در ایران زندگی می‌کردند و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ صرفاً به خاطر آنکه ملیت افغان داشتند به آنها اجازه اقامت داده شده بود، را معرفی کرد. اکثریت قریب به اتفاق افغان‌هایی که از زمان آغاز این نوع ثبت نام به ایران وارد شده‌اند، به طور کلی اجازه ثبت نام برای کارت آمایش نداشته‌اند.

کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان از سال ۲۰۰۳ دارندگان کارت آمایش را به عنوان پناهنده ثبت شده محسوب کرده است. اگرچه برخی از مقامات رسمی ایران گفته‌اند دارندگان کارت آمایش را بر طبق قانون ایران نمی‌توان پناهنده دانست، اما دیگران از دارندگان این کارت مخصوصاً به عنوان پناهنده یاد کرده‌اند. اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی، دارندگان کارت آمایش را به عنوان پناهندگان فاقد مدارک به شمار می‌آورد.

به رسمیت شناختن دارندگان کارت آمایش به عنوان پناهنده توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به دلایل گوناگونی مهم است، از جمله حمایت از این افراد در مقابل ابطال وضعیت پناهندگی ایشان توسط دولت ایران بدون وجود دلیل موجه.

در عمل، دارندگان کارت آمایش برای ابقاء وضعیت خود، در برابر مقامات ایرانی با مراحل پیچیده و دیوان سالاری فزاینده‌ای روبرو هستند که در آن کوچکترین اشتباه می‌تواند به قیمت از دست دادن همیشگی وضعیت پناهندگی تمام شود. دارندگان کارت آمایش باید کارت خود را مرتباً تجدید کنند. از زمان نخستین ثبت نام صدها هزار افغان در سال ۲۰۰۳، نه دوره ثبت نام مجدد انجام شده است که هر بار کارتی با رنگ متفاوت صادر می‌شود. این کارت‌ها که پناهندگان باید وجهی را برای آن پرداخت کنند، معمولاً برای یک سال معتبر هستند. فرا رسیدن مهلت انقضای کارت بدان معناست که دارنده کارت به طور غیر قانونی در ایران اقامت دارد و باید از کشور اخراج شود. اگر دارنده کارت نتواند به محض انقضای مهلت کارت قدیمی برای کارت جدید ثبت نام کند مقیم فاقد مدرک به حساب خواهد آمد و مشمول شرایط اخراج از کشور خواهد شد.

موانع موجود برای پناهندگان عبارتند از: ثبت نام های مجدد و مکرر، فقدان یاری رسانی برای کمک به درک این مراحل اداری که به ویژه روی وضعیت افراد کم سواد تأثیر می‌گذارد، و پرداخت هزینه‌های هنگفت که بسیاری از پناهندگان بی بضاعت قادر به پرداخت آن نیستند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر مواردی را مستند ساخته است که در آن پناهندگان ثبت نام شده افغان وضعیت پناهندگی خود را از دست داده‌اند زیرا مقامات ایرانی موانع دیوان سالاری مبهم و دشواری را در ارتباط با ابقای وضعیت آنها تحمیل کردند و همچنین مسئولین آنها را تشویق کردند در ازای به دست آوردن یکی دیگر از اشکال موجود پناهندگی، از پروانه اقامت فعلی خود چشم‌پوشند. این روند نهایتاً سبب برخورداری این افراد از حقوق کمتری شده و یا منجر به اخراج آنها می‌شود.

اگرچه ما هیچ مدرکی دال بر وجود یک خط مشی یا تلاش سازمان یافته از جانب مقامات ایران صرفاً به منظور اخراج پناهندگان ثبت نام شده و برگرداندن آنها به افغانستان پیدا نکردیم، اما محدودیت‌های سنگین و فزاینده ایرانیان بر پناهندگان افغان این خطر را افزایش می‌دهد که احتمال بازگرداندن غیر قانونی افغان‌هایی که حقیقتاً در صورت بازگشت به کشورشان در معرض خطر یا آسیب‌های جدی دیگر قرار دارند، بیشتر شود.

اگر مسئولین ایرانی افغان‌های بدون کارت آمایش را شناسایی کنند می‌توانند آنها را بدون داشتن حق اعتراض نسبت به اخراج از کشور و یا داشتن راهی برای ارائه درخواست پناهجویی، فوراً از کشور اخراج کنند.

اکثر مردان، زنان و کودکانی که ما در «نقطه صفر» -- مرز میان ایران و افغانستان در منطقه مرزی اسلام قلعه -- با آنها مصاحبه کردیم، به تازگی از ایران اخراج شده بودند. برخی از مصاحبه شونده‌ها، که اغلب از مردانی بودند که پس از ورود به ایران به صورت قاچاق، تنها در این کشور زندگی می‌کردند و بدون داشتن اجازه رسمی کار می‌کردند، به نظر بی تفاوت می‌رسیدند گویی که این هم بخشی از روال کار است. آنها قبلاً از این مراحل عبور کرده بودند و پیش بینی می‌کردند که مجدداً هم برای آنها اتفاق خواهد افتاد. بسیاری از آنها شکایت می‌کردند که به ویژه در هنگام دستگیری و اخراج، توسط مسئولین، مورد آزار و اذیت های گوناگون قرار گرفته‌اند.

مصاحبه شونده‌ها دیگری هم بودند که در حالتی کاملاً بحرانی قرار داشتند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر با پدر و مادری صحبت می‌کرد که آنها را در طی مراحل اخراج از فرزندانشان جدا کرده بودند - و به هیچ وجه نمی‌دانستند چگونه آنها را دوباره پیدا کنند؛ مردان و زنان جوانی که در ایران به دنیا آمده بودند و عملاً از به دست آوردن تابعیت ایرانی ممنوع شده و اکنون به کشوری فرستاده می‌شدند که هرگز در زندگی خود آن را ندیده بودند؛ و پس‌رانی که تنها به ایران سفر کرده بودند تا برای خانواده خود مبلغی پول به دست آورند و اکنون نمی‌دانستند چگونه به خانه باز گردند- یا حتی اینکه آیا هرگز می‌توانند بدون بردن پولی که خانواده شان شدیداً به آن نیاز داشتند، به خانه باز گردند.

بسیاری از مصاحبه شونده‌ها اظهارات مسعود ج. را ابراز می‌کردند که می‌گفت «ایران کشوری مسلمان مانند افغانستان است. من نمی‌توانم بفهمم چگونه مسلمانان می‌توانند با مسلمانان دیگر اینطور بد رفتار کنند.»

در سال ۲۰۱۱، مقامات ایرانی حدود ۱۵۰،۰۰۰ افغان را فقط از طریق قرارگاه مرزی اسلام قلعه اخراج کردند. در سال ۲۰۱۲ ایران روزانه ۷۰۰ افغان را اخراج کرده است، یعنی ۳۰٪ افزایش نسبت به سال ۲۰۱۱ وجود داشته

است. اما به هر حال این نکته قابل توجه است که اکثریت قریب به اتفاق این اخراج ها مربوط به پسران یا مردان مجردی است که برای کار کردن به ایران رفته بودند.

به دنبال معرفی طرح آمایش، تناسب افغان‌های تازه واردی که درخواست پناهنجویی داشتند به شدت کاهش یافت. افغان‌هایی که امروز به ایران وارد می‌شوند در حقیقت امکان طرح درخواست پناهنجویی را ندارند. پناهنجویان افغان باید بتوانند درخواست پناهنجویی خود را به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی ایران که زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شود، و بر طبق قانون ایران موظف است به درخواست‌های پناهنجویی و پناهنجی کند، تحویل دهند. معهداً، تحقیقات ما—با عدم دسترسی به آمار افغان‌های تازه وارد یا فقدان یک آمار کلی—حاکی از آن است که برای اکثریت قریب به اتفاق افغان‌های تازه وارد ارائه درخواست پناهنجویی عملاً غیر ممکن است.

یک مقام رسمی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که از سال ۲۰۰۷ به بعد اجازه ثبت نام جدید داده نشده است. یک مقام رسمی دیگر به ما گفت هر سال تعداد انگشت شماری از افغان‌های تازه وارد می‌توانند در طرح آمایش ثبت نام کنند، اما وی نتوانست در این زمینه اسناد و یا توضیحات بیشتری ارائه دهد. مشکل دیگر این است که به افغان‌های اخراجی از ایران هیچگونه فرصتی برای اعتراض نسبت به اخراج آنها داده نمی‌شود، از جمله اینکه هیچگونه توضیحی به آنها داده نمی‌شود که چرا جواز سابق پناهنجی آنها منقضی شده و یا چگونه آنها از طرح درخواست پناهنجویی ممنوع شده‌اند.

دولت ایران همچنین دارندگان کارت‌های آمایش را تشویق نموده است در قبال دریافت اجازه یک ساله اقامت و کار، که حداقل برای یک سال دیگر قابل تجدید است، کارت آمایش خود را تحویل دهند. اگرچه دولت ایران از این حق قانونی برخوردار است که افرادی که جواز پناهنجی خود را واگذار کرده‌اند از کشور اخراج کند، اما این مطلب هنوز روشن نیست که آیا پناهنجانی که انجام چنین کاری را پذیرفته‌اند کاملاً از پیامدهای این جریان آگاه بوده‌اند و پیش از دست کشیدن از وضعیت پناهنجی خود، با داشتن اطلاعات کافی رضایت داده‌اند یا خیر. با توجه به اینکه مقامات ایرانی سپس ممکن است تصمیم بگیرند اجازه‌های اقامت این افراد را تجدید نکنند و آنها را اخراج کنند، چنین وضعیتی ممکن است برای افغان‌هایی که در خطر آزار و اذیت در افغانستان قرار دارند پیامدهای سخت و ناگواری به همراه داشته باشد.

مقامات ایران همچنین در صدد تنگ تر کردن حلقه کنترل خود بر روی افغان‌های فاقد مدرک در ایران بوده‌اند که از طریق تشویق افغان‌ها به ثبت نام نزد دولت صورت می‌گیرد. پس از ثبت نام، این افراد (اگر تا آن زمان گذرنامه نداشته‌اند) باید گذرنامه، اجازه اقامت در ایران و اجازه کار به دست آورند. اگرچه ایران کاملاً مجاز است که اتباع فاقد مدارک را ثبت نام و گروه بندی کند، اما باید به این نکته توجه داشت که مراحل تهیه مدارک مناسب، هم گران و هم از جهت تدارکاتی برای بسیاری از افغان‌ها دشوار است. نکته مهم تر آنکه این طرح ایجاد انتظام، که «طرح ساماندهی اتباع خارجی» نامیده می‌شود، ابدأ نمی‌تواند جایگزین سیستمی شود که به افغان‌های تازه وارد اجازه دهد درخواست پناهنجی کنند یا صرفاً بر پایه ملیت خود، مستقیماً برای تحت پوشش قرار گرفتن، ثبت نام کنند (مانند آنچه که در سال ۲۰۰۳ بر اساس طرح آمایش با یک بار ثبت نام انجام شد).

ما با مینی بوس در منطقه سرهک سفر می‌کردیم. یک مأمور پلیس آمد و از ما خواست کارت شناسایی خود را نشان دهیم. مأمور پلیس کارت شناسایی ما را با خود برد و گفت «فردا کارت را به شما پس می‌دهم. ساعت ۸ صبح اینجا باشید.» من هم [فردای آن روز] رفتم و آنها همگی ما را داخل اتومبیلی گذاشتند و به یک بازداشتگاه [مخصوص اخراج از کشور] بردند. [سپس ما را از کشور اخراج کردند در حالی که سه فرزند ما، ۸، ۱۰، و ۱۲ ساله در ایران مانده‌اند....] نمی‌دانم چه باید بکنم. پولی ندارم که پاسپورت و ویزا بگیرم. ما هیچکس را در مشهد نداریم که به ما کمک کند. ما به مزار شریف خواهیم رفت. در آنجا خانه‌ای نداریم، اما سعی می‌کنیم خانه‌ای اجاره کنیم و فرزندانمان را از ایران به اینجا بیاوریم. نمی‌دانم خداوند چه راهی پیش پای من خواهد گذاشت.

عارف، که به همراه همسر و فرزند نوزادش از ایران اخراج شد، در حالیکه سه فرزند دیگرش در ایران در خانه تنها مانده‌اند. خانواده آنها به مدت ۱۰ سال در ایران زندگی کرده بودند و به هنگام اخراج دارای کارت معتبر طرح جامع ساماندهی بودند.

تلاش‌های دولت ایران برای متقاعد ساختن پناهندگان افغان به ترک ایران تا حدی موفق بوده است. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان مجدداً در سال ۲۰۱۱ افزایش تعداد پناهندگان افغان که از ایران بازگشته‌اند، را خاطر نشان ساخته است، به طوری که یکی از سخنگویان سازمان ملل متحد اینطور توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد علت افزایش تعداد بازگشت‌های داوطلبانه و حمایت شده، فشار اقتصادی و قطع یارانه‌های مربوط به کالاها و خدمات اساسی توسط دولت ایران باشد.»

علاوه بر موانعی که بر سر راه درخواست پناهنجویی قرار دارد، پناهندگان افغان، پناهجویان و دیگر افرادی که به طور قانونی در ایران اقامت دارند، با محدودیت‌های شدید از جهت آزادی سفر و نیز محدودیت‌هایی در مورد دسترسی به تحصیلات، استخدام، کسب تابعیت ایرانی و حقوق ازدواج مواجه هستند. کلیه افغان‌ها و اتباع خارجی دیگر در بسیاری از مناطق کشور با محدودیت‌های تردد روبرو هستند و افغان‌های دارای مدارک هم فقط می‌توانند در مشاغل بخصوصی به کار بپردازند که تمام آنها کارهای پست و حقیر و بسیاری از آنها هم خطرناک هستند. پناهندگان افغان باید پیش از ورود به دانشگاه از موقعیت خود به عنوان پناهنده دست بکشند و نیز از تحصیل در برخی از رشته‌های کارشناسی ممنوع هستند. افغان‌هایی که دارای وضعیت اقامت قانونی نیستند در فراهم نمودن تحصیل برای فرزندانمان با مشکلات بسیاری مواجه هستند که در نتیجه بسیاری از کودکان یا مشغول به تحصیل نیستند و یا در مدارس مخفی به تحصیل اشتغال دارند. دولت ایران ازدواج برای بسیاری از زوج‌های ایرانی/افغان را دشوار ساخته است، از دادن تابعیت به شوهران افغان که دارای همسر ایرانی هستند امتناع می‌ورزد و برای تابعیت فرزندان اینگونه زوج‌ها نیز موانعی را ایجاد می‌کند.

و بالاخره اینکه هم افغان‌های دارای مدارک و هم افغان‌های فاقد مدارک با یک سلسله آزار و اذیت‌هایی روبرو می‌شوند و بسیاری هم که از کشور اخراج می‌شوند با آزار و اذیت‌های پلیس، از جمله خشونت، دزدی، هزینه‌های نامعقول اخراج از کشور، کار اجباری در طی دوران بازداشت پیش از اخراج، و تحمل شرایط دشوار در بازداشتگاه‌ها، روبرو هستند. به ویژه در مورد کودکان مهاجر بدون همراه، به علت فقدان محافظت‌های لازم در طی مراحل اخراج، نگرانی خاصی وجود دارد. این گزارش شامل مطالبی است که از مصاحبه‌های ما با ۴۱ نفر از این کودکان بدست آمده است.

حدود ساعت ۶ صبح، ۲۰ تا ۲۵ نفر مأمور با لباس‌های نظامی به خانه‌ها حمله کردند و ما را دستگیر کردند. بعضی از ما را زدند. سپس ما را سوار چند کامیون کردند. برای مدتی در راه بودیم. بعد دیدیم وسط یک صحرای خشک ما را پیاده کردند. برایمان کمی غذا آوردند. و بعد هم ما را به یک قرارگاه پلیس محلی بردند. چند نوجوان ۱۲ و ۱۳ ساله هم در میان ما بودند. در قرارگاه پلیس محلی حدود ۴۵۰ افغان فاقد مدارک بودند. ما باید هر یک ۵,۰۰۰ تومان (معادل ۴ دلار امریکایی) تهیه می‌کردیم که برای انتقال خود به بازداشتگاه کرمان پردازیم. من را مجبور کردند یک شب آنجا بمانم چون هیچ پولی نداشتم و آنها [پلیس] آن شب چندین بار با باتوم به سرم زدند. از من خواستند ۲,۰۰۰ تومان [۱,۶۳ دلار امریکا] به آنها پردازم، اما من آن را هم نداشتم، بنابراین من را در اتومبیلی گذاشته به بازداشتگاه کرمان فرستادند. آنجا هم به ۵,۰۰۰ تومان احتیاج داشتم اما هیچ پولی نداشتم، بنابراین آنقدر گریه و التماس کردم تا مردم به من کمک کردند. بازداشتگاه کرمان محل وحشتناکی بود. [نگهبانان بازداشتگاه] ما را زدند و ترساندند و خیلی کم به ما غذا می‌دادند.

تعداد عظیم پناهندگان و پناهجویان افغان بار اقتصادی و اجتماعی بسیار سنگینی روی پاکستان و ایران گذاشته است. دولت‌های پاکستان و ایران معترض هستند که کشورهای دیگر از جمله آنهایی که از نزدیک در اوضاع افغانستان درگیر هستند مانند ایالات متحده امریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، برای تحمل این بار عظیم قدم‌چندانی برنداشته‌اند. تنش‌های میان ایران و ایالات متحده نیز در این جریان سهمیم بوده است به طوری‌که ایران به ویژه از کشورهای اهدا کننده تقریباً هیچ کمکی دریافت نکرده است و بدین ترتیب در یاری‌رسانی به تعداد عظیمی از پناهندگان افغان در این کشور، عملاً تنها مانده است. به علاوه، عواقب تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران که به دلیل داشتن برنامه‌های سلاح هسته‌ای به آن منتسب شده است منجر به کمبود ذخایر ارز خارجی و کاهش شدید و ناگهانی ارزش ریال ایران، افزایش تورم و بیکاری شده است. این اقدامات نیز تأثیر بدی بر توانایی دولت ایران در اداره امور افغان‌های دارای مدرک در این کشور داشته است و زندگی این گروه را که قبلاً هم آسیب پذیر بود، بیش از پیش دشوار ساخته است.

نمی‌دانم چه باید بکنیم. ما اینجا پولی نداریم؛ برای بازگشت، پول نداریم. همسرم کار نمی‌کند—او بی‌سواد است.

پدر حسینا و زهره، با اخراج او و دو دختر نوجوانش از کشور، همسر و سه فرزند کوچک‌ترش در ایران باقی مانده‌اند. پس از آنکه این دو دختر به دلیل آنکه حسینا کفش اسپورت صورتی روشن پوشیده بود، در شهر مقدس قم دستگیر شدند، پدر و دخترانش را از کشور اخراج کردند. پس از آنکه آنها برای کمک به اعضای خانواده تلفن کردند، پدر آنها و نامزد زهره به ایستگاه پلیس مراجعه کردند. هنگامی که پلیس متوجه شد آنها افغان هستند، هر چهار نفر آنها را از کشور اخراج کرد.

وضعیت افغان‌ها در ایران همچنین تحت تأثیر وقایع در مقیاس گسترده‌تر از قبیل رابطه ایران با افغانستان، ارتباط ایران با ایالات متحده و بازیکنان مهم در صحنه جهانی و نیز خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان تا پایان مهلت سال ۲۰۱۴ برای بیرون بردن نیروهای نظامی ایالات متحده از این کشور است. این عوامل، محیطی به وجود می‌آورند که در آن تنش‌های گسترده‌تر بین‌المللی روی اتباع آسیب‌پذیر افغانستان تأثیر می‌گذارند. یک راه حل با دوام برای این مشکل نه تنها احترام گذاشتن بهتر ایرانیان به حقوق پناهندگان و مهاجران است بلکه افغانستان، همسایه‌های آن و هم پیمانان خارجی افغانستان و کشورهای اهداکننده هم باید با یکدیگر همکاری کرده و در عین حال که به دنبال پیدا کردن یک راه حل دراز مدت برای میلیون‌ها افغان ساکن ایران و کشورهای اطراف آن هستند، سعی کنند به پناهندگان نیز کمک کنند.

بر اساس یافته‌های این گزارش و امنیت رو به وخامت در افغانستان که در آخرین راهنمای کمیسیرای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، یعنی «راهنمای ارزیابی حمایت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناجویان افغان»، ایران باید یک نظام واضح و شفاف برای پناجویی ارائه دهد تا به افغان‌هایی که مایلند درخواست پناجویی کنند، چنین فرصتی را بدهد. این سیستم پناجویی باید تمام گروه‌های زیر را شامل شود: افغان‌های تازه واردی که مایلند درخواست پناهندگی کنند؛ افغان‌هایی که قرار است اخراج شوند و مایلند درخواست کنند اما هرگز به آنها چنین فرصتی داده نشده؛ و افغان‌هایی که از طرح آمایش به جواز اقامت تغییر وضعیت داده‌اند اما جواز اقامتشان علیرغم قول‌های دولت مبنی بر عدم ابطال این جواز در آینده نزدیک، هنوز هم ممکن است روزی باطل شود.

من دو پسر و پنج دختر دارم. یکی از دخترانم در افغانستان به علت سگته مغزی درگذشت. حالا چهار دختر برایم مانده. یکی از پسرانم را اخراج کردند، در نتیجه الان فقط یک پسر برایم مانده. من به زندگی با این یک پسر عادت داشتم. اما این مردم بیرحم او را هم از من گرفتند. او پسر پر جنب و جوشی بود، همیشه به همه جا می‌دوید و سر می‌کشید. من همه درها را قفل کرده بودم که نتواند بیرون برود. و پسر بزرگم هم پیش از رفتن به محل کارش به من گفت درها را قفل کنم. اما این غیر ممکن است... مگر می‌شود یک پسر جوان را در خانه نگاه داشت؟ پس از مدتی شروع به خواهش و تمنا کرد که در را برایش باز کنم. او گفت در را باز کن، من می‌روم چند تخم مرغ بخرم و برای خودم بیزم. همین که از خانه بیرون رفت، بلافاصله او را دستگیر کردند. او ۱۲ ساله است. او را شش ماه پیش از کشور اخراج کردند.

جمیله، حدود ۴۰ سال دارد. او پس از درگذشت شوهرش، از افغانستان به ایران رفت تا به دیگر اعضای خانواده‌اش، از جمله خواهرش که در آنجا بودند، بپیوندد. او و دو پسرش به طور غیر قانونی در ایران اقامت داشتند.

توصیه های کلیدی

سازمان دیده بان حقوق بشر از دولت ایران، دولت افغانستان و شرک‌های جهانی درخواست می‌کند که برای پایان دادن به موارد نقض حقوق بشری که در این گزارش مستندسازی شده‌اند قاطعانه عمل کنند. پیشنهادات کامل در انتهای این گزارش ارائه شده‌اند، اما اقدامات ضروری که باید هرچه زودتر انجام شوند به قرار زیرند:

جمهوری اسلامی ایران

- به افغان‌های تازه وارد و به افغان‌هایی که به دلیل حضور غیر قانونی در کشور دستگیر شده‌اند اجازه دهید در صورت تمایل، درخواست پناجویی کنند، درخواست‌های این افراد را به طور منصفانه و مؤثر مورد بررسی قرار دهید و تضمین کنید به متقاضیان پذیرفته نشده حق استیناف داده شود.
- پناجویان و پناهندگان ثبت نام شده افغان را به اجبار به افغانستان باز نگردانید، و بر افغان‌هایی که مایلند در مرز درخواست پناهندگی به ایران کنند راه را مسدود نکنید.
- اطمینان حاصل کنید که به هر افغان که با اخراج مواجه است فرصتی داده شود تا قاضی به پرونده او رسیدگی کند و وی به کمک‌های حقوقی و حق استیناف دسترسی داشته باشد.
- به کلیه اتباع خارجی در ایران، بدون هیچگونه تبعیض، آزادی تردد دهید، و طرح فعلی و غیر قانونی «مناطق ممنوعه» را که افراد غیر شهروند را از اقامت و تردد از ۲۸ استان کشور ممنوع می‌کند، لغو کنید.
- اطمینان حاصل کنید که تمامی نیروهای امنیتی و مقامات دیگر دولتی با پناهندگان، پناجویان و مهاجرین افغان بدون استثنا با شرافت و احترامی که شایسته حقوق انسانی این افراد است، و نیز مطابق با تعهدات حقوقی ایران طبق قوانین داخلی و بین‌المللی است، رفتار کنند.

جمهوری اسلامی افغانستان

- دولت ایران را وادار کنید تضمین کند که مهاجرین افغان از حمایت‌ها و تشریفات حقوقی لازم، که بر طبق حقوق بین‌الملل به آنها اعطا شده، برخوردار شوند.

کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان:

- نحوه کار دولت ایران را بررسی کنید تا اطمینان حاصل کنید افغان‌هایی که به دنبال پناجویی در ایران هستند بتوانند به ایران وارد شوند، درخواست پناجویی کنند، و به درخواست آنها به طور منصفانه و مؤثر رسیدگی شود؛ همچنین بر طرز کار ایران نظارت کنید تا تضمین شود که هیچیک از پناهندگان ثبت نام شده مجبور به بازگشت به افغانستان نشوند.
- در شرایطی که در مرحله انتقال قدرت در افغانستان، ناامنی و عدم اطمینان رو به افزایش گذاشته است، از تأکید بر بازگشت افراد به عنوان یک راه حل پایدار خودداری کنید.

سازمان ملل متحد و شرکای جهانی افغانستان و ایران:

- ایران را برای پایان دادن به آزار و اذیت پناهندگان، پناهجویان و کارگران مهاجرین افغان تحت فشار قرار دهید.
- فراهم کردن کمک‌های بیشتر به دولت ایران برای تأمین هزینه‌های پناهندگان افغان در ایران، از جمله بهبود وضعیت دسترسی به تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی را در نظر داشته باشید.
- تأثیر تحریم‌های ایران را بر روی پناهندگان و مهاجرین افغان و نیز ایرانیان ارزیابی کنید، و برای کسب اطمینان از اینکه مردمی که حتی پیش از این هم آسیب پذیر بوده و در فقر به سر می‌برند در اثر این تحریم‌ها آسیب نبینند، اقداماتی انجام دهید.

روش شناسی

این گزارش اساساً بر پایه مصاحبه‌هایی است که با افغان‌های اخراج شده از ایران به افغانستان در مرز اسلام قلعه در آوریل ۲۰۱۲ و آوریل ۲۰۱۳ انجام شده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر برای تهیه این گزارش، مصاحبه‌ها را در نزدیکی محلی که در نوار مرزی اسلام قلعه - حد میان قلمرو ایران و افغانستان - «نقطه صفر» نامیده می‌شود، انجام داد. محققین سازمان دیده‌بان حقوق بشر در مجموع ۹۰ مصاحبه با گروه‌های خانوادگی و افراد انجام دادند. اکثر افرادی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه شدند، کارگران مهاجر فاقد مدارک بودند.

چهل و یک مورد از مصاحبه‌ها با کودکان بی سرپرست انجام شد که در سنین ۱۲ تا ۱۷ سال قرار داشتند؛ بقیه مصاحبه‌ها با مردان بزرگسال و خانواده‌ها انجام شد. تمام افرادی که تنها سفر می‌کردند و با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، مرد یا پسر بودند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر با هیچ موردی مواجه نشد که زن یا دختری به تنهایی سفر کند، اگر چه کارکنان سازمان‌هایی که در مرز کار می‌کنند، گزارش کردند که آنها گاهی با چنین زنان یا دخترانی مواجه می‌شوند. برخی از مصاحبه‌ها با حضور بیش از یک نفر صورت گرفت، به ویژه در مواردی که یک خانواده با هم سفر می‌کردند.

مصاحبه شونده‌گان را عمدتاً افراد اخراج شده تشکیل می‌دادند اگر چه ما با تعداد کمی هم مصاحبه کردیم که خود داوطلبانه به افغانستان باز می‌گشتند. مصاحبه‌ها به زبان دری انجام شد: به وسیله پژوهشگری که به دری یا فارسی سخن می‌گفت و یا از طریق مترجم. پیش از هر مصاحبه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر به مصاحبه شونده‌گان، هدف از انجام مصاحبه و موضوعات مورد گفتگو در مصاحبه را اطلاع داده و می‌پرسید آیا مایلند در این مصاحبه شرکت کنند. ما آنها را آگاه کردیم که می‌توانند در هر مرحله که مایل باشند از ادامه مصاحبه خودداری کنند و یا از پاسخگویی به هر سؤالی که بخواهند، امتناع ورزند. هیچ‌گونه انگیزه و مشوقی به افراد مصاحبه شونده پیشنهاد یا ارائه نشد.

این گزارش همچنین بخش کوچکی از مطالب جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های نوامبر ۲۰۱۱، مربوط به تحقیقات گزارش قبلی به نام «مجبور بودم فرار کنم: حبس زنان و دختران به دلیل "جرائم اخلاقی" در افغانستان» را هم در بر دارد.

به علاوه، اطلاعاتی نیز از طریق مصاحبه با اعضای دولت افغانستان، اعضای مجلس افغانستان، نمایندگان سازمان‌های جامعه مدنی، و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی جمع‌آوری گردید.

نام تمام پناهندگان و مهاجرینی که در این گزارش آمده، به منظور حفظ هویت این افراد و پیشگیری از احتمال انتقامجویی در صورت بازگشت ایشان به ایران، تغییر داده شده است. برخی افراد با نام کوچک و حرف اول نام خانوادگی‌شان نام برده شده‌اند، به بعضی دیگر هم تنها با ذکر یک نام، اشاره شده است. این نشانگر این واقعیت است که بعضی از افغان‌ها از چندین نام استفاده می‌کنند در حالی که بعضی دیگر فقط نام کوچک دارند. سبک ویژه‌ای که برای یک مصاحبه انتخاب شده (که همان استفاده از نام تنها در برابر نام و حرف اول نام خانوادگی می‌باشد) هیچ ارتباطی با اینکه این اشخاص در واقع از یک و یا چندین اسم استفاده می‌کنند، ندارد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر همچنین اسامی مقامات رسمی دولت و اعضاء پارلمان افغانستان که با ما مصاحبه کرده‌اند را محرمانه نگاه داشته است. تقریباً هر کسی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر از او در باره این موضوع پرسید، مشتاق

بود با ما صحبت کند زیرا طرز برخورد دولت ایران چه با افغان‌های دارای اقامت قانونی و چه با افغان‌های غیر قانونی، بسیاری از افغان‌ها از جمله دولتمردان افغانستان را آزرده و خشمگین ساخته است. اما به هر حال تقریباً تمام این افراد بدون استثناء درخواست کردند هویت واقعی شان فاش نشود، زیرا از انتقام دولت ایران نسبت به اعضای خانواده شان که هنوز در ایران زندگی می‌کنند و یا به علت آنکه روابط کاری مداوم با دولت ایران دارند که ممکن است به خطر بیافتد، می‌ترسند.

این گزارش از افغان‌های ساکن ایران که به عنوان پناهنده یا پناهجو ثبت نام نشده‌اند، به عنوان «مهاجر» نام می‌برد. اگرچه حقوق بین‌الملل، تعریف مشخصی برای کارگر مهاجر دارد، اما مهاجر را به تنهایی تعریف نمی‌کند. در این گزارش، واژه مهاجر، کلی‌ترین و فراگیرترین مفهومی است که در مورد افغان‌هایی که به ایران وارد می‌شوند، در آنجا ساکن می‌گردند، و ایران را ترک می‌کنند، به کار گرفته می‌شود و این امکان را از نظر دور نمی‌دارد که برخی از مهاجرین ممکن است پناهنده باشند و یا از شرایط پناهجویی برخوردار باشند. این گزارش، پناهندگان را افرادی می‌داند که تعریف بین‌المللی پناهندگی که در ارتباط با وضعیت پناهندگی در کنوانسیون ۱۹۵۱ قید شده است، در باره ایشان مصداق دارد. پناهجو شخصی است که ادعا می‌کند پناهنده است و یا درخواست کرده است که به عنوان پناهنده پذیرفته شود و یا به عنوان پناهجو ثبت نام شده است.

افغان‌ها غالباً در مورد سن دقیق خود، مطمئن نیستند، زیرا در افغانستان سیستم ثبت رسمی موالیید وجود ندارد و تولدهای کمی ثبت می‌شوند. حضور در مدارس هم ناهماهنگ و غیر منسجم است و نمی‌توان از آن به عنوان شاخص قابل اعتمادی برای تعیین سن استفاده کرد. سن‌هایی که در این گزارش ذکر شده‌اند، بر اساس اظهارات خود شخص هستند و در هر مورد که اشخاص در مورد سن خود مطمئن نبوده‌اند، این عدم اطمینان در گزارش ذکر شده است.

موضوع دیگری که غالباً در گفتگوهای مربوط به طرز رفتار با افغان‌ها در ایران مطرح می‌شود، کشتارهایی است که به وسیله نیروهای امنیتی نگهبان در مرز میان ایران و افغانستان رخ می‌دهد. این موضوع در این گزارش مورد بحث قرار نگرفته است، نه از آن روی که اهمیت فراوانی ندارد، بلکه به این دلیل که کشف مشروح حقایق در این باره، ورای حیطه تحقیقات این گزارش است.

نرخ رسمی برابری ارز در زمانی که اکثر مصاحبه‌ها صورت می‌گرفت ۱،۲۲۴ تومان ایران معادل ۱ دلار آمریکا بود و این نرخ مبادله ارز در مکالمات مندرج در این گزارش، مورد استفاده قرار گرفته است. اما مهم است توجه داشته باشیم که در طول سال گذشته و از دسامبر ۲۰۱۲، کاهش شدیدی در ارزش برابری ارز ایران حاصل شده که تا حدی به دلیل تحریم‌های اقتصادی و مالی برای مجازات ایران به علت برنامه سلاح‌های هسته‌ای این کشور بوده است. نرخ غیر رسمی مبادله ارز تقریباً ۳،۰۰۰ تومان ایران^۱ بود و قیمت‌ها با این نرخ تطابق داده شده‌اند که منجر به تورم^۲ شدید شده است. به همین دلیل، احتمالاً ارزش واقعی ارقام قید شده در این گزارش در حال حاضر تقریباً دو سوم کمتر از میزان گفته شده، است.

^۱ یگانه تربتی، «عدم تابعیت بورس اوراق بهادار ایران از رکود اقتصادی، خطر ایجاد یک حباب اقتصادی را افزایش می‌دهد»، رویتر [Iran's stock market rally defies economic slump, raises risk of a bubble, Reuters]، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.reuters.com/article/2012/12/12/iran-economy-idUSL5E8NAoFN20121212> (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲).

^۲ جابی واریک و جیمز بال [Joby Warrick and James Ball]، «قیمت مواد غذایی و افزایش شدید تورم در ایران»، واشنگتن پست [Food]، ۴ اکتبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://articles.washingtonpost.com/2012-10-04/world/35498613_1_cliff-kupchan-iranian-behavior-price-hikes (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲).

نرخ رسمی مبادله افغانی به دلار در زمانی که بیشتر مصاحبه‌ها انجام شد، ۵۰ افغانی در برابر ۱ دلار بود، و مکالمات مندرج در گزارش حاضر، بر اساس این نرخ برابری ارز، در نظر گرفته شده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر قادر نبود برای تهیه این گزارش هیچگونه تحقیقاتی را در داخل ایران انجام دهد، اگر چه چند مصاحبه از طریق تلفن و ایمیل با افرادی که در داخل کشور بودند انجام شد. پیش از انتشار این گزارش، سازمان دیده‌بان حقوق بشر با مقام‌های ایرانی تماس گرفت و یافته‌ها و توصیه‌های خود را با آنها در میان گذاشت و درخواست کرد با ایشان ملاقات حضوری داشته باشد تا بتواند در مورد جزئیات این گزارش بیشتر با آنها گفتگو کند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر همچنین از مسئولین دولت، از جمله از وزیر کشور و اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی تقاضا کرد به پرسش‌های این سازمان در مورد یافته‌های مورد بحث، پاسخ دهند (نگاه کنید به پیوست ۱) و به دولت اطمینان داد هر پاسخی که ارائه دهند در این گزارش گنجانده خواهد شد. تا زمان انتشار این گزارش، هیچ پاسخی از ایشان دریافت نگردید.

۱. زمینه: افغان‌ها در ایران

از دهه ۱۹۸۰، دوره‌های مکرر درگیری‌های مسلحانه – و در این اواخر رویارویی‌های خشونت آمیز روزافزون میان طالبان از یک طرف و دولت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن از طرف دیگر – چندین میلیون افغان را به پناهنده شدن سوق داده است.^۳ حدود ۹۷٪ این پناهندگان به ایران و پاکستان گریختند، و بر طبق اظهارات کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در سال ۲۰۱۱، ۳۴٪ کل پناهندگان افغان در ایران زندگی می‌کردند.

بر اساس اطلاعات سازمان ملل متحد، اکثریت قریب به اتفاق پناهندگان افغان به پاکستان و ایران پناهنده شده‌اند، که از این تعداد ۱،۷ میلیون تن در پاکستان و یک میلیون هم در ایران به سر می‌برند. بر طبق آمار و ارقام سرشماری نفوس که توسط دولت انجام شده، ایران از اکتبر ۲۰۱۱، ۸۸۲،۶۵۹ پناهنده را در این کشور ثبت نام نموده است که از این تعداد، ۸۴۰،۱۵۸ تن افغان و بقیه، اتباع عراق هستند. بر طبق تخمین‌های اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، در حال حاضر حدود ۱،۴ تا ۲ میلیون مهاجر غیر قانونی افغان در ایران زندگی و کار می‌کنند. این تعداد به اضافه پناهندگان قانونی، جمعیتی معادل ۲،۴ تا ۳ میلیون افغان را در ایران تشکیل می‌دهند.

افغان‌ها در ایران یکی از بزرگترین جمعیت‌های پناهندگان شهری در جهان را تشکیل می‌دهند. تنها ۳٪ پناهندگان افغان در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند. بر پایه آمار و ارقام دولت ایران، ۵۷٪ افغان‌ها (چه دارای مدارک و چه فاقد مدارک) در استان‌های تهران، خراسان رضوی، و اصفهان زندگی می‌کنند، ۲۲٪ در استان‌های کرمان، فارس و قم ساکن هستند، ۱۳٪ در البرز، سمنان و مرکزی به سر می‌برند، و ۸٪ هم در قزوین، خراسان جنوبی، خوزستان (اردوگاه پناهندگان بنی نجار در مناطق روستایی خوزستان)، گیلان و مازندران، اقامت دارند. بسیاری از استان‌ها از جمله مازندران، در امتداد ساحل خزر، به طور کامل و یا بخشی از آنها برای اتباع خارجی «منطقه ممنوعه» اعلام شده‌اند که بدان معناست که اگر افغان‌ها چه آنها که دارای مدارک و چه آنها که فاقد مدارک در آن مناطق دستگیر شوند، از کشور اخراج خواهند شد. بر اساس اطلاعات مربوط به ثبت نام، نیمی از پناهندگان افغان ثبت نام شده، کمتر از ۱۸ سال سن دارند.^۴

در ماه مه ۲۰۱۱، محمد تهوری، رئیس اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، گفت در حدود ۱،۵ میلیون اتباع خارجی به طور غیر قانونی در کشور زندگی می‌کنند و ۹۶٪ از آنها افغان هستند. مقام‌های رسمی ایران ادعا می‌کنند که تنها در تهران، ۴۸۰،۰۰۰ تا ۶۸۰،۰۰۰ اتباع افغان فاقد مدارک زندگی می‌کنند. کمی بعد در دسامبر ۲۰۱۲، تهوری گفت مجموعاً ۳ میلیون افغان در ایران زندگی می‌کنند.^۵ بر طبق اطلاعات کمیسریای سازمان ملل در امور

^۳ کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «آمار پناهندگان افغان» [UNHCR, Afghan Refugee Statistics]، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/421316072.pdf> (تاریخ دسترسی: ۱۰ اکتبر ۲۰۱۳).

^۴ کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «کنفرانس بین‌المللی در مورد راه حل‌هایی برای پناهندگان افغان، به منظور حمایت از بازگشت داوطلبانه، تلفیق مجدد و تداوم پذیر با جامعه و کمک به کشورهای میزبان» [UNHCR, International Conference on the Solutions Strategy for Afghan Refugees, to support Voluntary Repatriation, Sustainable Reintegration and Assistance to Host Countries]، ۳-۲ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf> (تاریخ دسترسی ۸ ژوئیه ۲۰۱۳).

^۵ «صدور کارت‌های بیمه جدید برای اتباع افغان دارای مدارک در ایران»، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، ۸ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://bafia.moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=a25b3683-80cc-48ec-810c-29ca2ea14479&WebPartID=2025af47-c2e4-43bc-82d5-c075ae63294b&ID=c54b15ba-025e-417e-afef-ccd93aa273dc> (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

پناهندگان، از اوت ۲۰۱۲ تقریباً یک میلیون از این افغان‌ها پناهنده ثبت شده هستند.^۶ تخمین‌ها حاکی از آن هستند که در حال حاضر حد اقل ۱,۴ میلیون پناهنده فاقد مدارک افغان در ایران زندگی و کار می‌کنند.^۷ در حالیکه این افغان‌ها پناهنده ثبت نام شده نیستند، اما بسیاری از آنها از خشونت و ناامنی، و یا آثار جنگ از قبیل نابودی وسایل امرار معاش و تأسیسات زیربنایی، فرار کرده‌اند. کشور همسایه، پاکستان، هم جمعیت بزرگی از مهاجرین افغان را در خود جای داده است.^۸

سرازیر شدن تعداد بیشماری از پناهندگان و مهاجران افغان به ایران در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، هم به دلیل شدت یافتن جنگ‌های داخلی و ناامنی در افغانستان و هم به علت سیاست تساهل دولت ایران در برابر پذیرش و اسکان افغان‌ها بود. تا سال ۱۹۹۲، دولت ایران به بسیاری از افغان‌ها اجازه داد به عنوان «مهاجرین»، خود به خود اجازه اقامت در ایران را به دست آورند و از امکاناتی از قبیل مراقبت‌های بهداشتی اولیه و اجازه کار، بهره مند شوند.^۹ مقامات ایران در عمل، با این گروه از افغان‌های ثبت نام شده به عنوان پناهنده برخورد می‌کردند اگرچه دولت ایران به طور رسمی، این طبقه را پناهنده نمی‌نامید.

اما به هر حال پس از ۱۹۹۲، دیگر بیش از این حق اقامت به طور خود به خود به افراد تازه وارد اعطا نمی‌شد و چون ایران دارای آئین نامه‌ای برای پناهنده‌یابی نبود که به افغان‌های تازه وارد اجازه دهد درخواست پناهنده‌یابی کنند، اکثر افغان‌های تازه وارد بدون مجوز اقامت ماندند و در نتیجه شامل حال اخراج از کشور شدند.^{۱۰}

^۶ در حال حاضر حدود ۱,۷ میلیون پناهنده رسمی افغان در پاکستان به سر می‌برند. «امسال ۵۰,۰۰۰ پناهنده افغان داوطلبانه به افغانستان باز می‌گردند»، اطلاعیه مطبوعاتی کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [50,000 Afghan refugees voluntarily return to Afghanistan this year, UNHCR press release, ۲۸ اوت ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?tabid=12254&ctl=Details&mid=15756&ItemID=3566> (تاریخ دسترسی: ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲).

^۷ «افغانستان - ایران: مهدی "دست‌هایم درد می‌کردند چون دستبندها خیلی تنگ بود"، آی آر آن، «مشروح: در به دری - درد و رنج افغان‌ها در خارج از کشور» [IRIN, In "Afghanistan-Iran: Mehdi, "My hands were hurting because the handcuffs were too tight,"]، ۲۷ فوریه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.irinnews.org/InDepthMain.aspx?indepthid=95&reportid=94958> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲) و سازمان مهاجرت بین‌المللی، «خبرنامه صندوق توسعه سازمان بین‌المللی مهاجرت» [International Organization for Migration, IOM Development Fund Newsletter]، پائیز ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://www.iom.int/developmentfund/files/infosheets/Autumn-Newsletter-2012.pdf> (تاریخ دسترسی: ۳ ژانویه ۲۰۱۳)، ص. ۱۲. در ماه مه ۲۰۱۲ محمد تهوری، رئیس اداره امور مهاجرین خارجی گفت که در حدود ۵ میلیون اتباع خارجی غیر مجاز در کشور زندگی می‌کنند و ۹۶٪ آنها افغان هستند. «دور جدید ساماندهی اتباع افغان با طرح آمایش ۷»، عصر ایران، ۳۰ مه ۲۰۱۱، قابل دسترسی در <http://www.asriran.com/fa/news/167504> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۱). مقام‌های رسمی ایران ادعا می‌کنند که فقط در استان تهران ۴۸۰,۰۰۰ تا ۶۸۰,۰۰۰ اتباع فاقد مدارک افغان زندگی می‌کنند. «تصویب طرح جامع ساماندهی اتباع خارجی در شورای عالی امنیت ملی»، خبرگزاری فارس، ۵ ژوئیه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904140764> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^۸ همانطور که قبلاً نیز در گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر به نام «افغانستان، ایران و پاکستان، سیاست در های بسته: پناهندگان افغان در پاکستان و ایران» [Afghanistan, Iran and Pakistan, Closed Door Policy: Afghan Refugees in Pakistan and Iran, Human Rights Watch, Vol. 14, No. 2(G)] به طور مشروح آمده است، مهاجرین و پناهندگان افغان در پاکستان نیز با مشکلات و آزار و اذیت‌های زیادی روبرو هستند، فوریه ۲۰۰۲، (تاریخ دسترسی: ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲). این گزارش علیرغم گزارش قبلی که هر دو کشور ایران و پاکستان را مورد بررسی قرار داده بود، بالاخص به آزار و اذیت مهاجران و پناهندگان افغان در ایران می‌پردازد. اما این انتخاب نباید اینگونه تعبیر شود که در حال حاضر مشکلی در مورد برخورد با مهاجرین و پناهندگان افغان در پاکستان وجود ندارد، بلکه صرفاً به این دلیل است که چنین مسائلی برای محدوده بررسی این گزارش است.

^۹ به طور کلی نگاه کنید به بروس کوپک، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [Bruce Koepke, "The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan,"]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique]

^{۱۰} الزندرو مونسوتی، «شبکه‌های انتقال افغان: نگاهی به وضعیت پس از بازگشت»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان [Alessandro Monsutti, "Afghan Transitional Networks: Looking Beyond Repatriation,"]، اوت ۲۰۰۶، ص. ۱۳. همچنین نگاه کنید به سری ۱۰، آگاتا بیالچیک، «بازگشت داوطلبانه و موضوع افغانستان: یک ارزیابی دقیق» دانشگاه آکسفورد،

در سال ۱۹۹۷ دولت ایران عملاً اعطاء اقامت حتمی به افغان‌های تازه وارد را متوقف نمود، یک برنامه مفصل را برای ثبت نام افغان‌های فاقد مدارک که در آن هنگام در ایران به سر می‌بردند، آغاز کرد و سپس اقدام به اخراج افغان‌ها از کشور نمود.^{۱۱}

بر طبق اظهارات وزارت کشور ایالات متحده آمریکا، تنها در سال ۲۰۱۱، ایران ۲۱۱،۰۲۳ افغان را از طریق مرزهای بین دو کشور، اخراج کرده است.^{۱۲} تقریباً ۱۵۰،۰۰۰ تن از این افراد از طریق قرارگاه مرزی اسلام قلعه که یکی از چند قرارگاه مرزی میان ایران و افغانستان است، اخراج گردیدند.^{۱۳} در طی ۱۰ ماه نخست پس از پایان اکتبر ۲۰۱۲، ایران روزانه ۷۰۰ افغان را از کشور اخراج نموده است که این تعداد نسبت به سال ۲۰۱۱، ۳۰ درصد افزایش داشته است.^{۱۴}

در نوامبر ۲۰۱۲، قوانین جدیدی توسط هیئت وزرا در ایران صادر شد که اظهار می‌داشت ۱،۶ میلیون خارجیانی که «به طور غیر قانونی در ایران ساکن هستند»، باید تا پایان سال ۲۰۱۵ از ایران خارج شوند. این مصوبه که در سطح معاونت ریاست جمهوری نیز به تأیید رسید، به وزارت کشور دستور داد نه تنها ۱،۶ میلیون اتباع خارجی فاقد مدارک را از ایران اخراج کند بلکه بازگشت داوطلبانه ۲۰۰،۰۰۰ تن دیگر که مقیم دارای مدارک هستند (و در رده پناهندگان قرار دارند) را نیز تسهیل کرده و جواز پناهندگی ۷۰۰،۰۰۰ تن را هم باطل کند.^{۱۵}

اوراق تحقیقاتی مرکز مطالعات پناهندگان [Agata Bialczyk, "Voluntary Repatriation" and the Case of Afghanistan: A Critical Examination,] University of Oxford, Refugee Studies Centre Working Paper Series، سند شماره ۴۶، ژانویه ۲۰۰۸، ص. ۲۱.

^{۱۱} کریستین برگ هارپ ویکن، «شبکه‌های اجتماعی و مهاجرت در افغانستان دوران جنگ» [Kristian Berg Harpviken, "Social Networks and Migration in Wartime Afghanistan,"] مرکز مطالعه جنگ‌های داخلی، مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح، اسلو، نروژ، سال ۲۰۰۹، ص. ۷۹؛ آگاتا بیالچیک، «بازگشت داوطلبانه و موضوع افغانستان: یک ارزیابی دقیق» دانشگاه آکسفورد، اوراق تحقیقاتی مرکز مطالعات پناهندگان [Agata Bialczyk, "Voluntary Repatriation" and the Case of Afghanistan: A Critical Examination,] University of Oxford, Refugee Studies Centre Working Paper Series، سند شماره ۴۶، ژانویه ۲۰۰۸، ص. ۲۱.

^{۱۲} وزارت کشور ایالات متحده آمریکا، «گزارش‌های کشور در مورد روال‌های متداول حقوق بشر: افغانستان» [Country Reports on Human Rights Practices for 2011: Afghanistan,] قابل دسترسی در: http://www.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/humanrightsreport/index.htm?dynamic_load_id=186457#wrapper (تاریخ دسترسی: ۲۹ مه ۲۰۱۲).

^{۱۳} اخراج افغان‌ها از ایران اغلب به جریان‌های سیاسی گسترده تر میان دو کشور مربوط می‌شود. برای مثال نگاه کنید به ایمی فریس راتمن، «درک بازی بزرگ ایران در افغانستان»، رویتر [Amie Ferris-Rotman, "Insight: Iran's "great game" in Afghanistan, Reuters], قابل دسترسی در: <http://www.reuters.com/article/2012/05/24/us-afghanistan-iran-media-idUSBRE84NoCB20120524> (تاریخ دسترسی: ۲ ژوئن ۲۰۱۲)؛ و نیتون هاج و حبیب خان توتاخلیل، «ایران سعی دارد توافق ایالات متحده با کابل را برهم زند»، وال استریت ژورنال [Nathan Hodge and Habib Khan Totakhil, "Iran seeks to scuttle US pact with Kabul," Wall Street Journal], ۸ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://online.wsj.com/article/SB10001424052702303630404577391913416976058.html> (تاریخ دسترسی: ۲ ژوئن ۲۰۱۲).

^{۱۴} از سال ۲۰۰۲ تعداد افغان‌های اخراجی از طریق دو مرز زمینی ایران تقریباً به طور یکنواخت در افزایش بوده است، غیر از یک افزایش ناگهانی در سال ۲۰۰۷ که سپس به سطوح کمی پائین تر بازگشت. ارقام کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان برای افغان‌هایی که از طریق این دو مرز در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ اخراج شده‌اند به این شرح است: ۲۰۰۲ تعداد ۴۲،۳۶۰؛ ۲۰۰۳ تعداد ۵۳،۸۹۷؛ ۲۰۰۴ تعداد ۷۹،۴۱۰؛ ۲۰۰۵ تعداد ۹۵،۸۴۵؛ ۲۰۰۷ تعداد ۱۴۶،۳۸۷؛ ۲۰۰۸ تعداد ۳۶۳،۳۶۹؛ ۲۰۰۹ تعداد ۳۳۲،۲۳۰ نفر. «همکاری سازمان بین‌المللی کار کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در جهت راه حل‌های جامع برای جا به جایی افغان‌ها: مطالعه تحقیقاتی بر روی افغان‌های اخراجی از ایران» [ILO-UNHCR Cooperation Towards Comprehensive Solutions for Afghan Displacement: Research study on Afghan deportees from Iran,] اوت ۲۰۰۸، سازمان Altai Consulting (بایگانی شده در سازمان دیده‌بان حقوق بشر)، ص. ۳.

^{۱۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از مسئولین شاغل در اسلام قلعه» (نام محفوظ است)، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۶} لوک مگلسون، «ترسناک ترین گوشه کوچک دنیا»، مجله نیویورک تایمز [Luke Mogelson, "The Scariest Little Corner of the World,"] New York Times magazine, ۸ اکتبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.nytimes.com/2012/10/21/magazine/the-corner-where-meet.html?pagewanted=all> (تاریخ دسترسی ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲). سازمان دیده‌بان حقوق بشر آماری در دست ندارد که نشان دهد در صورتیکه پناهنده رسمی در میان افراد اخراج شده بوده است، چه درصدی از آنها را شامل می‌شده است.

^{۱۷} «مصوبه دولت برای اخراج یک میلیون و ششصد هزار تبعه بیگانه»، پورتال اطلاع رسانی دفتر اتباع و امور مهاجرین خارجی، وزارت کشور، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://atbatehran.ostan-th.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1317:2012-11-14-11-02-12&catid=68:2010-09-15-09-02-08 (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

نماینده‌ای از یکی از سازمان‌های بین‌المللی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که در آن هنگام، طرح جدید دولت ایران مبنی بر اخراج اتباع خارجی، «برای تمام افرادی که در ایران فعالیت‌های بشروستانه انجام می‌دادند، بیش از هر چیز دیگر، مایه نگرانی بود.»^{۱۶}

در طی پنج روزی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۲ در مرز گذراند، هر روز تقریباً ۳۰ اتوبوس از راه می‌رسید که هر یک حامل ۵۰ تن از اخراج شدگان بودند - یعنی مجموعاً حدود ۱،۵۰۰ تن در هر روز، رقمی که شامل پناهندگان بازگشت کننده داوطلب، افراد غیر مجاز، و یا افرادی که با داشتن اسناد مسافرتی معتبر به افغانستان باز می‌گردند، نمی‌شود.^{۱۷} موج اخراج شدگان به حدی زیاد بود که یک مرکز پلیس مرزی که مسئول جمع آوری اطلاعات زیست سنجی از پسرها و مردهای اخراج شونده بود، دیگر بیش از این اهمیت نداده و برخی از گروه‌های اخراج شونده را اجازه می‌دادند بدون طی این مرحله از مرز عبور کنند و به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند تعداد اخراج شونده‌ها بیش از حدی است که بتوان از عهده برآمد.^{۱۸}

شرایط سیاسی

تعداد بسیار زیاد افغان‌هایی که در خارج از افغانستان در جستجوی پناهندگی هستند، فشار شدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر روی ایران و پاکستان گذاشته است. هر دوی این دولت‌ها اظهار کرده‌اند که کشورهای دیگر، از جمله کشورهای که از نزدیک در وقایع افغانستان دست داشته‌اند، برای سهم شدن در تحمل این بار سنگین، تلاش چندانی نکرده‌اند.

بحران مالی و اقتصادی اخیر ایران هم بر روی وضعیت افغان‌ها در ایران و هم بر روی تحمل دولت ایران نسبت به حضور این افراد، تأثیر داشته است. در سال گذشته، ایران متحمل کاهش بسیار شدیدی در ارزش پول خود شده است که ارزش غیر رسمی آن را به حدود یک سوم میزان اعتبار رسمی آن رسانده است.^{۱۹} این وضعیت، با شرایط نرخ تورم همراه شده است که پیش بینی می‌شود تا حدود ۶۹٫۶٪ در ماه افزایش داشته باشد، رقمی که دولت ایران آن را تأیید نمی‌کند و در عوض ادعا می‌کند نرخ تورم ۲۹٪ در سال است.^{۲۰} برخی از افغان‌هایی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با آنها مصاحبه کرده است گفتند آنها داوطلبانه به افغانستان باز گشته‌اند زیرا کاهش ارزش پول ایران و نرخ تورم بدان

^{۱۶} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

^{۱۷} امکان تمایز میان اخراج شدگان، پناهندگان بازگشتی داوطلب، و انواع دیگر مسافرتی وجود داشت زیرا سه محل مجزا برای تحویل این افراد وجود دارد که یکی از آنها صرفاً برای اخراج شدگان است.

^{۱۸} اگرچه این مرکز توسط پلیس مرزی افغانستان اداره می‌شود، اما با حمایت ایالات متحده تأسیس شد و به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته شد که بودجه آن کماکان توسط ایالات متحده تأمین می‌شود. در تئوری همکاری با جمع آوری اطلاعات زیست سنجی برای تمام افرادی که وارد افغانستان می‌شوند اجباری است، اگرچه در عمل، حداقل در این محل به نظر می‌رسد که جمع آوری اطلاعات تا حدی نامرتب بوده و به مردها محدود می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد این طرح، نگاه کنید به راد نوردلند، «افغانستان طرح‌های بزرگی برای اطلاعات زیست سنجی دارد»، نیویورک تایمز [see Rod Nordland, "Afghanistan has big plans for biometric data," New York Times], ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: [http://www.nytimes.com/2011/11/20/world/asia/in-afghanistan-big-plans-to-gather-biometric-](http://www.nytimes.com/2011/11/20/world/asia/in-afghanistan-big-plans-to-gather-biometric-data.html?pagewanted=all)

data.html?pagewanted=all (تاریخ دسترسی: ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۱).

^{۱۹} یگانه تربیتی، «عدم تابعیت بورس اوراق بهادار ایران از رکود اقتصادی، خطر ایجاد یک حباب اقتصادی را افزایش می‌دهد»، رویتر [Iran's stock market rally defies economic slump, raises risk of a bubble," Reuters], ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.reuters.com/article/2012/12/12/iran-economy-idUSL5E8NAoFN20121212> (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۲۰} جابی واریک و جیمز بال [Joby Warrick and James Ball]، «قیمت مواد غذایی و افزایش شدید تورم در ایران»، واشنگتن پست [Food prices, inflation rise sharply in Iran, Washington Post], ۴ اکتبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://articles.washingtonpost.com/2012-10-04/world/35498613_1_cliff-kupchan-iranian-behavior-price-hikes (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲).

معناست که آنها دیگر بیش از این قادر نبودند پول کافی به دست آورند تا بتوانند خانواده هایشان را که در افغانستان هستند، اداره کنند.^{۲۱}

نماینده یکی از سازمان‌های بین‌المللی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه می‌کرد، مسئله تأثیر مشکلات اقتصادی ایران بر افغان‌ها را مورد تأکید قرار داده و گفت تقریباً نیمی از افغان‌هایی که در ایران به سر می‌برند زیر خط فقر زندگی می‌کنند که این تا حدی به علت آشفتگی‌های اقتصادی است. «[افزایش هزینه زندگی] برای خانواده‌های کم درآمد، که اکثریت قریب به اتفاق آنان پناهندگان افغان و یا اتباع افغان فاقد مدارک هستند، تداوم‌پذیر نیست.»^{۲۲} این مقام رسمی همچنین در باره عدم یاری رسانی بین‌المللی به ایران اظهار نگرانی کرد زیرا این کشور برای برآوردن احتیاجات افغان‌ها در طی یک دوره مملو از مشکلات مالی، تقلاً می‌کند.^{۲۳}

وضعیت اتباع افغان در ایران همچنین با انتقالی که در این کشور روی می‌دهد و ناشی از خروج تدریجی ارتش کشورهای درگیر در اوضاع افغانستان و کاهش مسئولیت‌های سیاسی و مالی این کشورها در آنجا است پیوند تفکیک‌ناپذیری دارد. به بیان دقیق‌تر، دخالت کشورهای همسایه افغانستان در مسائل داخلی این کشور، سبب ایجاد نگرانی‌های فزاینده‌ای در باره افزایش بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان شده است.

برنامه خروج نیروهای نظامی بین‌المللی تا پایان سال ۲۰۱۴، پرسش‌های فراوانی را در باره نقش همسایگان افغانستان در تعیین روند اوضاع آینده این کشور برانگیخته است. این استنباط قوی در میان افغان‌ها وجود دارد که کشورهای همسایه آنها، به ویژه ایران و پاکستان در حال انجام تمهیداتی برای تأثیر گذاری و تسلط بر اوضاع آنجا هستند و چنین تلاش‌هایی می‌تواند به زیان افغانستان تمام شود.^{۲۴} بر طبق اظهارات برخی از مقام‌های رسمی افغانستان در گفتگو با سازمان دیده‌بان حقوق بشر، در موقعیت پر تنش فعلی میان ایران و کشورهای دیگر به خصوص ایالات متحده در باره موضوعاتی از جمله توانایی‌های هسته‌ای ایران، دولت ایران از پناهندگان و مهاجرین افغان به عنوان یک بازی فوتبال سیاسی استفاده کرده است - یعنی این عمل راهی است برای مجازات دولت افغانستان و نیز نمایش قدرت خود به امریکا به این شکل که علیرغم درگیری شدید امریکا در افغانستان، ایران همیشه از توان کافی برای تأثیرگذاری بر روی افغانستان برخوردار است.^{۲۵}

بر اساس دیدگاه دولت افغانستان، واقعیت این است که رابطه این کشور با ایران، رابطه‌ای نابرابر است. دولت افغانستان به سختی در تلاش است تا بر مشکلات انسانی، اقتصادی، امنیتی و اداره کشور که از پیشتر با آن مواجه بوده است، فایز آید و اغلب هم خود را در مقابله با این مشکلات ناتوان می‌یابد. اضافه کردن موج افغان‌های بازگشت کننده

^{۲۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با کارگران بازگشت کننده»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

^{۲۳} همان. این کارمند به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «دولت ایران باید با کمک کمیسیرای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، ثبت نام پناهنجویان جدیدی را که دارای دلایل معتبر هستند، دوباره از سر گیرد. اگرچه نمی‌دانیم در صورتی که ایران مرزهای خود را باز کند چه خواهد شد. با در نظر گرفتن شرایط فعلی در پاکستان، افغانستان و عراق، نمی‌دانیم نتیجه چه خواهد شد. احتمالاً برای مدت زیادی در ایران یک موج عظیم و غیر قابل کنترل مردم (آوارگان بین‌المللی در عراق، آوارگان بین‌المللی و مردم دیگر در افغانستان، از جمله عودت کنندگانی که قادر به تلفیق با جامعه افغانستان نبوده‌اند، پناهندگان افغان در پاکستان و نیز آوارگان بین‌المللی پاکستانی) جا به جا خواهند شد. اقتصاد ایران به علت تحریم‌ها سقوط شدیدی داشته است، کمک‌های بین‌المللی کاهش می‌یابد، و سرازیر شدن تعداد عظیمی از مردم قابل تحمل نخواهد بود. بودجه کمک‌های بین‌المللی برای یاری رسانی به پناهندگان در ایران، چندان زیاد نیست، به ویژه با توجه به آوارگی افراد در نتیجه جنگ سوریه.»

^{۲۴} «ابراز نگرانی امنیت ملی افغانستان از نفوذ ایران و پاکستان در شماری از رسانه‌ها»، مرکز خبرنگاران افغانستان، ۲۸ مارس ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://afjc.af/index.php/newsmedia/central/kabul/470-1391-01-22-18-16-19.html> (تاریخ دسترسی: ۲۸ مه ۲۰۱۳).

^{۲۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام ارشد دولت افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

که بسیاری از آنها بدون امکانات مالی یا مسکن در افغانستان برای بازگشت هستند، بار سنگین دیگری بر دوش دولت افغانستان خواهد گذاشت که در حال حاضر و یا تا مدت‌ها به هیچ وجه آمادگی مقابله با آن را ندارد. دولتمردان و اعضاء مجلس افغانستان وضعیت را اینطور توصیف می‌کنند که دولت افغانستان دائماً از موضع ضعف مشغول معامله است زیرا مقامات رسمی افغانستان همیشه در هر اسنادی که مبدا خشم دولت ایران را برانگیزند، زیرا خشمگین ساختن ایران غالباً خطر اخراج‌های بیشتری را به همراه خواهد داشت. همانطور که یکی از مقامات ارشد افغان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت، «یک سال پیش، من موضوع [برخورد با بچه‌های بدون سرپرست] را با ایران مطرح کردم. همکارم گفت «نه، خیلی سختگیری نکن، و آلا آنها تعداد بیشتری را اخراج خواهند کرد.» ما نمی‌توانیم با آنها سختگیری کنیم - ما مجبوریم به نرمی و مؤدبانه با آنها برخورد کنیم.»^{۲۶}

به گفته یکی از مقام‌های رسمی دولت افغانستان، در حالیکه ایران سعی دارد از مهاجرین، پناجویان و پناهندگان افغان در ایران برای «باجگیری» از دولت افغانستان استفاده کند، این افراد، قربانی چنین تنش‌های سیاسی در سطوح گسترده‌تر شده‌اند.^{۲۷} بر طبق مشاهدات یکی از اعضاء مجلس افغانستان «هر گاه که یک مشکل عمده بین ایران و ایالات متحده آمریکا بروز می‌کند، ایران گروهی از افغان‌ها را از کشور اخراج می‌کند تا نشان دهد که آنها می‌توانند هر گاه که بخواهند، بر روی افغانستان فشار وارد آورند.»^{۲۸} یکی از مفسران می‌نویسد «در طی دهه گذشته، رهبران ایران، به ویژه آنهایی که انقلابی دواشته هستند، گویی نمی‌توانند از ضربه زدن به پیکره امریکا در نقاط حساسی مانند افغانستان، خودداری کنند، همانطور که در مورد عراق نیز چنین کردند، تا علاقمندی مهم خود به خروج تمامی نیروهای امریکا از منطقه را اعتبار بخشند.»^{۲۹}

ترس از انتقامجویی ایران چنان شدید است که سه نفر از هر چهار نفر اعضاء مجلس افغانستان که برای تهیه این گزارش در مصاحبه با سازمان دیده‌بان حقوق بشر شرکت کردند، درخواست کردند نامشان منتشر نشود. یکی گفت «بخشی از خانواده من در ایران زندگی می‌کنند و در صورتیکه من علناً صحبت کنم، دولت ایران آنها را از کشور اخراج خواهد کرد.»^{۳۰} ترس از صحبت کردن در این باره تا سطح مقام‌های قوه مجریه نیز گسترش یافته است؛ یک فرمانده ارشد پلیس مرزی افغانستان در برابر این پرسش سازمان دیده‌بان حقوق بشر که به نظر او بزرگترین مشکل افغان‌ها در ایران چیست، پاسخ داد «اگر بگویم، دچار دردسر خواهم شد» و بلافاصله مصاحبه را خاتمه داد.^{۳۱} توافق مشارکت استراتژیک میان افغانستان و امریکا، در روابط ایران و افغانستان همچنان یک مانع عمده باقی مانده است، به ویژه که این موضوع به سرمایه‌گذاری و خواست‌های سیاسی ایالات متحده، وابسته است. مداخلات بین‌المللی در افغانستان از سال ۲۰۰۱، منجر به این شده است که خاک افغانستان صحنه زورآزمایی میان امریکا و ایران گردد، که پیامدهای شدید آن متوجه مردم افغانستان، و بیش از همه، افغان‌های ساکن ایران شده است.

اما به هر حال علیرغم تمام این موانع، هنوز هم تعداد زیادی از افغان‌ها به ایران می‌روند. انگیزه‌های آنها متفاوت است. بسیاری هنوز هم به دلیل خطر و ناامنی از کشور فرار می‌کنند. بعضی بدون شک بر طبق تعاریف مندرج در قوانین بین‌المللی، پناهنده محسوب می‌شوند. اما چون پناجویان افغان قادر نیستند درخواست پناهندگی کنند، به صورت مقیم

^{۲۶} همان.

^{۲۷} همان.

^{۲۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک عضو مجلس افغانستان» (نام محفوظ است)، کابل، ۱۰ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۹} الن لایپسون، «شرکت دادن ایران در افغانستان»، استیمسون [Ellen Laipson, "Engaging Iran on Afghanistan," Stimson], قابل دسترسی در: http://www.stimson.org/images/uploads/research-pdfs/Engaging_Iran_on_Afghanistan.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲).

^{۳۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک عضو مجلس افغانستان» (نام محفوظ است)، کابل، ۱۰ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک فرمانده ارشد پلیس مرزی افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

فاقد مدارک باقی می‌مانند و اگر هم دارای درخواست پناهندگی معتبر باشند، در معرض خطر بازگردانده شدن به وضعیت آزار و اذیت قرار دارند.

برخی دیگر افغانستان را ترک می‌کنند تا پول کافی برای امرار معاش خانواده هایشان تأمین کنند و در جامعه‌ای زندگی کنند که توسعه و فرصت اقتصادی بزرگتری وجود دارد، از جمله فرصت‌هایی برای زنان و دختران.^{۳۲} برای نمونه بسیاری از پسران افغان که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه داشتند، برای کمک به تأمین معیشت خانواده خود و پرداخت قروض، تنها به ایران سفر کرده بودند. برخی هم انگیزه‌های متعددی برای ترک وطن خود داشتند؛ ترکیبی از دلایل سیاسی، شخصی، و اقتصادی.^{۳۳} فرصت‌های تحصیلی و مراقبت‌های بهداشتی در ایران هم می‌تواند جذابیت‌های مهمی به شمار رود.

اگر شخصی نگرانی معقولی دارد که ممکن است در کشور خود مورد اذیت و آزار قرار گیرد، وجود یک انگیزه اقتصادی یا خانوادگی برای اینکه آن شخص وطن خود را ترک کند به معنای آن نیست که شخص مزبور واجد شرایط پناهندگی نیست.

شرایط فعلی افغانستان

ایران به عنوان یکی از امضاء کنندگان کنوانسیون سال ۱۹۵۱ پناهندگان و بر اساس قانون عرفی بین‌المللی، نمی‌تواند پناهندگان را اعاده کند، یعنی شخصی را به محلی بازگرداند که در آن خطر واقعی آزار و اذیت یا شکنجه یا رفتارها یا مجازات‌های غیر انسانی و تحقیرآمیز وجود دارد. بنابراین ایران نمی‌تواند هیچیک از اتباع افغان را که ادعا می‌کنند در خطر مواجهه با چنین آسیبی هستند، به افغانستان باز گرداند مگر آنکه ابتدا امکان وجود چنین خطری را در نظر گرفته باشد. با وجود این ایران به افغان‌ها اجازه نمی‌دهد درخواست پناهندگی کنند.^{۳۴}

وضعیت حقوق بشر و امنیت در افغانستان وخیم است و این وخامت رو به افزایش است. در سال ۲۰۱۲ سازمان دیده‌بان حقوق بشر «افزایش تلفات غیر نظامیان، به ویژه در اثر حملات شورشگر ایانه، استفاده گسترده از «شورشهای

^{۳۲} در حالیکه برای بسیاری از خانواده‌ها ممکن است این انگیزه اصلی فرار به ایران نباشد، اما یکی از نتایج این آوارگی، آزادی و فرصت بیشتری است که زنان و دختران افغان گاهی اوقات در ایران (و پاکستان) پیدا می‌کنند. الهه رستمی پوی، «پناهندگان افغان در ایران، پاکستان، بریتانیا و ایالات متحده، و زندگی پس از بازگشت: تحلیلی جامع از جنسیت»، مطالعات ایرانی [U.K., and the U.S. and Life after Return: A Comparative Gender Analysis, "Iranian Studies Iranian Studies, ۹-۲۴۸. به ویژه پیش از به کار بستن محدودیت‌های جدید برای دسترسی به تحصیلات برای افغان‌ها در ایران، در نتیجه دسترسی بیشتر دختران به تحصیلات در ایران، تغییرات اساسی به وجود آمده است. فریبا عادلخواه و زوزانا اولچسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Fariba Adelkhan & Zuzanna Olszewska, "The Iranian Afghans," Iranian Studies, ۲-۲۴۱، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در:

<http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، ص. ۱۴۵. یک تفاوت مهم دیگر این است که برای زنان درخواست طلاق در ایران بسیار آسان تر از افغانستان است، که می‌تواند زندگی زنان افغان را متحول کند. مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با ثریا و.، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱. نگرش آزادیخواهانه تر به زندگی زنان در ایران و انتظارات زنان افغان که در نتیجه تماس با جامعه ایرانی بالاتر رفته است، مانند فرار زنان از خانه، گاه در افغانستان به عنوان علت «مشکلات اجتماعی» ذکر می‌شود. به عنوان مثال نگاه کنید به مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با گلنهار، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۱؛ فریبا نوا، «چگونه ایران افغانستان را کنترل می‌کند»، فاکس نیوز [Fariba Nawa, "How Iran Controls Afghanistan," Fox News]، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.foxnews.com/opinion/2012/01/25/how-iran-controls-afghanistan/> (تاریخ دسترسی: ۲۵ آوریل ۲۰۱۲).

^{۳۳} سازمان بین‌المللی مهاجرت مواردی را مستند کرده است که افغان‌ها در نتیجه قاچاق انسان، وارد ایران شده‌اند. این موارد معمولاً مربوط به مردهای افغانی می‌شود که به دروغ به آنها وعده کارهای پر درآمد داده می‌شود و سپس گرفتار شده و با آنها به عنوان برده رفتار می‌شود. «قاچاق انسان در افغانستان: گزارش تحقیقی از منطقه»، سازمان بین‌المللی مهاجرت [Trafficking in Persons in Afghanistan: Field Survey Report, "IOM International Organization for Migration Report," سال ۲۰۰۸، ص. ۳۶.

^{۳۴} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «دستورالعمل‌های ارزیابی صلاحیت برای حمایت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناجویان افغان»، ۶ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.refworld.org/docid/51ffdc34.html> (تاریخ دسترسی: ۲۳ اوت ۲۰۱۳).

شبانۀ»، بدرفتاری گروه‌های مسلح، و نقض مداوم حقوق بشر» را مستند ساخت.^{۳۵} گزارشی که توسط وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در دسامبر ۲۰۱۲ منتشر شد، افزایش حملات طالبان در طول دوران جنگ در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال قبل، افزایش تلفات در میان نیروهای امنیتی افغانستان، و تداوم وابستگی نظامیان افغان به حمایت ناتو را مستند ساخته است.^{۳۶} این گزارش، طالبان را «مقاوم و مصمم» توصیف می‌کند.^{۳۷}

در اکتبر ۲۰۱۲، سازمان عفو بین‌الملل نگرانی خاص خود را بخصوص در باره بدتر شدن اوضاع آوارگان داخلی در افغانستان اظهار داشت و گفت «با بالا گرفتن اختلاف و ناامنی در افغانستان، جمعیت آوارگان بر طبق آمار کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به میزان نیم میلیون تن رسیده که بی سابقه بوده است، اگرچه رقم واقعی احتمالاً بسیار بیش از این است.»^{۳۸} این سازمان اشاره می‌کند که بودجه ۶ میلیون دلاری سال ۲۰۱۱ وزارت امور پناهندگان بازگشت کنندگان افغانستان حتی برای برآورده کردن ابتدایی‌ترین نیازها به یاری رسانی و مراقبت برای آوارگان داخلی کافی نبوده است، و این در حالی است که فقط ۳۴٪ بودجه مورد درخواست برای کمک‌های بشردوستانه افغانستان تأمین شده و موجودی صندوق کمک‌های اضطراری نیز به اتمام رسیده است.^{۳۹} سازمان عفو بین‌الملل اظهار داشت: «عدم اطمینان در میان مردم افغانستان در مورد خروج نیروهای بین‌المللی، و تأثیر این انتقال بر روی شرایط سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی، به ویژه اگر اوضاع امنیتی در کوتاه مدت بهبود نیابد، احتمالاً سبب آوارگیهای بیشتری در داخل کشور خواهد شد.»^{۴۰}

چشم انداز آینده هم بی نهایت نگران کننده است. چنان که گروه بین‌المللی بحران در اکتبر ۲۰۱۲ نوشت:

افغانستان، که مبتلای انشقاق و فساد است، در سال ۲۰۱۴ هنگامی که آمریکا و ناتو نیروهای خود را از آنجا خارج سازند، هنوز برای رسیدن به مرحله‌ای که بتواند مسئولیت اداره امنیت را بر عهده گیرد، فرسنگ‌ها فاصله دارد. رهبران افغانستان باید بدانند که بهترین تضمین برای ثبات کشور، این است که در طی انتقال سیاسی و نظامی در طول ۲۰۱۴-۲۰۱۳، بتوانند حکومت قانون در این کشور را تضمین کنند. اگر در این امر، موفق نشوند، این دوره بحرانی در بهترین حالت دچار چند دستگی‌های عمیق و منازعاتی در درون طبقه نخبگان حاکم بر کشور خواهد شد که شورشیان افغان از آن بهره خواهند جست. در بدترین حالت هم، این [عدم موفقیت] می‌تواند نا آرامی‌های دامنه‌دار، فروپاشی نیروهای امنیتی و شاید حتی جنگ داخلی گسترده‌تری را دامن بزند.

^{۳۵} سازمان دیده‌بان حقوق بشر، «گزارش جهان، افغانستان: ۲۰۱۲»، [Human Rights Watch, "World Report, Afghanistan: 2012"], ژانویه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/world-report-2012/world-report-2012-afghanistan>

^{۳۶} دیوید الکساندر، «پنناگون از حملات طالبان در طی جنگ افغانستان خبر می‌دهد»، رویتر [David Alexander, "Pentagon reports Taliban attacks up during Afghan fighting season," Reuters, ۱۰ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.reuters.com/article/2012/12/10/us-usa-afghanistan-idUSBRE8B919P20121210> (تاریخ دسترسی: ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۳۷} کریستینا وانگ، «گزارش: طالبان، با خروج نیروهای آمریکا، در فکر ورود به صحنه هستند»، واشنگتن تایمز [Kristina Wong, "Report: Taliban plan to move in as U.S. withdraws," Washington Times, ۱۰ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.washingtontimes.com/news/2012/dec/10/pentagon-insider-attacks-enemy-assaults-hamper-afg/> (تاریخ دسترسی: ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۳۸} «افغانستان:»

^{۳۹} همان.

^{۴۰} همان.

«راه حل‌های استراتژیک برای پناهندگان افغان»^{۴۱} که توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تهیه شده، هم دلایل زیادی برای بازگشت نسبتاً تدریجی پناهندگان افغان به افغانستان را عنوان می‌کند، از جمله این واقعیت که افغانستان در جدول شاخص توسعه انسانی، در رده ماقبل آخر جای دارد و سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۸۹ دلار امریکا است، و همچنین افزایش ناامنی که به علت خروج اکثر نیروهای ناتو از این کشور، حاصل شده است.^{۴۲} این طرح می‌گوید میانگین سطح زندگی در افغانستان ۹٪ میانگین سطح زندگی در ایران است.^{۴۳}

افغانستان همچنین ثابت کرده است که قادر نیست به گونه‌ای مؤثر به پناهندگان و مهاجرینی که بازگردانده می‌شوند کمک کند تا دوباره با جامعه افغان تلفیق یابند. افرادی که به افغانستان باز می‌گردند، برای دسترسی یافتن به زمین، خانه، و خدمات اولیه و نیز در پیدا کردن راهی برای امرار معاش و یا تجدید معیشت سابق خود با مشکلات عظیمی روبرو شده‌اند.^{۴۴} بسیاری از بازگشت کنندگان به دلایلی از جمله مسائل ایمنی مربوط به حضور طالبان و مواد منفجره عمل نکرده، و نیز فقدان خدمات و امکانات، به محل سابق خود باز نمی‌گردند، و این در عمل بدان معناست که آنها دیگر پناهنده نیستند بلکه از افراد آواره داخلی محسوب می‌شوند.^{۴۵} کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این نتیجه رسیده است که دو سوم بازگشت کنندگان بلافاصله پس از بازگشت به افغانستان، یک مرحله «آوارگی ثانویه» را نیز تجربه می‌کنند.^{۴۶}

غالباً بازگشت کنندگان به جای آنکه به مکان سابق خود که برخی اوقات مناطق روستائی بوده است، باز گردند، در شهرها ساکن می‌شوند. اکثر افراد به کابل می‌روند، که در آنجا هم شرایط برای اشخاصی که هیچگونه تأمین مالی ندارند، بسیار دشوار است.^{۴۷} تخمین زده می‌شود که حدود ۷۰٪ از زمین‌های کابل از شهرک‌ها و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی تشکیل شده که بسیاری از ساکنان آن را بازگشت کنندگان و آوارگان داخلی تشکیل داده‌اند.^{۴۸} شرایط زندگی در برخی از این اردوگاه‌های موقت که مملو از آوارگان داخلی است به حدی رقت بار است که نیویورک تایمز در طول زمستان ۲۰۱۱-۲۰۱۲ در دو عدد از بزرگترین اردوگاه‌های کابل، مرگ حداقل ۲۲ کودک را مستند کرده است.^{۴۹} این روزنامه گفت در مجموع در ۴۴ اردوگاه کابل در آن زمستان بیش از ۱۰۰ کودک جان خود را از دست داده‌اند.^{۵۰}

^{۴۱} بخش بعد به تفصیل در باره این مسائل به گفتگو خواهد پرداخت.

^{۴۲} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «راه حل‌های استراتژیک برای پناهندگان افغان به منظور حمایت از بازگشت داوطلبانه، تلفیق مجدد و تداوم پذیر با جامعه و کمک به کشور‌های میزبان» [UNHCR, "Solutions Strategy for Afghan Refugees to support Voluntary Repatriation, Sustainable Reintegration and Assistance to Host Countries," در کنفرانسی در ژنو، سوئیس ارائه شد، ۲-۳ مارس ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲۸ مه ۲۰۱۲)، ص. ۲۰.

^{۴۳} همان، ص. ۲۰.

^{۴۴} نسیم مجیدی، «بازگشت کنندگان کنندگان شهرنشین و آوارگان داخلی در افغانستان»، مؤسسه خاورمیانه [Urban] Nassim Majidi, Middle East Institute, "Returnees and Internally Displaced Persons in Afghanistan," ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، ص. ۲

^{۴۵} «فرار از جنگ، رسیدن به درماندگی: مصیبت آوارگان داخلی افغانستان»، سازمان عفو بین‌الملل [Fleeing war, finding misery: the plight of the internally displaced in Afghanistan], Amnesty International, فوریه ۲۰۱۲، صص. ۲۷-۲۸.

^{۴۶} همان، ص. ۲۷.

^{۴۷} نسیم مجیدی، «بازگشت کنندگان شهرنشین و آوارگان داخلی در افغانستان»، مؤسسه خاورمیانه [Urban Returnees and Internally Displaced Persons in Afghanistan], Middle East Institute, ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، ص. ۲

^{۴۸} همان.

^{۴۹} راد نوردلند، «زمستان در یک اردوگاه پناهندگان افغان: آیا این شکر است که خدا می‌فرستد؟»، نیویورک تایمز [Winter in Afghanistan: Is It Sugar From God?], *New York Times*, ۵ فوریه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://atwar.blogs.nytimes.com/2012/02/05/winter-in-afghanistan-is-it-sugar-from-god/> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲).

^{۵۰} راد نوردلند، «سرمازدگی کشنده زمستان به اردوگاه‌های پناهندگان کابل باز می‌گردد»، نیویورک تایمز [Winter's Deadly Bite Returns to Refugee Camps of Kabul], *New York Times*, ۲۹ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در http://www.nytimes.com/2012/12/30/world/asia/deadly-bite-of-winter-returns-to-ill-prepared-refugee-camps-of-kabul.html?pagewanted=1&_r=1&ref=world (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲).

اردوگاه‌ها که اکنون در حدود ۵۲ عدد می‌باشند، در حدود ۳۳،۶۹۶ تن (۵،۶۱۶ خانواده) را در خود جای داده‌اند.^{۵۱} تلاش‌هایی که برای اطمینان از آمادگی بهتر در طی زمستان ۱۳-۲۰۱۲ انجام شده، هنوز نتوانسته است ترس از وقوع تلفاتی از این قبیل را زائل سازد.^{۵۲}

در آخرین «راهنمای ارزیابی پناجویان برای سال ۲۰۱۳» که توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان صادر شده، چالشهایی که در ارتباط با حقوق و امنیت افراد وجود دارد، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این دستورالعمل‌ها با پیش‌بینی شدت یافتن منازعات میان نیروهای طرفدار دولت و گروه‌های مسلح، در پی خروج نیروهای بین‌المللی از آنجا، چهره‌ای تیره و تار از کشوری که افغان‌ها قرار است به آن باز گردند را به تصویر می‌کشد.^{۵۳} این سند ادعا می‌کند که افغانستان با «فساد شایع، دشواری‌هایی در ارتباط با تأسیس و ابقاء تسلط دولت بر اوضاع، نگرانی‌های مداوم در مورد ضعف حکومت قانون و نیز وجود یک دستگاه قضایی ناتوان، نقض گسترده حقوق بشر، و یک جو عمومی مصونیت از مجازات» مواجه است.^{۵۴}

بر طبق اظهارات هیئت یاری رسانی سازمان ملل متحد در افغانستان، تلفات غیر نظامیان در نیمه دوم سال ۲۰۱۲ در مقایسه با دوره مشابه آن در سال ۲۰۱۱، ۱۳٪ افزایش داشته و این روال در سال ۲۰۱۳ نیز ادامه داشته است به طوری که بر اساس گزارش این هیئت، در شش ماه نخست سال در نتیجه اینگونه حملات، تلفات غیر نظامیان ۲۹٪ دیگر افزایش یافته است. با بیشتر شدن تعداد حملاتی که توسط گروه‌های مسلح انجام می‌شود، ناظران اوضاع افغانستان پیش‌بینی کردند که سال ۲۰۱۳ «بعد از سال ۲۰۱۱، خونین‌ترین سال خواهد بود.»^{۵۵} دستورالعمل‌های کمیسریای سازمان ملل همچنان حاکی از آن است که درگیری‌های مداوم میان نیروهای طرفدار دولت و گروه‌های مسلح، «هر روز بیش از پیش تلفات انسانی سنگینی را بر کشور تحمیل می‌کند... و این در حالی است که سازمان ملل متحد هم به کمتر از نیمی از کشور دسترسی مستقیم دارد.»^{۵۶}

خشونت فزاینده در افغانستان منجر به آوارگی تعداد زیادی در داخل افغانستان گردیده است به طوری که در پایان سال ۲۰۱۲ در حدود ۴۸۶،۰۰۰ آواره داخلی در افغانستان وجود داشته است. تا پایان ژوئن ۲۰۱۳ شمار آوارگان داخلی

^{۵۱} آخرین اخبار از شهرک‌های غیر رسمی کابل، قابل دسترسی در <http://afg.humanitarianresponse.info/kis> (تاریخ دسترسی: ۲۴ اوت ۲۰۱۳).

^{۵۲} دیوید زوجینو، «آوارگان افغان در وحشت آمدن زمستان»، لوس آنجلس تایمز [David Zucchino, "Afghanistan's displaced dread the coming winter," *Los Angeles Times*, ۱ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.latimes.com/news/nationworld/world/la-af-afghanistan-refugees-winter-20121202,0,3142251.story> (تاریخ دسترسی: ۱ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۵۳} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، دستورالعمل‌های ارزیابی صلاحیت برای حمایت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناجویان افغان، ۶ اوت ۲۰۱۳، ص. ۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.refworld.org/docid/51ffdca34.html> (تاریخ دسترسی: ۲۳ اوت ۲۰۱۳). این دستورالعمل می‌گوید: «گسترش شبه نظامیان محلی و گروه‌های مسلح طرفدار و نیز مخالف دولت، بخصوص در شمال، شمال شرقی، و ارتفاعات مرکزی، نیز خود تأثیر منفی دیگری بر امنیت غیر نظامیان گذاشت. گزارش شد که حضور و یا ظهور دوباره گروه‌های مسلح غالباً سبب کاهش حمایت و مراقبت از غیر نظامیان و افزایش نقض حقوق بشر می‌شد. به ویژه در شمال و شمال شرق، نامشخص بودن اینکه کدامیک از گروه‌های مسلح وابسته به دولت و کدامیک ضد دولتی است، که ناشی از استخدام گسترده اعضای گروه‌های مسلح در نیروی پلیس محلی افغانستان بود، بر طبق گزارش‌ها سبب گسترش کنترل نشده شیوه‌های ایدائی و کاهش محافظت از غیر نظامیان شد. همچنین بر طبق گزارش‌ها، غیر نظامیان به طور فزاینده‌ای در درگیری‌های میان گروه‌های مسلح طرفدار دولت و گروه‌های مسلح ضد دولتی گرفتار می‌شدند.» همان، صص. ۱۴-۱۳.

^{۵۴} همان، ص. ۱۳.

^{۵۵} همان، صص. ۱۸-۱۶.

^{۵۶} همان، ص. ۲۵.

ناشی از منازعات به ۵۴۷،۳۲۷ رسیده بود، رقمی که خیلی‌ها معتقدند به اندازه کافی نشانگر میزان گستردگی مشکل آوارگی در افغانستان نیست.^{۵۷}

بر طبق «راهنمای ارزیابی پناجویان برای سال ۲۰۱۳» از سال ۲۰۰۲ بیش از ۵،۸ میلیون پناهنده افغان به افغانستان باز گشته‌اند، اما با وجود این، حد اقل ۴۰٪ این بازگشت کنندگان قادر نبودند «دوباره با محیط زندگی سابق خود، تلفیق داشته باشند و این سبب یک آوارگی ثانویه بزرگ در میان آنها گردیده و اکثراً به مناطق شهری روی آوردند» و مجموعاً تا ۶۰٪ بازگشت کنندگان «برای از نو بنا کردن زندگی خود در افغانستان دچار مشکلات بودند.» موانعی که برای بازگشت آوارگان داخلی و پناهندگان وجود دارد شامل تداوم ناامنی در مناطق مسکونی، فقدان وسایل امرار معاش، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و تحصیلات، و چالش‌هایی در باز پس گرفتن املاک و دارایی است.^{۵۸}

آژانس همکاری و توسعه فنی، که یکی از ادارات دولت پاکستان است، تا حدی بر اساس دستورالعمل‌های ارزیابی پناهندگان به این نتیجه رسید که «پناهندگان افغان ساکن پاکستان باید مراقب باشند که جواز اقامت قانونی آنها در پاکستان تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ تمدید شده باشد.»^{۵۹} یکی از مقامات رسمی دولت پاکستان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر تأیید کرد که پاکستان تصمیم گرفته است اقامت پناهندگان افغان را برای دو سال دیگر تمدید کند.^{۶۰}

^{۵۷} همان، ص. ۲۷.

^{۵۸} همان، صص. ۲۷-۲۸.

^{۵۹} آژانس همکاری و توسعه فنی، «پاکستان - اقامت پناهندگان افغان تا سال ۲۰۱۵ تمدید شد.» [ACTED, "Pakistan - Afghan refugees' stay extended until 2015," قابل دسترسی در <http://www.acted.org/en/pakistan-afghan-refugees-stay-extended-until-2015> (تاریخ دسترسی: ۲۳ اوت ۲۰۱۳).

^{۶۰} «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام رسمی پاکستان»، کابل، ۳ اکتبر ۲۰۱۲.

۲. موانع دریافت و ابقای وضعیت پناهندگی در ایران

برای پناهندگان ثبت نام شده در ایران، ابقاء وضعیت پناهندگی روز به روز دشوارتر می‌شود و برای افغان‌های تازه وارد به ایران هم طرح درخواست پناهندگی عملاً غیر ممکن شده و حتی اگر درخواست پناهندگی خود را ارائه نمایند هم به عنوان پناهنده شناخته نخواهند شد. این به دلیل آن است که دولت ایران عموماً به پناهجویان جدیدالورود اجازه نمی‌دهد درخواست پناهندگی کنند و از آن گذشته، سیستمی هم برای بررسی عادلانه درخواست‌های پناهجویی ندارد.

ایران مجاز است اتباع خارجی فاقد مدارک را از ایران اخراج کند. اما حقوق بین الملل، ایران را از اخراج افغان‌ها و یا دیگر اتباع خارجی که درخواست پناهجویی کرده‌اند، صرفاً به خاطر آنکه از مرزهای رسمی وارد این کشور نشده‌اند و یا اینکه مدارک شناسایی با خود نداشته‌اند، منع می‌کند. ایران همچنین ملزم است پیش از آنکه به این نتیجه برسد که پناهجویان ترسی از تزییقات ندارند و ایشان را از کشور اخراج کند، منصفانه به درخواست‌های پناهجویی آنها رسیدگی کند.

این بخش در ابتدا شرح می‌دهد چرا پناهندگان ثبت نام شده، ابقاء وضعیت خود در ایران را روز به روز دشوارتر می‌یابند. دلیل اصلی، شرایط سنگین ثبت نام آمایش است که برای ردیابی افغان‌هایی طراحی شده که بر حسب ظاهر - یعنی بر طبق ملیت افغانی شان در طی دهه ۱۹۸۰ و سپس در اوایل دهه ۱۹۹۰ - پناهنده محسوب می‌شدند. اما در اثر سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر دولت، از جمله اقدام اخیر دولت به ترغیب پناهندگان برای داوطلبانه واگذار کردن جواز قانونی خود و نیز تلاش‌های مداوم برای بازگرداندن داوطلبانه پناهندگان به افغانستان، شرایط پیچیده تر شده است.

این بخش سپس موانعی که بر سر راه پناهجویان افغان وجود دارد، از جمله فقدان سیستمی که به افغان‌های تازه وارد اجازه طرح درخواست پناهندگی دهد، را مورد بررسی قرار خواهد داد.

در تنوری، پناهجویان افغان تازه وارد باید بتوانند نزد اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی که بر طبق قانون ایران مسئول رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و پناهجویی است، درخواست پناهندگی خود را تحویل دهند. اما حد اقل از سال ۲۰۰۷، برای افغان‌های تازه وارد عملاً ارائه درخواست پناهندگی غیر ممکن شده است. اطلاعاتی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر به دست آمده حاکی از آن است که حد اقل از آن سال دولت ایران فاقد یک سیستم عادلانه و کارآمد بوده است که به افغان‌های تازه وارد اجازه دهد درخواست خود را طرح کنند. این بدان معناست که هر افغان که پس از ۲۰۰۳ وارد ایران شده است - یعنی در زمانی که افغان‌ها اجازه داشتند در سیستم آمایش نام نویسی کنند - و مایل به طرح درخواست پناهجویی بوده، عملاً قادر به انجام این کار نبوده است. اخراج چنین مردمی بدون اجازه دادن به آنها برای اعتراض نسبت به اخراج خود، به این دلیل که آنها قادر به طرح درخواست پناهجویی یا امثالهم نبوده‌اند، تعهدات ایران مبنی بر عدم اعاده پناهندگان را نقض می‌کند.

برای مهاجرین فاقد مدارک افغان، دولت طرح جامع ساماندهی را در سال ۲۰۱۰ به اجرا درآورد. در ژوئیه ۲۰۱۲، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، اعلام کرد ۵۶۰،۰۰۰ افغان با شرکت در طرح جامع ساماندهی، وضعیت خود

را قانونی ساخته‌اند؛ اما معلوم نیست آیا همگی این ۵۶۰،۰۰۰ تن روادید ایران را دریافت کردند یا خیر.^{۶۱} علاوه بر آن، این تعداد خیلی کمتر از تعداد افغان‌های فاقد مدارک ساکن ایران است که تخمین زده می‌شود حدود ۱،۴ تا ۲ میلیون تن باشند.

اگرچه طرح جامع ساماندهی به افرادی که ثبت نام شده‌اند اجازه نمی‌دهد به عنوان پناهنده برای مدت نامحدود در ایران مانده و به مزایای مربوطه دسترسی داشته باشند یا اینکه به افغان‌ها اجازه دهد درخواست پناهندگی کنند، اما این طرح به بعضی از افغان‌های ساکن ایران فرصت داد وضعیت خود را (تا ژوئن ۲۰۱۲) قانونی سازند و به آنهایی که ثبت نام می‌کنند اجازه می‌دهد به طور قانونی در ایران زندگی و کار کنند. اما واقعیت این است که موانع حقوقی و تدارکاتی که سبب ناتوانی دولت افغانستان در صدور مدارک قانونی معتبر از جمله گذرنامه برای افرادی است که در طرح جامع ساماندهی نام نویسی کرده‌اند، تا حد زیادی این ثبت نام شدگان را از اینکه نهایتاً بتوانند اقامت قانونی در این کشور به دست آورند، باز داشته است.

در روز ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ اعتبار روادیدهای صادر شده برای صدها هزار افغان که بر اساس طرح جامع ساماندهی ثبت نام شده بودند به پایان رسید و دولت ایران هم از قبل اعلام کرده بود که امکان تمدید روادید نخواهد بود و هر شخصی هم که دارای ویزای معتبر نباشد از کشور اخراج خواهد شد. مهلت ۶ سپتامبر سپری شد، اما هیچ بیانی‌ای از طرف دولت ایران مبنی بر اینکه آیا و چگونه اخراج این افراد صورت خواهد گرفت، صادر نشد. منابع حکومت افغانستان پیش از ۶ سپتامبر به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند دولت افغانستان از دولت ایران خواسته است این مهلت را تمدید نماید و یک هیئت نمایندگی را برای این منظور به تهران فرستادند.^{۶۲} از ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ تا کنون دولت ایران هنوز به این درخواست پاسخی نداده است و در عین حال هیچگونه تلاشی هم در مقیاس وسیع برای اخراج آن دسته از افرادی که ویزای موقت ساماندهی آنان منقضی شده، انجام نداده است. دولت افغانستان تخمین زد که در صورت عدم تمدید، ۳۰۰،۰۰۰ افغان دارای ویزا باید تا ۶ سپتامبر خاک ایران را ترک می‌کردند. در نهایت این وضعیت ممکن است بر روی زندگی صدها هزار افغان تأثیر بگذارد.^{۶۳}

شرایط دشوار ثبت نام آمایش برای پناهندگان و پناهجویان

ابفای وضعیت پناهندگی برای پناهندگان ثبت نام شده افغان در ایران به طور فزاینده‌ای دشوار شده است. این موضوع به ویژه از زمان پیاده کردن طرح ثبت نام دوره‌ای در سال ۲۰۰۰ و نیز آغاز طرح ثبت نام آمایش در سال ۲۰۰۳ صادق است.

همانطور که در فوق اشاره شد، تا سال ۱۹۹۲ سیاست حکومت ایران این بود که به افغان‌هایی که وارد کشور می‌شدند خود به خود اجازه اقامت یا «کارت‌های آبی» می‌داد که تأیید می‌کرد این افراد «مهاجرینی هستند که غیر داوطلبانه

^{۶۱} «در ایران پناهنده موضوع مهمی است» [Refugee Matters in Iran]، جلد ۱، شماره ۲، شورای پناهندگان نروژ Norwegian Refugee Council]، اوت ۲۰۱۲، قابل دسترسی در http://www.nrc.no/arch_img/9661274.pdf (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲). ارقام کمیسیریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان نشان می‌دهد سفارت افغانستان و کنسولگری‌های آن در ایران برای حدود ۱۳۵،۰۰۰ خانواده (۶۰۰،۰۰۰ تا ۸۰۰،۰۰۰ نفر) پاسپورت‌های خانوادگی صادر کرده است و برای آنها یک ویزای سه ماهه قابل تجدید صادر شده است. کمیسیریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «به روز شده راه حل‌های استراتژیک برای پناهندگان افغان» [UNHCR, Update on the Solutions Strategy for Afghan Refugees]، تا به امروز روادیدهای سه ماهه قابل تجدید گرفته‌اند.

^{۶۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام ارشد دولت افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، ۳ و ۶ سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۶۳} «ایران: به حقوق افغان‌ها برای پناهجویی احترام بگذارید»، اطلاعیه مطبوعاتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Iran: Honor Afghans' Right to Seek Asylum, Human Rights Watch news release]، ۹ سپتامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در: <https://www.hrw.org/news/2013/09/09/iran-honor-afghans-right-seek-asylum>.

مهاجرت کره اند" هستند.^{۶۴} با وجود آنکه این افغان‌ها رسماً به عنوان «پناهنده» محسوب نمی‌شدند، اما در عمل از جهت دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی درمانی اولیه و تحصیل با آنها مانند پناهنده رفتار می‌شد و این افراد اجازه کار داشتند.^{۶۵} همچنین آنها قادر بودند از یارانه‌ای که شامل استفاده از بنزین، گاز، برق، و برخی اقلام غذایی بود که در آن زمان توسط دولت ایران فراهم می‌شد، استفاده کنند.^{۶۶}

اما به هر حال از سال ۱۹۹۲ ایران اعطای اجازه اقامت خود به خود به تمام افغان‌های تازه وارد را قطع کرد و به جای آن، برای برخی از افغان‌ها بر اساس معیارهایی که به نظر خودسرانه می‌رسید، اجازه اقامت موقت صادر می‌کرد و برای برخی هم چنین اجازه‌ای صادر نمی‌کرد. با افرادی که اجازه اقامت نمی‌گرفتند به عنوان مهاجر فاقد مدرک برخورد می‌شد.^{۶۷} در سال ۱۹۹۲ ایران همچنین اولین اقدام جدی برای بازگرداندن افغان‌های داخل کشور را آغاز کرد.^{۶۸}

از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد، در نتیجه تصمیم دولت ایران مبنی بر توقف ثبت نام تمامی آنها به عنوان پناهجو یا تحت پوشش برنامه‌های دیگر، به منظور جلوگیری از ورود افغان‌ها به کشور، اکثر افغان‌های تازه وارد به صورت مقیم غیر مجاز باقی ماندند.^{۶۹}

در سال ۱۹۹۷ دولت ایران عملاً اعطای حق اقامت به کلیه افغان‌های تازه وارد را متوقف ساخت و تلاش‌های خود برای ثبت نام و بازگرداندن آنها را افزایش داد.^{۷۰}

^{۶۴} دولت ایران افغان‌هایی که در این دوره وارد کشور شدند را «مهاجرین» نامید، اصطلاحی که حاکی از آن است که در این کوچ، یک جنبه مذهبی وجود دارد. بیالچیک می‌گوید این حالت دقیقاً مانند وضعیت یک پناهنده معمولی نیست و اگر چه به افغان‌ها اجازه می‌دهد که به طور قانونی در ایران بمانند، اما در عین حال تلاش دولت ایران برای محدود ساختن حقوق افغان‌ها را نیز نشان می‌دهد. آگاتا بیالچیک، «بازگشت داوطلبانه و موضوع افغانستان: یک ارزیابی دقیق» دانشگاه آکسفورد، اوراق تحقیقاتی مرکز مطالعات پناهندگان [Agata Bialczyk, "Voluntary Repatriation", University of Oxford, Refugee Studies Centre Working Paper Series and the Case of Afghanistan: A Critical Examination,]، سند شماره ۴۶، ژانویه ۲۰۰۸، ص. ۲۱. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می‌گوید اصطلاح «مهاجرین» یک اصطلاح مثبت است و می‌گوید پس از سقوط دولت تحت الحمایه شوروی در افغانستان، ایران مهاجرین افغان را «پناهندگان» نامید، اصطلاحی که به نظر برخی یک تفاوت ظریف حاکی از تحقیر در بر دارد. الزندرو مونسوتی، «شبکه‌های انتقال افغان: نگاهی به مراحل پس از بازگشت»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان [Alessandro Monsutti, "Afghan Transitional Networks: Looking Beyond Repatriation," Afghanistan Research and Evaluation Unit]، اوت ۲۰۰۶، ص. ۱۳.

^{۶۵} بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique]، ص. ۲.

^{۶۶} همان. در سال ۱۹۹۵ دولت ایران به قطع کردن بعضی از این مزایا اقدام کرد، از جمله یارانه‌های مواد غذایی را قطع کرد. محمد جلال عباسی شوازی، دایانا گلنبروک، غلامرضا جمشیدی‌ها، حسین محمودیان، و رسول صادقی، «بازگشت به افغانستان؟ مطالعه افغان‌های ساکن مشهد، جمهوری اسلامی ایران»، دانشگاه تهران [Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Diana Glazebrook, Gholamreza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi, "Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran," University of Tehran]، اکتبر ۲۰۰۵. قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/434f69e92.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲ نوامبر ۲۰۱۳)

^{۶۷} آگاتا بیالچیک، «بازگشت داوطلبانه و موضوع افغانستان: یک ارزیابی دقیق» دانشگاه آکسفورد، اوراق تحقیقاتی مرکز مطالعات پناهندگان [Agata Bialczyk, "Voluntary Repatriation" and the Case of Afghanistan: A Critical Examination,] University of Oxford, Refugee Studies Centre Working Paper Series]، سند شماره ۴۶، ژانویه ۲۰۰۸، ص. ۲۱.

^{۶۸} محمد جلال عباسی شوازی، دایانا گلنبروک، غلامرضا جمشیدی‌ها، حسین محمودیان، و رسول صادقی، «بازگشت به افغانستان؟ مطالعه افغان‌های ساکن مشهد، جمهوری اسلامی ایران»، دانشگاه تهران [Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Diana Glazebrook, Gholamreza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi, "Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran," University of Tehran]، اکتبر ۲۰۰۵. قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/434f69e92.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲ نوامبر ۲۰۱۳). در سال ۱۹۹۳ در حدود ۶۰۰،۰۰۰ افغان به افغانستان بازگشتند، که بیش از ۳۰۰،۰۰۰ تن از آنها تحت پوشش طرح بازگشت پناهندگان بودند.

^{۶۹} الزندرو مونسوتی، «شبکه‌های انتقال افغان: نگاهی به مراحل پس از بازگشت»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان [Alessandro Monsutti, "Afghan Transitional Networks: Looking Beyond Repatriation," Afghanistan Research and Evaluation Unit]، اوت ۲۰۰۶، ص. ۱۳.

سال ۲۰۰۰، یک نقطه عطف حقوقی برای پناهندگان افغان بود، زیرا در این هنگام ایران قانونی معروف به «ماده ۴۸» را به عنوان بخشی از یک طرح توسعه پنج ساله دولت، از تصویب گذراند. این قانون چگونگی بازگرداندن افغان‌ها را از طریق مراحل که توسط اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی مشخص شده بود، بیان می‌کرد. تمامی افغان‌هایی که اجازه کار نداشتند باید کشور را ترک می‌کردند مگر آنکه بتوانند نشان دهند که پس از بازگشت در خطر آزار و اذیت‌های فیزیکی قرار خواهند داشت.^{۷۱} بازگرداندن افغان‌ها که قبلاً در اوایل دهه ۹۰ آغاز شده بود، سیاست اصلی دولت ایران شد، با وجود آنکه گروه‌های حقوق بشر^{۷۲} در مورد تبعیض، بازگرداندن اجباری پناهندگان افغان یا افغان‌هایی که به طور قانونی درخواست پناهندگی کرده‌اند و بستن مرز بر روی افغان‌هایی که می‌خواهند وارد خاک ایران شوند، نگرانی فزاینده خود را اظهار کرده بودند.^{۷۳}

در سال ۲۰۰۲ سازمان دیده‌بان حقوق بشر گزارشی منتشر نمود که در آن هم دولت ایران و هم دولت پاکستان را متهم نمود که «در به رسمیت شناختن شرایط حقوقی پناهندگان افغان، با تناقض، و حتی با تسامح عمل می‌کند.»^{۷۴} این گزارش اظهار داشت هر دوی این دولت‌ها با بسته نگاه داشتن مرزهای خود و ممانعت کردن از حق پناهندگی افراد، به روش‌هایی متوسل شده‌اند که حقوق پناهندگان را نقض می‌کند. این موارد نقض حقوق عبارت بودند از «پس فرستادن افغان‌های تازه وارد، به داخل افغانستان، یا بازگرداندن شتابزده آنها بدون طی مراحل قانونی یا بررسی‌های قضایی» - یعنی شیوه‌هایی که ناقض تعهدات ایران و پاکستان مبنی بر عدم اعاده پناهندگان است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر از دولت ایران خواست «مرزهای خود را فوراً بر روی پناهندگان باز کند و حمایت کافی نیز برای آنها فراهم کند»، «کلیه افغان‌های داخل ایران را ثبت نام و اطمینان حاصل کند که آنها به روند مناسب مربوط به تعیین وضعیت اقامت دسترسی دارند» و «پس فرستادن افغان‌ها در هنگام ورود به ایران و بازگرداندن اجباری پناهندگان افغان» را متوقف سازد.^{۷۵}

عملیات ثبت نام مجدد دائم افغان‌هایی که قبلاً هم مقیم فاقد مدرک بودند، که به طرح آمایش معروف است و دارای چندین مرحله ثبت نام است، در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. طرح آمایش جایگزین مراحل ثبت نام قبلی شد و تنها سیستم ایران برای تجدید مدارک افغان‌های ثبت نام شده و پناهندگان دیگری است که دارای شرایط گوناگون دیگر هستند.

^{۷۰} محمد جلال عباسی شوازی، دایانا گلنبروک، غلامرضا جمشیدی‌ها، حسین محمودیان، و رسول صادقی، «بازگشت به افغانستان؟ مطالعه افغان‌های ساکن مشهد، جمهوری اسلامی ایران»، دانشگاه تهران [Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Diana Glazebrook, Gholamreza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi, "Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran," University of Tehran], اکتبر ۲۰۰۵. قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/434f69e92.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲ نوامبر ۲۰۱۳). در سال ۱۹۹۳ در حدود ۶۰۰،۰۰۰ افغان به افغانستان بازگشتند، که بیش از ۳۰۰،۰۰۰ تن از آنها تحت پوشش طرح بازگشت پناهندگان بودند.

^{۷۱} «افغانستان، ایران و پاکستان، سیاست درهای بسته: پناهندگان افغان در پاکستان و ایران» [Afghanistan, Iran and Pakistan, Closed Door]، سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، جلد ۱۴، شماره ۲ (جی)، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/reports/2002/pakistan/pakistano202.pdf>، ص. ۱۵.

^{۷۲} «افغانستان، ایران و پاکستان، سیاست درهای بسته: پناهندگان افغان در پاکستان و ایران» [Afghanistan, Iran and Pakistan, Closed Door]، سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، جلد ۱۴، شماره ۲ (جی)، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/reports/2002/pakistan/pakistano202.pdf>، ص. ۱۵.

^{۷۳} همان، ص. ۱۶.

^{۷۴} «افغانستان، ایران و پاکستان، سیاست درهای بسته: پناهندگان افغان در پاکستان و ایران» [Afghanistan, Iran and Pakistan, Closed Door]، سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، جلد ۱۴، شماره ۲ (جی)، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/reports/2002/pakistan/pakistano202.pdf>، ص. ۱۴.

^{۷۵} همان.

اگرچه تقریباً هیچیک از بیش از ۸۰۰،۰۰۰ نفری که اکنون دارای کارت آمایش هستند، توسط حکومت ایران تحت مرحله تعیین انفرادی وضعیت پناهندگی قرار نگرفته و بعضی از مقامات رسمی همچنان اصرار می‌ورزند که این افراد رسماً بر طبق قانون ایران پناهنده به شمار نمی‌آیند، اما اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی با آنها همچون پناهندگان برخورد می‌کند و کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان نیز بر اساس تعاریف مندرج در کنوانسیون پناهندگان سال ۱۹۵۱، آنها را پناهنده محسوب می‌کند.^{۷۶} تعیین وضعیت پناهندگی برای دارندگان کارت آمایش به دلایل گوناگون، مهم است، از جمله اینکه سبب می‌شود جواز پناهندگی این افراد، بی‌دلیل توسط دولت ایران باطل نشود.

تا کنون نه مرحله ثبت نام آمایش صورت گرفته است که مورد اخیر آن در ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۳ بوده است. هر بار یک کارت پناهندگی با رنگی متفاوت صادر می‌شود؛ این کارت‌ها دارای دوره‌های اعتبار متفاوتی بوده‌اند، به طوریکه برخی فقط برای سه ماه اعتبار داشته‌اند.^{۷۷} دوره اعتبار کارت‌های آمایش اخیر یک سال بوده است.

فقط افغان‌هایی که دارای کارت آمایش معتبر باشند می‌توانند برای کارت آمایش بعدی ثبت نام کنند و به طور قانونی پناهنده محسوب می‌شوند، و افرادی که اعتبار کارت آمایش آنها منقضی شده باشد، از کشور اخراج خواهند شد. کارت آمایش از جهت قانونی، یک کارت اقامت موقت است که در عمل به عنوان یک مدرک شناسایی پناهندگی عمل می‌کند و به صاحب کارت اجازه می‌دهد در کشور باقی مانده و از آن مزایای معینی بهره مند شود.^{۷۸}

اگر پناهنده‌ای که اعتبار کارت آمایش او منقضی شده است، به موقع کارت خود را تجدید نکند، دیگر اجازه نخواهد داشت برای کارت آمایش جدید ثبت نام کند، سپس مقیم فاقد مدرک محسوب شده، و اخراج خواهد گردید.^{۷۹}

در سال ۲۰۰۷، در پاسخ به اخراج حدود ۱۰۰،۰۰۰ افغان فاقد مدارک و پناهنده ثبت نام شده افغان توسط دولت ایران، سازمان دیده‌بان حقوق بشر از دولت ایران خواست فرصتی در اختیار کلیه پناهندگان قرار دهد تا درخواست پناهنجویی یا شکل دیگری از محافظت کنند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر سرگذشت مهدی، پسر ۱۸ ساله افغان و خانواده‌اش را که ثبت نام شده و به طور قانونی در ایران سکونت داشتند را مستند نموده است. در اواخر آوریل، مهدی و خانواده‌اش به طور داوطلبانه در حال بازگشت به افغانستان بودند که مقام‌های ایرانی آنها را توقیف کردند.

مهدی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت «پلیس اتوبوس ما را در خارج از تهران نگه داشت، آنها به دنبال افغان‌های فاقد مدارک بودند. هنگامی که به من رسیدند مرا از خانواده جدا کرده و دستگیر ساختند. من اوراق ثبت نام

^{۷۶} برای مثال نگاه کنید به مدیر کل اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی (وزارت کشور): «طرح آمایش تجدید خواهد شد»، ۲۰ مه ۲۰۱۳، قابل دسترسی در:

<http://www.moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=cc1955c9-7610-428d-b15c-fafc947cc884&WebPartID=47942904-35b9-4ecc-bfc4-4d6d3bee26d8&ID=26699a41-78d5-44d1-b779-51cc4d6309a4> (تاریخ دسترسی: ۱۵ ژوئن ۲۰۱۳) که در آن به دارندگان کارت‌های آمایش با عنوان «پناهنده» یاد می‌کند.

^{۷۷} فریبا عادلخواه و زوزانا اولچسکا، (۲۰۰۷) «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Fariba Adelkhah & Zuzanna Olszewska, "The Iranian Afghans," Iranian Studies], جلد ۴۰، نسخه ۲، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، ص. ۱۴۲.

^{۷۸} «همکاری سازمان بین‌المللی کار کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در جهت راه‌حل‌های جامع برای جا به جایی افغان‌ها: مطالعه تحقیقاتی بر روی افغان‌های اخراجی از ایران» [ILO-UNHCR Cooperation Towards Comprehensive Solutions for Afghan "Displacement: Research study on Afghan deportees from Iran,"]، اوت ۲۰۰۸، سازمان Altai Consulting (بایگانی شده در سازمان دیده‌بان حقوق بشر)، ص. ۱۳.

^{۷۹} همان، ص. ۸۱. سازمان دیده‌بان حقوق بشر آگاه است که در برخی موارد خیلی استثنایی، دولت ایران به افغان‌ها معافیت یک بار مصرف اعطا کرده به طوریکه قادر بوده‌اند کارت‌های آمایش خود را که منقضی شده بودند مجدداً تجدید کنند.

خود را به آنها نشان دادم، اما آنها اهمیتی ندادند. گفتند که مرا به [بازداشتگاه] سنگ سفید برده و مجازات خواهند کرد تا مطمئن شوند که من دیگر هرگز به ایران باز نخواهم گشت. من در آنجا به دنیا آمده بودم؛ تهران خانه من بود.»^{۸۰}

در آن زمان سازمان دیده‌بان حقوق بشر مخصوصاً اظهار نگرانی کرد که به افغان‌هایی که نیاز به حمایت بین‌المللی دارند فرصت داده شود از چنین حمایتی در ایران برخوردار شوند. این درخواست هم شامل افغان‌های نام نویسی شده در طرح آمایش می‌شد که به طور دراز مدت ساکن ایران بودند و هم شامل افراد تازه واردی می‌شد که ممکن بود دلایل معتبری برای ثبت نام به عنوان پناهنده داشته باشند اما به آنها فرصت ثبت نام به عنوان پناهنده داده نشده بود؛ یا به علت آنکه آنها پس از آغاز طرح آمایش وارد ایران شده بودند و یا به این دلیل که در ایران هیچ پروسه‌ای برای خارجیان تازه وارد وجود ندارد که بتوانند بر اساس آن درخواست پناهندگی خود را ارائه دهند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر از دولت ایران خواست «به تعهدات خود به عنوان یکی از امضاء کنندگان کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ به طور جدی وفادار بماند و هیچ فردی که زندگی یا آزادی‌اش در افغانستان به خطر خواهد افتاد را به این کشور باز نگرداند.»^{۸۱}

ایران از پناهندگان می‌خواهد که برای هر کارتی که دریافت می‌کنند مبلغی را پرداخت کنند. در سال ۲۰۰۳ هزینه یک کارت معادل ۲ دلار آمریکا بود. تا ژوئن ۲۰۱۱ هزینه صدور کارت‌های سالانه در حدود ۱۲۰ دلار آمریکا^{۸۲} بود. هزینه کارت‌های جدید آمایش ۹ کاهش یافته و در حدود ۳ دلار آمریکا^{۸۳} است.

دولت ایران همچنین به پناهندگانی که بین ۱۸ تا ۶۰ سال سن داشته و کارت آمایش گرفته‌اند اجازه می‌دهد اجازه کار موقت بخرند که دارای اعتبار یک ساله است و در حال حاضر قیمت این کارت حدود ۱۴۰ دلار آمریکا به علاوه ۱۷ دلار آمریکا برای هزینه چاپ آن است.^{۸۴} پناهندگان نام نویسی شده همچنین موظفند عوارض شهرداری بپردازند که این مبلغ برای استان‌های مختلف، متفاوت است.^{۸۵} چنین مبالغی برای بسیاری از پناهندگان کمرشکن است بخصوص آنکه دولت ایران به پناهندگان ساکن این کشور اجازه می‌دهد که فقط در مشاغل محدودی به کار بپردازند که عموماً دارای دستمزد بسیار کمی هستند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر با افغان‌هایی مصاحبه کرد که دارای کارت پناهندگی بودند اما قادر نبودند آنها را تجدید کنند زیرا بضاعت کافی برای پرداخت هزینه‌های مربوطه را نداشتند.^{۸۶}

^{۸۰} «ایران: اخراج جمعی افغان‌ها را متوقف سازید»، اطلاعیه مطبوعاتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Iran: Halt Mass Deportation of Afghans], Human Rights Watch news release، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2007/06/17/iran-halt-mass-deportation-afghans>.

^{۸۱} «ایران: اخراج جمعی افغان‌ها را متوقف سازید»، اطلاعیه مطبوعاتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Iran: Halt Mass Deportation of Afghans], Human Rights Watch news release، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/news/2007/06/17/iran-halt-mass-deportation-afghans>.

^{۸۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۸۳} باید توجه داشت که مقایسه قیمت‌ها میان سال‌های مختلف ممکن است به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت داشته باشد، که این نه تنها به علت تغییرات خط مشی دولت ایران بلکه به دلیل تورم‌های زیاد در نرخ تبدیل ارز و نیز کاهش شدید و سریع ریال ایران است.

^{۸۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۸۵} بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique].

^{۸۶} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با هاشم م.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲. سازمان دیده‌بان حقوق بشر اطلاعاتی دریافت داشته حاکی از آن که رده‌های خاصی از پناهندگان از پرداخت هزینه‌های آمایش ۹ معاف هستند، از جمله خانواده‌هایی که بیش از ۸ عضو دارند، افراد مسن و معلول، زنان مجردی که فرزندان زیر ۱۵ سال دارند، ایتام، فرزندان بیوه زن‌های ایرانی، و زنان و دختران مجرد بالای ۱۸ سال.

کارت‌های آمایش ۷ که در طی دوران نام نویسی مجدد در سال ۲۰۱۱ صادر شد، برای بار نخست به مدت یک سال تمدید شد. بر طبق اظهارات کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، بیش از ۷۷۵،۰۰۰ پناهنده از تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۲ کارت‌های آمایش خود را تمدید کرده بودند.^{۸۷} مسئولین، کارت‌های آمایش ۸ را برای نام نویسی پناهندگان در مه ۲۰۱۲ صادر کردند که آنها هم به مدت یک سال اعتبار داشتند.^{۸۸}

این اقدامات اداری ناهمسان که هر روز پیچیده‌تر و گران‌تر می‌شوند و نیز الزامات قانونی مربوط به مراحل ثبت نام پناهندگی، از جمله در ارتباط با به دست آوردن اجازه کار موقت، سبب می‌شود برخی از پناهندگان افغان جواز پناهندگی خود را از دست بدهند و در نتیجه به مقیم فاقد مدارک تبدیل شده و اخراج شوند. برخی از پناهندگان افغان، تجدید کارت‌های پناهندگی خود را دشوار می‌یابند زیرا درک مراحل تجدید اعتبار برای آنها دشوار است، و یا مبالغ پرداختی برای این کار، سنگین است، و یا مراکز ثبت نام از محل زندگی آنها خیلی دور است که نتیجتاً انجام چنین سفری را وقت گیر و گران می‌سازد.

بعضی از افغان‌هایی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه شدند عدم اعتماد خود را به دولت ایران اظهار داشته گفتند از این می‌ترسند که ثبت نام یا تجدید جواز هایشان از طریق طرح آمایش، احتمال اخراج آنها را افزایش دهد. یک مقام رسمی افغان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت «[در گذشته] ۹۳۰،۰۰۰ افغان در ایران بودند که در رده پناهندگان جای می‌گرفتند. اما بسیاری از آنها به دلیل ترس از ثبت نام در طرح آمایش، جواز خود را از دست دادند.»^{۸۹}

اگر هر یک از افراد در برابر درخواست پلیس قادر نباشد مدرکی دال بر داشتن حق اقامت در ایران ارائه دهد، فوراً وی را اخراج می‌کنند و به او فرصتی داده نمی‌شود که پیش از اخراج بتواند وضعیت اقامت خود را اثبات کند.

یکی از مقام‌های رسمی که در استخدام یک سازمان بین‌المللی بود به سازمان دیده‌بان حقوق بشر اینطور گفت:

در حال حاضر حدود ۴۶٪ پناهندگان افغان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ۴۶٪ نیز در این خطر قرار دارند که نتوانند در دور بعد، هزینه تجدید کارت‌های پناهندگی خود را بپردازند و بنابراین از کشور اخراج خواهند شد. دولت می‌تواند این فشار را کاهش دهد و هزینه‌های مربوطه را کاهش دهد یا به کلی آن را از میان بردارد. در حال حاضر اکثر خانواده‌های آسیب پذیر تخفیف دریافت می‌کنند و برخی هم از پرداخت آن معاف هستند، اما این کافی نیست. ما نگران هستیم که تعداد چشمگیری از پناهندگان دارای کارت، امسال مرحله آمایش ۸ را انجام ندهند. اعداد و ارقام مربوطه هنوز از طرف دولت برای هیچکس [از جمله سازمان ملل متحد] منتشر نشده است.^{۹۰}

^{۸۷} «عملیات اخیر و نکات جالب توجه»، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، برگه اطلاعات ایران [Recent operational activities and highlights], UNHCR Iran Fact Sheet، فوریه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/50002081d.pdf> (تاریخ دسترسی: ۴ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۸۸} خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به روز شده، قابل دسترسی در: <http://isna.ir/fa/news/91030603915/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D9%8A%D8%B4-8-%D9%83%D9%84%D9%8A%D8%AF-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF> (تاریخ دسترسی: ۱ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۸۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام ارشد دولت افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.
^{۹۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

کناره گرفتن از وضعیت پناهندگی

به نظر می‌رسد تعدادی از سیاست‌های دیگر دولت از سال ۲۰۰۱ به قصد ترغیب افغان‌ها برای واگذاری مدرک پناهندگی شان بوده است. علاوه بر الزامات سنگین طرح آمایش، دولت ایران در سال ۲۰۱۲ ابتکار دیگری را به کار گرفت که بر اساس آن به پناهندگان افغان، در قبال دست برداشتن از مدرک پناهندگی‌شان، اجازه اقامت یک ساله داده می‌شد.^{۹۱} بر طبق اظهارات کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «به دنبال ابتکار پیشنهاد شده از طرف اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، بعضی از پناهندگان افغان شروع به مبادله کارت‌های پناهندگی خود با پاسپورت‌های افغانستان و اجازه‌های اقامت کرده‌اند. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان می‌گوید: برای کسب اطمینان از اینکه در طی انجام این مراحل احتیاط‌های لازم جهت محافظت از آنها رعایت شود، از نزدیک با مسئولین کار می‌کند.»^{۹۲}

اما به هر حال مهم است دقت کنیم که بر طبق حقوق بین‌الملل، هر گونه تغییری که در وضعیت قانونی پناهندگان در کشور میزبان به وقوع پیوندد، چه پناهنده داوطلبانه با آن موافقت کرده باشد و چه موافقت نکرده باشد، بر طبق کنوانسیون پناهندگان، قطع حقوق و امتیازات آنها محسوب می‌شود و نتیجتاً یک سری تعهدات اداری با خود به همراه دارد تا تضمین کند که تغییر وضعیت پناهندگان سبب نقض حقوق بین‌الملل نشود. یعنی دولت ایران باید دلیل خاتمه دادن به وضعیت پناهندگی شخصی که کارت آمایش دارد را توجیه کرده و برای وی فرصتی فراهم آورد تا درخواست کند وضعیت خود را به علت ترس از آزار و اذیتی که قادر به اثبات آن است، تمدید کند.^{۹۳} اعطای اجازه اقامت معمول یا غیر آمایش، امتیازاتی در بر دارد که دولت ایران دارندگان کارت آمایش را از آن محروم می‌کند یا آن امتیازات را برای آنها محدود می‌کند (مانند گواهینامه رانندگی و جواز کسب)، اما هیچ تضمینی هم برای تمدید آن وجود ندارد و راهی هم برای به دست آوردن مجدد وضعیت پناهندگی نیست. یک مقام رسمی یکی از سازمان‌های بین‌المللی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت «این نوعی تقلب است. این حقه‌ای است برای اینکه افغان‌ها حمایت بین‌المللی خود را در قبال به دست آوردن چند امتیاز کوچک از دست بدهند، اما هیچ حمایت و هیچ حقی هم برای تمدید آن نداشته باشند.»^{۹۴}

به هیچ وجه معلوم نیست که آیا این طرح، اطلاعات کافی در اختیار افغان‌ها قرار می‌دهد تا آگاهانه انتخاب کنند آیا اجازه اقامت دریافت کنند یا خیر. به نظر می‌رسد که افغان‌هایی که وضعیت خود را از پناهنده نام نویسی شده به دارنده اجازه اقامت تغییر می‌دهند، پس از انقضای اعتبار دوره نخست، از حق تجدید آن برخوردار باشند، اما هیچگونه تضمینی وجود ندارد که این روایت به خودی خود تجدید گردد.^{۹۵} اگر این افغان‌ها قادر نباشند اجازه اقامت خود را تجدید کنند، تحت شرایط فعلی، آنها در برابر اخراج از کشور از هیچگونه حمایتی برخوردار نیستند و هیچ امکانی هم برای به دست آوردن مجدد وضعیت پناهندگی خود ندارند و نیز نمی‌توانند در جریان اخراج از کشور، درخواست پناهنجویی کنند.

^{۹۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۹۲} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «تاریخچه عملیات کشورها، سال ۲۰۱۳ – جمهوری اسلامی ایران» [UNHCR 2013], "Islamic Republic of Iran—country operations profile", قابل دسترسی در:

<http://www.unhcr.org/pages/49e486f96.html> (تاریخ دسترسی: ۱۰ ژوئن ۲۰۱۳).

^{۹۳} «کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان»، مواد ۳۳-۳۲.

^{۹۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۹۵} برای مثال نگاه کنید به «ایران: به حقوق افغان‌ها برای پناهنجویی احترام بگذارید»، اطلاعیه مطبوعاتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Iran: "Honor Afghans' Right to Seek Asylum," Human Rights Watch news release, ۹ سپتامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در: <https://www.hrw.org/news/2013/09/09/iran-honor-afghans-right-seek-asylum>.

دولت ایران در سال‌های اخیر علاوه بر ایجاد مشوق‌هایی برای افغان‌ها به منظور دست برداشتن از وضعیت پناهندگی و بالنتیجه حمایت‌های ناشی از آن، قوانین و مقررات متعددی وضع کرده که زندگی را برای پناهندگان گرانتر می‌سازد. برای مثال در سال ۲۰۰۴ مسئولین کشور مقرراتی را اعلام کردند که هزینه‌های اجباری برای تحصیل کودکان افغان تعیین می‌کند، هزینه مراقبت‌های بهداشتی را افزایش دادند، و برای ثبت نام در اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، هزینه‌های جدیدی وضع کرده‌اند.^{۹۶} در سال ۲۰۰۵، مقامات اعلام کردند که پناهندگان افغان شامل حال پرداخت مالیات اسمی خواهند شد.^{۹۷}

علاوه بر تمامی این هزینه‌های جدید، مقام‌های ایرانی مقررات جدیدی برای محدود ساختن حقوق اتباع افغان در کشور، از جمله پناهندگان دارای مدرک، وضع نموده‌اند. این مقررات شامل افزایش محدودیت‌هایی در مورد حق کار و نیز مقرراتی می‌شود که توانایی پناهندگان افغان و مهاجرین فاقد مدرک که بسیاری از آنها هم یا در ایران به دنیا آمده‌اند یا دهه‌ها در ایران زندگی کرده‌اند را از دسترسی به حقوق و امتیازات فراوانی محدود یا محروم می‌کند، از جمله امکان به دست آوردن گواهینامه رانندگی، خرید یا فروش زمین، باز کردن حساب بانکی، یا ثبت نام برای دریافت تلفن همراه.^{۹۸} در حالیکه بسیاری از این محدودیت‌های قانونی و تغییرات خط مشی، فی نفسه، ناقض تعهدات بین‌المللی ایران نیست، اما امکان اجبار به ترک کشور را برای پناهندگان یا افرادی که باید تحت حمایت باشند، افزایش می‌دهد. به طور کلی، قوانین و مقررات ایران در ارتباط با مهاجرین افغان، نشان می‌دهد که هدفی تلویحی برای مجبور کردن افغان‌ها، از جمله آنهایی که توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به عنوان پناهنده شناخته شده‌اند، به ترک کشور وجود دارد. اظهارات چند تن از مقام‌های رسمی ایران مبنی بر اینکه شرایط کشور افغانستان از سال ۲۰۰۱ تغییر یافته و بنابراین پناهندگان افغان باید به افغانستان باز گردند، هم این باور را در باره وقایع اخیر ایران، اعتبار بیشتری می‌بخشد.^{۹۹}

با وجود این، مسلماً اگرچه شرایط امنیتی از زمان سقوط طالبان در افغانستان شدیداً تغییر کرده، اما در نقاط مختلف کشور، برخی هنوز با خشونت‌های شدید و تبعیض روبرو هستند که می‌تواند آنها را مشمول حق پناهندگی کند.^{۱۰۰}

^{۹۶} «نسل دوم افغان‌ها در ایران: تلفیق با جامعه، هویت، و بازگشت»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان [Second-generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return], Afghanistan Research and Evaluation Unit، آوریل ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/pdfid/4846b2062.pdf> (تاریخ دسترسی: ۴ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۹۷} «پناهندگان افغان: وضعیت فعلی و چشم انداز آینده»، گزارش بخش خدمات تحقیقاتی کنگره برای کنگره، بخش خدمات تحقیقاتی کنگره [Service "Afghan refugees: current status and future prospects," CRS Report for Congress, Congressional Research Service]، ۲۶ ژانویه ۲۰۰۷، قابل دسترسی در:

<http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33851.pdf> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۹۸} اما به هر حال قابل توجه است که بر طبق قانون ایران، پناهندگان رسمی افغان (یعنی دارندگان کارت آمایش) از حقوق بسیاری برخوردار هستند، از جمله استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی. مثلاً بر طبق توافقی که بین کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، دولت ایران و یک شرکت بیمه محلی به امضا رسیده، حدود یک میلیون پناهنده عراقی و افغان می‌توانند تحت پوشش خدمات بهداشتی درمانی که شامل مراقبت‌های بهداشتی اولیه و زارت بهداری می‌شود قرار گیرند و همچنین می‌توانند برای هزینه‌های درمانی مراقبت‌های بهداشتی درجه ۲ و درجه ۳ پناهندگان نیز تحت پوشش قرار گیرند. بر اساس این طرح دولت ایران بخشی از حق بیمه درمانی تمام پناهندگان را پرداخت می‌کند، در حالیکه کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، هزینه‌های بیمه افرادی که بیش از دیگران آسیب پذیر باشند را می‌پردازد. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان همچنین برای بیماری‌های خاص و مزمن از قبیل بیماری‌های کلیوی، هموفیلی، تالاسمی و انواع بخصوصی از سرطان نیز کمک‌هایی را فراهم می‌آورد.

^{۹۹} برای مثال، احمد حسینی، رئیس وقت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، اعلام کرد ایران در نظر دارد پرونده افغان‌ها را در ایران بسته و تمامی آنها را صرف نظر از وضعیت شان، تا مارس ۲۰۰۷ باز گرداند. قابل دسترسی در <http://www.hamshahrionline.ir/news-12350.aspx>. همچنین برای سخنرانی تهوری (۹۱/۴/۲۷) نگاه کنید به سایت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی. (تذکر: تاریخ مذکور به هجری شمسی می‌باشد که بر طبق تقویم غرب برابر است با ژوئیه ۲۰۱۲).

^{۱۰۰} به طور کلی نگاه کنید به کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «راهنمای ارزیابی صلاحیت برای محافظت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناهنجویان افغان»، ۶ اوت ۲۰۱۳.

بازگشت داوطلبانه

از زمان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، دولت ایران فعالانه پناهندگان و مهاجرین افغان ساکن ایران را به بازگشت تشویق می‌کرده است. در مورد پناهندگان دارای مدارک، دولت ایران در ابتدا به روش «بازگشت داوطلبانه» تکیه کرده است که کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان هم تا حد زیادی از آن حمایت کرده است.^{۱۰۱} در سال ۲۰۰۲ ایران یک پیمان توافق سه جانبه با کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و دولت افغانستان امضا کرد تا راه را برای بازگشت داوطلبانه میلیون‌ها افغان هموار کند. در ژانویه ۲۰۰۲، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان توافق کردند به بازگشت داوطلبانه میلیون‌ها افغان در ایران و پاکستان کمک کنند.^{۱۰۲}

در طی سال‌های بلافاصله پس از سقوط طالبان در ۲۰۰۱، همانطور که در فوق گفته شد، تعداد بسیار زیادی از افغان‌ها از ایران و کشورهای دیگر به افغانستان بازگشتند، به طوری که تنها در سال ۲۰۰۲، تعداد بازگشت کنندگان ۲،۳ میلیون نفر بود.^{۱۰۳} در حالیکه بعضی از افغان‌ها از بازگشت به وطن خود هیجان زده بودند، برخی هم همانطور که در گزارش سال ۲۰۰۲ سازمان دیده‌بان حقوق بشر مستند شده است، به دلیل افزایش خصومت و آزار و اذیت در ایران و پاکستان، احساس می‌کردند مجبورند بازگردند.^{۱۰۴} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان گزارش می‌کند که از سال ۲۰۰۲ به حدود ۸۸۶،۰۰۰ پناهنده افغان در ایران کمک کرده است به افغانستان باز گردند.^{۱۰۵} اما کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کاهش مداومی در تعداد افغان‌های بازگشت کننده به افغانستان را در اوایل سال ۲۰۰۸ مستند ساخته است، یعنی تاریخی که در آن امنیت در افغانستان به طور چشمگیری کاهش یافت.^{۱۰۶}

در پاسخ به کاهش تعداد افغان‌های بازگشت کننده به افغانستان، دولت ایران سیاست‌های تهاجمی‌تری را به اجرا گذاشت که هدف آن افزایش تعداد بازگشت کنندگان افغان بود. یکی از مفسرین می‌نویسد: «از سال ۲۰۰۹ دولت ایران، که نشان داده متوجه شمار کم بازگشت کنندگان بوده است و احتمال آن می‌رود برخی از افغان‌های ساکن ایران هم مایل به

^{۱۰۱} در کنفرانس اخیر ژنو در باره پناهندگان افغان در مه ۲۰۱۲، با شرکت ایران، افغانستان، پاکستان، و طرف‌های ذینفع دیگر، آنتونیو گوترس، کمیسریای عالی سازمان ملل، تکرار کرد که کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و کشورهای عضو، در حال حاضر اولویت را به برنامه‌هایی می‌دهند که شرایط مطلوبی برای بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان در ایران و پاکستان، فراهم آورد. گوترس چند نکته درخشان راجع به برخورد با افغان‌ها در ایران ذکر کرد، و گفت ۲۳۰،۰۰۰ کودک افغان در مدارس و ۷،۰۰۰ تن در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل هستند. او گفت تمام پناهندگان قانونی، «بیمه مسکونی» دارند. او گفت ایران امسال به تعداد زیادی از آنها اجازه کار داد و متذکر شد نمی‌توان گفت که ایران و پاکستان افغان‌ها را از کشور خود بیرون می‌کنند. نگاه کنید به داستان ویدیویی در بی بی سی فارسی، قابل دسترسی در:

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/05/120503_l72_afghan_un_vid.shtml

(تاریخ دسترسی: ۳ مه ۲۰۱۲).

^{۱۰۲} «کمیسیریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و وزیر بازگشت کنندگان افغانستان در مورد بازگشت پناهندگان به توافق رسیدند» [UNHCR and Afghanistan's Repatriation Minister Reach Accord on Return of Refugees]، کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [UNHCR]، ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲، قابل دسترسی در:

<http://www.unhcr.org/3c503bod2.html>

^{۱۰۳} کریستین برگ هارپ ویکن [Kristian Berg Harpviken]، «شبکه‌های اجتماعی و مهاجرت در افغانستان دوران جنگ» [Social Networks and Migration in Wartime Afghanistan]، مرکز مطالعه جنگ‌های داخلی، مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح، اسلو، نورژ، سال ۲۰۰۹، ص. ۷.

^{۱۰۴} «افغانستان، ایران و پاکستان، سیاست درهای بسته: پناهندگان افغان در پاکستان و ایران» [Afghanistan, Iran and Pakistan, Closed Door]، سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Human Rights Watch]، جلد ۱۴، شماره ۲ (جی)، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/reports/2002/pakistan/pakistan0202.pdf>

^{۱۰۵} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [UNHCR]، «تاریخچه عملیات کشورها در سال ۲۰۱۲: جمهوری اسلامی ایران» [2012 country operations profile: Islamic Republic of Iran]، سال ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/page?page=49e486f96> (تاریخ دسترسی: ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۱۰۶} همان.

بازگشت نباشند، سعی بر این داشته که شیوه‌های جدیدی برای طرح مشکلات مربوط به پناهندگان و افغان‌های فاقد مدارک به کار گیرد.^{۱۰۷}

اگر چه مسئولین اصرار می‌ورزند که خط مشی رسمی آنها در قبال پناهندگان افغان، کماکان بازگشت داوطلبانه است، اما امتناع دولت ایران از ارائه یک سیستم پناهنجویی که به افغان‌های تازه وارد اجازه دهد درخواست پناهندگی کنند، همراه با دشواری‌های فزاینده‌ای که پناهندگان افغان برای ثبت نام به عنوان پناهنده در ایران با آن روبرو هستند، پرسش‌هایی را در باره انگیزه‌ای که در پس برخی از سیاست‌های دولت است، بر می‌انگیزد.

بعضی از مقامات رسمی ایران هم این بحث را مطرح می‌کنند که تغییر اوضاع افغانستان، از جمله حضور یک دولت قانونی از سال ۲۰۰۲، پایان دادن به وضعیت پناهندگی را برای تمام افغان‌ها الزامی می‌سازد.^{۱۰۸} اگر چه معلوم است که از زمان سقوط طالبان در افغانستان، شرایط امنیتی شدیداً تغییر کرده، اما افغان‌ها در قسمت‌های مختلف کشور همچنان با خشونت‌ها و تبعیض‌های شدیدی مواجه هستند که می‌تواند آنها را برای پناهندگی، واجد شرایط کند.^{۱۰۹} اگر ایران به اخراج افغان‌های فاقد مدارک ادامه دهد، باید حداقل به آنها اجازه دهد با اخراج خود مخالفت کنند، و در صورت تمایل، با توجه به اینکه آنها در ابتدای ورودشان به ایران قادر نبوده‌اند درخواست پناهندگی کنند، اکنون برای پناهندگی درخواست کنند.

تلاش‌های دولت ایران برای قانع کردن پناهندگان افغان به ترک ایران تا حدی موفقیت آمیز بوده است. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، مجدداً شاهد افزایش آن تعداد از پناهندگان افغان بوده است که در سال ۲۰۱۱ از ایران بازگشته‌اند.^{۱۱۰} که یک سخنگوی سازمان ملل در باره آن می‌گوید: «به نظر می‌رسد دلیل افزایش تعداد بازگشت کنندگان داوطلب از ایران، فشارهای اقتصادی و قطع یارانه‌های غذاهای اصلی و خدماتی است که دولت ایران برای آنها فراهم می‌کرده است.»^{۱۱۱} معهدا دولت ایران اصرار می‌ورزد که تا به امروز حتی یک پناهنده افغان نیز به زور بازگردانده نشده است و یا هیچیک به دلیل رضایت ناآگاهانه، از جواز پناهندگی خود منصرف نشده‌اند.

^{۱۰۷} بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Foundation pour la Recherche Strategique].

^{۱۰۸} برای مثال، احمد حسینی، رئیس اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی در آن زمان، اعلام کرد ایران تصمیم گرفته است مبحث مربوط به افغان‌های ایران را به پایان برساند و همه آنها را بدون توجه به وضعیت شان، تا مارس ۲۰۰۷ به کشورشان بازگرداند. قابل دسترسی در خارجی (۹۱/۴/۲۷) (توجه: این تاریخ هجری شمسی است که برابر با ژوئیه ۲۰۱۲ در تقویم غربی می‌باشد).

^{۱۰۹} به طور کلی نگاه کنید به کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «دستور العمل‌های ارزیابی صلاحیت برای محافظت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناجویان افغان»، ۶ اوت ۲۰۱۳.

^{۱۱۰} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [UNHCR]، «تاریخچه عملیات کشورها در سال ۲۰۱۲: جمهوری اسلامی ایران» [2012 country operations profile: Islamic Republic of Iran]، سال ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/page?page=49e486f96> (تاریخ دسترسی: ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۱۱۱} «تعداد بازگشت کنندگان تحت حمایت سازمان ملل، به افغانستان در سال ۲۰۱۱ کاهش یافت» [Number of UN-assisted returns to Afghanistan drops in 2011]، مرکز خبر سازمان ملل متحد [UN News Centre]، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=40238#UGGiHKCgmSo> (تاریخ دسترسی: ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲). این اظهار سخنگوی سازمان ملل که بازگشت از ایران در درجه اول به علت مشکلاتی بود که پناهندگان افغان در ایران با آن روبرو بودند، با این واقعیت بیشتر تقویت گردید که در حالیکه تعداد پناهندگان افغان بازگشت کننده از ایران در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته، تعداد بازگشت‌ها از پاکستان در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۵۹٪ کاهش داشته است. «تعداد بازگشت کنندگان تحت حمایت سازمان ملل، به افغانستان در سال ۲۰۱۱ کاهش یافت» [Number of UN-assisted returns to Afghanistan drops in 2011]، مرکز خبر سازمان ملل متحد [UN News Centre]، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در:

در مجموع <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=40238#UGGiHKCgmSo> (تاریخ دسترسی: ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲). در مجموع در سال ۲۰۱۱، تعداد ۶۷،۹۴۳ افغان داوطلبانه از پاکستان و ایران بازگشته‌اند، که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۴۰٪ کاهش داشته

در روز ۲۴ آوریل، صمد حامی، معیین وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، اعلام کرد که ایران، پاکستان و افغانستان قرار است توافقی را در مورد مسایل مربوط به پناهندگان افغان امضا کنند که بازگشت داوطلبانه پناهندگان را تا سال ۲۰۱۷ به تعویق خواهد انداخت.^{۱۱۲} سازمان دیده‌بان حقوق بشر از زمان اعلامیه حامی تا کنون از امضاء چنین توافقی اطلاع نداشته است و دولت‌های ایران، پاکستان، و افغانستان هم عقد چنین معاهده‌ای را میان این سه کشور تأیید نکرده‌اند.

موانع موجود بر سر راه ثبت نام پناهندگان جدید

پناهجویان افغان باید بتوانند نزد اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی ایران، یعنی ارگانی که مسئول رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی است، درخواست پناهندگی کنند. اما همانطور که در بالا شرح داده شد، حد اقل از سال ۲۰۰۷، برای افغان‌های تازه وارد به ایران، ارائه درخواست پناهندگی یا درخواست پناهجویی یا محافظت در برابر اخراج شدن از کشور، مطلقاً غیر ممکن بوده است.

اکثر ناظرانی که از نزدیک شاهد سیاست ایران در ارتباط با پناهندگان و نیز شاهد اجرای آن بوده‌اند، معتقدند که نام نویسی پناهجویان ناگهان در سال ۲۰۰۷ متوقف شد.

در واقع کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اخیراً در سال ۲۰۱۰ اظهار کرد که اگرچه ایران کنوانسیون پناهندگان سال ۱۹۵۱ را امضاء و تصویب نموده است، اما «نه تنها هیچ‌گونه اطلاعاتی در باره تعداد پناهجویانی که در کشور تحت بررسی تشخیص وضعیت پناهندگی قرار گرفته‌اند، موجود نیست، بلکه در باره افرادی که به تازگی به عنوان پناهنده، پناهجو، صغار بدون سرپرست یا جدا شده از خانواده تشخیص داده شده‌اند و قربانیان قاچاق انسان که در پی حمایت بین‌المللی هستند، نیز هیچ‌گونه اطلاعاتی وجود ندارد.»^{۱۱۳}

بر طبق اطلاعاتی که به دست سازمان دیده‌بان حقوق بشر رسیده است، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی در سال شمسی حاضر (که از مارس ۲۰۱۲ آغاز می‌شود)، پس از بررسی وضعیت پناهندگی متقاضیان، در حدود تعداد انگشت شماری از درخواست‌های افغان‌ها را برای پناهجویی یا حمایت، تصویب کرده است. تعداد افغان‌هایی که در طی این سال از اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی تقاضای پناهجویی کرده‌اند، معلوم نیست.

است. وزارت کشور ایالات متحده امریکا، «گزارش‌های کشور در مورد روال‌های متداول حقوق بشر: افغانستان» [Country "Reports on Human Rights Practices for 2011: Afghanistan"], قابل دسترسی در:

http://www.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/humanrightsreport/index.htm?dynamic_load_id=186457#wrapper (تاریخ دسترسی: ۲۹ مه ۲۰۱۲). در هشت ماه اول سال ۲۰۱۲، تعداد ۵۰،۰۰۰ افغان که دارای مدارک پناهندگی بودند بازگشتند و تعداد عودت کنندگان از پاکستان در مقایسه با همین دوره در سال ۲۰۱۱، ۲۴٪ افزایش داشته است در حالیکه تعداد عودت کنندگان از ایران تقریباً به همان میزان باقی مانده است. «امسال ۵۰،۰۰۰ پناهنده افغان داوطلبانه به افغانستان باز می‌گردند»، اطلاعیه مطبوعاتی کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [UNHCR press release]، ۲۸ اوت ۲۰۱۲، قابل دسترسی در

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?tabid=12254&ctl=Details&mid=15756&ItemID=3566> (تاریخ دسترسی: ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۱۱۲} «امضای توافق نامه مربوط به پناهندگان توسط ایران، افغانستان، پاکستان» [Iran, Afghanistan, Pakistan to Ink Agreement on Refugees] خبرگزاری فارس، ۲۴ آوریل ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://english.farsnews.com/newstext.php?nn=8101300911>

^{۱۱۳} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان [UNHCR]، «تاریخچه عملیات کشورها در سال ۲۰۱۰: جمهوری اسلامی ایران» [2010 country operations profile: Islamic Republic of Iran]، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/4bo3cdc39.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲ ژوئن ۲۰۱۳).

عدم توانایی افغان‌های تازه وارد برای طرح درخواست پناهندگی در ایران، به ویژه با توجه به «راهنمای ارزیابی صلاحیت سال ۲۰۱۳» کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، نگران کننده است.

این راهنما دو گروه کلی از افغان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد که در صورت بازگشت اجباری به افغانستان، آسیب خواهند دید: (۱) افرادی که بر طبق کنوانسیون پناهندگان سال ۱۹۵۱، ترس مستدل و معقولی از آزار و اذیت دارند، و (۲) افرادی که شامل طبقه بندی عمومی تر محافظت‌های کمیسریای پناهندگان می‌شوند که شامل اشخاصی می‌شود که با تهدید جدی نسبت به حیات، سلامت و امنیت جسمانی خود روبرو هستند و یا به علت خشونت‌های عمومی یا وقایعی که به طور جدی سبب اخلال در نظم عمومی می‌شوند، آزادی شان در معرض خطر قرار دارد.

بر طبق این راهنما، افغان‌ها همچنان با «موارد گسترده نقض حقوق بشر» روبرو هستند و «ممکن است هنوز به دلایلی که مربوط به تنازعات مسلحانه فعلی است... یا به دلیل موارد جدی نقض حقوق بشر که مستقیماً با این درگیری‌ها ارتباط ندارد، و یا ترکیبی از هر دو دلیل، در خطر آزار و اذیت قرار داشته باشند.»^{۱۱۴} این دستورالعمل‌ها همچنین یک رشته موارد نقض حقوق بشر که منجر به آسیب جدی به افراد غیر نظامی می‌شود را قید می‌کند:

(۱) کنترل شدن غیر نظامیان به وسیله عناصر ضد دولتی، از جمله از طریق تحمیل ساختارهای قضایی موازی و صدور مجازات‌های غیر قانونی و همچنین از طریق تهدید و ارعاب غیر نظامیان، محدود ساختن آزادی تردد، اخاذی و باجگیری؛ (۲) سر باز گیری اجباری؛ (۳) تأثیر خشونت و ناامنی بر شرایط زندگی انسانی که تأثیرات آن در تأمین غذا، فقر و از بین رفتن وسایل امرار معاش ظاهر می‌شود؛ (۴) افزایش تعداد جرائم سازمان یافته و افزایش قدرت جنگ سالارها و مقامات فاسد دولتی برای تسلط بر امور و مصونیت از مجازات در نواحی تحت کنترل دولت؛ (۵) محدودیت‌های سیستماتیک در مورد دسترسی به تحصیلات یا مراقبت‌های اولیه بهداشتی و (۶) محدودیت‌های سازمان یافته بر روی مشارکت اجتماعی افراد، از جمله و به ویژه برای زنان.^{۱۱۵}

این دستورالعمل‌ها شامل فهرستی طولانی از طبقاتی از مردم است که درخواست پناهندگی شان باید «به ویژه تحت بررسی دقیق قرار گیرد» که موارد زیر از جمله آنهاست، اما البته به آنها محدود نمی‌شود:

زنان، کودکان، مردان و پسرانی که به سن جنگیدن رسیده‌اند، افرادی که ممکن است گمان بشود وابسته به، یا حامی و پشتیبان دولت و جامعه بین‌المللی هستند، از جمله نیروهای نظامی بین‌المللی، غیر نظامیانی که مظنون به حمایت از عناصر ضد دولتی هستند، اعضاء اقلیت‌های مذهبی، و افرادی که گمان می‌رود از قوانین شرعی تخطی نموده‌اند؛ افرادی که تصور می‌شود تفسیر و برداشت طالبان از اصول، معیارها و ارزش‌های اسلامی را نقض کرده‌اند، و اعضاء اقلیت‌های قومی.^{۱۱۶}

این دستورالعمل‌ها نمونه موقعیت‌هایی را ارائه می‌دهد که در آن پناهجویان افغان ممکن است به پنج دلیلی که برای پناهجویی در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان قید شده از خشونت یا دیگر اشکال آسیب‌های جدی رنج برند. دلایل مزبور

^{۱۱۴} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «دستورالعمل‌های ارزیابی صلاحیت برای محافظت‌های بین‌المللی مورد نیاز پناهجویان افغان»، ۶ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در <http://www.refworld.org/docid/51ffdc34.html> (تاریخ دسترسی: ۲۳ اوت ۲۰۱۳).

^{۱۱۵} همان، ص. ۵.

^{۱۱۶} همان، ص. ۴.

بدین قرارند: نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی. دستور العمل‌ها، موارد زیر را قید می‌کند:

مواقعی که خشونت متوجه نواحی خاصی است که اکثریت ساکنان آن را افراد غیر نظامی با قومیت، وجهه سیاسی یا مذهبی خاص تشکیل داده‌اند و یا در مناطقی که چنین افرادی گرد هم می‌آیند (مانند بازارها، مساجد، مدارس، و یا گردهمایی‌های بزرگ اجتماعی از قبیل جشن عروسی) در این حالت تمام افراد آن جامعه به یک یا چند دلیل از دلایل مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱، هراس منطقی و معقولی از تحمیل تضییقات بر خود را دارند.^{۱۱۷}

دستور العمل‌های مزبور همچنین برای افغان‌هایی که در صورت بازگشت به افغانستان ممکن است با تهدید جدی نسبت به حیات، سلامت و امنیت جسمانی خود روبرو شوند و یا به علت خشونت‌های عمومی یا وقایعی که به طور جدی سبب اختلال در نظم عمومی می‌شود، آزادی شان در معرض خطر قرار دارد، راهنمایی‌هایی را فراهم می‌کند. عواملی که به کشورها و نیز به کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کمک می‌کنند تا ارزیابی نمایند که آیا یک تبعه افغانستان با چنین تهدیدهایی روبروست یا خیر، شامل موارد زیر است:

(۱) تعداد مرگ و میر غیر نظامیان در نتیجه خشونت‌های همگانی، از جمله بمب گذاری، حملات هوایی، حملات انتحاری، انفجار بمب‌های دست ساز و مین‌های زمینی ... (۲) تعداد حوادث امنیتی مربوط به درگیری‌ها ... و (۳) تعداد مردمی که به علت درگیری‌ها مجبور به جا به جایی شده‌اند ... اما با وجود این، در نظر گرفتن این موارد، محدود به تأثیر مستقیم خشونت نمی‌شود. آنها همچنین عواقب دراز مدت و غیر مستقیم خشونت‌های ناشی از این درگیری‌ها را هم که چه به تنهایی و چه در مجموع سبب تشدید تهدید نسبت به حیات، سلامت و امنیت و یا آزادی می‌گردد در بر می‌گیرند.^{۱۱۸}

در ارتباط با اینکه آیا شخص در نتیجه وقایعی که شدیداً محل نظم عمومی است با چنین آسیب‌هایی مواجه است یا خیر، راهنمای مزبور تصریح می‌کند که:

در بخش‌های معینی از کشور، دولت در برابر عناصر ضد دولتی، کنترل خود را به طور مؤثر از دست داده است و دیگر قادر به محافظت از غیر نظامیان نیست. اطلاعات موجود حاکی از آن است که اعمال کنترل بر جنبه‌های حساس و مهم زندگی مردم در این مناطق، سرکوبگرانه و همراه با زور و فشار است و یک نظم عمومی که بر پایه حکومت قانون و احترام به شرافت انسانی باشد را نابود می‌سازد. از ویژگی‌های چنین شرایطی، به کار گرفتن ارعاب و خشونت است که علیه غیر نظامیان و در یک فضای گسترده نقض حقوق بشر، می‌شود.^{۱۱۹}

به علت اینگونه شرایط جاری در افغانستان، ایران باید دارای یک نظام مؤثر و عادلانه برای پناجویان باشد که به کلیه افغان‌های تازه وارد اجازه دهد تقاضای پناهندگی دهند. اما چنین نیست. در تحقیقاتی که برای تهیه این گزارش انجام شد با چندین افغان صحبت کردیم که به دلیل درگیری‌های واقع در مناطق مسکونی شان در افغانستان، و یا به دلایل دیگر، فرار کرده و باید پیش از آنکه اخراج شوند به ایشان اجازه درخواست پناهندگی می‌دادند، اما اینها جایی نداشتند که به آن مراجعه کنند.

^{۱۱۷} همان، ص. ۵.

^{۱۱۸} همان، ص. ۶.

^{۱۱۹} همان.

یک مرد جوان افغان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت هنگامی که وی برای درخواست پناهندگی به دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در شیراز رفت یکی از مسئولین دفتر او را شتابزده از دفتر بیرون کرد. وقتی او دوباره وضعیتش را شرح داد، این مسئول به او گفت «هر روز صد نفر مانند تو به اینجا مراجعه می‌کنند. چرا من باید به تو جواز اقامت دهم؟»

طرح جامع ساماندهی: راهی به سوی «قانونی شدن»؟

در طول دو دهه گذشته، دولت ایران تحت حمایت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، تلاش‌هایی برای نام نویسی تمام اتباع خارجی فاقد مدرک که اکثریت آنها را مهاجرین افغان تشکیل می‌دهند، انجام داده است. آخرین این تلاش‌ها در سال ۲۰۱۰ صورت گرفت که شورای عالی امنیت ملی ایران، ارگان مشاوره‌ای که مسئول حفظ منافع ملی، حاکمیت، و تمامیت ارضی ایران است، قانونی را به نام طرح نام نویسی اتباع افغان از تصویب گذراند، که طرح جامع ساماندهی نیز نامیده می‌شود.^{۱۲۰}

طرح جامع ساماندهی تا ژوئن ۲۰۱۲ مسیری را فراهم می‌آورد که افغان‌های فاقد مدرک و بدن کارت آمایش حداقل در تئوری می‌توانستند موقتاً در ایران وضعیت قانونی و اجازه کار داشته باشند. طرح جامع ساماندهی به افغان‌های دارای پاسپورت معتبر یا جواز سفر اجازه می‌داد یک ویزای اقامت سه ماهه و قابل تجدید دریافت کنند که همچنین به دارنده آن اجازه می‌داد برای اجازه کار درخواست کند. این قانون همچنین هدفش حصول اطمینان از ورود و خروج قانونی اتباع افغان در ایران بود و برای افرادی که به طور غیر قانونی به ایران وارد یا در ایران اقامت داشته باشند و برای کسانی که به اینگونه افراد در انجام این کار کمک کنند، مجازات‌های کیفری تعیین می‌کند.

هدف طرح جامع ساماندهی کمک به مسئولان برای شناسایی و ثبت نام افغان‌های فاقد مدرک در ایران بود. هدف این طرح، شناسایی آنها به عنوان پناهنده نبود. انگیزه‌ای که این طرح به کارگران مهاجر غیر قانونی در کشور می‌دهد این است که اگر آنها در این طرح ثبت نام کنند، دولت ایران برای آنها راهی به سوی «قانونی شدن» فراهم می‌آورد تا به آنها اجازه دهد پاسپورت و مدارک دیگر برای اقامت و کار موقت در این کشور به دست آورند.

هدف اصلی این طرح، ثبت نام تمام افغان‌های فاقد مدرک بود. بر طبق این طرح، تمام اتباع افغان که به طور غیر قانونی مقیم ایران بودند باید تا ژوئن ۲۰۱۲ در دفاتر محلی اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی ثبت نام می‌کردند.^{۱۲۱} طرح در ابتدا از تمام افغان‌ها می‌خواست نزد دولت ایران ثبت نام کنند و سپس به افغانستان بازگردند تا برای ویزای ورود مجدد به ایران درخواست کنند. پس از دخالت دولت افغانستان، دولت ایران موافقت نمود به خانواده‌ها اجازه دهد این مراحل را در ایران طی کنند.^{۱۲۲}

^{۱۲۰} نام این برنامه به چند روش متفاوت ترجمه شده است. برای مقاصد مربوط به این گزارش، ما ترجمه مورد استفاده کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان را مورد استفاده قرار داده ایم. برای مثال، نگاه کنید به <http://www.unhcr.org/4cd96d099.pdf> (تاریخ دسترسی: ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۱۲۱} بر طبق اظهارات اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، طرح جامع ساماندهی در طی چند مرحله انجام شد که شامل آمارگیری یا شمارش نفوس، ثبت نام در اینترنت، و صدور اجازه خروج برای خروج از ایران و ورود مجدد به ایران پس از تهیه مدارک مناسب می‌شود. قابل دسترسی در:

<http://moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=a5965468-2e4d-4fa6-893c->

5d3426d414e5&LayoutID=47942904-35b9-4ecc-bfc4-4d6d3bee26d8&CategoryID=cc1955c9-7610-428d-b15c-faf947cc884 (تاریخ دسترسی: ۹ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۱۲۲} کودکان کمتر از ۱۶ سال لازم نبود گذرنامه شخصی خودشان را داشته باشند، بلکه مشخصات ایشان باید در گذرنامه رئیس خانواده درج شود. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

افغان‌هایی که به دنبال دریافت ویزا از طریق این طرح بودند، باید ابتدا نزد دولت ایران ثبت نام می‌کردند که در نتیجه دولت به آنها کاغذی می‌داد که آنها را مجاز می‌کرد به مدت چند ماه تا تقریباً یک سال در ایران بمانند با این شرط که در طول ۳۰ روز آخر از دوره‌ای که برای آنها مشخص شده، وضعیت اقامت خود را به حالت عادی درآورند. برای انجام این کار، آنها باید پاسپورت افغانستان تهیه می‌کردند. به منظور تهیه پاسپورت افغانستان آنها به کارت شناسایی ملی افغانستان نیاز داشتند. اگر آنها تا آن زمان چنین کارتی را تهیه نکرده بودند، باید برای گرفتن آن به محل تولد خود سفر می‌کردند. برای بسیاری که به منظور فرار از شرایط امنیتی خطرناک، به ایران گریخته بودند، تهیه کارت مستلزم بازگشت آنها به ناحیه خطرناکی بود که قبلاً از آن گریخته بودند. برای افرادی هم که در ایران متولد شده بودند، تهیه کارت شناسایی ملی افغانستان، نیاز به بازگشت به محل تولد والدین آنها داشت - یعنی جایی که بسیاری از آنها قبلاً هرگز در آن نبوده‌اند.^{۱۲۳}

حتی کوچکترین انحراف در انجام این مراحل می‌توانست منجر به اخراج از کشور شود. برای مثال فرشته ک. و شوهرش برای دریافت گذرنامه بر طبق طرح ساماندهی اقدام کردند، اما در انجام این کار تأخیر کرده بودند زیرا شوهر فرشته که رنگ کار بود، در حین کار از نردبان افتاده بود و برای بهبود وی زمان لازم بود. مشکل فقط عدم صدور گذرنامه برای آنها نبود، بلکه آنها را در دم دستگیر کردند. فرشته گفت «آنها ما را یک شب زندانی کردند. به ما اجازه ندادند فرزندانمان را برداریم. فرزندانم در خانه بودند. نمی‌دانید چقدر زجر کشیدیم. من و شوهرم به خاطر بچه هایمان صد بار مریم و زنده شدیم.» روز بعد در حالیکه این پدر و مادر در بازداشت پلیس بودند، پلیس رفت و پنج فرزند آنها که ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، و ۷ ساله بودند را آورد. سپس تمام خانواده از کشور اخراج شدند.^{۱۲۴}

پس از آنکه افغان‌ها کارت شناسایی ملی افغانستان را می‌گرفتند با موانع دیگری برای دریافت گذرنامه مواجه بودند. طرح جامع ساماندهی به طور یک جانبه از طرف دولت ایران و بدون هیچگونه مشورتی با دولت افغانستان، تهیه شده بود.^{۱۲۵} دولت افغانستان برای تهیه و صدور گذرنامه، توان محدودی داشت و اظهار می‌کرد برای آنها تهیه این تعداد گذرنامه که مورد نیاز طرح جامع ساماندهی است، غیر ممکن است. مقام‌های افغانستان در مصاحبه با سازمان دیده‌بان حقوق بشر توضیح دادند اکثر افغان‌های مقیم ایران که به دنبال دریافت گذرنامه هستند، به احتمال زیاد نخواهند توانست آن را به موقع دریافت کنند؛ صدور گذرنامه با سرعت کافی به طوری که بتواند با محدودیت زمانی تعیین شده برای طرح جامع ساماندهی تطابق داشته باشد، عملاً برای مقام‌های افغان غیر ممکن است.^{۱۲۶}

به غیر از محدود بودن ظرفیت، مشکل دیگر، فساد اداری است. به گفته یکی از مقام‌های دولتی افغان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر، مردمی که این مراحل را طی می‌کنند «هر جا که [نزد مقامات افغان] می‌روند، باید [رشوه] بپردازند.»^{۱۲۷} همان مقام اضافه کرد پرداخت رشوه به میزان ۳۰۰ تا ۶۰۰ دلار امریکا علاوه بر مبالغ قانونی اداری، هزینه معمول برای به دست آوردن یک پاسپورت افغانستان است.^{۱۲۸}

^{۱۲۳} یک مشکل دیگر این است که بسیاری از افغان‌ها هنگام سفر به ایران، نام خود را به نام‌هایی که بیشتر ایرانی هستند تغییر می‌دهند تا تفاوت محسوسی با محیط اطراف خود نداشته باشند، اما این امر بعداً گرفتن ویزا از طریق طرح جامع ساماندهی را برایشان غیر ممکن می‌سازد، زیرا نام مندرج در مدارک طرح جامع ساماندهی آنان با نام و مشخصات پاسپورت افغانی شان تطابق ندارد. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام رسمی دولت افغانستان» (نام محفوظ است)، ۲۰ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۲۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فرشته ک.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۲۵} اما دولت افغانستان موافقت کرده است با صدور گذرنامه برای افغان‌های فاقد مدارک، هم در افغانستان و هم در سفارت افغانستان در ایران، با طرح جامع ساماندهی همکاری کند. اما به دلیل کمبود ظرفیت، قادر به پاسخگویی به میزان عظیم درخواست‌ها نبوده است.

^{۱۲۶} معلوم نیست آیا کودکان غیر مجاز هم به طرح جامع ساماندهی و یا سیستم ثبت نام آمایش دسترسی دارند یا خیر.

^{۱۲۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام ارشد دولت افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۲۸} همان.

پس از دریافت پاسپورت افغانستان، متقاضیان باید به دولت ایران، یکی از کنسولگری‌ها و یا یکی از سفارتخانه‌ها برای درخواست ویزا مراجعه کنند. برای خانواده‌هایی که اجازه دارند در ایران این درخواست را بدهند، انجام این کار، بعضی اوقات به دلیل مراجعه به یک اداره دولتی در خارج از منطقه تعیین شده در مدارک طرح ساماندهی، خطر اخراج از کشور را به همراه دارد، با وجود آنکه اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی دفاتری در استان‌های گوناگون دارد که قادرند مدارک لازم را برای اتباع افغان صادر کنند و همچنین می‌توانند اجازه نامه‌های موقتی صادر کنند که بر طبق آن افغان‌ها بتوانند به منظور انجام کارهای اداری خود، به مناطق خارج از محدوده مجاز سفر کنند.

تمام مردان مجردی که بر طبق طرح جامع ساماندهی ثبت نام کردند باید برای گرفتن ویزا به افغانستان باز می‌گشتند. این مستلزم صرف مخارج زیاد برای اقامت در یکی از چند شهر بزرگی بود که سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌های ایران در آنجا واقع شده است. منابع مطلع به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند این افراد مجبور بودند برای دریافت ویزا مبالغی اضافی بپردازند، و این علاوه بر پرداخت ۳۸۰ دلار آمریکا به عنوان ضمانت بود که از بازگشت آنها اطمینان حاصل شود، اگرچه که سفارت ایران در کابل، وجود چنین ضمانتی را انکار کرده است.^{۱۲۹} اگر مردان مجرد در تکمیل تمام این مراحل موفق می‌شدند، اجازه بازگشت به ایران را داشتند، اما به شرط آنکه بلیط بازگشت‌شان را از یکی از شرکت‌های هواپیمایی ایران بخرند - که هزینه آن بسیار سنگین‌تر از سفر زمینی است.^{۱۳۰} بر طبق اعلام اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، از ۲۲۰،۰۰۰ مردان مجرد افغان که فاقد مدرک بودند و به افغانستان رفتند، ۱۸۰،۰۰۰ تن با داشتن ویزای سه ماهه به ایران بازگشتند.^{۱۳۱}

متخصصینی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند هزینه به دست آوردن ویزا از طریق طرح جامع ساماندهی را حد اقل ۱،۲۰۰ دلار آمریکا تخمین زدند که شامل هزینه‌های مسافرت، تهیه گذرنامه، هزینه‌های ویزا، و پرداخت رشوه است - یعنی مبلغی بسیار بالاتر از توان مالی خانواده‌هایی که به سختی قادر به تأمین حد اقل درآمد هستند. حتی در میان افغان‌هایی که گذرنامه گرفته‌اند، برخی به دلایلی از قبیل «پرداخت هزینه‌های سنگین مربوطه»، نتوانستند ویزا دریافت کنند.^{۱۳۲}

نعیم، ۳۰ ساله، گفت «بار قبل من اجازه کار داشتم. اما هزینه گرفتن ویزا و پاسپورت ۵۰،۰۰۰ افغانی (معادل ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا) است، بنابراین تصمیم گرفتم در عوض، با یک قاچاقچی بروم، چون این ارزان تر است.»^{۱۳۳}

در اکتبر ۲۰۱۱، محمد تهوری، از اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی گفت که بر طبق طرح جامع ساماندهی، بیش از ۷۰۰،۰۰۰ اجازه خروج برای افغان‌هایی که مقیم فاقد مدرک بوده‌اند، صادر شده است.^{۱۳۴} در آوریل ۲۰۱۲ یک

^{۱۲۹} همان.

^{۱۳۰} هزینه یک بلیط رفت و برگشت از افغانستان، در حدود ۳۵۰ دلار آمریکا است.

^{۱۳۱} «اتباع خارجی بدون اجازه اقامت در استان البرز، تا آخر خرداد ماه فرصت دارند.»، ۱۴ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://p-sepidar.ir/siasi/7026-%D8%A7%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B9-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC%DB%8C-%D9%81%D8%A7%D9%82%D8%AF-%D9%85%D8%AC%D9%88%D8%B2-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%B1%D8%B2-%D8%AA%D8%A7-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%AE%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%85%D8%A7%D9%87-%D9%81%D8%B1%D8%B5%D8%AA-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%AF.html> (تاریخ دسترسی: ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳).

^{۱۳۲} «در ایران پناهنده موضوع مهمی است» [Refugee Matters in Iran]، گزارش‌های خبری کوتاه ژوئیه ۲۰۱۲، شورای پناهندگان نروژ [Norwegian Refugee Council]، جلد ۱، شماره ۱، ژوئیه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در http://www.nrc.no/arch/_img/9659994.pdf (تاریخ دسترسی: ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲). هزینه درخواست ویزا برای بار اول کمی بیشتر از ۱۰۰ دلار آمریکا و هزینه تجدید آن در حدود ۲۵ دلار آمریکا است.

^{۱۳۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نعیم»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۳۴} سایت وزارت کشور ایران، «اجازه خروج برای بیش از ۷۰۰،۰۰۰ نفر صادر شده است»، ۲ اکتبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در:

مقام دولتی افغان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت از ۱۶۰،۰۰۰ نفری که به عنوان بخشی از این طرح به افغانستان بازگشته‌اند، تنها ۲۰،۰۰۰ تن قادر به دریافت ویزا و بازگشت به ایران بوده‌اند – و این ویزا هم فقط برای مدتی کوتاه، یعنی فقط سه ماه است و هیچ تضمینی هم برای تجدید آن وجود ندارد. مسئولین اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی بعداً اعلام کردند که سفارت‌ها و کنسولگری‌های ایران شروع به تمدید ویزاها تا مدت یک سال کرده‌اند.^{۱۳۵}

اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی در ژوئیه ۲۰۱۲ اعلام کرد ۵۶۰،۰۰۰ افغان وضعیت اقامت خود را تحت برنامه ساماندهی، قانونی کرده‌اند؛ اما به هر حال مشخص نبود که آیا تمام این ۵۶۰،۰۰۰ تن ویزای ایران را دریافت کرده‌اند یا خیر.^{۱۳۶} ضمناً این عدد خیلی کمتر از شمار تخمین زده شده ۱،۴ تا ۲ میلیون نفر افغان فاقد مدرک ساکن ایران است. «اکثریت گسترده مردمی که برای انجام این مراحل، واجد شرایط هستند، هنوز در آنجا [ایران] مانده‌اند. آنها می‌شنوند که این [طرح] به کار نمی‌آید.»^{۱۳۷}

برخی، هدف طرح جامع ساماندهی را علناً مورد سؤال قرار می‌دهند. یکی از مسئولان یک سازمان بین‌المللی که در مورد افغان‌هایی صحبت می‌کرد که بر اساس این طرح به افغانستان بازگشته‌اند، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان انتظار داشت [به دلیل طرح ساماندهی] تعداد زیادی باز گردند، اما اکثر آنها پاسپورت و ویزا نخواهند گرفت. هدف [از این طرح] کاهش تعداد افغان‌ها در ایران است. آنها کارها را برای ایرانی‌ها می‌خواهند. اکثراً ویزا نخواهند گرفت، اما آنهایی که در آنجا خانواده دارند، سخت تلاش می‌کنند. اگر هم نتوانند، به طور غیر قانونی [به ایران] باز خواهند گشت.»^{۱۳۸}

همانطور که یکی دیگر از مقام‌های بین‌المللی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته است، «در تئوری آنها برای قانونی ساختن وضعیت افغان‌های فاقد مدارک کار می‌کنند. اما مانند این است که بگویی «آیا می‌خواهی این لیوان [آب] را بخری؟ قیمتش ۲۰،۰۰۰ دلار امریکاست.» می‌خواهید منفعت کنید، اما این کار، عملی نیست.»^{۱۳۹}

مقام‌های مسئول در ایران اعلام کردند که پس از ژوئن ۲۰۱۲ فقط اتباع افغان که دارای پاسپورت و روایید معتبر هستند و نیز افرادی که به عنوان پناهنده ثبت نام کرده‌اند و «واجد شرایط» هستند، می‌توانند در کشور باقی بمانند. مقام‌های ایران، طرح جامعه ساماندهی را به عنوان یک روش منصفانه و انسان‌دوستانه جلوه می‌دهند که به افغان‌هایی که واجد شرایط نیستند و به صورت فاقد مدرک ساکن ایران هستند، اجازه می‌دهد «قانونی» شده و بتوانند در کشور کار کنند.

<http://moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=a5965468-2e4d-4fa6-893c-5d3426d414e5&LayoutID=47942904-35b9-4ecc-bfc4-4d6d3bee26d8&CategoryID=cc1955c9-7610-428d-b15c-fafc947cc884> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۱۳۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام ارشد دولت افغانستان» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۳۶} «در ایران پناهنده موضوع مهمی است» [Refugee Matters in Iran]، جلد ۱، شماره ۲، شورای پناهندگان نروژ Norwegian Refugee Council، اوت ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

http://www.nrc.no/arch/_img/9661274.pdf (تاریخ دسترسی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲). ارقام کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان حاکی از آن است که سفارت افغانستان و کنسولگری‌های آن در ایران، برای ۱۳۵،۰۰۰ خانواده (۶۰۰،۰۰۰ تا ۸۰۰،۰۰۰ نفر) گذرنامه خانوادگی صادر کرده‌اند که دارای ویزای سه ماهه قابل تجدید است. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «به روز شده استراتژی راه حل برای پناهندگان افغان» [Update on the Solutions Strategy for Afghan Refugees]، سپتامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.unhcr.org/522722e99.html> (تاریخ دسترسی: ۸ ژوئیه ۲۰۱۳)، ص. ۳. بر اساس اظهارات اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، ۴۸۰،۰۰۰ تن، که بیشتر آنها از خانواده‌ها بودند، تا به امروز ویزای سه ماهه قابل تجدید گرفته‌اند.

^{۱۳۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۳۸} همان.

^{۱۳۹} همان.

در روز ۶ سپتامبر ۲۰۱۳، اعتبار ویزاهای صادره برای صدها هزار افغان که طبق طرح جامع ساماندهی ثبت نام کرده بودند، تمام شد، و دولت ایران هم از پیش اعلام کرده بود این روایدها تمدید نخواهد شد و هر کس که بدون ویزای معتبر باشد، از کشور اخراج خواهد شد. به گفته منابع مطبوعاتی ایران، مهلت ۶ سپتامبر تمام افغان‌هایی را شامل می‌شد که تحت طرح ساماندهی نام نویسی کرده بودند و ویزای ایشان قرار بود در آن تاریخ یا پیش از آن به اتمام برسد. مسئولان دولت ایران قبلاً اعلام کرده بودند اگر هر افغان فاقد مدارک را که پس از مهلت ۶ سپتامبر در ایران مانده است، پیدا کنند، ممکن است زندانی شده و برای هر روزی که پس از اتمام مهلت مزبور، در کشور مانده است ۳۰،۰۰۰ تومان (۱۲ دلار آمریکا) جریمه بپردازد.^{۱۴۰}

اما به هر حال مهلت ۶ سپتامبر سپری گردید بدون آنکه هیچ‌گونه بیانیه دولتی مبنی بر توضیح علت و چگونگی انجام این اخراج‌ها منتشر شود. منابع دولتی افغانستان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند پیش از ۶ سپتامبر دولت افغانستان از دولت ایران خواست این مهلت را تمدید کند و یک هیئت نمایندگی را به این منظور راهی تهران نمود. از ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ دولت افغانستان هنوز منتظر دریافت پاسخی نسبت به این درخواست بوده است. دولت افغانستان تخمین زده بود که در صورت تمدید نشدن این مهلت، حداقل ۳۰۰،۰۰۰ افغان دارنده ویزا مجبور خواهند بود تا ۶ سپتامبر خاک ایران را ترک کنند. صدها هزار افغانی دیگر نیز ممکن است نهایتاً تحت تأثیر این وقایع قرار گیرند.^{۱۴۱}

«استراتژی راه حل»

اخیر ترین تلاش‌ها برای تشویق افغان‌ها به بازگشت به افغانستان، بخشی از یک استراتژی جدید است که «استراتژی راه حل برای پناهندگان افغان به منظور پشتیبانی از بازگشت داوطلبانه، تلفیق دوباره و تداوم پذیر، و کمک به کشورهای میزبان» نام دارد.^{۱۴۲} نیاز به یک رویکرد جدید به وسیله پیتر نیکولاس که در آن هنگام نماینده کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در افغانستان بود، توضیح داده شد. وی رویکرد سابق کمیسریای پناهندگان را در مورد تلفیق مجد پناهندگان افغان که از سال ۲۰۰۲ به اجرا گذاشته شده بود را مورد انتقاد قرار داد و گفت:

ما اشتباه بزرگی کردیم، بزرگترین اشتباهی که کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تا کنون کرده است. ما فکر کردیم که اگر کمک‌های انساندوستانه انجام دهیم، پیشرفت‌های کلانی حاصل خواهد شد... این درآمد است، امرار معاش است که به حساب می‌آید، به عبارت خیلی ساده، ما باید برای افرادی که باز می‌گردند، شغل ایجاد کنیم. شما می‌توانید پنج تا جاده برای یک ده بسازید و کشاورزها از آن بهره خواهند برد زیرا می‌توانند محصولات خود را برای فروش به شهر ببرند، اما شخص عودت کننده اصلاً از آن منفعتی نخواهد برد، زیرا چیزی برای فروش ندارد که به بازار ببرد.^{۱۴۳}

«استراتژی راه حل» که به وسیله کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان با همکاری دولت‌های افغانستان، ایران و پاکستان تهیه شده است، برای نخستین بار در ۲ و ۳ مارس ۲۰۱۲ در کنفرانسی در ژنو ارائه گردید.

^{۱۴۰} «ایران: به حقوق افغان‌ها برای پناهنجویی احترام بگذارید»، اطلاعیه مطبوعاتی سازمان دیده‌بان حقوق بشر [Iran: Honor Afghans' Right] to Seek Asylum, Human Rights Watch news release, ۹ سپتامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در:

<https://www.hrw.org/news/2013/09/09/iran-honor-afghans-right-seek-asylum>

^{۱۴۱} همان.

^{۱۴۲} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «استراتژی راه حل برای پناهندگان افغان به منظور پشتیبانی از بازگشت داوطلبانه، تلفیق دوباره و تداوم پذیر، و کمک به کشورهای میزبان» [Sustainable Reintegration and Assistance to Host Countries], Solutions Strategy for Afghan Refugees to support Voluntary Repatriation, قابل دسترسی در: <http://unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲۸ مه ۲۰۱۲).

^{۱۴۳} «سازمان ملل می‌گوید استراتژی پناهندگان افغان یک اشتباه بزرگ بود» [UN says Afghan refugee strategy a 'big mistake'] خیرگزارای فرانسه [AFP] ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در:

<http://reliefweb.int/report/afghanistan/un-says-afghan-refugee-strategy-big-mistake> (تاریخ دسترسی: ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲).

«استراتژی راه حل» طرحی بلند پروازانه را هم برای تلفیق دوباره پناهندگان بازگشت کننده افغان با جامعه افغانستان و هم برای فراهم آوردن پشتیبانی بیشتر دولت‌های ایران و پاکستان و کمک به آنها در به دوش کشیدن بار یاری رسانی به پناهندگان افغانی که در کشور های آنها مانده‌اند، ارائه می‌دهد. این طرح قرار است با هزینه‌ای هنگفت به اجرا درآید. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در تلاش است تا کلاً مبلغ ۱,۹ میلیارد دلار امریکا را به منظور فعالیت‌های کمک رسانی به هر سه این کشورها، صرف کند.^{۱۴۴}

«استراتژی راه حل» با چالش‌های جدی روبروست. نخستین آنها توجه به این واقعیت است که افغانستان یک کشور جنگ زده است که باید از وضعیت پناهجویی، به وضعیت دیگری انتقال پیدا کند که در آن راه‌حلهایی پایدار که بر بازگشت و تلفیق پناهندگان به عنوان کارگران مهاجر یا اشخاصی که وضعیت پناهنده ندارند، تأکید کند. «راهنمای ارزیابی پناهجویان برای سال ۲۰۱۳» که کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، خود آن را صادر کرده است، هر روالی را که نیاز مداوم بسیاری از افغان‌ها را به پناهجویی، دست کم بگیرد، مورد تردید قرار می‌دهد.

حتی اگر فرض کنیم «استراتژی راه حل» رویکردی صحیح است، چالش عمده دیگر، تأمین هزینه آن است. پس از یازده سال دخالت شدید بین‌المللی در افغانستان، بیشتر کشورهای شریک در این جریان، کمک‌های خود را به افغانستان کاهش داده‌اند و در حال پایان دادن به پروژه‌های فعلی هستند، و به دنبال یافتن زمینه‌هایی که بودجه آن را تأمین کنند، نیستند.^{۱۴۵} کمبود بودجه ناشی از این وضعیت، می‌تواند یک مانع حل‌نشدنی برای «استراتژی راه حل» باشد. دوم، این واقعیت است که استراتژی مزبور احتمالاً نشانه‌گیری‌اش اشتباه است؛ اگرچه بازگشت کنندگان ممکن است نیازهای خاصی داشته باشند، اما آنها فقط یک طبقه از مردم را تشکیل می‌دهند و در مقایسه با گروه‌های دیگر از قبیل آوارگان داخلی افغانستان، لزوماً آسیب پذیرترین طبقات نیستند. در یک چنین شرایط انتقالی، کاهش بودجه، و کم بودن تعداد پناهندگانی که قصد بازگشت دارند، خطرهای فزاینده‌ای وجود دارد که طرح کردن برنامه‌های توسعه‌ای که به جای در نظر گرفتن تمام افراد «بی‌بضاعت» و «محتاج‌ترین»، مناطق جغرافیایی خاص و گروه‌های محدودی از مردم افغانستان را مورد توجه قرار می‌دهد، منجر به ایجاد تنش در درون مردم و بین گروه‌های مختلف شود.

مشاوران نیز در مورد امکان پذیر بودن طرح‌های این استراتژی، نگرانی‌های دیگری را مطرح کرده‌اند، از جمله پرسش‌هایی در مورد توان و دستور کار کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان برای بستن شکاف موجود میان برنامه‌های کمک‌های انسان‌دوستانه و برنامه‌های توسعه برای پناهندگان، و اینکه آیا تمرکز دادن تلاش‌ها بر روی مناطق آزمایشی بخصوص، مؤثرتر است یا کمک به پناهندگان در هر محلی که مایلند در آن مستقر شوند. دیگران نیز سوالاتی را در زمینه تمایل واقعی ایران و پاکستان به پذیرش این واقعیت که برخی از پناهندگان به افغانستان باز خواهند گشت، مطرح نموده‌اند. شبکه یکپارچه اطلاعات منطقه‌ای، در ارتباط با امکان پذیر بودن جنبه‌های گوناگون «استراتژی راه حل» که بر کمک رسانی به افغان‌های مقیم ایران و پاکستان، تکیه می‌کند، از قول یکی از امدادگران می‌گوید: «عبارت «تلفیق پیدا کردن با جامعه» برای کشورهای میزبان خوشایند نیست.»^{۱۴۶}

^{۱۴۴} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «استراتژی راه حل برای پناهندگان افغان به منظور پشتیبانی از بازگشت داوطلبانه، تلفیق دوباره و تداوم پذیر، و کمک به کشورهای میزبان» [Sustainable Reintegration and Assistance to Host Countries], قابل دسترسی در: <http://unhcr.org/afghanistan/solutions-strategy.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲۸ مه ۲۰۱۲)، ص. ۵۵.

^{۱۴۵} برای مثال، نگاه کنید به نیک هایکینز [Nick Hopkins]، «مدارس و درمانگاه‌های ساخته شده توسط ارتش بریتانیا برای افغان‌ها، اجباراً بسته شدند» [Afghan schools and clinics built by British military forced to close]، گاردین [Guardian]، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲، و کارن دیانگ [Karen DeYoung]، «ایالات متحده طرح‌های خود برای یک نیروی غیر نظامی بزرگ در افغانستان پس از ۲۰۱۴ را کاهش می‌دهد» [U.S. reducing plans for large civilian force in post-2014 Afghanistan]، واشنگتن پست [Washington Post]، ۵ دسامبر ۲۰۱۲.

^{۱۴۶} «مشروح: در به دری - درد و رنج افغان‌ها در خارج از کشور» [In-depth: From pillar to post—the plight of Afghans abroad]، آرای آن، اخبار و تحلیل‌های بشردوستانه [IRIN Humanitarian News and Analysis]، ۲۷ فوریه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

۳. آزار و اذیت افغان‌های ساکن ایران

افغان‌ها هم به وسیله دولت و هم توسط عوامل غیر دولتی مورد آزار و اذیت‌های فراوانی قرار می‌گیرند. در عرض چند دهه گذشته، دولت ایران با تعیین اکثریت قریب به اتفاق استان‌های کشور به عنوان «مناطق ممنوعه» برای کلیه اتباع خارجی، آزادی سفر را برای تمام اتباع خارجی مقیم این کشور به طور فزاینده‌ای محدود کرده است. افغان‌ها که عمدتاً بزرگترین جمعیت مهاجران مقیم ایران را تشکیل می‌دهند، به طور بی‌تناسبی در اثر این اقدامات، تأثیر پذیرفته‌اند. آزار و اذیت‌های دیگری که نسبت به افغان‌ها در ایران می‌شود شامل محدودیت برای دسترسی به تحصیلات و مشاغل استخدامی، نرخ بالای کار کودک، محرومیت از حقوق شهروندی و ازدواج، و مصونیت عوامل غیر دولتی از مجازات در برابر ارتکاب خشونت و حمله [به افغان‌ها] می‌شود. به علاوه، هزاران تن از اتباع افغان که به علت جرائم گوناگون از دزدی گرفته تا قتل و قاچاق مواد مخدر در زندان‌های ایران به سر می‌برند، از حق دسترسی داشتن به وکیل محرومند.^{۱۴۷} گمان می‌رود در سال‌های اخیر صدها تن [از افغان‌ها] بدون اطلاع دفاتر کنسولگری افغانستان اعدام شده‌اند، و این امر، نقض تعهدات حقوقی بین‌المللی ایران است.

«مناطق ممنوعه»

ایران از سال ۲۰۰۲ به تدریج به تعداد مناطق، شهرها، و استان‌های ممنوعه، که تمام اتباع خارجی از جمله پناهندگان افغان و عراقی از سکونت قانونی در آنها ممنوع هستند، افزوده است.^{۱۴۸} این امر منجر به اخراج اتباع افغان، از جمله تعدادی از پناهندگان افغان دارای مدارک شده است. مقامات ایران محدودیت‌های اعمال شده در مورد آزادی سفر پناهندگان و پناهجویان در ایران را بر پایه «امنیت ملی» توجیه می‌کنند.^{۱۴۹}

در ماه سپتامبر ۲۰۰۷، دولت ایران لایحه‌ای را در مورد «تعیین مناطق محدود برای تردد و اقامت اتباع خارجی در مناطق مرزی کشور» از تصویب گذراند، که نشانه به اجرا درآمد قانونی «سیاست مناطق ممنوعه» بود. نواحی مرزی افغانستان و پاکستان به دلایل امنیتی، برای تمام ساکنان خارجی، در گروه مناطق کنترل شده قرار گرفت. این آئین نامه در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، و ۲۰۰۷ اصلاح شده و مناطق جدیدی به آن افزوده شد که عبارتند از: استان خوزستان در مرز عراق؛ و شهرهایی در گلستان، آذربایجان شرقی، و اخیراً استان سیستان و بلوچستان که خود به

^{۱۴۷} <http://www.irinnews.org/InDepthMain.aspx?indepthid=95&reportid=94960> (تاریخ دسترسی: ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۱۴۸} «بیش از سه هزار افغان در ایران منتظر اعدام هستند»، بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترسی در:

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2010/03/100313_ko2-afghan-iran-presinors.shtml (تاریخ دسترسی: ۲ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۱۴۸} «مصوبه جدید راجع به الحاق مناطق جدید»، ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۲، قابل دسترسی در:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/121961> (تاریخ دسترسی: ۶ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۱۴۹} «مناطق و رشته‌های ممنوعه برای تحصیل اتباع غیر ایرانی در کنکور ۹۲»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۱ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در:

<http://isna.ir/fa/news/92052010842/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B7%D9%82-%D9%88-%D8%B1%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9%D9%87-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D9%84-%D8%A7%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B9> (تاریخ دسترسی: ۱ نوامبر ۲۰۱۳). همچنین نگاه کنید به «ایران فهرست شهرهای ممنوعه و رشته‌های دانشگاهی ممنوعه برای افغان‌ها را اعلان می‌کند» [Iran Issues List of Banned Cities, Banned]، رادیو آزاد اروپا/رادیو لیبرتی [Radio Free Europe/Radio Liberty]، ۳ ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.rferl.org/content/iran-list-of-university-courses-banned-for-afghans/24602340.html> (تاریخ دسترسی: ۴ ژوئن ۲۰۱۲). دولت ایران نسبت به مواد ۱۷ (اشتغال با دستمزد)، ۲۳ (امور خیریه دولتی)، ۲۴ (قوانین کار و بیمه اجتماعی)، و ۲۶ (آزادی رفت و آمد) کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، استثنائاتی را برای خود محفوظ نگاه داشته است.

در اثر تعیین «مناطق ممنوعه» تأثیر پذیرفته‌اند، سه انتخاب داده‌اند: بازگشت داوطلبانه، نقل مکان به مناطق مجاز، و نقل مکان به اردوگاه‌های پناهندگان.^{۱۵۶} هیچ‌گونه استثنائی برای مردمی که سالهای زیاد در این مناطقی که اخیراً «ممنوعه» اعلام شده‌اند، زندگی کرده‌اند و در جوامع آنجا عمیقاً ریشه کرده‌اند، وجود ندارد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر با چند مهاجر افغان و خانواده هایشان که به علت ادامه زندگی در مناطقی از کشور که «ممنوعه» اعلام شده بود، و یا به علت مسافرت و عبور از این مناطق، به دست نیروهای امنیتی، گرفتار و از کشور اخراج گردیدند، مصاحبه انجام داده است. نیروهای امنیتی برخی از این خانواده‌ها را علیرغم آنکه از پناهندگان ثبت نام شده بودند، به افغانستان باز گردانده‌اند.

ماجرای حکیم س. و خانواده

حکیم س، 3 ساله، می‌گوید: «ما در میناب زندگی می‌کردیم. اما آنها این شهر را به منطقه ممنوعه تبدیل کردند. آنها گفتند شما می‌توانید در اردوگاه [پناهندگان] در جای دیگری زندگی کنید، اما ما تصمیم گرفتیم که از آنجا نقل مکان نکنیم.» هنگامی که ما با حکیم صحبت کردیم، وی به همراه همسر ۳۰ ساله‌اش و فرزندان‌شان که ۱۱، ۲۰، ۵، و ۳ ساله بودند و نیز ۱۰ عضو دیگر خانواده همسرش در حال عبور از مرز و بازگشت به افغانستان بودند. این خانواده ۱۲ سال در ایران زندگی کرده بودند و می‌گویند تا دو سال پیش که مدارک آنها دیگر تجدید نشد، دارای مدارک معتبر پناهندگی بوده‌اند.

همسر حکیم اضافه کرد: «ما در میناب ماندیم زیرا پول کافی نداشتیم. من نمی‌دانم [که اصلاً می‌توانستیم به جای دیگری در ایران نقل مکان کنیم]. بعضی‌ها می‌گفتند می‌شود و بعضی دیگر هم می‌گفتند نمی‌شود. ما اکنون به دلیل تحصیل فرزندانمان [به افغانستان] باز می‌گردیم. آنها به فرزندان ما اجازه رفتن به مدرسه و یا به شوهرم اجازه کار کردن نمی‌دادند.» کار حکیم دستفروشی اشیاء مختلف در خیابان بود، اما او از ترس اینکه توسط پلیس دستگیر شود، دیگر این کار را هم انجام نمی‌داد. همسر وی گفت: «قبل از آن هم مشکلاتی وجود داشت، اما از ابتدای سال ۱۳۹۰ [۲۰۱۱ میلادی]^{۱۵۷} این مشکلات خیلی جدی‌تر شد. اگر وی به بازار رفته بود، دستگیر شده بود.»

هنگامی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با این خانواده مصاحبه کرد، آنها در حال بازگشت به ولایت کاپسیا بودند که محل اقامت نخست آنها بوده است. حکیم س. گفت: «ما در آنجا خانواده داریم اما هیچ خانه یا سرپناهی نداریم.»

^{۱۵۶} در سال ۲۰۱۰، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، با کمک کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، اجرای برنامه‌ای برای انتقال پناهندگان افغان به اردوگاه‌های پناهندگان را آغاز نمود، بخصوص برای آن دسته از افرادی که دیگر اجازه نداشتند در استان‌ها یا مناطقی زندگی کنند که برای افغان‌ها ممنوع اعلام شده بود. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، که نماینده آن در ایران در آن زمان کارلوس زاکاگینی بود این نقل مکان را ترغیب می‌کرد و معتقد بود که پناهندگان افغان در ایران اکنون این امکان را داشتند که داوطلبانه به افغانستان باز گردند و یا به مناطقی نقل مکان کنند که توسط دولت ایران، مناسب تشخیص داده شده است. یک نمونه انتقال به اردوگاه پناهندگان، تصمیم در باره انتقال حدود ۶،۰۰۰ پناهنده افغان بود که در اوایل ۲۰۱۱ وادار به ترک استان خوزستان شدند. بعضی از آنها تصمیم گرفتند در اردوگاه پناهندگان بنی نجار ساکن شوند که سابقاً محل استقرار پناهندگان عراقی بود. بسیاری ترجیح می‌دهند به اردوگاه پناهندگان نروند، زیرا علیرغم آنکه دولت ایران مسکن مجانی، تحصیل برای کودکان افغان، و خدمات دیگر برای آنها فراهم می‌کند، شرایط زندگی در آنجا دشوار است. نقل مکان کردن به اردوگاه، برای افرادی که سال‌ها یا دهه‌ها در یک آپارتمان یا خانه در یک شهر معمولی زندگی کرده‌اند، اغلب شدیداً ناراحت کننده است. دولت اصرار می‌ورزد که تنها ۳٪ پناهندگان افغان در حال حاضر در اردوگاه‌های پناهندگان در سراسر کشور زندگی می‌کنند. عدالت برای ایران [Justice for Iran]، «ایران، منطقه افغان ممنوع؟» [Iran: An Afghan Free Zone?]، ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

http://justiceforiran.org/wp-content/uploads/2012/06/Iran-anAfghanFreeZone-layout-Final.pdf (تاریخ دسترسی: ۶ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۱۵۷} بر طبق تقویم شمسی [علوی] که در ایران و افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، ۲۱ مارس نخستین روز سال جدید است، و سال ۱۳۹۰ هم در روز ۲۱ مارس ۲۰۱۱ آغاز شد.

سرگذشت نجیب ت. و خانواده

نجیب ت. ۵۵ سال دارد. وی و همسر ۴۵ ساله‌اش به همراه هشت فرزندشان ۱۸ سال در ایران زندگی کرده‌اند و تمام این سال‌ها را در میناب گذرانده‌اند. او می‌گوید: «ما کارت‌های سبز داشتیم، همان مدارک [پناهندگی] سازمان ملل. اما دولت ایران این مدارک را جمع‌آوری کرد و مدارک جدیدی صادر کرد که باید هر شش تا نه ماه تمدید می‌شد. آخرین مدرک، چندان معتبر نبود [و سپس] آن را هم از ما گرفتند.»

میناب در استان هرمزگان و در مرز خلیج فارس واقع شده است که اخیراً به «منطقه ممنوعه» تبدیل شد. نجیب گفت: «در حدود دو سال پیش افرادی از سازمان ملل آمدند و گفتند شما باید به تهران یا بعضی از مناطق دیگر نقل مکان کنید. آنها این کارت خروج را به ما دادند [تا این استان را ترک کنیم]. من درخواست پناهنجویی کردم ... اما آنها درخواستم را رد کردند و گفتند به مکان دیگری [در ایران] نقل مکان کن و سپس درخواست بده.»

نجیب و خانواده‌اش به این دستورالعمل‌ها و قعی نگذاشتند و در میناب ماندند زیرا فرزندانشان در آنجا مشغول تحصیل در مدرسه بودند. آنها گمان می‌کردند به ایشان اجازه ماندن در آنجا داده خواهد شد. وی ادامه داد: «ما فکر کردیم برویم اما بعداً [دولت ایران] عوض شد و به ما گفتند که می‌توانیم فرزندانمان را اینجا به مدرسه بفرستیم. یکی از مسئولین به ما گفت: "نقاط دیگری که ما به شما گفتیم بروید، اکنون بیش از حد افغان دارد، بنابراین شما نمی‌توانید به آن نقاط بروید."»

به گفته نجیب و همسرش، مدارس ایرانی در میناب در اوایل سال ۲۰۱۱ دانش‌آموزان افغان را اخراج کردند. همسرش گفت: «هنگامی که فرزندان ما [به علت خارجی بودن] از مدرسه اخراج شدند، تصمیم گرفتیم [ایران را] ترک کنیم. [اما دیگر خیلی دیر شده بود] ما دیگر مقیم قانونی نبودیم و بنابراین نمی‌توانستیم به جای دیگری برویم.» این خانواده تا دو یا سه سال پیش که دولت، استان هرمزگان را «منطقه ممنوعه» اعلام کرد، مدارک پناهندگی خود را تمدید کرده بودند. آنها تصمیم گرفتند از آن محل نقل مکان نکنند که همین مسئله نهایتاً سبب انقضای اعتبار مدارک آنها شد. نجیب گفت بعداً هنگامی که برای تمدید اعتبار مدارک خود مراجعه کرده بود، سازمان ملل به آنها گفت: «دیگر مدارک پناهندگی ایشان معتبر نیست زیرا [آنها بندر عباس را] ترک نکردند» و اکنون دیگر نمی‌شد برای آنها کاری کرد.

هنگامی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با آنها مصاحبه نمود، آنها تصمیم داشتند به ولایتی در مرکز افغانستان که در اصل به آنجا تعلق داشتند، بازگردند، اگر چه خانه‌ای در آنجا ندارند.

دولت ایران در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، چندین حق را برای خود محفوظ نگاه داشته است، از جمله در مورد ماده ۲۶ که مربوط به آزادی عبور و مرور است. بر اساس ماده ۲۶ کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ایران ملزم است این حق بنیادین را برای پناهندگان تضمین کند که بتوانند محل اقامت خود را تعیین کنند و بتوانند آزادانه در سراسر ایران سفر کنند.^{۱۵۸} ایران تنها می‌تواند برای تردد مردم در ایران، محدودیت‌هایی را قائل شود - که این برای افراد تبعه و غیر تبعه باید یکسان باشد^{۱۵۹} - و آن هم در صورتی است که

^{۱۵۸} ماده ۲۶ کنوانسیون سال ۱۹۵۱ پناهندگان تصریح می‌کند: «هر یک از دول متعاقد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن دولت بسر می‌برند حق خواهد داد که محل سکونت خود را انتخاب کرده و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند، مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در این گونه موارد درباره خارجی‌ان اجرا می‌شود.» ماده (۱) ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تصریح می‌کند که: «هر کس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.»

^{۱۵۹} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۱۵، «موقعیت بیگانگان بر طبق میثاق» (نشست بیست و هفتم، ۱۹۸۶)، ۱۱ آوریل ۱۹۸۶، قابل دسترسی در:

[http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/bc561aa81bc5d86ec12563ed004aaa1b?opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/bc561aa81bc5d86ec12563ed004aaa1b?opendocument) (تاریخ دسترسی: ۲۳ آوریل ۲۰۱۰)، پاراگراف‌های ۲، ۷، و ۸.

«به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد.»^{۱۶۰} علاوه بر آن، این محدودیت‌ها باید تبعیض آمیز نباشند، بر طبق قوانین کشور باشند، و انجام آن برای نیل به یک یا چند هدف مشروع، «ضروری» باشد. هر یک از چنین محدودیت‌هایی که برای آزادی آمد و شد شخص گذاشته می‌شود باید با هدفی که مورد نظر این محدودیت است، متناسب باشد، یعنی، باید آن را به دقت در برابر دلیل بخصوصی که برای محدودیت تعیین شده، وجود دارد، جرح و تعدیل کرد.^{۱۶۱}

هر گونه محدودیتی که بر آزادی عبور و مرور گذاشته می‌شود، نباید باعث تبعیضی گردد،^{۱۶۲} که ذیلاً توسط کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد توضیح داده شده است. این کمیته که ارگان اصلی پیمان‌های بین‌المللی است و وظیفه آن نیز تفسیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (یعنی پیمان اصلی حقوق بشر که ایران هم از امضاء کنندگان آن است)، توضیح می‌دهد [که تبعیض عبارت است از]:

هر گونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا ترجیحی که بر پایه دلایلی از قبیل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد یا وضعیت‌های دیگر باشد و هدف یا نتیجه آن، بی تأثیر ساختن یا تضعیف شناسایی رسمی، برخورداری، و اجرای کلیه حقوق و آزادی‌ها به وسیله تمام افراد به طور مساوی باشد.^{۱۶۳}

هر گونه برخورد نابرابر بین افراد غیر تبعه و تبعه به دلیل تابعیت آنها باید جداً قابل توجیه باشد و معمولاً به حقوق سیاسی (از قبیل حق رأی دادن)^{۱۶۴} محدود گردد. محدودیت‌های مربوط به آزادی عبور و مرور باید به وضوح و به دقت در قوانین کشوری مشخص شوند.^{۱۶۵} دلایل اصلی برای این الزام، پیشگیری از تصمیمات خودسرانه و سوء استفاده توسط مقامات کشور^{۱۶۶}، و کسب اطمینان از این امر است که افرادی که حق آمد و شد ایشان محدود شده است، از حقوق خود آگاهند. اینگونه محدودیت‌ها همچنین باید به وسیله یک یا چند مورد از اهداف مشروع ذیل که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قید گردیده‌اند، توجیه پذیر باشند: امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی، و یا حقوق و آزادی‌های دیگران. کشوری که از یکی از این اهداف به عنوان توجیهی برای محدود ساختن آزادی تردد افراد استفاده می‌کند باید بتواند مشخصاً توضیح دهد اگر فی‌المثل افرادی که از آمد و شد در مناطق خاصی محروم

^{۱۶۰} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده (۳) ۱۲.

^{۱۶۱} Manfred Nowak [Manfred Nowak]، میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل: تفسیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی (Kehl am Rein: N.P. Engel, 1993) صص. ۳۸۶-۳۸۷.

^{۱۶۲} «کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱»، مواد ۳ و ۲۶، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ۲۶.

^{۱۶۳} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی ۱۸»، عدم تبعیض، (نشست سی و هفتم، ۱۹۸۹)، ۱۹ نوامبر ۱۹۸۹، قابل دسترسی در:

^{۱۶۴} (۲۰۱۰)، پاراگراف ۶. <http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/o/3888b0541f8501c9c12563ed004b8d0e?Opendocument> (تاریخ دسترسی: ۱۸ مه

^{۱۶۵} «حقوق اتباع بیگانه» [The Rights of Non-Citizens]، دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر، ۲۰۰۶، قابل دسترسی در: <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/noncitizensen.pdf> (تاریخ دسترسی: ۱ ژوئن ۲۰۱۰). ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ممکن است محدودیت‌های خاصی را در باره اتباع بیگانه که حضورشان در کشور، قانونی نیست، مجاز بداند. همچنین نگاه کنید به «کنوانسیون پایان دادن به تبعیض نژادی»، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع انواع تبعیض‌های نژادی، تفسیر عمومی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، معاهدات سازمان ملل، جلد ۶۶۰، ص. ۱۹۵، قابل دسترسی در:

^{۱۶۶} <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b394o.html> (تاریخ دسترسی: ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳).

^{۱۶۷} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی ۲۷»، آزادی عبور و مرور (ماده ۱۲)، سند سازمان ملل CCPR/C/21/Rev.1/Add.9، ۲۰ نوامبر ۱۹۹۹، قابل دسترسی در:

^{۱۶۸} [http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/6c76e1b8ee1710e380256824005a10a9?Opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/6c76e1b8ee1710e380256824005a10a9?Opendocument) (تاریخ دسترسی: ۲۳ آوریل ۲۰۱۰)، پاراگراف ۱۲.

^{۱۶۹} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی ۲۷»، پاراگراف ۱۳.

گردیده‌اند، در آن نقاط ممنوعه رفت و آمد کنند، این امر چگونه امنیت ملی را به مخاطره خواهد انداخت. این اقدامات باید با اهداف مشروعی که در پی آن هستیم، متناسب باشند.^{۱۶۷}

محدودیت‌های آزادی عبور و مرور باید برای نیل به هدف، ضروری باشند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است: «برای آنکه این محدودیت‌ها، موجه شمرده شوند، باید قانوناً تصریح شده باشند، باید در یک جامعه دموکراتیک برای حفظ این مقاصد لازم باشند، و باید با تمام حقوق دیگری که در این میثاق به رسمیت شناخته شده‌اند، هماهنگی داشته باشند.»^{۱۶۸} بر طبق اصول سیراکوسا،^{۱۶۹} که مجموعه‌ای از اصول معتبر است و توسط متخصصین بین‌المللی به عنوان راهنمای تفسیر اینگونه محدودیت‌های مجاز، نوشته شده، محدودیت‌هایی «ضروری» محسوب می‌شوند که: (الف) بر پایه یکی از دلایلی باشند که محدودیت‌های به رسمیت شناخته شده توسط ماده مربوطه در میثاق را توجیه کنند؛ (ب) در پاسخ به یک نیاز میرم عمومی یا اجتماعی، طرح شده باشند؛ (ج) هدف مشروعی را دنبال کنند؛ و (د) با آن هدف متناسب باشند.

علاوه بر آن، هر گونه ارزیابی برای لزوم وجود یک محدودیت، باید بر پایه ملاحظات عینی انجام شده باشد.

بالاخره آنکه، هر گونه محدودیت بر آزادی آمد و شد، برای رسیدن به هدف مشروع مورد نظر، باید تا حد امکان، حداقل محدودیت را ایجاد کند. برای تشخیص اینکه حداقل محدودیت ممکن، چیست، کشور مورد نظر باید بین سه عامل، تعادل برقرار کند: (۱) حد محدودیت مزبور؛ (۲) تأثیری که بر روی برخورداری مردم از حق مورد بحث، گذاشته می‌شود و هر تأثیر منفی دیگری که بر روی زندگی‌های آنها می‌گذارد؛ و (۳) اینکه چرا این محدودیت برای رسیدن به هدف مورد نظر، لازم است.

کشور باید بر طبق اصولی که در فوق بیان شد، میان این عوامل تعادلی ایجاد کند. برای مثال مجبور کردن یک گروه برای ماندن در اردوگاه، نقض آزادی عبور و مرور آنها محسوب می‌شود مگر آنکه مسئولین بتوانند نشان دهند که محدودیت مزبور بر پایه قوانین شفاف و دقیق، هدف مشروعی را پیش می‌برد، ابزاری است که برای رسیدن به هدف مزبور، کمترین محدودیت را ایجاد می‌کند (که البته باید تعداد افراد متأثر از این جریان، میزان و دوره این محدودیت، و تأثیری که بر روی زندگی مردم می‌گذارد را در نظر گرفت)، و اینکه در مقایسه میان تأثیرات منفی ناشی از این محدودیت و هدف مشروع مورد نظر، بتوان نشان داد که محدودیت مزبور، متناسب بوده و تبعیض آمیز نیست.

سیاست «مناطق ممنوعه» ایران با هیچیک از معیارهای مشروع در فوق، مطابقت ندارد. این سیاست به طور بی‌شرمانه و خودسرانه، آزادی تردد را محدود کرده و میان اتباع ایرانی و غیر ایرانی تبعیض قائل می‌شود، و اتباع خارجی را از آزادی سفر محروم می‌کند. علاوه بر آن، اتباع افغان در مقایسه با اتباع خارجی دیگر، از جمله پناهندگان عراقی، با محدودیت‌های بیشتری در زمینه آزادی تردد خود روبرو هستند. مقامات ایرانی گفته‌اند که سیاست مزبور برای حفظ امنیت ملی ضروری است، اما این استدلال کلی نمی‌تواند ممنوعیت گسترده و سراسری خارجی‌ان از ورود به بخش‌هایی از کشور را توجیه کند.

^{۱۶۷} «حقوق سیاسی پناهندگان»، کمیسیرای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، سند شماره PPLA/2003/04، نوامبر ۲۰۰۳ قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/refworld/pdfid/3fe820794.pdf> (تاریخ دسترسی: ۴ مه ۲۰۱۰).

^{۱۶۸} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی ۲۷»، پاراگراف ۱۱.

^{۱۶۹} «اصول سیراکوسا در باره شرایط محدودیت و نقصان میثاق حقوق مدنی و سیاسی»، سند شماره E/CN.4/1985/4، ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۴.

محروم نمودن از تحصیل و ممانعت نکردن از کار کودکان

دسترسی به تحصیل اغلب به عنوان یکی از منافع بزرگی نام برده شده که بسیاری از پسران و دختران افغان در نتیجه زندگی در ایران به دست آورده‌اند.^{۱۷۰} مدیر کل اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی اخیراً اعلام کرد که ۲۸۰،۰۰۰ دانش آموز افغان دوره ابتدایی و متوسطه، و نیز ۱۱،۰۰۰ دانشجوی افغان در حال حاضر در مؤسسات آموزشی ایران در حال تحصیل هستند.^{۱۷۱} اما با وجود این، بخش قابل ملاحظه‌ای از مهاجرین فاقد مدارک افغان در ایران، در نتیجه سیاست‌های ایران، از تحصیل محروم هستند.

در حال حاضر، دولت ایران تضمین نمی‌کند که کودکان افغان بدون مدارک معتبر پناهندگی (کارت‌های آمایش) بتوانند در مدرسه حضور یابند.^{۱۷۲} دولت ایران همچنین از کودکان افغان دارای مدرک می‌خواهد که هزینه تحصیل در مدرسه را بپردازند که البته به گفته مقامات ایران، مبلغی جزئی است اما برخی از افغان‌ها می‌گویند این مبلغ، هنگفت است. بر طبق اظهارات کمیسری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، شهریه مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۲۰۱۲ در نتیجه قطع یارانه‌ها، افزایش یافت، که هم بر روی اتباع ایران و هم پناهندگان، اثر گذاشت. شهریه مدارس در سال تحصیلی ۱۳-۲۰۱۲ نسبت به سال تحصیلی قبل، بین ۴۲٪ تا ۵۰٪ افزایش داشته است.^{۱۷۳}

بسیاری از کودکان بدون مدارک معتبر عملاً از تحصیل محروم می‌شوند و در خطر روی آوردن به کارهای پر مخاطره یا بهره‌کشی قرار می‌گیرند. تعداد زیادی از کودکانی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند از کودکان بدون سرپرست بوده و برای کار به ایران آمده بودند. آنها تعریف کردند که حتی از سن نه سالگی در کارهای ساختمانی (از جمله کاشی کاری و جوشکاری)، کشاورزی، و قالبیابی به کار پرداخته‌اند. افغان‌هایی که به دانشگاه راه می‌یابند، با محدودیت‌های شدیدی در زمینه رشته تحصیلی مواجه هستند و آنهایی که دارای مدرک پناهندگی هستند، برای ثبت نام در دانشگاه، عملاً مجبور به دست کشیدن از وضعیت پناهندگی خود می‌شوند.

تعهد ایران برای تضمین دسترسی تمام کودکان به تحصیل، صرف نظر از وضعیت اقامت آنان، و نیز فراهم آوردن تحصیلات ابتدایی به طور رایگان، بر پایه میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک قرار دارد و ایران از تصویب کنندگان هر دوی آنهاست. میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک، به ترتیب در مواد ۱۳ و ۲۸ خود، حق تحصیل را عنوان می‌کنند. ماده ۲،۲ میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و فرهنگی و نیز ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک تبعیض به دلیل ملیت یا منشاء اجتماعی، تولد و امثالهم را ممنوع می‌کنند.

^{۱۷۰} برای مثال: فریبا عادلخواه و زوزانا اولچسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [The Iranian Afghans], Iranian Studies، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در: <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، ص. ۱۴۵.

^{۱۷۱} «صدور کارت‌های بیمه جدید برای اتباع مجاز افغان در ایران»، اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، ۸ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://bafia.moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=a25b3683-80cc-48ec-810c-29ca2ea14479&WebPartID=2025af47-c2e4-43bc-82d5-c075ae63294b&ID=c54b15ba-025e-417e-afeg-ccd93aa273dc> (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۱۷۲} «صدور کارت‌های بیمه جدید برای اتباع مجاز افغان در ایران»، اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، ۸ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://bafia.moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=a25b3683-80cc-48ec-810c-29ca2ea14479&WebPartID=2025af47-c2e4-43bc-82d5-c075ae63294b&ID=c54b15ba-025e-417e-afeg-ccd93aa273dc> (تاریخ دسترسی: ۶ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۱۷۳} کمیسری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «استراتژی راه حل برای پناهندگان افغان، به روز شده»، سپتامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://refworld.org/docid/511e470e2.html> (تاریخ دسترسی: ۸ ژوئیه ۲۰۱۲)

محدودیت دسترسی به تحصیل

در دهه ۱۹۸۰ بیشتر افغان‌ها در ایران قادر به دریافت اجازه اقامت و کار بودند که عملاً همان حقوقی را که به اتباع ایرانی تعلق می‌گرفت در اختیار آنها نیز قرار می‌داد، که تحصیل و مراقبت‌های پزشکی رایگان، و نیز یارانه‌های مواد غذایی از آن جمله بودند.^{۱۷۴} تا اواسط دهه ۹۰، سیاست ایران که هدفش جلوگیری از ورود پناهندگان و پناهجویان افغان و تشویق به بازگشت آنها بود، وضعیت بسیاری از مهاجرین افغان را فاقد مدارک دانسته بود که در عمل، دستیابی آنها به تحصیل، مراقبت‌های درمانی و یارانه‌های دولتی را غیر ممکن می‌ساخت.^{۱۷۵} ارقام سازمان ملل تا سال ۱۹۹۸ حاکی از آن بود که فقط یک سوم کودکان افغان در مدارس دولتی ایران ثبت نام شده بودند،^{۱۷۶} در حالی که ایران با تصویب کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی، موظف است برای تمام کودکانی که در قلمرو این کشور زندگی می‌کنند، بدون توجه به وضعیت مهاجرتی آنان، تحصیلات رایگان فراهم کند.^{۱۷۷} این [ارقام] با میزان بالای شرکت همگانی در مدارس در ایران، در تضاد است، به طوری که بر طبق اظهارات سازمان یونسف، ۹۹٪ جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله در ایران باسواد هستند و ۹۴٪ مردم، دوره آموزش ابتدایی را به اتمام می‌رسانند.^{۱۷۸}

امروز، فرزندان افغان‌هایی که به عنوان پناهنده ثبت نام نشده‌اند، عملاً از ورود به مدارس دولتی ایران ممنوع هستند. درد و رنج این کودکان، به اضافه کودکان پناهنده‌ای که واجد شرایط هستند اما خانواده‌های ایشان استطاعت مالی کافی برای پرداخت هزینه‌های مدرسه را ندارند، سبب به وجود آمدن تعداد زیادی «مدارس افغان» به وسیله افغان‌ها در ایران شده است. این مدارس که نه دولت ایران به آنها جواز می‌دهد و نه آنها را کنترل می‌کند،^{۱۷۹} از نظر کیفی، یکسان نیستند، و این نیز تا حدی به علت کمبود شدید منابع [گوناگون] است.^{۱۸۰} هزینه‌های این مدارس کمتر از هزینه مدارس ایرانی است و برخی هم از خانواده‌های فقیر شهریه دریافت نمی‌کنند و از کمک‌های اهدایی مردم برای تأمین

^{۱۷۴} الهه رستمی پوی، «پناهندگان افغان در ایران، پاکستان، بریتانیا و ایالات متحده، و زندگی پس از بازگشت: تحلیلی جامع از جنسیت»، مطالعات ایرانی [Iranian Studies]، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۶۱-۲۴۱، سال ۲۰۰۷، ص. ۲۴۲.

^{۱۷۵} آگاتا بیالچیک، «بازگشت داوطلبانه و موضوع افغانستان: یک ارزیابی دقیق» دانشگاه آکسفورد، اوراق تحقیقاتی مرکز مطالعات پناهندگان [Agata Bialczyk, "Voluntary Repatriation" and the Case of Afghanistan: A Critical Examination, University of Oxford, Refugee Studies Centre Working Paper Series]، سند شماره ۴۶، ژانویه ۲۰۰۸، ص. ۲۱.

^{۱۷۶} فریبا عادلخواه و زوزانا اولجسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Fariba Adelkhan & Zuzanna Olszewska, "The Iranian" Afghans, Iranian Studies]، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در: <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، ص. ۱۴۵.

^{۱۷۷} میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اتخاذ شده در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، قطعنامه مجمع عمومی شماره 2200A (XXI)، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۲۱، سند ۱۶ [21 U.N. GAOR Supp. (No. 16)]، ص. ۴۹، سند سازمان ملل A/6316 (1966)، معاهدات سازمان ملل متحد، سری ۹۹۳، بخش ۳ [3 U.N.T.S. 993]، از ۳ ژانویه ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شده، ماده ۲؛ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲. ایران همچنین از امضاء کنندگان کنوانسیون منع تبعیض تحصیلی یونسکو است. بر طبق این کنوانسیون کشورها توافق کرده‌اند که «به اتباع خارجی مقیم کشورشان همان امکانات دسترسی به تحصیل را بدهند که به اتباع خودشان می‌دهند.» کنوانسیون منع تبعیض تحصیلی، تاریخ تصویب: ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، کنفرانس عمومی یونسکو، نشست یازدهم، پاریس، از تاریخ ۲۲ مه ۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شده، ماده ۳ [تاریخ تصویب توسط ایران: ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸].

^{۱۷۸} یونسف، «آمار جمهوری اسلامی ایران» [UNICEF, Islamic Republic of Iran statistics]، به روز شده در ۲۶ فوریه ۲۰۰۳، قابل دسترسی در: http://www.unicef.org/infobycountry/iran_statistics.html (تاریخ دسترسی: ۱۳ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۱۷۹} فریبا عادلخواه و زوزانا اولجسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Fariba Adelkhan & Zuzanna Olszewska, "The Iranian" Afghans, Iranian Studies]، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در: <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، صص. ۱۴۵-۱۴۶.

^{۱۸۰} کمیته پناهندگان و مهاجران ایالات متحده آمریکا، «تقلای مدارس افغان در ایران» [US Committee for Refugees and Immigrants, "The Struggle of Afghan Schools in Iran,"]، ۲۹ ژوئن ۱۹۹۹، قابل دسترسی در <http://reliefweb.int/report/afghanistan/struggle-afghan-schools-iran> (تاریخ دسترسی: ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳).

هزینه‌ها استفاده می‌کنند.^{۱۸۱} مقامات ایرانی متناوباً این مدارس را تعطیل کرده‌اند و برخی اوقات هم با آنها مدارا کرده‌اند.^{۱۸۲} این مدارس غیر رسمی، به طور کلی، برنامه آموزشی ایران را دنبال می‌کنند و مدارک تحصیلی صادر شده توسط آنها می‌تواند به وسیله سفارت افغانستان تأیید شود به طوری که در افغانستان معتبر باشد.^{۱۸۳} در سال ۹۹-۱۹۹۸ سازمان ملل تخمین زد ۱۴,۰۰۰ کودک در این مدارس غیر رسمی فقط در تهران و مشهد به تحصیل اشتغال دارند و این رقم ممکن است به دنبال محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت ایران نسبت به افغان‌ها در مدارس ایرانی، افزایش یافته باشد.

در سال ۲۰۰۴، دولت ایران از خانواده‌های افغان، برای حضور هر یک کودک افغان در مدارس ایرانی شروع به مطالبه مبلغی معادل ۱۵۰ دلار آمریکا در سال کرد که به نظر می‌رسد تلاشی برای تشویق افغان‌ها به ترک ایران و بازگشت به افغانستان بوده باشد.^{۱۸۴} کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان با این هزینه‌های جدید مخالفت کرده و در اعتراض به این عمل، پرداخت یارانه تحصیلی کمیسریای عالی به دولت ایران به منظور پشتیبانی از تحصیل کودکان پناهنده افغان را متوقف ساخت.^{۱۸۵} از آن زمان به بعد، مبلغ ۱۵۰ دلار مذکور، کاهش یافته است. در حال حاضر، کودکان افغان که دارای کارت‌های آمایش معتبر هستند، می‌توانند در مدرسه ابتدایی به تحصیل پردازند اما باید رسماً مبلغ ۵۰,۰۰۰ تومان (معادل ۴۰ دلار آمریکا) را پرداخت کنند.^{۱۸۶} به گفته کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و مقامات رسمی ایران، در حال حاضر تعداد ۲۳۰,۰۰۰ کودک افغان در مدارس ابتدایی ایران مشغول تحصیل هستند.^{۱۸۷} اطلاعات واصله توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر حاکی از آن است که هزینه‌های تحصیل در دوره ابتدایی و متوسطه برای کودکان افغان دارای مدارک، بسته به شرایط خاص هر خانواده، از ۱۵ دلار آمریکا (۵۰,۰۰۰ تومان) تا ۷۰ دلار آمریکا (۲۵۰,۰۰۰ تومان) متغیر است.

در سال ۲۰۰۶، دولت ایران علیه دستیابی افغان‌ها به تحصیل، شدیداً به مبارزه پرداخت و بسیاری از مدارس افغان را تعطیل کرد و بدین ترتیب بعضی از کودکان پناهنده را مجبور کرد با پرداخت پول، در مدارس ایرانی ثبت نام کنند و

۱۸۱ فریبا عادلخواه و زوزانا اولچسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Iranian Studies]، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در: <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، صص. ۱۴۶-۱۴۵.

۱۸۲ همان، و بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique]، ص. ۴.

۱۸۳ فریبا عادلخواه و زوزانا اولچسکا، «افغان‌های ایرانی»، مطالعات ایرانی [Iranian Studies]، جلد ۴۰، نسخه ۲، ۲۰۰۷، صص. ۱۶۵-۱۳۷، قابل دسترسی در: <http://dx.doi.org/10.1080/00210860701269519> (تاریخ دسترسی: ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲)، صص. ۱۴۶-۱۴۵.

۱۸۴ فرانسس هریسون، «پناهندگان افغان در ایران برای ترک کشور تحت فشار هستند»، بی بی سی [Iran's Afghan Refugees feel pressure to leave]، ۱ نوامبر ۲۰۰۴، قابل دسترسی در: http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/3971711.stm (تاریخ دسترسی: ۳۰ مه ۲۰۱۲).

۱۸۵ همان.

۱۸۶ «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲. یکی از مصاحبه شوندگان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت از او سه برابر این مبلغ را گرفته اند. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با علی ن.»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

۱۸۷ «ایران در جستجوی راهی برای بازگرداندن افغان‌ها»، ایران دیلی [Iran Exploring Ways to Repatriate Afghans]، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

http://www.iran-daily.com/1391/6/26/MainPaper/4330/Page/2/MainPaper_4330_2.pdf

(تاریخ دسترسی: ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

کودکان فاقد مدارک را هم از دسترسی به تحصیل محروم ساخت.^{۱۸۸} بر اساس گزارش‌ها، در ۲۶ اوت ۲۰۰۹، رئیس جمهور احمدی نژاد حکمی صادر کرد که به تمام کودکان افغان، چه دارای مدارک و چه فاقد مدارک، اجازه می‌دهد پس از ثبت نام در اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی و پرداخت شهریه، در مدارس ابتدایی و متوسطه ایران به تحصیل پردازند.^{۱۸۹} به گفته دولت ایران، به دنبال صدور این حکم، ۶۰،۰۰۰ کودک جدید افغان از این فرصت استفاده کرده و به مدارس راه یافتند.^{۱۹۰} اما به هر حال تا اواخر سال ۲۰۱۰، سفارت افغانستان در تهران گزارش کرد که دوباره تمامی افغان‌های فاقد مدارک از شرکت در مدارس ایرانی ممنوع گردیده‌اند.^{۱۹۱} در اواخر سال ۲۰۱۱، یک سخنگوی سفارت ایران در کابل، ابراز داشت که دولت ایران کودکان افغان را در امر تحصیل کاملاً یاری می‌کند،^{۱۹۲} اما تحقیقات سازمان دیده‌بان حقوق بشر نشان می‌دهد که بسیاری از کودکان هنوز در سطوح ابتدایی و متوسطه دسترسی به امکانات آموزشی ندارند.

در مصاحبه‌هایی که افغان‌های اخراجی و بازگشت کننده با سازمان دیده‌بان حقوق بشر انجام دادند، دائماً این نکته را خاطر نشان ساختند که خانواده‌های فاقد مدارک، اجازه ندارند فرزندانشان را در مدارس ایرانی، از جمله مدارس ابتدایی ثبت نام کنند. حبیبه، ۳۰ ساله، در سال ۲۰۱۲ به همراه شوهرش، ۵ فرزندش که ۱۰، ۷، ۶، ۵، و ۲ ساله هستند و نیز برادرش و همسر و خانواده برادرش، [از ایران] اخراج شدند. او می‌گوید: «ما نتوانستیم فرزندمان را در مدرسه ثبت نام کنیم، زیرا فاقد مدارک بودیم.»^{۱۹۳}

برخی از خانواده‌هایی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر مورد مصاحبه قرار گرفتند توانسته بودند فرزندانشان را در «مدارس افغان» جداگانه ثبت نام کنند، اما سپس مجبور شده بودند آنها را از مدرسه خارج کنند زیرا حتی برای پرداخت هزینه‌های کم این مدارس هم، توان مالی کافی نداشتند.^{۱۹۴} سید صفا ح.، ۴۲ ساله، پس از آنکه دو سال را در ایران سپری کرده بود و با وجود آنکه خانواده وی دارای مدارک قانونی برای اقامت بودند، تصمیم گرفت به افغانستان برگردد، و این تا حدی به دلیل آن بود که وی قادر به پرداخت هزینه تحصیل سه فرزندش نبود. او می‌گوید: «در ایران اگر بیشتر از یک بچه داشته باشید، زندگی خیلی دشوار می‌شود. وضعیت تغذیه فرزندان من خوب نیست. آنها به مدرسه نمی‌روند. من نیاز به پول دارم. من حتی نمی‌توانم مخارج غذای آنها را تأمین کنم.»

نرگس، ۳۵ ساله و مادرش به همراه خانواده شان و به کمک یک قاچاقچی، ۱۳ سال پیش به ایران رفتند، اما بعد، خانواده آنها مدارک پناهندگی گرفتند. او می‌گوید: «ما نه سال پیش برای تمام اعضاء خانواده، کارت‌های پناهندگی [آمایش] گرفتیم و مرتباً این کارت‌ها را تجدید کردیم.» وی ادامه می‌دهد که: «اما در سال ۲۰۰۶، شوهر من مجبور شد

^{۱۸۸} بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique]، ص. ۴.

^{۱۸۹} همان. سازمان دیده‌بان حقوق بشر علیرغم تلاش‌های فراوان خود، قادر نبوده است نسخه‌ای از این حکم را به دست آورد.

^{۱۹۰} همان. سازمان دیده‌بان حقوق بشر قادر نبوده است از طریق منابع مختلف صحت این عدد را تأیید کند.

^{۱۹۱} همان.

^{۱۹۲} محمد جواد شریف زاده، «کودکان افغان در ایران از تحصیل محروم هستند» [Afghan children in Iran deprived of education]، پژواک افغان نیوز [Pajhwok Afghan News]، ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: <http://www.pajhwok.com/en/2011/10/27/afghan-children-iran-deprived-education> (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۱۹۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حبیبه»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۹۴} یکی از مصاحبه شونده‌گان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت وی مجبور بود برای حضور پسرش در یک «مدرسه افغان»، هر ماه ۸ دلار آمریکا بپردازد. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با علی ن.»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

به همراه خانواده خواهرش به افغانستان باز گردد زیرا خواهرش در اثر ابتلا به سرطان درگذشت... در مرز، مأموران ایرانی ... کارت او را پاره کردند.»^{۱۹۵}

شوهر نرگس پس از ۶ ماه با یک گذرنامه معتبر به ایران بازگشت و خانواده آنها برای دو سال هیچ مشکلی نداشتند. اما سپس مسئولین مدرسه راهنمایی‌ای که دختران نرگس در آن مشغول به تحصیل بودند گفتند که دخترانش دیگر نمی‌توانند در این مدرسه تحصیل کنند. پس از آنکه کارت شوهر نرگس باطل شده بود، تمام خانواده آنها، وضعیت پناهندگی خود را از دست داده بودند با وجود آنکه بقیه خانواده در تمام این مدت دائماً در ایران به سر برده بودند. خانواده آنها در ایران باقی ماند بدون آنکه در طی شش سال بعد بتوانند فرزندانشان را به مدرسه بفرستند.^{۱۹۶}

برخی از کودکانی که قادر به شرکت در مدرسه نیستند، در عوض به صورت کارگر به کارهای پرمخاطره می‌پردازند. جمال ج.، ۱۲ ساله، به عنوان قالبیاف در ایران به کار پرداخت. او نتوانست به مدرسه برود. عموی او به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «او اجازه نداشت به مدرسه برود، زیرا ما دارای مدارک قانونی برای اقامت نبودیم.»^{۱۹۷}

نادر ر. ۱۴ سال دارد و از ولایت بامیان در افغانستان آمده است. او در ۸ سالگی به همراه پدر و مادر و خواهر و برادرانش به ایران رفت و از ۹ سالگی شروع به کار کرد. اگر چه نادر پیش از فرار خانواده‌اش به ایران، در افغانستان به مدرسه می‌رفت، اما گفت که: «من در ایران نمی‌توانستم به مدرسه بروم. من اجازه شرکت در مدرسه نداشتم و هزینه‌اش هم خیلی سنگین بود. افرادی که دارای مدارک بودند می‌توانستند در مدرسه تحصیل کنند اما خیلی گران بود. مردمی هم که مدارک اقامت ندارند، نمی‌توانند به مدرسه بروند.» نادر در عوض، در کارهای ساختمانی به کار پرداخت. او در بین ۴ برادر و ۳ خواهر، دومین برادر بزرگتر است؛ برادرهایش نیز کار می‌کنند.^{۱۹۸}

امان‌الله، ۱۵ ساله، در ایران متولد شد، اما او و خانواده‌اش گاهی به افغانستان سفر کرده‌اند و مجدداً به ایران باز گشته‌اند. امان‌الله فقط تا سن ۷ سالگی تحصیل کرده است و از حدود ۹ یا ۱۰ سالگی به عنوان جوشکار، شروع به کار کرده است.^{۱۹۹}

تعدادی از سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی، کلاس‌های رایگان خواندن و نوشتن برای کودکان و بزرگسالان افغان تشکیل می‌دهند، که گاهی اوقات هزینه آن را کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تأمین می‌کند و این

^{۱۹۵} پاره کردن کارت پناهندگان به علت آنکه آنها برای یک ضرورت خانوادگی به کشور خود بازگشته اند، برداشتن اشتباه از مفهوم خاتمه یافتن وضعیت پناهندگی بر طبق قانون بین‌المللی پناهندگی است. وضعیت پناهندگی هنگامی خاتمه می‌یابد که شخص خود را در کشور مبدأش «مستقر سازد». بازگشت برای دوره‌ای مختصر به علت آنکه وفاتی در خانواده اتفاق افتاده است، سبب مستقر شدن شخص و تثبیت ارتباطات او با کشور مبدأ خود نمی‌شود.

^{۱۹۶} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نرگس»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۹۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با جمال ج. و عموی او»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲. تنها گزینه موجود برای کودکان افغان ساکن ایران که به علت موانع، قادر به تحصیل نیستند، کودک کار است. بسیاری از والدین و کودکانی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه شدند، گزارش کردند کودکان فاقد مدارک به علت آنکه قادر به تحصیل نبودند، اغلب در سنین بسیار کم، به کار می‌پرداختند. این مشکل توسط دیگران هم مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله بروس کوپک است. بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ص. ۱۲. ایران بر طبق کنوانسیون حقوق کودک مسئولیت دارد محدودیت‌هایی برای کار کودکان تعیین کند و آنها را به موقع اجرا گذارد. «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده ۳۲.

^{۱۹۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نادر ر.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۱۹۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با امان‌الله»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

کلاس‌ها اغلب تنها نوع تحصیل است که در اختیار آنان قرار دارد.^{۲۰۰} نیبله، ۲۵ ساله، در سن ۱۰ سالگی به همراه خانواده‌اش به ایران رفت. او گفت: «من به مدرسه نرفتم» زیرا خانواده‌اش مقیم فاقد مدارک بودند. او در ادامه گفت: «اما من در این کلاس‌های سواد آموزی شرکت کردم.» وحیده، خواهر ۱۸ ساله وی گفت که این کلاس‌ها سه ساعت در روز و ۵ روز در هفته بود.^{۲۰۱}

ایران متعهد است تضمین کند که تمام این کودکان بدون توجه به وضعیت اقامت یا موقعیت قانونی خود، به تحصیل دسترسی داشته باشند، و اینکه این دسترسی، به کلیه سطوح تحصیلی مربوط شود، و همچنین تحصیل در سطح ابتدایی برای تمام کودکان، رایگان باشد. ایران همچنین متعهد است با در نظر گرفتن موقعیت‌هایی که کودکان در آن به تحصیل دسترسی نداشته‌اند، از پیش و فعالانه در جهت رفع این مشکل اقدام کند.^{۲۰۲} غفلت و/یا اقدامات تعدی ایران در این زمینه، نقض تعهدات بین‌المللی این کشور محسوب می‌شود.

مبادلات دانشگاهی

به گفته وابسته فرهنگی سفارت ایران در کابل، بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، حدود 11,000 دانشجوی افغان از دانشگاه‌های ایران فارغ التحصیل شدند و در حدود ۳۵۰۷ افغان از جمله ۲,۰۰۰ دختر در آزمون‌های ورودی دانشگاه پذیرفته شده و واجد شرایط ثبت نام شدند.^{۲۰۳} اما به هر حال دولت ایران به طور فزاینده‌ای از امکان شرکت افغان‌ها در تحصیلات عالی در ایران، جلوگیری می‌کند.

در سال ۲۰۱۲ دولت ایران لایحه‌ای را ارائه کرد که از پناهندگان افغان که مایل به شرکت در دانشگاه‌های ایران بودند، می‌خواست که ابتدا از وضعیت پناهندگی خود دست بردارند و سپس پاسپورت افغان و ویزای دانشجویی دریافت کنند.^{۲۰۴} به طور کلی، افغان‌ها برای حضور در دانشگاه‌های ایران، باید دارای پاسپورت‌های معتبر افغان و ویزا باشند. در حال حاضر آن دختران و زنان افغان که توسط خانواده‌هایشان ضمانت مالی می‌شوند، از این قاعده مستثنی هستند و دولت ایران طرح‌هایی را اعلام کرده است که بر طبق آن، بازگشت و تلفیق اجتماعی مجدد افغان‌هایی که از دانشگاه‌های ایران فارغ التحصیل شده‌اند را با فراهم آوردن کار و اجازه اقامت برای آنها، در اولویت قرار داده و

^{۲۰۰} دولت ایران از طریق سازمان جنبش سواد آموزی هم کلاس‌های سواد آموزی برای کودکان و بزرگسالان تشکیل می‌دهد اما تنها کسانی که دارای مدارک پناهندگی معتبر هستند می‌توانند در این کلاس‌ها شرکت کنند. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

^{۲۰۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نیبله و وحیده س.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۰۲} (ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). کمیته مسئول تفسیر این میثاق، در تفسیر عمومی شماره ۱۳ خود (در ۱۹۹۹) در مورد حق تحصیل تأیید می‌کند که اصول عدم تبعیض به تمام افرادی که در سنین تحصیل قرار دارند و در قلمرو یکی از کشورهای عضو زندگی می‌کنند، از جمله شامل افراد غیر تبعه، صرف نظر از وضعیت قانونی آنها، هم بسط پیدا می‌کند.

^{۲۰۳} محمد جواد شریف زاده، «کودکان افغان در ایران از تحصیل محروم هستند» [Afghan children in Iran], Muhammad Jawad Sharifzada, "deprived of education", پژوهش افغان نیوز [Pajhwok Afghan News], ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱، قابل دسترسی در:

<http://www.pajhwok.com/en/2011/10/27/afghan-children-iran-deprived-education> (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲). این اطلاعات با وضوح بیشتری در بخش دری توضیح داده شده، که در وبسایت زیر قابل دسترسی است:

<http://www.pajhwok.com/dr/2011/10/25/%D8%A7%D8%B7%D9%81%D8%A7%D9%84-%D8%A8%D8%B1%D8%AE%D9%89-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D9%8A%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%87%D9%86%D9%88%D8%B2-%D9%87%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D8%AA%D8%B9%D9%84%D9%8A%D9%85-%D9%85%D8%AD%D8%B1%D9%88%D9%85-%D8%A7%D9%86%D8%AF> (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۲۰۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است). همچنین نگاه کنید به «در ایران پناهنده موضوع مهمی است» [Refugee Matters in Iran]، ژوئیه ۲۰۱۲، شورای پناهندگان نروژ [Norwegian Refugee Council]، قابل دسترسی در: http://www.nrc.no/arch_img/9659994.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۲).

تسهیل خواهد کرد. افغان‌ها و دیگر اتباع خارجی، بر خلاف ایرانیان برای شرکت در دانشگاه‌های ایران باید شهریه پرداخت کنند.^{۲۰۵}

علاوه بر آن در مورد رشته‌های تحصیلی دانشگاهی که افغان‌ها می‌توانند در آنها به تحصیل پردازند نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. در سال ۲۰۱۲، خارجی‌ها از جمله افغان‌ها از تحصیل در ۳۰ رشته در دانشگاه‌های ایران ممنوع شدند، که از آن جمله، فیزیک اتمی، مهندسی هسته‌ای، مهندسی هوا فضا، و مهندسی شیمی می‌باشند.^{۲۰۶} معلوم نبود که آیا دانشجویان خارجی که قبلاً در این رشته‌ها ثبت نام کرده‌اند، اجازه خواهند داشت تحصیلات خود را به اتمام رسانند یا خیر. اعلامیه دولت ایران مبنی بر تعیین «مناطق ممنوعه» برای مهاجران و پناهندگان افغان که در داخل کشور به سر می‌برند نیز مانع از شرکت آنها در دانشگاه‌ها در آن مناطق می‌شود.^{۲۰۷}

محرومیت از حقوق شهروندی و ازدواج

قوانین تبعیض آمیز و محدود کننده ایران در مورد ازدواج، به زنان افغان که با مردهای ایرانی ازدواج می‌کنند اجازه می‌دهد تابعیت ایران را به دست آورند، اما به شوهران افغان که همسر ایرانی اختیار کرده‌اند، چنین تابعیتی را اعطا نمی‌کند. قانون ایران همچنین به کودکانی که در ایران متولد شده‌اند و والدین آنها افغان هستند، و نیز به افغان‌هایی که چندین دهه در ایران زندگی کرده‌اند، تابعیت ایرانی اعطا نمی‌کند. به جز چند مورد استثنایی، برای افغان‌های مقیم ایران، به دست آوردن تابعیت ایرانی امکان پذیر نیست.

بر طبق قانون ایران، تابعیت، به اصطلاح یک «حق نسبی» است که از پدر به فرزند می‌رسد. این بدان معناست که ده‌ها هزار مرد افغان که در طول سی سال گذشته با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند، بر پایه ازدواجشان با یک تبعه ایرانی، واجد شرایط لازم برای کسب تابعیت ایرانی نیستند و فرزندان آنها نیز از برخورداری از حق مسلم تابعیت محروم هستند.^{۲۰۸} بر طبق گزارش‌ها، تقریباً ۳۰،۰۰۰ مورد ازدواج بین زنان ایرانی و مردان افغان به ثبت رسیده

^{۲۰۵} در سال ۲۰۱۱، دانشجویان افغان برای حضور در دانشگاه باید برای هر سمستر ۸۰ تا ۱۲۰ دلار امریکا می‌پرداختند. «مصاحبه سازمان دیدهبان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (۱۹ آوریل ۲۰۱۲).

^{۲۰۶} «ایران فهرست شهرهای ممنوعه و رشته‌های دانشگاهی ممنوعه برای افغان‌ها را اعلان می‌کند» [Iran Issues List of Banned Cities, Banned University Courses for Afghans], رادیو آزاد اروپا/رادیو لیبرتی [Radio Free Europe/Radio Liberty], ۳ ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.rferl.org/content/iran-list-of-university-courses-banned-for-afghans/24602340.html> (تاریخ دسترسی: ۴ ژوئن ۲۰۱۲) و «رشته‌های ممنوعه برای اتباع غیر ایرانی در کنکور ارشد اعلام شد»، خبرگزاری مهر، ۱ ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://www.mehrnews.com/FA/newsdetail.aspx?NewsID=1617300> (تاریخ دسترسی: ۴ ژوئن ۲۰۱۲). همچنین نگاه کنید به <http://www.mehrnews.com/FA/newsdetail.aspx?NewsID=1617300> (تاریخ دسترسی: ۶ نوامبر ۲۰۱۳).

^{۲۰۷} «مناطق و رشته‌های ممنوعه برای تحصیل اتباع غیر ایرانی در کنکور ۹۲»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۱ اوت ۲۰۱۳، قابل دسترسی در:

<http://isna.ir/fa/news/92052010842/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%B7%D9%82-%D9%88-%D8%B1%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9%D9%87-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D9%84-%D8%A7%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B9> (تاریخ دسترسی: ۱ نوامبر ۲۰۱۳). «ایران فهرست شهرهای ممنوعه و رشته‌های دانشگاهی ممنوعه برای افغان‌ها را اعلان می‌کند» [Iran Issues List of Banned Cities, Banned University Courses for Afghans], رادیو آزاد اروپا/رادیو لیبرتی [Radio Free Europe/Radio Liberty], ۳ ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: <http://www.rferl.org/content/iran-list-of-university-courses-banned-for-afghans/24602340.html> (تاریخ دسترسی: ۴ ژوئن ۲۰۱۲).

^{۲۰۸} برای مثال نگاه کنید به «داستان ازدواج میان یک زن ایرانی و یک مرد افغان»، بی بی سی فارسی، ۳۰ مه ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/05/110525_l21_married_iranian_women_afghan_men.shtml (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

است.^{۲۰۹} در سال ۲۰۱۰، دولت ایران گزارش کرد که در حدود ۳۲،۰۰۰ مورد ازدواج غیر رسمی بین زنان ایرانی و مردان افغان انجام شده است، اما گفته می‌شود که رقم واقعی، بالاتر از این است.^{۲۱۰}

اما به هر حال قانون سال ۲۰۰۶ به فرزندان مادران ایرانی که بیش از ۱۸ سال دارند، اجازه می‌دهد برای کسب تابعیت ایرانی اقدام کنند، به شرط آنکه ازدواج والدین آنها توسط دولت به رسمیت شناخته شود. اما در این مورد هم، تابعیت فقط در صورتی اعطا می‌شود که شخص متقاضی از جهت امنیتی خطری نداشته باشد و نیز دارای سابقه کیفری نبوده و از تابعیت پدرش هم صرف نظر کند.^{۲۱۱}

تا همین اواخر برای کودکانی که دارای مادر ایرانی و پدر خارجی بودند، اوراق هویت ملی صادر نمی‌شد و در نتیجه آنها از دستیابی به تحصیلات ابتدایی و مزایای درمانی در ایران محروم بودند اما در ماه مه ۲۰۱۲ قانون جدیدی به تصویب مجلس ایران رسید که بر طبق آن به این کودکان حقوق اقامت دائم تعلق گرفته و به آنها اجازه می‌دهد از همان مزایای اجتماعی، درمانی و آموزشی که ایرانیان دیگر از آن برخوردار هستند، برخوردار باشند.^{۲۱۲} اما این قانون هنوز هم از اعطای تابعیت ایرانی به اتباع خارجی که یا در ایران به دنیا آمده‌اند و یا چندین دهه در ایران زندگی کرده‌اند، امتناع می‌ورزد.^{۲۱۳}

ضمناً از سال ۲۰۰۶ مقامات ایران، مقررات شدیدی را به اجرا درآورده‌اند که برای زنان ایرانی‌ای که با مردان افغان ازدواج می‌کنند، شرایط را دشوارتر می‌سازد. بر طبق این مقررات، زنان ایرانی پیش از آنکه بتوانند با مردهای افغان ازدواج کنند باید از مسئولین مربوطه (از جمله اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی و وزارت امور خارجه) کسب اجازه کنند و آنها هم از به رسمیت شناختن هزاران مورد ازدواج‌های سنتی و مذهبی که در سال‌های اخیر بین ایرانیان و افغان‌ها صورت گرفته، خودداری می‌کنند.^{۲۱۴} یک بخشنامه که توسط اداره استانداری در سال ۲۰۱۰ در استان مازندران منتشر شد، اظهار می‌داشت که تمام ازدواج‌هایی که در این استان بین زنان ایرانی و اتباع خارجی صورت

^{۲۰۹} همان. بر طبق اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، حدود ۳۲،۰۰۰ کودک دارای مادران ایرانی و پدران افغان هستند. «داستان ازدواج میان یک زن ایرانی و یک مرد افغان»، همان.

^{۲۱۰} آبی مهرگان، «زندگی دشوار افغان‌ها در ایران»، پی بی اس فرانت لاین [PBS Frontline, "Hard Lives for Afghans in Iran,"] ۲۱ نوامبر ۲۰۱۰، قابل دسترسی در:

http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/tehranbureau/2010/11/hard-lives-for-afghans-in-iran.html#ixzz2GFVekq4B (تاریخ دسترسی: ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲).

^{۲۱۱} «قانون مدنی ایران»، ماده ۱۰۶۰. بر طبق این ماده فرزندان که حاصل ازدواج میان مردان خارجی و زنان ایرانی هستند و در ایران متولد گردیده‌اند و یا در عرض یک سال از تاریخ تصویب این قانون در ایران متولد گردند، می‌توانند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال کامل، درخواست دریافت تابعیت ایرانی کنند. همچنین افرادی که پس از تاریخ تصویب اصلاحیه سال ۲۰۰۶، در ایران زاده شوند و حاصل ازدواج میان مردان خارجی و زنان ایرانی باشند و ازدواج والدین آنها به طور مناسب به ثبت رسیده باشد، در طی یک سال پس از رسیدن به سن ۱۸ سال کامل و بدون شمول شرط اقامت پنج ساله، به عنوان شهروند ایرانی پذیرفته خواهند شد. برای مثال نگاه کنید به متن ذیل که روی وبسایت سفارت ایران در هلند نوشته شده: «ازدواج یک زن ایرانی با یک مرد خارجی لطفاً توجه داشته باشید: در چنین ازدواجی، مرد خارجی تبعه ایران محسوب نخواهد شد و فرزندان وی نیز فقط از تابعیت پدر برخوردار خواهند بود و بنابراین برای سفر به ایران، نیاز به درخواست ویزا خواهند داشت. معهداً با ارسال درخواست کتبی توسط زن، افراد مذکور از امتیاز حداقل مدت زمان انتظار برای دریافت ویزا، برخوردار خواهند شد.» قابل دسترسی در:

http://iranianembassy.nl/en/consular.php?content=2712 (تاریخ دسترسی: ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۱۲} فرزندان پناهندگان افغان که به درستی از طریق طرح آمایش ثبت نام کرده اند، عموماً به تحصیلات دوره ابتدایی و مزایای دیگر دسترسی دارند. اما برای افغان‌هایی که اقامت قانونی ندارند و یا مهاجرانی هستند که به طور غیرقانونی وارد کشور گردیده اند، چنین وضعی وجود ندارد.

^{۲۱۳} «اصلاح قانون تابعیت و حذف ماده ۲۳ از لایحه حمایت از خانواده»، دوپچه وله [Deutsche Welle]، ۸ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://www.dw.de/dw/article/0,,15936758,00.html (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۱۴} برای مثال نگاه کنید به «داستان ازدواج میان زن ایرانی و یک مرد افغان»، بی بی سی فارسی، ۳۰ مه ۲۰۱۱، قابل دسترسی در:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/05/110525_l21_married_iranian_women_afghan_men.shtml (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

گرفته، غیر قانونی است و اظهار داشت افرادی که از این قانون سرپیچی کنند، مشمول مجازات خواهند شد. افغان‌ها، عراقی‌ها، پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها به ویژه در این بخشنامه به عنوان اتباع خارجی که از ازدواج با زنان ایرانی «ممنوع» هستند، قید شده‌اند.^{۲۱۵}

ایجاد محدودیت برای زنان ایرانی، به طوری که نتوانند تابعیت خود را به فرزندان‌شان انتقال دهند و یا نتوانند برای همسرشان درخواست تابعیت کنند، در حالی که چنین محدودیت‌هایی شامل حال مردان ایرانی نمی‌گردد، تعهدات ایران نسبت به قوانین بین‌المللی، از جمله ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک را نقض می‌کند.^{۲۱۶}

محدودیت‌های حق اشتغال به کار

در دهه ۱۹۸۰ اکثر افغان‌های ایران بدون آنکه دچار دخالت‌های بیش از حد دولت ایران شوند، قادر بودند برای اقامت و کار در شهرهای بزرگ و کوچک و دهات سراسر ایران، اجازه کسب کنند.^{۲۱۷} اما در سال‌های اخیر، دولت ایران در مورد مکان‌هایی که افغان‌ها می‌توانند قانوناً در آن زندگی و کار کنند، دائماً محدودیت‌های جدیدی را اضافه کرده است.

پناهندگان دارای مدارک افغان می‌توانند برای دریافت اجازه کار موقت، درخواست کنند. اما به دست آوردن اجازه کار برای بسیاری از آنها مشکل است زیرا تهیه آن گران است و دولت ایران هم در سال‌های اخیر چنین مدارکی را مرتب و به راحتی صادر نکرده است. در سال ۲۰۰۸ هزینه اجازه کار موقت برای پناهنده دارای مدارک افغان، معادل ۷۰ دلار آمریکا بود.^{۲۱۸} یک سال بعد، این مبلغ به ۵۰۰ دلار آمریکا افزایش یافت (و هزینه تجدید آن هم ۳۳۰ دلار شد) – که هفت برابر قیمت اولیه بود.^{۲۱۹} امروز قیمت تهیه اجازه کار موقت ۱۱۸ دلار آمریکا است.^{۲۲۰} این جوازهای کار برای ۱۲ ماه معتبر هستند و باید مرتباً تجدید گردند که هزینه آن ۸۲ دلار است.^{۲۲۱}

دولت ایران همچنین به پناهندگانی که بین ۱۸ تا ۶۰ سال دارند و دارای کارت آمایش هستند، اجازه می‌دهد، اجازه کار موقت خریداری کنند که برای یک سال اعتبار دارد و مبلغ فعلی اجازه کار، معادل ۱۴۰ دلار به اضافه ۱۷ دلار برای

^{۲۱۵} «چگونه مردان خارجی می‌توانند با زنان ایرانی ازدواج کنند»، قابل دسترسی در: http://www.ostan-mz.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=2143:l-r&catid=179:line-2-6&Itemid=423 (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۱۶} «میتاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب رسیده، قطعنامه مجمع عمومی (XXI) 2200A، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۲۱، سند ۱۶ [21 U.N. GAOR Supp. (No. 16)]، ص. ۵۲، سند سازمان ملل A/6316 (۱۹۶۶)، معاهدات سازمان ملل متحد سری ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [171 U.N.T.S. 999]، از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شده، ماده (۳) ۲۴ و ماده ۲۶؛ «کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان»، قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی، از ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به اجرا گذاشته شده، ماده ۹؛ «کنوانسیون حقوق کودک»، تاریخ تصویب: ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، معاهدات سازمان ملل متحد، سری ۱۵۷۷، بخش ۳ [1577 U.N.T.S.3]، از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ به اجرا گذاشته شده، ماده ۷.

^{۲۱۷} روپرت کالویل، «افغانستان: بحران پایان نیافتنی – بزرگترین مشکل در جهان»، مجله رفیوجی (پناهنده) [Rupert Colville, "Afghanistan,] *Refugee Magazine* [the Unending Crisis – The Biggest Caseload in the World,]، ۱ ژوئن ۱۹۹۷، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/3b680fbfc.html> (تاریخ دسترسی: ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳).

^{۲۱۸} «هزینه تهیه و تجدید اجازه کار برای خارجی‌ان افزایش یافته است»، خبرگزاری مهر، ۴ مارس ۲۰۱۰، قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1042202> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۱۹} همان؛ همچنین نگاه کنید به بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Foundation pour la Recherche Strategique]، <http://www.meaif.org>.

^{۲۲۰} «مکتبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با مقام بین‌المللی از طریق ایمیل» (نام محفوظ است)، نوامبر ۲۰۱۲.

^{۲۲۱} همان.

چاپ آن است.^{۲۲۲} پناهندگان ثبت نام شده، همچنین باید عوارض شهرداری پرداخت کنند که میزان آن در استان‌های مختلف، متفاوت است.^{۲۲۳} این مبالغ برای بسیاری از پناهندگان غیر قابل تحمل است، بخصوص که دولت ایران به پناهندگان در این کشور اجازه می‌دهد فقط در مشاغل خاصی به کار پردازند که معمولاً دستمزد آن بسیار کم است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر با افغان‌هایی مصاحبه کرد که کارت‌های پناهندگی داشتند اما نتوانسته بودند آنها را تجدید کنند زیرا پرداخت هزینه آن مافوق توان مالی آنها بود.^{۲۲۴}

علاوه بر آن، اجازه کاری که برای یک پناهنده افغان صادر می‌شود، به آن شخص اجازه می‌دهد در زمینه‌های شغلی بسیار محدودی به کار پردازد.^{۲۲۵} اکثریت قریب به اتفاق این مشاغل، کارهای بدنی سنگینی است که بر اساس نیازهای موجود در بازار تقاضای کارگری انتخاب شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که افغان‌ها، کارهای اتباع ایرانی را از آنها نگیرند. نمونه‌های این کارها عبارتند از: پلاستر سازی، ساختن اسید برای باتری، حفر زمین، آجرپزی، آسفالت ریزی و بتون ریزی، گله داری، ذبح حیوانات، سوزاندن زباله‌ها، بار زدن و تخلیه کامیون‌ها، سنگبری، جاده سازی، کار در معدن و مزرعه داری. این مشاغل اغلب نه تنها دستمزد پائینی دارند بلکه خطرناک نیز هستند.

اگر معلوم شود که افغان‌ها به مشاغلی پرداخته‌اند که برای آنها غیر مجاز بوده است، بدان معنا خواهد بود که آنها شرایط پناهندگی خود بر اساس سیستم آمایش را نقض کرده‌اند و در نتیجه به افغانستان اخراج خواهند شد. امکان انتخاب نوع کار برای افغان‌ها همچنین به علت محدودیت‌های مربوط به محل سکونت و آزادی تردد که قبلاً شرح داده شد، نیز به شدت دچار محدودیت است.

کنوانسیون پناهندگان، امضا کنندگان پیمان مزبور را ملزم می‌دارد «به پناهندگانی که به طور قانونی در قلمرو کشور ایشان اقامت گزیده‌اند، در مورد حق اشتغال به کار برای کسب دستمزد، بهترین برخوردی که می‌توان نسبت به اتباع یک کشور خارجی در همان شرایط داشت، را معمول کنند.»^{۲۲۶} ایران محدودیت‌های فوق در باره استخدام را با ذکر دلیل «امنیت ملی» توجیه می‌کند و در نتیجه در مورد مواد ۱۷ و ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، حقوقی را برای خود محفوظ نگاه داشته است.^{۲۲۷} به علاوه، در سال ۲۰۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در باره اینکه «کارگران افغان اغلب کمتر از حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند و یا با عدم پرداخت دستمزد خود روبرو می‌شوند»، ابراز نگرانی کرد.^{۲۲۸}

^{۲۲۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.
^{۲۲۳} بروس کوپک [Bruce Koepke]، «وضعیت افغانه در جمهوری اسلامی ایران نه سال پس از براندازی رژیم طالبان در افغانستان» [The Situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran Nine Years After the Overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan]، ۴ فوریه ۲۰۱۱، مؤسسه خاور میانه [Middle East Institute Fondation pour la Recherche Strategique].

^{۲۲۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با هاشم م.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.
^{۲۲۵} در سال ۲۰۱۲، ۴ زمینه و حدود ۵۶ شغل برای افغان‌ها وجود داشت که می‌توانستند دنبال کنند. اکثر این مشاغل در زمینه خدمات است مانند ساختمان سازی و کشاورزی. نگاه کنید به مقررات MOIR. همچنین نگاه کنید به اعلامیه اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۲.

^{۲۲۶} «کنوانسیون پناهندگان»، سازمان ملل متحد، ماده ۱۷.
^{۲۲۷} دولت ایران در ارتباط با کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، حقوقی را برای خود محفوظ نگاه داشته است که عبارتند از: ماده ۱۷ (استخدام کارمزدی)، ماده ۲۳ (دریافت کمک هزینه)، ماده ۲۴ (قوانین کارگری و تأمین اجتماعی)، و ماده ۲۶ (آزادی عبور و مرور). مقامات محدودیت‌های آزادی عبور و مرور، از جمله تعیین «مناطق ممنوعه» را بر پایه «امنیت ملی» توجیه می‌کنند.
^{۲۲۸} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل [UN Committee on Economic, Cultural and Social Rights]، «مشاهدات نهایی گزارش دوره‌ای دوم در مورد جمهوری اسلامی ایران که توسط مجمع در پنجاهمین نشست خود اتخاذ گردیده است.» [Concluding observations on the second periodic report of the Islamic Republic of Iran, adopted by the Committee at its fiftieth session]، ۲۰۱۳/۵/۱۷ [E/C.12/IRN/CO/2]، پاراگراف ۱۴. این کمیته توصیه کرد که ایران باید «در جهت کسب اطمینان از اینکه دستمزد کارگران افغان کمتر از میزان حداقل دستمزد نباشد، اقداماتی را انجام دهد.»

«عدالت» خود گمارده

همانطور که قبلاً ذکر شد، در سال ۲۰۱۲ با به پایان رسیدن مهلت ماه ژوئن برای ثبت نام در طرح جامع ساماندهی، فشار بر روی افغان‌های فاقد مدارک بیشتر شد. در روز ۲۸ مه ۲۰۱۲ محمد تهوری، رئیس اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی اعلام کرد مردان مجرد افغان که در استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی زندگی می‌کنند باید تا تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ کشور را ترک کنند.^{۲۲۹} وی گفت دوره تعیین وضعیت حقوقی مردان مجرد افغان که ساکن ایران هستند به پایان رسیده و تنها افرادی که دارای گذرنامه یا کارت‌های پناهندگی معتبر بوده و ساکن مناطقی هستند که اقامت در آن برای ایشان ممنوع نیست، می‌توانند پس از ۲۰ ژوئن نیز به سکونت خود در ایران ادامه دهند. تهوری در بیانیه خود تأکید کرد که افرادی که در پیدا کردن کار، منزل یا خدمات دیگر به افغان‌های فاقد مدارک کمک کنند، نیز مشمول مجازات خواهند شد. مقامات ایران قبلاً اعلام کرده بودند که کلیه افغان‌های فاقد مدارک باید تا پایان مارس ۲۰۱۱ ایران را ترک کنند، اما سپس بنا به درخواست مقامات افغان، این مهلت را تا ژوئن ۲۰۱۲ تمدید کردند.^{۲۳۰}

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) در روز ۲ ژوئن ۲۰۱۲ به نقل از غلامرضا غلامی که یکی از مسئولان اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی در استان فارس است، اعلام کرده بود که «فراهم نمودن خدمات و مواد غذایی برای اتباع خارجی فاقد مدارک، غیر قانونی است.» ایرنا گزارش کرد که غلامی، شیوع بیماری‌های عفونی را علت اعلام این مطلب ذکر کرده و استدلال کرد که اتباع خارجی که به طور غیر قانونی وارد کشور می‌شوند، تحت بررسی مناسب برای چنین بیماری‌هایی قرار نمی‌گیرند. یک روزنامه محلی در شیراز، مرکز استان فارس، به نام عصر مردم، گزارش داد که غلامی اعلام کرده است نانوایی‌ها، سوپر مارکت‌ها، خدمات حمل و نقل و خدمات عمومی دیگر، مشمول این مقررات می‌گردند و گفت که در صورت عدم متابعت از این مقررات، توسط مسئولین تعطیل خواهند شد. این روزنامه همچنین گزارش داد که غلامی از فرد فرد شهروندان خواسته است با هشیاری خود در این زمینه، اجرای این قوانین را تضمین کرده و اطمینان حاصل کنند که اتباع خارجی دارای اوراق هویت مناسب و اجازه اقامت برای زندگی در تهران هستند.^{۲۳۱}

پس از اجرای طرح جامع ساماندهی در سال ۲۰۱۰، مقامات مکرراً به ایرانیانی که منازل خود را به افغان‌ها یا دیگر اتباع خارجی فاقد مدارک اجاره می‌دادند یا برای آنها مسکن فراهم می‌کردند، اخطار داده بودند که جریمه خواهند شد و تحت تعقیب کیفری قرار خواهند گرفت.^{۲۳۲} اما به هر حال گزارش‌هایی که از استان فارس رسید جزو نخستین گزارش‌هایی بود که نشان می‌داد مقامات، تلاش خود را برای زیر نظر داشتن افغان‌های مقیم [فارس] افزایش داده و مردم عادی را نیز در انجام این امر تشویق می‌کنند.

در یک چنین شرایطی شاید جای تعجب نباشد که گزارش‌های مربوط به جنایات خشونت آمیز یک افغان منجر به حمله به خانه‌های مهاجران افغان توسط ایرانیان شد. بر طبق گزارش‌ها و اظهارات شهود که توسط سازمان دیده‌بان حقوق

^{۲۲۹} «اخراج مردان مجرد افغان از ایران»، دویچه وله [Deutsche Welle]، ۲۹ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در <http://news.gooya.com/politics/archives/2012/05/141257.php> (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۳۰} «بیش از ۲۰۰،۰۰۰ پناهجوی افغان ایران را ترک کرده اند»، بی بی سی فارسی، ۲۸ مه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://www.bbc.co.uk/persian/mobile/afghanistan/2012/05/120528_k01_afg_iran_refugees.shtml (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۳۱} «ممنوعیت فروش مواد غذایی و خدمات به اتباع خارجی فاقد مدارک در استان فارس»، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲، قابل دسترسی در: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/07/120702_log_fars_afghan_refugees.shtml (تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۳۲} نگاه کنید به اعلامیه اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، ۲۸ ژوئن ۲۰۱۲، که می‌گوید کارفرمایانی که افغان‌های فاقد مدارک را استخدام کنند، ممکن است مجازات حبس از ۹۱ تا ۱۰۸ روز دریافت کنند.

بشر جمع آوری شده، در روز ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲ جمعی از چماقداران ایرانی که با شنیدن خبر متهم شدن دو مرد افغان به تجاوز جنسی و قتل یک زن ۱۸ ساله ایرانی در یزد، به خشم آمده بودند، به چندین خانه متعلق به افغان‌ها حمله ور شده و آنها را به آتش کشیده و غارت کردند.^{۲۳۳}

اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی در سایت خود، مظنون اصلی را «رحمان رحیمی» معرفی کرده و گفت که وی به داشتن روابط نامشروع با قربانی اعتراف کرده و سپس او را خفه کرده و جسد وی را در محلی در خارج از شهر یزد انداخته است. به گفته هادی نسب که در حال حاضر مسئولیت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی یزد را بر عهده دارد، رحیمی یک افغان فاقد مدارک بوده که به طور غیر قانونی در استان یزد زندگی می‌کرده است.^{۲۳۴} اما به گفته نسب، به دنبال قتل این زن جوان و دستگیری ضارب وی، هیچ حادثه‌ای رخ نداده و گزارش‌های مبنی بر حملات جمعی مردم علیه اتباع افغان در یزد صرفاً در اثر اکاذیبی بوده است که توسط منابع خارجی در تلاش برای آسیب رساندن به روابط میان ایران و همسایگانش، پخش شده است.^{۲۳۵}

اما شواهد گرد آوری شده توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر، با ادعاهای مقامات ایران تناقض دارد. یکی از بستگان و دوستان صمیمی چندین تن از اتباع افغان که منازل شان توسط گروه ارادل و اوباش سوزانده شده، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که در اواخر ژوئن ۲۰۱۲ در حالی که چندین خانه، غارت و سوزانده شد، او، همسرش، و کارفرمای او ناظر این صحنه‌ها بودند. وی گفت: «اگر نیروهای امنیتی می‌خواستند این حمله را متوقف سازند، می‌توانستند این کار را انجام دهند. من نمی‌دانم این مردم از جان ما چه می‌خواهند.»^{۲۳۶} این شاهد گفت بسیاری از حمله‌کنندگان، هم برای قربانیان و هم برای مقامات، شناخته شده بودند، اما مسئولین هیچ اقدامی برای اجرای عدالت در باره آنها نکرده‌اند. وی گفت: «در حدود ۴۰ یا ۵۰ خانه سوزانده شد. آنها قوطی‌هایی را پر از سوخت کرده و پس از آتش زدن، به داخل خانه‌های افغان‌ها پرتاب می‌کردند. این تعداد محل کسب و کار افغان‌ها را که سوزانده شد، نیز در بر می‌گیرد.» او گفت این حادثه در حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ صبح روز ۳۰ ژوئن اتفاق افتاد و تا ۴ عصر روز بعد ادامه یافت. علاوه بر به آتش کشیدن، خانه افغان‌ها غارت نیز شد، گوسفندهایشان را بردند و چند موتورسیکلت هم که متعلق به افغان‌ها بود در آتش سوخت.

به گفته یک شاهد عینی، مأموران پلیس در صحنه حاضر بودند اما هیچ اقدامی برای جلوگیری از سوزاندن، غارت منازل و محل‌های کسب و کار افغان‌ها توسط چماقداران نکردند. این شاهد گفت که چند تن از حمله‌کنندگان با استفاده از بلندگو و تابلوهای تبلیغاتی، ساکنان افغان را تهدید کرده و به ایرانیانی که در منطقه بودند اخطار می‌کردند به آنان پناه ندهند.

^{۲۳۳} «خشونت علیه افغان‌ها در شهر یزد در ایران پس از کشته شدن یک نوجوان» تولو نیوز [Violence Against Afghans in Iran's Yazd] Tolo News, 27 June 2012, قابل دسترسی در: <http://tolonews.com/en/afghanistan/6686-city-after-teenager's-death> (تاریخ دسترسی: ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲).

^{۲۳۴} سایت اداره امور اتباع و مهاجران خارجی، ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲. در طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۲ برگزار شد، نسب به گزارشگران گفت ۵۲،۰۰۰ مهاجر افغان فاقد مدرک در استان یزد وجود داشتند که در طی مراحل طرح جامع ساماندهی که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، شناسایی شدند. وی گفت مسئولین افغان و ایرانی طی مراحل جامع ساماندهی برای ۱۶،۲۰۰ افغان فاقد مدرک در یزد، گذرنامه و ویزای سه ماهه صادر کرده‌اند.

^{۲۳۵} «اعلامیه اداره امور اتباع و مهاجران خارجی»، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲. این اداره در طی چندین اعلامیه از آن زمان به بعد، مکرراً اخطار کرده است که رسانه‌های خارجی که هدفشان آسیب رساندن به حسن شهرت ایران است، در باره آنچه که واقعاً در یزد اتفاق افتاد، دروغ گفتند. این اعلامیه همچنین تعهد دولت ایران مبنی بر احترام به پناهندگان افغان که ساکن کشور هستند، را مورد تأکید مجدد قرار داد. برای مثال نگاه کنید به «اعلامیه اداره امور اتباع و مهاجران خارجی»، ۳ ژوئن ۲۰۱۲ و ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲.

^{۲۳۶} «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک افغان ساکن یزد (ساکن شماره ۱)»، ۸ ژوئن ۲۰۱۲.

همان شاهد به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که صبح روز بعد از نخستین حمله، نیروهای امنیتی حدود ۲۵ تا ۳۰ جوان افغان را به اتهام دست داشتن در این نآر‌امی‌ها دستگیر و به مدت یک هفته زندانی کردند. وی گفت نیروهای امنیتی در جهت دستگیری هیچیک از غارت‌کنندگان که با مصونیت از مجازات، به حمله خود به دیگر خانه‌های اطراف یزد، ادامه می‌دادند، هیچ تلاشی نکردند. این شاهد گفت حملات روز دوم حدود ساعت ۹ صبح شروع شده و تا حدود ۳ بعد از ظهر ادامه یافت.^{۲۳۷}

شاهد دیگری به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت هنگامی که حملات آغاز شد، او و خانواده اش آن منطقه را ترک کردند زیرا احساس امنیت نمی‌کردند. علیرغم آنکه حمله‌کنندگان برای جلوگیری از فرار افغان‌ها از این منطقه، جاده را مسدود کرده بودند، آنها نتوانستند از آنجا فرار کنند. او سعی کرد در طی این حملات باز گردد اما نیروهای امنیتی او را از ورود به آن منطقه باز داشتند. این شاهد گفت در بیشتر قسمت‌ها، اوضاع به حال عادی باز گشته است. وی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت اگر چه او به چشم خود حملات روز دوم را ندیده است، چندین نفر به او گفتند که غروب روز بعد، ارادل و اوباش به سوزاندن و غارت خانه‌های افغان‌ها ادامه دادند تا زمانی که نیروهای پلیس ضد شورش به این ماجرا خاتمه داد.^{۲۳۸}

این شاهد می‌گوید حداقل ۱۵ افغان توسط چماقداران یا نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش که در منطقه فعالیت می‌کرد، مورد ضرب و جرح قرار گرفته و مصدوم شدند. بعضی از حمله‌کنندگان نیز در طی زد و خورد با افغان‌هایی که از خانه و دارایی خود دفاع می‌کردند، آسیب دیدند. او گفت شاهدان عینی به وی گفتند که چندین بیمارستان در این منطقه از درمان افغان‌هایی که طی حملات آن شب مصدوم شده بودند، امتناع کردند؛ در مانگاه‌های دیگر هم برای درمان آنها، مبالغ هنگفتی مطالبه کردند.^{۲۳۹}

علاوه بر این، شاهد مزبور به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت برخی از موجرینی که منازل خود را در آن منطقه به افغان‌ها اجاره داده بودند، اکنون از مستأجرین خود درخواست کرده‌اند هزینه خسارت‌های وارده به این منازل را بپردازند. اکثر [مستأجرین] قادر به پرداخت هزینه تعمیر این منازل نیستند. وی همچنین گفت در حالی که دادگاه‌های ایران شکایات مربوط به این حادثه را از چندین تن از افغان‌ها پذیرفته‌اند، آنها به شاکیان اطلاع داده‌اند که خود باید مسئولیت تعیین هویت مرتکبین این وقایع را بر عهده گیرند.^{۲۴۰}

^{۲۳۷} «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک افغان ساکن یزد (ساکن شماره ۱)»، ۸ ژوئیه ۲۰۱۲. شاهد دیگر تعریف کرد که خشونت در روز دوم فقط برای یک ساعت ادامه یافت. «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک افغان ساکن یزد (ساکن شماره ۲)»، ۸ ژوئیه ۲۰۱۲.

^{۲۳۸} «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک افغان ساکن یزد (ساکن شماره ۲)»، ۸ ژوئیه ۲۰۱۲.

^{۲۳۹} «مصاحبه تلفنی سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک افغان ساکن یزد (ساکن شماره ۲)»، ۸ ژوئیه ۲۰۱۲.

^{۲۴۰} همان. در ارتباط با سیستم قانونی و افغان‌ها، توجه به این نکته حائز اهمیت است که افغان‌ها اغلب به علت وضعیت مهاجرت یا اقامت شان به ویژه در برابر پیگردا و مجازات‌های غیر عادلانه قوه قضائیه ایران، آسیب پذیر هستند. یکی از این نمونه‌ها، استفاده از مجازات اعدام در ایران است. ایران دارای بالاترین میزان اعدام‌های مربوط به تخلفات مواد مخدر در جهان است و افغان‌ها به ویژه در برابر دادرسی‌ها و اعدام‌های غیر عادلانه آسیب پذیر هستند. تعداد و درصد افرادی که توسط مقامات ایرانی به دلیل تخلفات در رابطه با مواد مخدر اعدام شده‌اند، در عرض چند سال گذشته به شدت افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۱ ایران حداقل ۶۰۰ تن را اعدام کرد که بعد از چین، مقام دوم را داراست. ۸۱٪ این اعدام‌ها مربوط به جرائم مواد مخدر، از جمله مصرف شخصی آن است. بر طبق اظهارات سازمان عفو بین الملل، از ۳۸۹ اعدام به ثبت رسیده در سال ۲۰۰۹، ۱۶۶ مورد یا تقریباً ۴۳٪ آن، به مواد مخدر مربوط می‌شد. در سال ۲۰۱۰، در حدود ۶۸٪ اعدام‌های به ثبت رسیده توسط این سازمان (یا ۱۷۲ مورد از ۲۵۳ مورد اعدام شناخته شده) بدلیل تخلفات مواد مخدر بوده است. ارقام دقیق در دست نیست، اما در سال ۲۰۱۰ مقامات ایران ادعا کردند که حداقل ۴۰۰۰ افغان در زندان‌های ایران به سر می‌برند و اینکه دلیل اکثریت قابل توجه آنها ارتکاب به جرائم مواد مخدر است. در آوریل و مه ۲۰۱۰، پس از آنکه گزارش‌ها فاش ساختند که مسئولین زندان در ایران تعداد زیادی از افغان‌ها را اعدام کرده‌اند، صدها افغان خشمگین به تظاهرات ضد ایرانی، از جمله در مقابل سفارت ایران در کابل در افغانستان پرداختند. بر طبق گزارش‌ها، ایران اجساد حداقل ۴۰ افغان اعدام شده را به افغانستان باز گردانده است، اما گمان می‌رود که تعداد زیاد دیگری اعدام، و در داخل ایران دفن گردیده‌اند.

۴. آزار و بدرفتاری در طول مراحل اخراج از کشور

افغان‌های ساکن ایران به هنگام بازگردانده شدن به افغانستان شدیداً در معرض یک سلسله بدرفتاری‌ها و آزار و اذیت‌های گوناگون قرار می‌گیرند. این بدرفتاری‌ها شامل آزار و اذیت‌های جسمی، سرقت اموال در حین دستگیری و مراحل اولیه بازداشت، بازگرداندن پناهنده (اخراج شخص به کشور مبدأ بدون انجام بررسی‌های لازم به منظور تشخیص آنکه آیا وی پناهنده و یا پناهجوی رسمی است یا خیر)، و نیز آزار و اذیت و سوء استفاده از اشخاص در بازداشتگاه‌ها پیش از اخراج ایشان می‌شود.

تحقیقات ما نشان می‌دهد که اخراج شدگان، چه پناهنده دارای مدارک و چه فاقد مدارک، اغلب از چندین بازداشتگاه^{۲۴۱} عبور می‌کنند تا از محل دستگیری به مرز برسند، مجبور می‌شوند مبالغی را بپردازند، در شرایط سخت و بیرحمانه‌ای قرار داده می‌شوند، و گاهی اوقات نیز در طول راه مورد اذیت و آزارهای فیزیکی قرار می‌گیرند. کلیه این رفتارها، تعهدات ایران نسبت به حقوق بین‌الملل، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل را که ایران از امضاء کنندگان آن است نقض می‌کند. بعضی از این رفتارها از قبیل آزار و اذیت و سرقت اموال، ناقض قوانین داخلی ایران نیز هست.

آزار و اذیت‌های جسمی، سرقت، و تخریب اموال

اکثر اخراج شدگانی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، مقامات ایرانی را متهم کردند که در طی مراحل اخراج، به آنها حمله و یا دارایی شخصی آنها را مصادره کرده‌اند.^{۲۴۲} یکی از فرماندهان ارشد پلیس مرزی افغانستان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «همه چیز را از آنها می‌گیرند، سپس آنها را به مرز آورده و تحویل ما می‌دهند.»^{۲۴۳}

لطف‌الله الف، ۳۸ ساله، هنگام رفتن به محل کارش دستگیر شد. وی تعریف می‌کند: «همسرم به پاسگاه پلیس مراجعه کرد، اما به او اجازه ندادند داخل شود. آنها به ما گفتند ما خانواده‌تان را هم با شما می‌فرستیم، اما بعد، چهار مأمور [پلیس] مسلح مرا به ضرب کتک داخل یک خودرو کردند.» لطف‌الله می‌گوید آنها او را با مشت و با قنداق یک اسلحه کلاشنیکف مورد ضرب و شتم قرار دادند. همسرش موفق شد خود را با ماشین به محل بازداشتگاهی که وی را در آن نگاه داشته بودند برساند و در طی باقیمانده مراحل اخراج از کشور به همراه نوزاد پنج ماهه‌شان، به او بپیوندد. همسرش می‌گوید: «من پولی نداشتم [که در بازداشتگاه به آنها بدهم] بنابراین آنها در عوض، تلفن همراه مرا از من گرفتند.»^{۲۴۴}

اسد، ۲۸ ساله، می‌گوید: «من در قم متولد شدم. من در قم بودم و در راه بازگشت به خانه پلیس مرا دستگیر کرد. هنگامی که کارت [شناسایی] خود را به وی نشان دادم، پلیس آن را پاره کرد. من از او پرسیدم چرا اینطور می‌کند و او

^{۲۴۱} به این بازداشتگاه‌ها در زبان فارسی، «اردوگاه» اطلاق می‌شود. این اصطلاح به زبان انگلیسی گاهی «Camp» ترجمه می‌شود، اما می‌تواند به معنای بازداشتگاه نیز باشد. به منظور اجتناب از سوء تفاهم میان این محل‌ها و ۱۸ اردوگاه‌های پناهندگان در ایران، ما اصطلاح «بازداشتگاه» را به کار برده ایم.

^{۲۴۲} برای مثال نگاه کنید به «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با محمد الف»، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲. در روز ۱۷ فوریه ۲۰۱۲، یک نوار ویدیو بر روی سایت یوتیوب فرستاده شد که نشان می‌دهد مقامات ایرانی کارگران مهاجر افغان فاقد مدارک را که دستگیر و بازداشت شده بودند مورد تحقیر و آزار و اذیت قرار داده اند. قابل دسترسی در: <http://www.youtube.com/watch?v=HGboM01B2s> این ویدیو توسط گروه‌های حقوق بشر به عنوان مدرکی برای نشان دادن روال فزاینده بدرفتاری، آزار و اذیت، و تبعیض علیه اتباع افغان توسط مقامات ایرانی، منتشر گردیده است. اما به هر حال سازمان دیده‌بان حقوق بشر قادر نبوده است صحت این نوار ویدیویی را تأیید کند.

^{۲۴۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک عضو ارشد پلیس مرزی افغانستان»، (نام محفوظ است)، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۴۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با لطف‌الله الف و همسرش»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

جواب داد "برای اینکه می‌توانم." سپس با باتوم شروع به کتک زدن من کرد و گفت "شما افغان‌ها می‌آئید اینجا و مواد مخدر مصرف می‌کنید - شما کشور ما را خراب می‌کنید." من نصف روز در بازداشتگاه قم به سر بردم. آنها تلفن همراه و بقیه لوازم شخصی مرا از من گرفتند.^{۲۴۵}

شکبیا، ۲۱ ساله، در هنگام اخراج، یک شب را در بازداشتگاه سفید سنگ که اردوگاه اخراجیان در قسمت ایرانی‌نشین مرزی و در نزدیکی اسلام قلعه است^{۲۴۶} به سر برد. دقیقاً هر فرد اخراجی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کرد، پیش از بازگردانده شدن به افغانستان از طریق اسلام قلعه، در مرحله آخر در بازداشتگاه سفید سنگ توقف کرده بود. وی گفت: «هنگامی که در سفید سنگ صف کشیده بودیم پلیس ما را می‌زد. پلیس‌ها با مشت و با دست‌هایشان مرا زدند. به صورتم سیلی می‌زدند. آنها کلمات رکیک و ناسزا در باره پدر و مادرم می‌گفتند.»^{۲۴۷}

حمید ح. ۱۸ ساله گفت: «آنها [مردم] را خیلی بدجور کتک می‌زدند.» خود او را هم در بازداشتگاه قم و هم در بازداشتگاه سفید سنگ با مشت و لگد زده بودند. وی تعریف کرد: «حتی تا زمانی که مردم روی زمین می‌افتادند، همچنان آنها را می‌زدند.»^{۲۴۸}

نعیم، ۳۰ ساله، گفت که به همراه یک گروه ۵۰۰ نفری افغان توسط قاچاقچی‌ها به ایران سفر می‌کردند. پس از عبور از مرز، در حال استراحت بودند که توسط پلیس دستگیر شدند. «به محض بیدار شدن متوجه شدیم که سربازهای ایرانی ما را محاصره کرده‌اند. آنها گفتند از جای خود حرکت نکنید و الا شلیک می‌کنیم.» نعیم می‌گوید که سپس تمامی آنها را مجبور کردند به مدت چهار ساعت پیاده راه بروند در حالی که یک خودروی پلیس در جلوی آنها و یکی هم در عقب این گروه در حال حرکت بود و پلیس‌ها تیر هوائی شلیک می‌کردند. او گفت پلیس به آنها سیلی و لگد زده و ناسزا می‌گفت. او تعریف کرد: «[پلیس] افرادی که حلقه داشتند، را برد. آنها تلفن مرا شکستند.»

این گروه را به مدت دو روز در پنج گور در نزدیکی مرز نگاه داشتند و سپس آنها را به مرکز پلیس سراوان که در فاصله تقریباً ۵۰ کیلومتری مرز ایران و پاکستان قرار دارد، بردند. نعیم گفت: «ما را داخل کانتینر کامیون‌های بزرگی گذاشته و بردند. نزدیک بود از کمبود اکسیژن بمیریم. آنها درها را قفل کرده بودند. ما به آنها التماس می‌کردیم در را باز بگذارند، در غیر اینصورت خواهیم مرد. آنها گفتند شما باید بمیرید.» نعیم گفت آنها به مدت چهار تا چهار و نیم ساعت در کامیون باقی ماندند. وی گفت: «مرد چاقی همراه ما بود که در حال مرگ بود. بیهوش شده بود. یکی از بستگانش روکش پارچه‌ای [کامیون] را پاره کرد تا او بتواند نفس بکشد.»

نعیم گفت که آنها خانواده این مرد چاق را برای آسیب رساندن به روکش کامیون ۴ میلیون ریال^{۲۴۹} (معادل ۳۲۷ دلار امریکا) جریمه کردند. نعیم توصیف کرد که پسر هشت یا نه ساله‌ای بود که پدرش وی را به طور قاچاق برای درمان

^{۲۴۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با اسد»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۴۶} سفید سنگ بازداشتگاهی است که در خارج از دهی به همین نام در استان خراسان رضوی در شمال شرق ایران واقع شده است. این بازداشتگاه تقریباً در ۸۵ کیلومتری جنوب شرقی مشهد قرار دارد که مرکز استان خراسان رضوی می‌باشد و در حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال شرق مرز مشترک با افغانستان در اسلام قلعه قرار دارد. برای مشخصات دقیق جغرافیایی به وبسایت زیر مراجعه کنید: http://www.geonames.org/maps/google_35.659_60.095.html (تاریخ دسترسی: ۴ نوامبر ۲۰۱۳). بسیاری از اخراجیان سفید سنگ، را سنگ سفید می‌نامند.

^{۲۴۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شکبیا»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۴۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حمید ح.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۴۹} یک تومان ۱۰ ریال است. رجوع به ارز ایرانی می‌تواند به صورت ریال یا تومان باشد، اگر چه معمولاً بیشتر از تومان استفاده می‌شود.

بیماری چشمش به ایران می‌برد، و او از هوش رفت و [بعداً] گفت که مخصوصاً وانمود کرد بیهوش شده تا آنکه کسی بر رویش آب ریخت.^{۲۰۰}

باهر س، ۱۸ ساله، که اخیراً برای برگزاری مراسم ازدواج خود در افغانستان از مردم ده، پول قرض کرده بود، مبلغ ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار افغانی (معادل ۵،۰۰۰ تا ۶،۰۰۰ دلار آمریکا) به ایشان بدهی داشت. او تصمیم داشت به ایران برود و کار کند تا این پول را فراهم کرده، قرض‌های خود را پس بدهد. رفیق، که او هم ۱۸ سال دارد، در همان گروه ۱۰ نفری افغان‌هایی بود که سعی داشتند توسط قاچاقچی وارد ایران شوند. آنها پیاده در حال عبور از پشت یک مرکز پلیس در سیاه تپه بودند که پلیس آنها را دستگیر کرد. پلیس آنها را به صف کرده و از آنها پرسید کدامیک از آنها قاچاقچی است. وقتی که هیچکس جواب نداد، پلیس ظاهراً بدون هیچ دلیلی، باهر و رفیق را از میان این گروه بیرون کشید. باهر گفت: «پلیس از ما خواست که روی زمین دراز بکشیم و سپس شروع به کتک زدن ما کردند. سه بار با قنداق کلاشنیکف به پشت سرم کوبیدند.»^{۲۰۱} رفیق گفت: «آنها به سر و شانه‌های ما می‌زدند. آنها پنج بار با قنداق کلاشنیکف به پشت سرم کوبیدند.» ساق پای رفیق هم آسیب دید. او می‌گوید: «هنگامی که بلند شدم آنها به ساق پایم لگد زدند. آنها به چانه‌ام لگد زدند و گفتند برو توی صف بایست.»^{۲۰۲}

فیصل الف، ۲۰ ساله، همراه با اقوام خود که شامل مادر و پدر، دو برادر، خواهر، همسر برادرش که باردار بود، و نیز فرزند ۳ ساله برادرش می‌شدند، از ایران اخراج شد. خانواده آنها ۲۵ سال در ایران زندگی کرده بودند و فیصل گفت آنها مدت زیادی پناهنده بودند اما پس از شروع طرح آمایش، وضعیت پناهندگی خود را از دست دادند زیرا استطاعت مالی کافی برای تهیه کارت‌های آمایش نداشتند. خانواده آنها تصمیم گرفته بودند به علت وجود مشکلاتی که نداشتن کارت برایشان تولید می‌کرد، از جمله ناتوانی در پرداخت هزینه فرستادن فرزندانشان به مدارس خصوصی افغان، داوطلبانه ایران را ترک کنند. اما در حالیکه به طرف مرز در حرکت بودند، پلیس آنها را متوقف کرد و چون متوجه شد آنها مدارک معتبر ندارند آنها را به بازداشتگاه یزد در مرکز ایران برد.

فیصل برای ما حادثه‌ای را تعریف کرد که یک هفته پیش از مصاحبه ما با او اتفاق افتاده بود: «در بازداشتگاه یزد دو نفر با یکدیگر دعوا می‌کردند. من سعی کردم آنها را از هم جدا کنم. پلیس به من سیلی زد و بینی من آسیب دید. شدت ضربه‌ای که به من زدند خیلی زیاد بود. من به زمین افتادم و تقریباً بیهوش شدم.»^{۲۰۳}

اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که «هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد»^{۲۰۴} و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز «شکنجه یا ... رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز» را منع می‌کند.^{۲۰۵} مجموعه اصول محافظت از کلیه زندانیان تحت هر گونه بازداشت یا حبس، بازداشت شدگان را در برابر هر گونه «خشونت، تهدید، یا روش‌های بازجویی که سبب آسیب و اختلال در

^{۲۰۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نعیم»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۰۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با باهر س»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۰۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با رفیق»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۰۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فیصل الف و رحیمه ن»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۰۴} «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده، قطعنامه مجمع عمومی شماره ۲۱۷A(III)، سند سازمان ملل A/810، ص. ۷۸ (۱۹۴۸)، ماده ۵.

^{۲۰۵} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، قطعنامه مجمع عمومی (XXI) 2200A، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۲۱، سند ۱۶ [21

U.N. GAOR Supp. (No. 16)، ماده ۷، سند سازمان ملل A/6316 (۱۹۶۶)، معاهدات سازمان ملل متحد سری ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [999

U.N.T.S. 171]، از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شده، تاریخ تصویب این معاهده توسط ایران: ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵.

توانائی شخص در تصمیمگیری یا ارزیابی امور شود»، محافظت می‌کند.^{۲۵۶} مجموعه قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان «تنبیه بدنی، ... و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز» را ممنوع می‌سازد.^{۲۵۷} کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز هم مشابهاً کلیه کشورها را ملزم می‌کند که «برای پیشگیری از وقوع شکنجه در هر بخش از قلمرو خود که در محدوده صلاحیت قضائی آن کشور است، اقدامات مؤثری از جهت قانونگذاری، اداری، قضائی یا طرق دیگر انجام دهند.»^{۲۵۸} کنوانسیون منع شکنجه نیز کشورها را از اعمال «رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز»^{۲۵۹} ممنوع می‌کند. این استانداردها شامل تمامی زندانیان، از جمله، کودکان می‌شود و علاوه بر آن، استانداردهای دیگری هم استفاده از زور را علیه کودکانی که در بازداشت هستند، منع می‌کند مگر در موارد استثنائی که برای محافظت از آسیب رساندن شخص به خود، به دیگران، و یا از بین بردن اموال و دارایی است.^{۲۶۰}

آزار و اذیت و بدرفتاری با زندانیان افغان قوانین داخلی ایران را نیز نقض می‌کند. قانون اساسی ایران مسئولین را از «هتک حرمت و حیثیت» زندانی در طول دستگیری، بازداشت، زندانی یا تبعید، منع می‌کند.^{۲۶۱} به علاوه، قانون حقوق شهروندی ایران که رسماً توسط قوه قضائیه در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، تصریح می‌کند که «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.»^{۲۶۲} ماده ۱۶۹ قانون سازمان زندان‌های کشور ایران نیز می‌گوید: «تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک ... متهمان و محکومان ... به کلی ممنوع است.» این ماده همچنین می‌گوید: «... اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت‌بار و موهن در مؤسسه‌ها و زندان‌ها به کلی ممنوع است.»^{۲۶۳}

شکنجه نیز بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی ایران ممنوع گردیده است.^{۲۶۴} بر طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ایران، هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی که برای مجبور کردن متهم به اقرار و اعتراف، او را اذیت و آزار بدنی کند، مجازات خواهد شد، از جمله اینکه بر حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم

^{۲۵۶} «مجموعه اصول محافظت از کلیه زندانیان تحت هر گونه بازداشت یا حبس» (مجموعه اصول) در ۹ دسامبر ۱۹۸۸، قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۳/۱۷۳، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۴۳، سند ۴۹ [43 U.N. GAOR Supp. (No.49)]، اصل (۲) ۲۱، سند سازمان ملل A/43/49 (۱۹۸۸)، قابل دسترسی در:

<http://www1.umn.edu/humanrts/instree/g3bpppdi.htm> (تاریخ دسترسی: ۱۹ اوت ۲۰۰۹).

^{۲۵۷} «مجموعه قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان» (قواعد حداقل استاندارد)، توسط نخستین کنگره سازمان ملل متحد در ژنو در ۱۹۵۵ در باره پیشگیری از جرائم و برخورد با متخلفین، به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی از طریق قطعنامه‌های شماره (XXIV) 663 C در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ و شماره (LXII) 2076 در ۱۳ مه ۱۹۷۷ به تصویب رسید، قاعده شماره ۳۱.

^{۲۵۸} «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز» در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ به تصویب رسیده، قطعنامه مجمع عمومی شماره ۳۹/۴۶، پیوست سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۳۹، سند ۵۱ [annex 39, U.N. GAOR Supp. (No. 51)]، ص. ۱۹۷، سند سازمان ملل A/39/51 (۱۹۸۴)، از ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجرا گذاشته شده، ماده (۱) ۲.

^{۲۵۹} «کنوانسیون منع شکنجه»، ماده (۱) ۱.

^{۲۶۰} «قواعد سازمان ملل برای محافظت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده اند» (قواعد محافظت از نوجوانان)، تاریخ تصویب: ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، قطعنامه مجمع عمومی ۴۵/۱۱۳، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی، شماره ۴۵، سند ۴۹-ای [45 U.N. GAOR Supp. (No. 49A)]، ص. ۲۰۵. سند سازمان ملل A/45/49 (۱۹۹۰)، ماده ۶۳.

^{۲۶۱} «قانون اساسی ایران»، اصل ۳۹. این اصل می‌گوید: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

^{۲۶۲} «قانون حقوق شهروندی»، ماده ۶، در ۱۹ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب مجلس رسیده است، در ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ توسط مجلس، اصلاح و تصویب گردیده است. همچنین نگاه کنید به مواد ۱ و ۹ که اشکال دیگر بدرفتاری با زندانیان را ممنوع می‌کند.

^{۲۶۳} «آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، ۱۳۸۴ [در سال ۱۹۸۵ تصویب و در سال ۲۰۰۵ اصلاح گردیده است]، ماده ۱۶۹.

^{۲۶۴} «قانون اساسی ایران»، اصل ۳۸. این اصل تصریح می‌کند: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است.»

خواهد گردید.^{۲۶۵} ماده ۵۷۸، مسئولیت صدمه و آسیبی را که از طرف کارکنان پائین رتبه یک بازداشتگاه یا زندان [نسبت به زندانیان] وارد می‌شود بر عهده مقامات ما فوقی می‌داند که دستور انجام چنین عملی را داده‌اند.^{۲۶۶}

اخراج از کشور بدون انجام تشریفات حقوقی لازم

مشکل عمده‌ای که در ارتباط با بسیاری از بدرفتاری‌های مشروح در این گزارش وجود دارد این است که اخراج افغان‌ها از این کشور اصولاً سریع انجام شده و به کلی عاری از محافظت‌هایی است که در آئین نامه‌های مربوطه تعیین شده است. مصاحبه‌هایی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر با بسیاری از اخراج شدگان صورت گرفته، دستگامی را به تصویر می‌کشد که در آن هر فرد افغان - از جمله پناهندگان و یا دیگر افرادی که در حال حاضر در ایران، حضور قانونی دارند، و همچنین افغان‌هایی که مقیم فاقد مدارک هستند - در همه حال در معرض خطر اخراج فوری از کشور قرار دارند.

افرادی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند شرح دادند که آنها را به سرعتی از کشور اخراج کردند که آنها مجبور شدند پس انداز خود، دستمزدهایی که طلب داشتند، لوازم و دارائی‌شان، و همانطور که در بخش‌های اخیر شرح داده شد، گاهی اوقات خانواده‌های خود را گذاشته و کشور را ترک کنند.^{۲۶۷} بسیاری از مصاحبه شونده‌گان در مورد ترس خود برای خروج از خانه سخن گفته و تعریف می‌کردند که زندگی‌شان در آنجا به گونه‌ای بود که دیگر تماس کمی با همسایگان‌شان داشتند زیرا هر بار خروج از خانه، خطر دستگیری و اخراج به همراه داشت. مسئولین اجرائی ایران به نظر می‌رسد برای دستگیری و اخراج خودسرانه افغان‌ها از کشور، دارای اختیارات لازم هستند، و در مقابل، محافظت چندان [برای افغان‌ها] وجود ندارد. این امر حتی در باره افغان‌هایی که به طور قانونی در کشور اقامت دارند، از جمله آنهایی که دارای وضعیت پناهندگی هستند نیز صادق است.

در مراحل اخراج افغان‌ها هیچگونه محافظتی وجود ندارد که به افغان‌هایی که در معرض اخراج از کشور قرار دارند اجازه دهد علیه اخراج خود اعتراض کنند. افغان‌ها به ما گفتند که آنها فرصتی داده نشد تا آنها مدارک خود را که می‌توانست اثبات کند که آنها مقیم قانونی هستند ارایه کنند. همچنین آنها فرصتی نیافتند تا جنبه‌هایی از موقعیت خود را شرح دهند که می‌توانست به آنها اجازه پناهنجویی دهد، و نیز نتوانستند به دلایل بشردوستانه دیگر، درخواست اجازه اقامت در ایران کنند.

علی‌ن، ۳۰ ساله، ۱۳ سال در ایران زندگی کرده است. او کارت آمایش خود را تا سال ۲۰۱۰ تجدید کرده بود اما در آن زمان کارتش را گم کرد. او گم شدن کارتش را گزارش کرد، اما می‌گوید: «آنها کارت جدید به من ندادند زیرا گفتند که این، عکس من نیست.» یک بار او را به علت نداشتن مدارک شناسایی دستگیر کردند، اما او توانست پلیس را قانع کند که وی گم شدن کارت خود را گزارش کرده است و آنها او را رها کردند. بار دوم که او را گرفتند، کپی کارت قدیم

^{۲۶۵} قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۷۸.

^{۲۶۶} همان.

^{۲۶۷} افغان‌هایی که دارای مدارک معتبر دال بر پناهنده بودن هستند، بر خلاف افغان‌های فاقد مدرک که اخراج می‌شوند، می‌توانند با دریافت کمک از کمیته حل اختلاف، برای دریافت دستمزد و مطالبات پرداخت نشده خود اقدام کنند. این کمیته‌ها به دنبال توافقی که میان ایران، افغانستان و کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان انجام شده، در ۹ استان ایران تشکیل شدند. در هر یک از این کمیته‌ها یک قاضی که توسط وزارت دادگستری منصوب گردیده است، به همراه یک متخصص حقوقی که توسط اداره امور اتباع و مهاجران خارجی منصوب شده و یک پناهنده که توسط جامعه پناهندگان منصوب شده، به ادعای طرفین رسیدگی می‌کنند. افرادی که در برابر این کمیته حاضر می‌شوند، دارای وکیل مدافعی هستند که دستمزد وی توسط کمیسریای پناهندگان پرداخت می‌شود. هدف از وجود این کمیته‌ها رفع اختلافات میان پناهندگان افغان و نیز بین پناهندگان افغان و اتباع ایرانی است. هدف از تشکیل این کمیته‌ها کمک به افغان‌ها برای برطرف ساختن مشکلات ایشان، از جمله دریافت دستمزدها و مطالبات پرداخت نشده پیش از بازگرداندن افراد [به افغانستان] بود. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام محفوظ است)، دسامبر ۲۰۱۲.

خود را که به همراه داشت، ارائه کرد، اما می‌گوید: «آنها ما را دستگیر کردند و این مدرک را بردند و گفتند این کارت تو نیست.» او را به همراه همسر و سه فرزندش که ۸ و ۶ ساله، و ۴ ماهه بودند، از کشور اخراج کردند.^{۲۶۸}

جاهد ت، ۴۳ ساله، می‌گوید «من کلاً ۱۳ سال در ایران زندگی کرده‌ام. آخرین بار، در حدود ۴ یا ۵ سال پیش بود. پدرم مصدوم شد و نمی‌توانست کار کند، بنا براین من به بیرجند [در شرق ایران] رفتم و ۵ سال در آنجا کار کردم. من یک دختر ۷ ساله دارم. مرا از آنجا بیرون انداختند، با وجود آنکه من کارت کمیسیرای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان را داشتم. من به آنها [پلیس] یک فتوکپی کارت خود را نشان دادم. اما آنها آن را پاره پاره کردند. جاهد ت. را بدون خانواده اش از کشور اخراج کردند.»^{۲۶۹}

نه تنها هیچ فرصتی برای افغان‌ها وجود ندارد تا از مشاوره حقوقی برخوردار شوند تا در اعتراض آنها به اخراج از کشور، به آنها کمک کند، بلکه هیچگونه موقعیت بحث و تبادل نظر هم برای آنها وجود ندارد که بتوانند از طریق آن، از مشاوره حقوقی بهره‌مند شوند. پلیس ایران، به عنوان قاضی، دادستان، و هیئت منصفه عمل می‌کند و در عرض یک لحظه [در مورد افغان‌ها] تصمیماتی اتخاذ می‌کند که زندگی آنها را دگرگون – و گاهی هم نابود – می‌سازد، بدون آنکه در برابر هیچ ارگانی پاسخگو باشد، و برای افغان‌ها نیز امکان چاره جویی وجود ندارد. بسیاری از افغان‌ها که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، اظهار داشتند مراحل اخراج از کشور اغلب به حدی سریع و مختصر است که فرصتی به آنها داده نمی‌شود تا با دوستان و خانواده خود تماس بگیرند و آنها را از محل خود مطلع سازند، چه برسد به اینکه بتوانند دلایل اخراج خود را به چالش بکشند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است، تصریح می‌کند: «هیچکس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.»^{۲۷۰} کمیته حقوق بشر سازمان ملل که بر اجرای این میثاق نظارت دارد، تأکید کرده است مفهوم خودسرانه بودن نباید معادل «غیر قانونی بودن» باشد بلکه باید عواملی چون «نامناسب و غیر عادلانه بودن» را هم شامل شود. برای آنکه بازداشت، خودسرانه محسوب نشود، مدت آن نباید بیشتر از دوره‌ای باشد که بر طبق توجیه مناسب دولت، تعیین شده است. این کمیته همچنین تذکر می‌دهد که اگر «بازداشت در تمام شرایط لازم نباشد»، می‌توان آن را خودسرانه دانست. مثلاً برای جلوگیری از فرار شخص. و همچنین اینکه «در یک چنین وضعیتی، عامل متناسب بودن هم باید در نظر گرفته شود.»^{۲۷۱}

حداقل در ارتباط با این پناهندگان، نحوه انجام این اخراج‌ها، ماده ۱۶ کنوانسیون پناهندگان را نقض می‌کند که از ایران می‌خواهد برای پناهندگان «امکان دسترسی داشتن به دادگاه، به طور رایگان» را فراهم آورد،^{۲۷۲} و اینکه با مهاجران پناهنده افغان «در مواردی که مربوط به دسترسی به دادگاه‌ها می‌گردد، درست مانند اتباع خود برخورد کنند.»^{۲۷۳} به علاوه، بر طبق کنوانسیون پناهندگان، اخراج یا تخلیه کشور از پناهندگان فقط باید «مطابق با تشریفات حقوقی

^{۲۶۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با علی ن.»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۶۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با جاهد ت.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۷۰} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، قطعنامه مجمع عمومی (XXI) 2200A، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۲۱، سند ۱۶ [21 (2003) U.N. GAOR Supp. (No. 16)، ماده ۹(۱)، سند سازمان ملل A/6316 (1966)، معاهدات سازمان ملل متحد سری ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [999 U.N.T.S. 171]، از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شده.

^{۲۷۱} «تصمیمات کمیته حقوق بشر»، «ای علیه استرالیا»، سند شماره ۵۶۰/۱۹۹۳، سند سازمان ملل (1997) CCPR/C/59/D/560/1993؛ «سی علیه استرالیا»، سند شماره ۹۰۰/۱۹۹۹ همان؛ «بابان علیه استرالیا»، سند شماره ۱۰۱۴/۲۰۰۱، سند سازمان ملل (2003) CCPR/C/78/D/1014/2001؛ «بختیاری علیه استرالیا»، سند سازمان ملل (2003) CCPR/C/79/D/1069/2002.

^{۲۷۲} «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان»، معاهدات سازمان ملل متحد سری ۱۸۹، بخش ۱۵۰ [189 U.N.T.S. 150] از ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد (کنوانسیون پناهندگان).

^{۲۷۳} همان، ماده ۱۶.

مربوطه» انجام پذیرد.^{۲۷۴} به جز در مواردی که «وجود دلایل قطعی و مستحکم امنیت ملی، لازم می‌داند، باید به پناهنده اجازه داد شواهد و مدارک دال بر بریت خود را تحویل دهد و بتواند درخواست استیناف کرده و برای مقاصد مربوطه در برابر مقام صالح و یا شخص یا اشخاصی که توسط این مقام صالح تعیین گردیده‌اند، از حمایت وکیل مدافع بهرمنند شود.»^{۲۷۵} و بازگرداندن پناهنده به محلی که زندگی یا آزادی وی در معرض خطر قرار گیرد، نیز ممنوع است.^{۲۷۶}

ماده ۳۱ کنوانسیون پناهندگان اظهار می‌دارد که دولت‌ها «نباید پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که زندگی یا آزادی آنها در آنجا در معرض تهدید بوده است... بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در آنجا به سر می‌برند، مجازات کنند، مشروط بر آنکه خود را بلادرنگ به مقامات مربوطه معرفی کنند و دلایل قانع کننده‌ای برای ورود یا حضور غیر قانونی خود ارائه دهند.»^{۲۷۷}

دستورالعمل‌های کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در باره معیارها و استانداردهای اعمال شدنی در باره بازداشت پناهجویان، با تأیید مجدد حقوق اساسی بشر برای درخواست و برخورداری از پناهجویی، این مقررات را در باره افرادی که درخواست پناهجویی دارند، به وضوح شرح می‌دهد و این مطلب را به عنوان یک دستورالعمل صریح و روشن بیان می‌کند که «به طور کلی پناهجویان را نباید بازداشت کرد.»^{۲۷۸} این دستورالعمل‌ها همچنین تذکر می‌دهند که بازداشت نباید به عنوان یک اقدام تنبیهی یا تأدیبی مورد استفاده قرار گیرد و یا به عنوان ابزاری برای دلسرد کردن پناهندگان از ارائه درخواست پناهجویی شان، به کار گرفته شود.

شرح حال نبیل م. و خانواده

نبیل م. که اکنون ۳۱ سال دارد و همسرش که ۲۹ ساله می‌باشد، ۹ سال پیش مبلغی به یک قاچاقچی پرداخت کردند تا آنها را به ایران ببرد. نبیل که از ولایت کندوز در شمال افغانستان است،^{۲۷۹} توضیح داد که «جنگ بود و کار هم پیدا نمی‌شد. ما هشت برادر هستیم و هیچ زمینی در کشور خود نداریم.» فرزندان آنها که ۸، ۶، ۴، و ۲ سال دارند، همگی در ایران به دنیا آمدند. نبیل به عنوان یک کارگر ساختمانی به کار اشتغال داشت. همسرش در خانه به عنوان خیاط کار می‌کرد.

خانواده آنها در تنگنای مالی قرار داشت و توان پرداخت هزینه تحصیل فرزندانشان در مدارس مخصوص افغان‌ها را نداشت. نبیل گفت هزینه فرستادن هر یک از بچه‌ها به مدرسه در سال ۲۰۰،۰۰۰ تومان (معادل ۱۶۳ دلار آمریکا) بود به اضافه هزینه حمل و نقل آنها به مدرسه، یعنی مبلغی که خارج از توان مالی این خانواده بود. به فرزندان آنها واکسن‌های لازم را نزنده بودند. نبیل توضیح داد: «ما هیچ مدرکی نداشتیم. اگر هیچ مدرک [شناسائی] نداشته باشید، نمی‌توانید به بیمارستان بروید. اگر به بیمارستان مراجعه می‌کردیم یا ما را رد می‌کردند و یا باید مبلغ هنگفتی را پرداخت می‌کردیم.»

^{۲۷۴} همان، ماده (۲) ۳۲.

^{۲۷۵} همان.

^{۲۷۶} همان، ماده (۱) ۳۳.

^{۲۷۷} همان، ماده (۱) ۳۱.

^{۲۷۸} «دستورالعمل‌های اصلاح شده کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در باره معیارها و استانداردهای اعمال شدنی در باره بازداشت پناهجویان» فوریه ۱۹۹۹، قابل دسترسی در:

<http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/Go5/438/05/PDF/Go543805.pdf?OpenElement> (تاریخ دسترسی: ۱۱ ژوئن ۲۰۱۲).

^{۲۷۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نبیل م.»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

علیرغم تمامی این موانع، خانواده آنها فداکاری‌های بزرگی کردند تا بتوانند شرایط اقامت خود در ایران را قانونی کنند. نبیل گفت که ابتدا آنها کارت‌های طرح جامع ساماندهی را تهیه کردند و سپس توانستند اعتبار این کارت‌ها را از مرحله دو ماهه نخست، با پرداخت ۱۸۵،۰۰۰ تومان (معادل ۱۵۱ دلار آمریکا) برای شش ماه دیگر تمدید کنند.

هیچیک از این تلاش‌ها و هزینه‌ها نتوانست خانواده آنها را از اخراج از کشور نجات دهد. نبیل گفت: «من در محل کارم بودم و پلیس مرا دستگیر کرد. من کارت طرح جامع ساماندهی را به پلیس نشان دادم اما آنها گفتند، نه، تو باید به افغانستان بازگردی و پاسپورت بگیری. اما من نمی‌توانم هزینه تهیه پاسپورت را بپردازم. من با خانواده‌ام تماس گرفتم و گفتم دارند من را از کشور اخراج می‌کنند. بیایید تا همگی با هم برویم.»

نبیل که اکنون به افغانستان بازگشته، دستمزد خود در ایران به مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ تومان (۲۴۵ دلار آمریکا) را طلب دارد و گفت امیدوار است که یکی از بستگانش بتواند آن را گرفته و برای او بفرستد. به علت خروج فوری این خانواده، تمام لوازم و وسایل آنها در ایران ماند. نبیل گفت: «ما چند پتو داریم و این تمام دارائی ماست. بقیه وسایل را در ایران گذاشتیم.»

خانواده آنها تصمیم دارند به استانی که نه سال پیش آن را ترک کردند، باز گردند. نبیل گفت: «ما به آنجا باز می‌گردیم، اما در آنجا حتی یک سرپناه هم نداریم. اگر زنده بمانیم و کاری پیدا شود، کار خواهیم کرد.»

شرح حال هاشم و خانواده

هاشم م. ۷ ساله بود که به هنگام سقوط دولت کمونیست افغانستان در سال ۱۹۹۲ از کابل به ایران گریخت. هاشم ۱۹ سال بعد را در ایران سپری کرد به جز یک سفر به افغانستان که حدود یک سال به طول انجامید. هاشم گفت: «من مغازه‌ای را در کابل باز کردم، اما موفقیت آمیز نبود. مغازه من سوپر مارکت و محل فروش مواد غذایی بود.»^{۲۸۰}

هاشم حدود هشت یا نه سال پیش توانسته بود در ایران مدرک پناهندگی بگیرد. او پینه دوزی یاد گرفت و در کارخانه‌ای که کفش‌های چرمی می‌ساخت، به کار پرداخت و هفته‌ای ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان (معادل ۶۵ تا ۷۵ دلار آمریکا) دستمزد می‌گرفت. وی ازدواج کرد، و او و همسرش ۲ پسر ۲ و ۳ ساله دارند.

هاشم توانست مدارک پناهندگی خود را تا مرحله آمایش ۴ که کارت آبی رنگ بود و در ژوئیه ۲۰۰۹ صادر گردید و اعتبار آن تا آوریل ۲۰۱۰ بود،^{۲۸۱} نگاه دارد. اما هنگامی که اعتبار آن منقضی شد، وی نتوانست آن را تجدید کند. او می‌گوید: «قرار بود این کارت تعویض شود، اما هزینه آن بیش از یک میلیون ریال (۸۲ دلار آمریکا) بود و من توان مالی آن را نداشتم. هزینه دریافت اجازه کار هم ۱۵۰،۰۰۰ تومان (۱۲۲ دلار آمریکا) است، اما بدون [داشتن کارت آبی آمایش معتبر] نمی‌توان اجازه کار گرفت. من مجبور بودم [وضعیت پناهندگی خود را] هر سال تجدید کنم و هزینه آن خیلی سنگین بود. آخرین بار نتوانستم چنین هزینه‌ای را بپردازم.»

هنگامی که پلیس به کارخانه کفش محل کار هاشم یورش برد، هاشم را دستگیر کرد. برادر وی که دارای اوراق معتبر است، کارت آمایش آبی هاشم را که اعتبار آن منقضی شده بود به مرکز پلیس برد تا نشان دهد که هاشم قبلاً دارای مدارک پناهندگی معتبر بوده است. او گفت: «آنها آن را قبول نکردند.»

هاشم، همسرش، و دو پسرشان را به افغانستان فرستادند. تمام دارائی آنها در ایران باقی ماند.

^{۲۸۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با هاشم م.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۸۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

شرایط ناگوار بازداشتگاه‌ها

در سال ۲۰۰۷، سازمان دیده‌بان حقوق بشر شرح حال افغان‌هایی که در اخراج جمعی حدود ۱۰۰،۰۰۰ تن افغان دارای مدارک و فاقد مدارک از ایران، گرفتار شده بودند را جمع آوری کرد. تعداد زیادی از این افغان‌ها از سه بازداشتگاه اصلی که توسط اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی اداره می‌شد و در نزدیکی مرز ایران و افغانستان قرار داشت، عبور کردند: عسکرآباد، سفید سنگ، و تله سیاه. برخی از افغان‌هایی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند از شرایط سخت این اردوگاه‌ها که گاهی اوقات پیش از مرحله نهائی اخراج به افغانستان، مجبور بودند چند هفته را در آنجا سپری کنند، شکایت داشتند.^{۲۸۲}

به نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۷ تا کنون، تغییرات چندانی رخ نداده باشد. بر اساس مصاحبه‌هایی که در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر صورت گرفت، بسیاری از بازداشتگاه‌هایی که مهاجران افغان به هنگام انتظار برای اخراج از کشور در آن محبوس می‌شوند، ساختمان‌های یک یا دو اتاقه‌ای هستند که مردم در آنها روی زمین می‌خوابند.^{۲۸۳} آنها از جهت اندازه و تعداد اخراجیانی که در آنجا نگهداری می‌شوند، با یکدیگر تفاوت زیادی دارند؛ بازداشتگاه‌های کوچک و موقت که فقط چند اخراجی در آن نگاه داشته می‌شوند و یا بازداشتگاه‌های شلوغ مرکزی مانند سفید سنگ. این بازداشتگاه‌ها اغلب بیش از حد شلوغ هستند و مسئولین اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی که مسئول اداره اماکن فوق هستند اغلب صبر می‌کنند تا تعداد اخراجی‌ها به تعداد لازم برای انتقال یک گروه کامل به مرز، برسد.

معمولاً اخراجیان برای دو سه روز یا کمتر در این بازداشتگاه‌ها می‌مانند اما در برخی موارد افرادی که قادر به پرداخت هزینه انتقال خود برای اخراج از کشور نیستند، یا جزو متخلفین تکراری هستند، به مدت طولانی تری در آنجا نگاه داشته شده و مجبورند در بازداشتگاه کار کنند. بسیاری از مصاحبه شونده‌گان شرح دادند که مجبور بودند در حیاط بخوابند، حتی در هوای سرد و بارانی، زیرا بازداشتگاه بیش از حد شلوغ بود و جای کافی برای همه وجود نداشت.^{۲۸۴} اخراج شدگان توصیف می‌کردند که بازداشتگاه سفید سنگ دارای دو سالن بزرگ است و چندین نفر، تعداد اخراجیان را در طی یک دوره، حدود ۴،۰۰۰ تن یا بیشتر تخمین زدند.^{۲۸۵}

شرایط قرارگاه‌های پلیس که اخراجی‌ها بلافاصله پس از دستگیری در آن نگاهداشته می‌شوند نیز اغلب ناخوشایند است. فرید ح، ۱۳ ساله؛ جاهد م، ۱۴ ساله؛ و عبدل ک، ۱۸ ساله، با یکدیگر نسبت خانوگی ندارند اما با هم و با یک قاچاقچی در حال ورود به ایران دستگیر شدند. آنها را به یک مرکز پلیس محلی در شهر کرمان در جنوب شرقی ایران بردند. عبدل ک گفت: «این محل بینهایت کثیف بود و یک اتاق داشت. حتی یک الاغ هم قبول نمی‌کرد آنجا بماند. هنگامی که آنجا بودیم، آنها به آزار و اذیت ما پرداختند. یکی از مأموران پلیس تیر هوایی شلیک می‌کرد تا ما را بترسانند و به ما می‌گفت ساکت باشیم.»^{۲۸۶}

^{۲۸۲} «ایران: اخراج جمعی افغان‌ها را متوقف کنید» [Iran: Halt Mass Deportation of Afghans, Human Rights Watch] اطلاعیه سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/news/2007/06/17/iran-halt-mass-deportation-afghans>

^{۲۸۳} اکثر اخراج شدگان افغان که سازمان دیده‌بان حقوق بشر برای تهیه این گزارش با آنها مصاحبه کرد، در سفید سنگ زندانی شده بودند، که مایه تعجب هم نیست، زیرا به اسلام قلعه نزدیک است.

^{۲۸۴} «مصاحبه‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر در اسلام قلعه با شریف ۱۹ ساله، در ۱۶ آوریل ۲۰۱۰؛ سعید الف، ۱۸ ساله در ۱۶ آوریل ۲۰۱۲؛ فرخ ۲۵ ساله در ۱۶ آوریل ۲۰۱۲؛ حافظ ۱۵ ساله در ۱۷ آوریل ۲۰۱۲؛ و شهیب م. ۱۷ ساله در ۱۸ آوریل ۲۰۱۲».

^{۲۸۵} «مصاحبه‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر در اسلام قلعه با والد ج. در ۱۶ آوریل ۲۰۱۲؛ قادر م. در ۱۷ آوریل ۲۰۱۲؛ شهیب م. در ۱۸ آوریل ۲۰۱۲».

^{۲۸۶} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فرید ح، جاهد م. و عبدل ک.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

همه اخراج شدگان در باره وضعیت غذای بازداشتگاه‌ها نیز شکایت داشتند.

ویس ر، ۲۴ ساله، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «غذا خوب نیست. آب را به اندازه کافی نجوشانده‌اند. مردم مریض می‌شوند و هیچگونه مراقبت پزشکی وجود ندارد. برخی از مردم دو یا سه ماه در سفیدسنگ می‌مانند.»^{۲۸۷}

حمید ح، ۱۸ ساله، که پیش از اخراج، از قم و بازداشتگاه سفید سنگ عبور کرد می‌گوید: «من ۴ یا ۵ روز پیش دستگیر شدم. در هر دوی این بازداشتگاه‌ها نه غذا وجود داشت و نه پتویی برای خوابیدن. بعضی‌ها غذا می‌گرفتند و برخی هم غذا نداشتند. مقدار آن هم خیلی کم بود.»^{۲۸۸}

قادر م، علیرغم آنکه ۱۵ سال داشت با بزرگسالان نگاهداشته می‌شد. وی گفت: «غذایی که آنها به ما می‌دادند یک سیب زمینی و یک تکه نان برای سه نفر بود. او گفت که در بازداشتگاه غذا برای فروش وجود داشت اما قیمت آن شش برابر قیمت غذا در بیرون از بازداشتگاه بود.»^{۲۸۹}

خبیر محمد و طمیم، دو پسر عمو که به طور داوطلبانه از ایران باز می‌گشتند، گفتند: «غذای یک نفر، برای سه، یا چهار نفر بود.»^{۲۹۰}

عبدالرحیم گ، ۴۸ ساله، گفت: «مردم [در بازداشتگاه سفید سنگ] شدیداً مریض بودند و آنها اهمیتی نمی‌دادند. غذا بد است و انسان را مریض می‌کند. باعث اسهال می‌شود.»^{۲۹۱}

شهیب م، ۱۷ ساله، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «آنها یک سیب زمینی و نصف تکه نان برای هر نفر می‌دادند، سه بار در روز. بچه‌های زیادی در سفید سنگ مانده بودند، زیرا پولی نداشتند. یک پسر ۱۳ ساله بود که خیلی لاغر شده بود چون پولی نداشت. او ۳۰ روز در آنجا بود. هنگامی که من آنجا را ترک کردم، او هنوز هم آنجا بود. افراد زیادی مانند وی آنجا بودند. اگر خطایی از آنها سر می‌زد، مسئولین آنها را مجبور می‌کردند که گوش‌های خود را گرفته و با یک پا به مدت ۲۰ دقیقه بایستند و یا ۱۸۰ بار نشست و برخاست کنند. آنها مرا مجبور کردند ۱۸۰ بار بنشینم و بلند شوم. من به حدی خسته بودم که نتوانستم، در نتیجه آنها به من سیلی زدند.»^{۲۹۲}

هم مجموعه اصول محافظت از کلیه زندانیان تحت هر گونه بازداشت یا حبس^{۲۹۳} و هم مجموعه قواعد سازمان ملل برای حداقل استاندارد رفتار با زندانیان^{۲۹۴} حداقل معیارهای بازداشتگاه‌ها برای اطمینان از سلامت و رفاه بازداشت

^{۲۸۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با ویس ر»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۸۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حمید ح»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۸۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با قادر م»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۹۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با خبیر م. و طمیم»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲. مردان مجرد حتی هنگامی که ایران را داوطلبانه ترک می‌کنند، باید از طریق بازداشتگاه، مراحل خروج را انجام دهند. «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یکی از کارکنان یک سازمان بین‌المللی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۹۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عبدالرحیم گ»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۹۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شهیب م»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۲۹۳} «مجموعه اصول محافظت از کلیه زندانیان تحت هر گونه بازداشت یا حبس» (مجموعه اصول) در ۹ دسامبر ۱۹۸۸، قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۳/۱۷۳، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۴۳، سند [43 U.N. GAOR Supp. (No. 49)]، ص. ۲۹۸، سند سازمان ملل A/43/49 (۱۹۸۸)، قابل دسترسی در:

^{۲۹۴} <http://www1.umn.edu/humanrts/instreetree/g3bpppdi.htm> (تاریخ دسترسی: ۱۹ اوت ۲۰۰۹).

^{۲۹۴} «مجموعه قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان» (قواعد حداقل استاندارد)، توسط نخستین کنگره سازمان ملل متحد در ژنو در ۱۹۵۵ در باره پیشگیری از جرائم و برخورد با متخلفین، به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی از طریق قطعنامه‌های شماره 663 C (XXIV) در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ و شماره (LXII) 2076 در ۱۳ مه ۱۹۷۷ به تصویب رسید.

شدگان را تعیین می‌کنند و قواعد سازمان ملل برای محافظت از نوجوانانی که از آزادی محروم شده‌اند، محافظت‌های بیشتری را برای کودکان زندانی در نظر می‌گیرد.^{۲۹۰} قواعد حداقل استاندارد، فهرست جامعی از دستورالعمل‌ها که گردانندگان بازداشتگاه‌ها باید از آن تبعیت کنند، از جمله استانداردهای خوابگاه‌ها،^{۲۹۶} نور،^{۲۹۷} شرایط بهداشتی،^{۲۹۸} تهیه غذا،^{۲۹۹} و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی^{۳۰۰} را مشخص می‌کنند. مجموعه اصول محافظت از کلیه زندانیان تحت هر گونه بازداشت یا حبس، تعهد بازداشتگاه‌ها مبنی بر حصول اطمینان از درمان پزشکی کافی برای بازداشت شدگان را مشخص می‌کند.^{۳۰۱}

قانون ایران نیز حداقل تضمین‌ها را برای شرایط بازداشتگاه‌ها مشخص می‌کند. برای مثال، قانون سازمان زندان‌های کشور، از مسئولین می‌خواهد که حداقل سرپناه را که شامل یک تختخواب، تشک، بالش و پتو و نیز سه وعده غذا در روز، وسایل ضروری آشپزخانه، نظافت و ضد عفونی مرتب بازداشتگاه، دسترسی به نور و هوای تازه و آب گرم کافی، دستشویی و حمام است، تأمین کنند.^{۳۰۲}

آزار و اذیت و عدم مراقبت از کودکان مهاجر بی‌سرپرست

کودکان مهاجر بی‌سرپرست در طی مراحل بازداشت و اخراج از کشور شدیداً در برابر آزار و اذیت، آسیب پذیر هستند. تحقیقات ما نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، مسئولین در مرز ایران و افغانستان، برای محافظت از منافع این کودکان، اقدامات کافی انجام نمی‌دهند.

کودکان مهاجر افغان که سرپرستی ندارند – کودکانی هستند که بدون هیچ‌یک از والدین و یا افراد دیگری که از آنها مراقبت کنند، سفر می‌کنند و در نتیجه آسیب پذیرترین گروه در میان افغان‌ها را تشکیل می‌دهند. این کودکان در طی عبور از مرز، و نیز در ایران، اغلب در معرض انواع آزار و اذیت‌ها قرار می‌گیرند. برخی از کودکان در طی مهاجرت، به خصوص موقع دستگیر شدن، از خانواده خود جدا می‌شوند، و برخی هم از افغانستان بدون همراهی خانواده شان سفر می‌کنند. کودکانی که به ایران سفر می‌کنند، چه در راه رفت و چه در راه برگشت، در خطر مرگ و بدرقتاری پلیس قرار دارند. آنها هنگام اقامت در ایران، به ترتیبی که حقوق بین‌الملل ضروری می‌داند، از هیچ نوع سرپرستی، یا دسترسی کافی به امکانات پناهجویی برخوردار نیستند، چه برسد به دریافت کمک برای ضرورت‌های اولیه زندگی از قبیل داشتن سرپناه، تحصیلات و غذا.

مصاحبه‌هایی که انجام داده‌ایم نشان می‌دهد مقامات غالباً کودکان را در طی مراحل انتقال، بدون برخورداری از تشریفات حقوقی لازم، داشتن سرپرست یا دسترسی به وکیل، در بازداشتگاه‌ها نگاه می‌دارند. این کودکان در طی اقامت

^{۲۹۰} «قواعد سازمان ملل برای محافظت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده‌اند» (قواعد محافظت از نوجوانان)، تاریخ تصویب: ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، قطعنامه مجمع عمومی ۴۵/۱۱۳، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی، شماره ۴۵، سند ۴۹-ای [45 U.N. GAOR Supp. (No.)]، ص. ۲۰۵. سند سازمان ملل A/45/49 (۱۹۹۰)، ماده ۶۳.

^{۲۹۶} «مجموعه قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان» (قواعد حداقل استاندارد)، توسط نخستین کنگره سازمان ملل متحد در ژنو در ۱۹۵۵ در باره پیشگیری از جرائم و برخورد با متخلفین، به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی از طریق قطعنامه‌های شماره 663 C (XXIV) در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ و شماره (LXII) 2076 در ۱۳ مه ۱۹۷۷ به تصویب رسید، اصول ۹ و ۱۰.

^{۲۹۷} همان، اصل ۱۱.

^{۲۹۸} همان، اصل ۱۴.

^{۲۹۹} همان، اصل ۲۰.

^{۳۰۰} همان، اصل ۲۵.

^{۳۰۱} «مجموعه اصول»، اصل ۲۴.

^{۳۰۲} «آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، [در سال ۱۹۸۵ تصویب و در سال ۲۰۰۵ اصلاح گردیده است]، مواد ۷۱، ۹۳، ۹۵-۹۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸.

خود [در بازداشتگاه‌ها] اغلب با بزرگسالانی که با آنها هیچ نسبتی ندارند در یک اتاق نگاهداشته می‌شوند، گاهی اوقات توسط پلیس یا نگهبانان بازداشتگاه مورد ضرب و شتم یا آزار و اذیت‌های دیگر قرار می‌گیرند، به آنها غذای کافی داده نمی‌شود، از تحصیل محروم هستند، و اغلب برای ترک بازداشتگاه مجبور می‌شوند مبالغی را پرداخت کنند.

ما مجموعاً با ۳۵ کودک مهاجر که بدون همراهی والدین یا هر گونه سرپرست به افغانستان باز می‌گشتند، مصاحبه کردیم. در طول تقریباً پنج روز که سازمان دیده‌بان حقوق بشر در قرارگاه اسلام قلعه سپری کرد، ما هر روز حدود ۱۰ تا ۳۰ کودک بی‌سرپرست مشاهده کردیم که بعضی از آنها بیش از ۱۲ سال نداشتند و از سازمان بین‌المللی مهاجرت درخواست کمک می‌کردند. ما همچنین کودکان بی‌سرپرست دیگری را هم ملاقات کردیم که مایل به دریافت کمک از سازمان بین‌المللی مهاجرت نبودند. شمارش تعداد کل کودکان بی‌سرپرستی که هر روز از مرز عبور می‌کردند، غیر ممکن بود، زیرا آنها با تعدادی از بزرگسالانی که در حال عبور از مرز بودند، مخلوط شده بودند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأیید کرد که آنها هزاران تن کودک بی‌سرپرست را مشاهده می‌کنند که برخی از آنها ده سال بیشتر نداشتند و تنها از کشور اخراج شده‌اند و گاهی اوقات، کودکان ۸ ساله را [در چنین شرایطی] مشاهده کرده‌اند.^{۳۰۳} اکثریت قریب به اتفاق این کودکان، پسر هستند اما هر سال تعداد انگشت شماری هم کودک دختر در میان آنها دیده می‌شود.^{۳۰۴} تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۰۰۰ کودک بی‌سرپرست افغان فقط از طریق مرز اسلام قلعه به افغانستان بازگردانده شده‌اند.^{۳۰۵}

اکثر کودکانی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند و از ۱۲ تا ۱۷ سال داشتند، تنها به ایران سفر کرده بودند تا پولی به دست آورند و به خانواده شان کمک کنند. این کودکان پس از دستگیری و اخراج، در تلاش برای دوباره پیوستن به خانواده خود در افغانستان، که اغلب در بعضی مناطق بسیار دور افتاده و ناامن افغانستان زندگی می‌کردند، سفر طولانی، دشوار و خطرناکی در پیش رو داشتند. اکثر آنها هیچ پولی نداشتند و بعضی از آنها از بازگشت به خانه می‌ترسیدند و احساس می‌کردند نتوانسته‌اند تعهد خود برای تهیه پول و کمک به خانواده‌هایشان را انجام دهند.^{۳۰۶} برخی از آنها، شاید هم بسیاری از آنها تلاش کنند دوباره به ایران بازگردند.

شرح حال زالمای ک^{۳۰۷}

زالمای ک، ۱۲ سال دارد. وی در آوریل ۲۰۱۲ به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «من فقط ۲۰ روز پیش به ایران رفتم. من به همراه چند پسر از ده خودمان [در ولایت دایکندی در افغانستان] به راه افتادیم. من برای کار می‌رفتم. خانواده‌ام به قاچاقچی پول دادند تا مرا ببرد.^{۳۰۸} زالمای سفر خود را که با قاچاقچیان و به همراه حدود ۴۴۰ مرد و پسر افغان دیگر انجام داده بود، تعریف کرد: «ما از طریق پاکستان سفر کردیم. ما به بم و بعد به کرمان [در جنوب شرق ایران] رفتیم. ما به یک منطقه جنگلی رسیدیم و در آنجا دستگیر شدیم. ما برای پنهان شدن از دید پلیس به آنجا رفتیم.

^{۳۰۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام رسمی افغان» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۰۴} همان.

^{۳۰۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام رسمی مرزی» (نام و محل محفوظ است)، آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۰۶} بسیاری از کودکانی که مصاحبه شدند، سفرهای پر خطر و وترسناکی به ایران کرده بودند؛ همراه با گروه‌های بزرگی از افغان‌ها به همراه قاچاقچیان ساعت‌ها پیاده راه می‌پیمودند، از کوهستان‌ها عبور می‌کردند، گاهی دچار راهزنان می‌شدند. آنها خود یا خانواده شان به قاچاقچی‌ها مبلغی در حدود ۱۲۰ دلار آمریکا می‌دادند اما معمولاً ۵۰۰ تا ۶۰۰ دلار آمریکا بود، اگرچه که برخی می‌گفتند ما فقط اگر موفق می‌شدیم به تهران برسیم، به قاچاقچی پول می‌دادیم. دلیل اصلی برای انجام این سفر، تلاش برای پول درآوردن و ارسال آن برای خانواده‌های تنگدست خود [در افغانستان] بود.

^{۳۰۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با زالمای ک»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۰۸} افرادی که از طریق قاچاقچی به ایران سفر کرده بودند، قیمت‌های گوناگونی را برای این سفر گزارش می‌کردند از ۱۰۰ دلار آمریکا گرفته تا ۲۳۰۰ دلار آمریکا برای سفر از طریق ترکیه بود. به نظر می‌رسید ۶۰۰ دلار آمریکا، نرخ معمول برای سفر از افغانستان به ایران بود، اگرچه که بسیاری از مصاحبه شونده‌گان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند آنها قرار گذاشته بودند فقط در صورتیکه با موفقیت به مقصد مورد نظر در ایران برسند، پول را پرداخت کنند.

زالمای گفت تمام گروه بیش از ۴۰۰ نفر بودند همگی دستگیر شدند. پلیس زالمای را با گروه کوچکتر ۱۵ نفری که ۲ نفر آنها پسر، و بقیه مرد بودند، نگاه داشت.»

بسیاری از کودکان به دستور خانواده شان یا برای پرداخت بدهی به ایران سفر می‌کنند. خانواده مصطفی الف، ۱۳ ساله، به او گفتند به ایران سفر کند زیرا پدرش معامله‌ای ناموفق بر روی یک قطعه زمین انجام داده بود که برای خانواده بدهی به وجود آورده بود. مصطفی توضیح داد: «پدرم بدهی دارد زیرا زمین خرید.» حتی مقادیر ناچیز قرض می‌تواند خانواده‌های فقیر را بر آن دارد تا به عنوان تنها راه نجات از فشار مالی، پسرشان را به ایران بفرستند. عباس، ۱۵ ساله، گفت: «خانواده من برای خرید برنج و مواد غذایی دیگر به مغازه دار ۳۰،۰۰۰ افغانی (معادل ۶۰۰ دلار امریکا) بدهی داشتند.»^{۳۰۹} احسان الف، ۱۵ ساله به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «خانواده من به همسایه‌ها بدهی داشتند. ما برای گرفتن آرد، نان، و هیزم بدهی داشتیم. بدهی ما ۱۵ تا ۱۶ هزار افغانی (معادل ۳۰۰ تا ۳۲۰ دلار امریکا) بود.»^{۳۱۰} یاما ه، ۱۴ ساله در تلاش برای بازپرداخت ۱،۲۰۰ دلار امریکا، مهریه که خانواده وی برای ازدواج برادر ۱۵ ساله یاما بدهی داشتند، به ایران سفر کرده بود.^{۳۱۱}

بسیاری از این پسرها حتی اگر دستگیر و به افغانستان بازگردانده شوند و حتی با وجود اطلاع از خطرات این سفر، مکرراً سعی می‌کنند به ایران برسند. شهیب م، ۱۷ ساله، پس از ۲۳ روز اقامت در ایران، دستگیر و از کشور اخراج گردیده بود. او گفت در عرض ۱۰ روز یا یک ماه دوباره سعی خواهد کرد به ایران باز گردد. او گفت: «پدرم از ۱۰ سال پیش بیمار بوده است. من خیلی تلاش کردم تا با کار کردن در اینجا بتوانم غذای پدر و مادرم را تأمین کنم، اما موفق نشدم. پدر و مادرم عدم موفقیت مرا نمی‌پذیرند و من مجبورم دوباره [به ایران] باز گردم.» شهیب تنها پسر خانواده است.^{۳۱۲}

ذبیح‌الله، ۱۲ ساله و ادريس، ۱۴ ساله، یک روز پس از عبور از مرز دستگیر شدند. آنها سعی داشتند به پدرشان بپیوندند. بار قبل، این دو با پدرشان سفر کردند و هر سه دستگیر و بازگردانده شدند. سپس پدرشان بار دیگر تلاش کرد به تنهایی به ایران برود و پس از آنکه سفرش با موفقیت همراه بود، ترتیباتی داد تا پسرانش هم دوباره سعی کرده و با کمک قاچاقچی به او ملحق شوند. ادريس گفت: «ما می‌خواستیم برای کار کردن به آنجا برویم. ما در افغانستان زمینی نداریم.» این خانواده متعلق به دایکندی هستند که یکی از فقیرترین ولایات افغانستان، و منشاء بخش عظیمی از کودکان بی‌سرپرستی است که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با آنها مصاحبه کرده است.^{۳۱۳}

کودکان بی‌سرپرستی که از مرز عبور می‌کنند و مسافت زیادی را بدون محافظت یا داشتن منابع مالی طی می‌کنند، شدیداً در معرض سوء استفاده قرار دارند. هنگامی که این کودکان به ایران می‌رسند، آنها حق دارند که تحت سرپرستی و محافظت قانون قرار گیرند و تا زمانی که وضعیت آنها مشخص شود، به خدمات ابتدایی، از جمله داشتن سرپناه، غذا و تحصیل، دسترسی داشته باشند. اما با وجود این آنها اغلب دستگیر و بازداشت می‌شوند و در حالی که به این حقوق، توجه اندکی مبذول می‌شود، آنها را از کشور اخراج می‌کنند. تمام کودکان بی‌سرپرستی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، گزارش دادند که در طی مدتی که در حبس دولت ایران به سر می‌پرند – به مدت یکی دو روز تا

^{۳۰۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عباس»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با احسان الف»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یاما ح»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شهیب م»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با ذبیح‌الله و ادريس»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

چندین هفته - آنها را در سلول‌ها و بازداشتگاه‌هایی که دارای ازدحام بیش از حد بود و در کنار بزرگسالانی که با آنها هیچ نسبتی نداشتند، نگاهداری کردند.

بسیاری از پسران بی‌سرپرست که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند به همراه مردان سالمندتری به مرز رسیدند که آنها را در بازداشتگاه‌ها یا مکان‌های دیگر در طی مراحل اخراج ملاقات کرده بودند و اکنون آنها، «مراقبت» از این پسرها را بر عهده داشتند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که سعی دارد تا حد امکان با این پسرها به تنهایی مصاحبه کند تا هویت فردی که به همراه این پسرهاست و از بستگان آنها نیست را دریابد، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «این بزرگسالان در بازداشتگاه به کودکان می‌گویند که عمو یا پسر عموی آنها خواهند شد و به آنها کمک خواهند کرد. بچه‌ها نیز به دروغ می‌گویند این فرد عموی من است. معلوم است که این افراد خردسال مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. گاهی اوقات آنها را دوباره به طور قاچاق به ایران باز می‌گردانند و گاهی اوقات هم آنها را مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌دهند. این کودکان به حدی بی‌پناه و بی‌اطلاعتند که قبول می‌کنند با این فرد [ناشناس] بروند.»^{۳۱۴}

سازمان بین‌المللی مهاجرت در آن سوی مرز که متعلق به افغانستان است به کودکان بی‌سرپرستی که از مرز عبور می‌کنند کمک می‌کند، اما فقط اگر کودکی درخواست کمک کند، آنها چنین کمکی را به او عرضه می‌کنند. هنگامی که یک اتوبوس حامل اخراج شدگان از راه می‌رسد، یک نماینده با افراد داخل اتوبوس ملاقات کرده و به سرنشینان اتوبوس راهنمایی می‌کند که چه کمک‌هایی برای آنها میسر است، اما هیچ ساز و کاری وجود ندارد که تمام کودکان را به طور سازمان یافته بررسی کرده و شرایط آنها را تشخیص دهد و دریابد کودکی که به نظر می‌رسد به همراه یک بزرگسال است در واقع به همراه فردی ناشناس سفر می‌کند. در برخی موارد فرد ناشناس بی‌شک از کودک مراقبت می‌کند اما این وضعیت آشفتگی، نشانگر آسیب پذیری بیش از حد این کودکان بوده و عمل نکردن دولت ایران به وظایف قانونی خود در حمایت از آنها را نشان می‌دهد.

علیرغم اصول صریح و روشن حقوق بین‌الملل که دولت‌ها را ملزم می‌دارد حضانت کودکان مهاجر بی‌سرپرست را بر عهده گیرند، هیچیک از کودکانی که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، از مسئولین ایرانی هیچگونه کمک خاصی دریافت نکرده بودند. این کودکان همچنین در ارتباط با اجرای مراحل اداری مربوط به تعیین وضعیت مهاجرت شان، حق دارند از طریق ارائه درخواست پناهندگی یا از طریق دیگر، کمک‌های حقوقی رایگان دریافت کنند و در تمام امور مربوط به محافظت از کودکان، از قبیل دسترسی به ضرورت‌های اولیه از قبیل پناهگاه، مراقبت‌های بهداشتی، غذا و تحصیل، از کمک و پشتیبانی برخوردار شوند.

ایران نسبت به کودکان بی‌سرپرست، از جمله آنهایی که به طور غیر قانونی وارد کشور شده‌اند و آنهایی که فقط برای چند ساعت و یا چند روز در کشور بوده‌اند، وظایف خاصی دارد. تعهدات کشورها نسبت به کنوانسیون حقوق کودک بدون استثناء چه در داخل مرزهای کشور و چه در هر منطقه‌ای که تحت صلاحیت قضایی آن کشور باشد، صرف نظر از ملیت یا وضعیت مهاجرتی شخص، باید اعمال شود. همچنین این تعهدات شامل حال کودکانی هم می‌شود که در تلاش برای ورود به خاک یک کشور، در حوزه صلاحیت قضایی آن کشور قرار گرفته‌اند.^{۳۱۵} بر طبق کنوانسیون حقوق کودک، کلیه حقوقی که به بزرگسالان تعلق می‌گیرد، از جمله حق پناهنجویی و در امان بودن از سوء استفاده و

^{۳۱۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با یک مقام رسمی افغان» [نام و محل محفوظ است]، آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۵} کمیته حقوق کودک سازمان ملل، «رفتار با کودکان بی‌سرپرست و جدا شده از خانواده خارج از کشور می‌آید» [UN Committee on the Rights of the Child, "Treatment of unaccompanied and separated children outside their country of origin," ۲۰۰۵/۹/۱، سند شماره CRC/GC/2005/6 (۲۰۰۵)، پاراگراف ۱۲].

آزار، تبعیض و باز گردانده شدن به کشور میزبان، به کودکان بی سرپرست نیز تعلق می‌گیرد.^{۳۱۶} کودکان بی سرپرست همچنین در تحصیل و در تصمیم‌گیری در باره وضعیت قانونی آنها بر اساس حفظ منافع ایشان به بهترین وجه، باید از همان حقوقی منتفع شوند که کودکان دیگر هم در کشور میزبان از آن برخوردار هستند.^{۳۱۷} علاوه بر تمامی این حقوق، کنوانسیون حقوق کودک ملزم می‌دارد که برای کودکان بی سرپرست، کمک‌های مخصوصی فراهم گردد، از جمله ارزیابی فوری وضعیت آنها، ثبت نام ایشان و تلاش برای ردیابی خانواده کودک میزبان.^{۳۱۸} برای کودکان بدون سرپرست باید یک سرپرست یا راهنما و یک وکیل مدافع تعیین شود و همچنین باید مراقبت‌های مناسب، و مکانی برای اقامت و دسترسی کامل به تحصیل برای ایشان فراهم گردد.^{۳۱۹}

در طرفی از مرز که خاک ایران است، برای جدا کردن کودکان از بزرگسالانی که نسبتی با آنها ندارند و یا برای برطرف ساختن احتیاجات خاص کودکان بی سرپرست، هیچ سیستمی وجود ندارد. به نظر می‌رسد هیچگونه تلاشی برای فراهم آوردن سرپرستی برای آنان یا در نظر گرفتن منافع آنها وجود ندارد. در حقیقت حتی معلوم نیست چه سازمان دولتی مسئولیت این کودکان را بر عهده دارد. ایران، به عنوان یکی از امضاء کنندگان کنوانسیون حقوق کودک و وظیفه دارد برای آنها محل زندگی، غذا، و تحصیلات کافی فراهم کند و نیز دیگر نیازهای اصلی آنان را فراهم آورد. با وجود این، شهادتنامه‌هایی که توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر جمع آوری شده، نشانگر آن است که ایران هیچیک از این معیارها را رعایت نمی‌کند.

شرح حال سلیم ت^{۳۲۰}

سلیم، ۱۴ ساله، می‌گوید: «من حدود یک ماه پیش افغانستان را ترک کردم.» او از ولایت دایکندی در افغانستان آمده است. وی می‌گوید از ده او شش نفر آمدند، اما او تنها فرد خانواده بود که [به ایران] می‌رفت. او می‌گوید: «من از آنجا رفتم چون دیگر چیزی برای خوردن نداشتیم. هیچ پولی نداشتیم. در حقیقت نابود شده بودیم. خانواده‌ام هزینه رفتن مرا به قاچاقچی پرداخت کردند، اما این تصمیم من بود که بروم.» دو برادر بزرگتر سلیم از قبل در ایران بودند. سلیم می‌گوید او با یک گروه افغان که حدود ۱۰۰ نفر بودند و ۱۰۰ تا ۲۰۰ تن از آنها پسر بودند، به همراه قاچاقچی از افغانستان به راه افتاد. سلیم می‌گوید: «ما از طریق پاکستان رفتیم. در کوهستان‌های پاکستان در حالیکه پیاده می‌رفتیم دزدها با پنج اسلحه کلاشنیکف آمدند و هر چه داشتیم از ما گرفتند.» سلیم می‌گوید دزدها تلفن‌های همراه، ساعت مچی و پول‌های آنها را گرفتند.

مرد مسن تری که والد نام داشت و با همان گروه سلیم، همسفر بود گفت: «قاچاقچی ما را نزد دزدها برد. او همه چیز را آماده کرده بود. در طول شب آنها ما را محاصره کردند و گفتند ما برای حفظ امنیت شما اینجا هستیم. آنها شب را ماندند و هنگامی که صبح شد ما را به صف کرده و همه چیز حتی داخل جورابه‌ایمان را جستجو کردند. آنها به یکی از افراد گروه شلیک کردند چون سعی داشت فرار کند. او مرد و ما جسد او را همان جا گذاشتیم.»

^{۳۱۶} همان.

^{۳۱۷} همان.

^{۳۱۸} همان، پاراگراف ۳۱.

^{۳۱۹} همان، پاراگراف‌های ۳۳، ۴۳-۳۹. همچنین نگاه کنید به کمیسری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «دستورالعمل‌های مربوط به سیاست‌ها و روال برخورد با کودکان پناهجوی بی سرپرست» [Guidelines on Policies and Procedures in Dealing with Unaccompanied Children Seeking Asylum], UN High Commissioner for Refugees, فوریه ۱۹۹۷، قابل دسترسی در: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b336o.html> (تاریخ دسترسی: ۲۹ مه ۲۰۱۲).

^{۳۲۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با سلیم ت.»، اسلام قلعه، افغانستان، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

سلیم و والد همچنین گفتند مرد پیری در این گروه بود که خیلی بیمار بود و هنگامی که از کوه‌ها عبور می‌کردند خیلی ضعیف شده بود. او با یک پسر کوچک سفر می‌کرد. آنها گفتند که دیگر اعضاء گروه مدتی او را حمل کردند اما بالاخره خسته شدند و او و پسر کوچک را همانجا در کوه‌ها رها کردند. آنها معتقدند که هم آن مرد پیر و هم آن پسر باید مرده باشند.

پس از آنکه این گروه توسط مهاجمین ناشناس مورد سرقت قرار گرفت، قاچاقچی‌ها هم ناپدید شدند. سلیم گفت گروه ما به سفر خود بدون قاچاقچی‌ها ادامه داد و توانست خود را به ایران برساند. پس از عبور از مرز، در زاهدان قاچاقچی دیگری پیدا کردند. این قاچاقچی گفت وی آنها را به تهران خواهد رساند و پس از رسیدن به مقصد، خانواده‌های آنها در تهران می‌توانند دستمزد وی را بپردازند. اما در بین راه زاهدان و تهران گروه آنها دوباره گرفتار سارقین شدند. سلیم گفت: «من داخل کفشم مبلغی پول داشتم که دزدهای اولی پیدا نکردند، اما دزدهای دومی آن را پیدا کردند.» یک روز بعد در حالیکه هنوز پیاده می‌رفتند، پیش از رسیدن به تهران، پلیس آنها را پیدا و دستگیر کرد.

ابتدا آنها را به یکی از بازداشتگاه‌های اخراج از کشور در همان نزدیکی بردند و سپس ایشان را به بازداشتگاه سفید سنگ که فاصله چندانی با مرز اسلام قلعه نداشت، انتقال دادند. سلیم گفت: «در بازداشتگاه، غذا خیلی کم بود. من در بازداشتگاه اول ۳۰،۰۰۰ تومان (۲۵ دلار آمریکا) و در بازداشتگاه سفید سنگ هم ۱۰،۰۰۰ ریال (۸ دلار آمریکا) پرداختم ... پلیس گفت یا باید این پول را بپردازم و یا مجبور خواهی شد همین جا بمانی.»

کنوانسیون حقوق کودک، شرایطی که تحت آن کودکان را می‌توان بازداشت کرد و نیز دوره بازداشت آنها را محدود می‌کند. چنین بازداشتی باید قانونی باشد، دوره آن کوتاهترین زمان مناسب باشد، و فقط باید به عنوان آخرین راه حل ممکن، به کار گرفته شود.^{۳۲۱} این کنوانسیون مقرر می‌کند که در کلیه اقداماتی که توسط مسئولین انجام می‌شود، از جمله در بازداشت کودکان، توجه به منافع آنها به نحو احسن، باید در درجه اول اهمیت قرار داشته باشد.^{۳۲۲} کمیته حقوق کودک، نهادی که بر اجرای این معاهده نظارت دارد، تعیین کرده است که «به عنوان یک اصل کلی، کودکان بی‌سرپرست را نباید محبوس کرد.» و اینکه «بازداشت را نمی‌توان صرفاً بر پایه [...] به علت وضعیت مهاجرت یا اقامت آنها و یا فقدان آن، توجیه کرد.»^{۳۲۳}

کنوانسیون حقوق کودک و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازند که در طی مدت بازداشت، کودکان را از بزرگسالانی که با آنها نسبتی ندارند جدا سازند.^{۳۲۴} علاوه بر تعهد نسبت به جدا ساختن کودکان از بزرگسالانی که با آنها نسبتی ندارند، تضمین‌های آئین‌نامه‌ای دیگری نیز شامل کودکان بازداشت شده می‌گردد. کنوانسیون حقوق کودک، کشور‌های متعهد را مکلف می‌کند برای کودکانی که در بازداشت به سر می‌برند، «حق دسترسی فوری به کمک‌های حقوقی و کمک‌های مناسب دیگر، و نیز حق اعتراض نسبت به قانونی بودن محروم

^{۳۲۱} «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده (ب) ۳۷.

^{۳۲۲} «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده (۲) و (۱) ۳.

^{۳۲۳} کمیته حقوق کودک سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۶، پاراگراف ۶۱.

^{۳۲۴} «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده (ج) ۳۷؛ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده (ب) ۱۰. کنوانسیون حقوق کودک تنها در صورتی اجازه می‌دهد که کودک و فرزند بزرگسال با یکدیگر در یک محل زندانی شوند که این به نفع کودک باشد. همان.

ساختن وی از آزادی...» فراهم آورند.^{۳۲۵} قواعد سازمان ملل برای محافظت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، اصول بیشتری را برای وجود شرایط مناسب بازداشت افراد خردسال معین می‌کند.^{۳۲۶}

تحقیقات سازمان دیده‌بان حقوق بشر نشان می‌دهد که ایران قادر نبوده است این معیارها را به اجرا درآورد و در عوض، مهاجران خردسال و بی‌سرپرست را تحت بازداشت‌های خودسرانه قرار داده، با آنها بدرفتاری کرده، و آنها را در کنار بزرگسالانی نگاه داشته است که هیچگونه نسبتی با این کودکان ندارند.

دستگیری، بازداشت، و بدرفتاری در قرارگاه‌های پلیس و بازداشتگاه‌های انتقال اراغیان

کودکان مهاجر افغان در ایران ممکن است هر لحظه دستگیر شوند بدون آنکه تقریباً هیچگونه دسترسی به تشریفات حقوقی لازم و یا محافظت‌های تضمین شده برای کودکان بر طبق حقوق بین‌الملل داشته باشند.

این کودکان در حالی که در شهرهای محل اقامت خود، در حال عبور و مرور هستند، ممکن است دستگیر شوند. نادر ر. قدرت مالی کافی برای حضور در مدرسه در ایران نداشت و در کارهای ساختمان سازی به کار مشغول بود. یک روز صبح که وی به محل کار خود می‌رفت، پلیس ایران وی را دستگیر کرده و دستبند زد. او گفت: «مرا به مدت ۳ ساعت در پاسگاه پلیس نگاه داشتند. آنها به من اجازه نمی‌دادند به خانواده‌ام تلفن کنم و مرا با کابل برق می‌زدند.»^{۳۲۷}

علیرضا، ۱۶ ساله، گفت: «من ۱۲ سال در ایران بودم. من با خانواده‌ام [به ایران] رفتم. من اینجا در افغانستان کسی را نمی‌شناسم. یک کارت شناسایی داشتم و در قم زندگی می‌کردم. هر موقع از خانه بیرون می‌رفتم، همیشه این کارت شناسایی را همراه خود می‌بردم، اما همین یک بار بدون کارت از منزل خارج شدم. آن روز جمعه بود و من به همراه دوستانم بودم که با پنج مأمور پلیس روبرو شدم.» علیرضا را تنها از کشور اخراج کردند.^{۳۲۸}

افراد خردسال ممکن است در حال سفر بین شهرها هم دستگیر شوند. نصرت ب، پسر ۱۵ ساله افغانی است که خانواده خود را در شهر قزوین (در شمال غرب ایران) ترک کرده و به محل اقامت عمومی خود در تاجیکستان که با آنجا ۳۵ کیلومتر فاصله داشت، سفر می‌کرد. او می‌گوید وقتی که به مقصد رسید «از خانه بیرون آمده و به میدان شهر رفتم و پلیس آمد و مرا برد. در پاسپورت من قید نشده است [که این پاسپورت فقط در قزوین اعتبار دارد]، اما هنگامی که پلیس شماره سری گذرنامه مرا به کامپیوتر داد، کامپیوتر گفت که این پاسپورت برای قزوین است.» پلیس نصرت را دستگیر کرد و گفت که پاسپورت او فقط برای قزوین معتبر است و او قزوین را به طور غیر قانونی ترک کرده است. نصرت گفت «هیچکس به من نگفته بود که این پاسپورت فقط محدود به [یک محل خاص] می‌باشد. آنها فقط این پاسپورت‌ها را به ما دادند.»

همانطور که در بالا ذکر شد، مسئولان هم کودکان و هم بزرگسالان را پیش از اخراج از کشور در بازداشتگاه‌های مخصوص انتقال کسانی که بازگردانده می‌شوند نگاه داشته و پسرها هم اغلب در کنار مردهای بزرگسال که با آنها نسبتی ندارند، نگاه داشته می‌شوند. آنها اغلب به دلایل مختلف که معمولاً از جمله آنها انجام ندادن وظایف کارگری،

^{۳۲۵} «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده (د) ۳۷.

^{۳۲۶} «قواعد سازمان ملل برای محافظت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده‌اند» (قواعد محافظت از نوجوانان)، تاریخ تصویب: ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، قطعنامه مجمع عمومی ۴۵/۱۱۳، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی، شماره ۴۵، سند ۴۹-ای [U.N. GAOR Supp. (No. 45 U.N. GAOR Supp. (No. 49A)], ص. ۲۰۵. سند سازمان ملل A/45/49 (۱۹۹۰).

^{۳۲۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نادر ر.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۲۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با علیرضا»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

قادر نبودن به پرداخت مبالغ لازم، و یا به عنوان «تنبیه» برای ورود غیر قانونی به کشور، از طرف نگهبانان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند.

داوود، ۱۶ ساله، که سعی داشت پس از یک بار اخراج در گذشته، دوباره به برادر بزرگترش در ایران بپیوندد، جریان دستگیر شدن خود را در طرف ایرانی مرز اینطور تعریف کرد: «آنها ما را که در مجموع ۴۸ نفر می‌شدیم، در حالیکه در مسافرخانه در شهر بم [در جنوب شرقی ایران] خوابیده بودیم، دستگیر کردند.» وی ادامه می‌دهد:

«در حدود ساعت ۶ صبح، ۲۰ تا ۲۵ نفر مأمور با لباس‌های نظامی به خانه‌ها حمله و ما را دستگیر کردند. بعضی از ما را زدند. سپس ما را سوار چند کامیون کردند و برای مدتی می‌رفتیم. بعد دیدیم در وسط یک صحرای خشک ما را پیاده کردند. برایمان کمی غذا آوردند. و بعد هم ما را به یک قرارگاه پلیس محلی بردند. چند نوجوان ۱۲ و ۱۳ ساله هم در میان ما بودند. در قرارگاه پلیس محلی در حدود ۴۵۰ افغان فاقد مدارک بودند. ما باید هر یک ۵،۰۰۰ تومان (معادل ۴ دلار آمریکا) تهیه می‌کردیم که برای انتقال خود به بازداشتگاه کرمان بپردازیم. من را مجبور کردند یک شب آنجا بمانم چون هیچ پولی نداشتم و آنها [پلیس] آن شب چندین بار با باتوم به سرم زدند. از من خواستند ۲،۰۰۰ تومان [۱،۶۳ دلار آمریکا] به آنها بپردازم، اما من آن را هم نداشتم، بنابراین آنها من را در اتومبیلی گذاشته به بازداشتگاه کرمان فرستادند. آنجا هم به ۵،۰۰۰ تومان احتیاج داشتم اما هیچ پولی نداشتم، بنابراین آنقدر گریه و التماس کردم تا مردم به من کمک کردند. بازداشتگاه کرمان محل وحشتناکی بود. [نگهبانان بازداشتگاه] ما را زدند و ترساندند و خیلی کم به ما غذا می‌دادند.»^{۳۲۹}

شرح حال بد رفتاری‌هایی که در نقاط مختلف ایران با [اخراج شونده‌گان] می‌شد، به طرز حیرت آوری با هم‌دیگر مطابقت داشت. سهیل الف، پسر ۱۵ ساله، تجارب خود از بازداشتگاه یزد در مرکز ایران و سپس در ایرانشهر در جنوب شرقی ایران نزدیک به مرز ایران و پاکستان، اینطور تعریف کرد: «در بازداشتگاه یزد به ما سیلی می‌زدند و ما را آزار و اذیت می‌کردند... [کارکنان] شکایت می‌کردند به خاطر وجود ما افغان‌ها در بازداشتگاه، نمی‌توانند بخوابند. به ما گفتند برگردید به کشورتان!»

سهیل سعی کرد دوباره به ایران برود، اما باز هم دستگیر شد، این بار در ایرانشهر گرفتار شد. و باز هم مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او می‌گوید: «ما در مسافرخانه خواب بودیم که سه خودروی پلیس با ده مأمور به ما حمله کردند. آنها خیلی ما را زدند، با چکمه‌هایشان به ما لگد می‌زدند و با کمر بندهایشان ما را می‌زدند. در پاسگاه پلیس ایرانشهر، حدود ۶۰ تن از ما را در یک اتاق چپانده بودند. آنها ما را آزار و اذیت و تهدید می‌کردند.»^{۳۳۰}

کودکان بازداشتی توصیف کردند که چگونه احساس می‌کردند که سرنوشت ایشان در دست نیروهای امنیتی ایران قرار دارد که به نظر می‌رسید از ادانه و مصون [از هر گونه پاسخگویی] آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. علیرضا، ۱۶ ساله، جریان دستگیری خود توسط پلیس را اینطور تعریف کرد: «آنها اجازه دادند بقیه بروند، اما مرا نگاهداشته و کتک زدند. آنها دلشان پُر بود و می‌خواستند به یک دلیلی آن را سر من خالی کنند. آنها من و دو سه نفر دیگر از افراد فاقد مدارک را بردند. در طول تمام راه [تا رسیدن به پاسگاه پلیس] به ما بد و بیراه می‌گفتند. هنگامی که به آنجا رسیدیم، تلفن همراه ما را از من گرفتند.»^{۳۳۱}

^{۳۲۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با داوود»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با سهیل الف»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با علیرضا»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

نیروهای امنیتی، خالد، ۱۷ ساله را مدت کوتاهی پس از آنکه قاچاقچی‌ها او را از مرز عبور داده و وارد ایران کرده بودند، در زاهدان در جنوب شرقی ایران دستگیر کردند. او گفت: «قاچاقچی بلوچ رفته بود غذا تهیه کند که ۱۴ مأمور پلیس ریختند و به ما دستبند زدند. آنها گفتند آدم‌های احمق، اینجا چه می‌کنید؟ برگردید به کشورتان!» خالد می‌گوید آنها را به یک پاسگاه پلیس بردند و هزینه حمل و نقل را از آنها گرفته و سپس آنها را به بازداشتگاهی در زاهدان انتقال دادند.

خالد می‌گوید: «ما دو شب را در آن بازداشتگاه ماندیم و مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم. آنها بعضی از ما را می‌زدند و به ما توهین می‌کردند، مثلاً می‌گفتند: "چرا می‌آیید و کشور ما را کتیف می‌کنید؟" خالد می‌گوید سپس آنها را به بازداشتگاه سفید سنگ انتقال دادند. «برخی از ما مجبور بودند در آنجا کار کنند و حدود هشت شب دیگر آنجا ماندند تا بالاخره اجازه خروج از آنجا صادر شد. ما ۲۶،۰۰۰ تومان (۲۱ دلار آمریکا) پرداختیم تا از بازداشتگاه سفید سنگ به مرز برویم. آنها در سفید سنگ بدون هیچ دلیلی با ما بد رفتاری می‌کردند و ما را آزار می‌دادند؛ من نمی‌خواهم به ایران باز گردم.»^{۳۳۲}

کودکانی که در بازداشتگاه‌ها نگهداری می‌شوند همچنین شکایت می‌کردند که با بزرگسالان در یک جا نگاه داشته شده و آب و غذای کافی نداشتند. زالمای گفت پس از دستگیری، وی را در پاسگاه پلیس کرمان در جنوب شرقی ایران نگاه داشتند و سپس به بازداشتگاه سفید سنگ انتقال دادند. در هر یک از این مکان‌ها او را در کنار بزرگسال نگاه داشتند و او می‌گوید: «شرایط خیلی بد بود. آب و غذای کافی وجود نداشت.»

مسئولین بازداشتگاه از همه افراد، از جمله از کودکان بدون سرپرست می‌خواهند تا هزینه لازم برای رهایی از بازداشتگاه‌های انتقال عودت شوندگان را بپردازند. سهراب، ۱۴ ساله، و نوری، ۱۵ ساله، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند: «ما در راه سفر به کرمان بودیم که دستگیر شدیم.» آنها گفتند که به همراه قاچاقچی در راه کرمان دستگیر شدند. سهراب گفت: «هر ۲۸ نفر ما پیاده حرکت می‌کردیم. ۶ تن از گروه ما موفق به فرار شدند و باقیمانده دستگیر گردیدند. ما یک شب در بازداشتگاه کرمان و یک شب در سفید سنگ ماندیم. برای رفتن به سفید سنگ آنها ۲۵،۰۰۰ تومان (۲۰ دلار آمریکا) از ما گرفتند و از سفید سنگ ۵،۰۰۰ تومان (۴ دلار آمریکا) به علاوه ۲۰،۰۰۰ تومان (۱۶ دلار آمریکا) به عنوان مالیات شهرداری گرفتند. اگر ما این پول را نداشتیم، مجبور بودیم آنجا بمانیم.»

شهیب م، ۱۷ ساله، تنها به ایران سفر کرد تا از جهت مالی به خانواده اش کمک کند، زیرا پدرش از مدت‌ها قبل بیمار بود. مقامات ایران ۴،۰۰۰ تومان (۳ دلار آمریکا) برای انتقال او از پاسگاه کرمان به بازداشتگاه اخراجیان کرمان، ۳۰،۰۰۰ تومان (۲۵ دلار آمریکا) برای انتقال وی به بازداشتگاه اخراجیان سفید سنگ، و ۲۵،۰۰۰ تومان (۲۰ دلار آمریکا) هم برای سفر وی از بازداشتگاه سفید سنگ به مرز، از او گرفتند. او گفت: «آنها قصد داشتند پول بیشتری از من بگیرند، اما من مقداری پول در جوراب خود پنهان کرده بودم. من حدود ۲۰،۰۰۰ تومان (۱۶ دلار آمریکا) برای کمک به دیگران پرداختم.»^{۳۳۳}

بسیاری از عودت شوندگان که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کردند، مجازات‌های بخصوص برای افرادی که دفعات قبل از ایران خارج شده بودند را شرح دادند. آنها توضیح دادند هنگامی که در بازداشتگاه بودند، از آنها انگشت نگاری به عمل آمد و اگر کارکنان بازداشتگاه نمونه آن اثر انگشت را در سوابق خود پیدا می‌کردند که نشانگر آن بود فرد مورد نظر قبلاً هم از ایران اخراج گردیده است، انتظار می‌رفت چنین افرادی مورد بد رفتاری بیشتری قرار گیرند.

^{۳۳۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با خالد»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شهیب م.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

سهیل الف، ۱۵ ساله، گفت: «ما را به سفید سنگ منتقل کردند و من پول کافی نداشتم بنابر این مجبور بودم برای آن خواهش و التماس کنم.» مبلغی که وی باید می‌پرداخت، ۱۳،۰۰۰ تومان (۱۱ دلار امریکا) بود. سهیل را مجدداً در حال ورود به ایران دستگیر کردند و باز هم او را به بازداشتگاه سفید سنگ فرستادند. او می‌گوید: «از ما انگشت نگاری کرده و ثبت کردند. نگهبانان بازداشتگاه فهمیدند که من دوباره به ایران باز گشتم، و پیش از اخراج مجدد من از کشور، مرا مجبور کردند ۱۱ شب به عنوان مجازات در آنجا بمانم.»^{۳۳۴}

خردسالانی که قادر به پرداخت هزینه‌های تحمیلی مسئولین ایرانی نبودند همگی به ما گفتند که در بازداشتگاه‌های انتقالی مجبور شدند در ازای «بدهی» خود، کار کنند. بعضی گفتند اگر از کار کردن امتناع می‌ورزیدند و یا اینکه [نگهبانان] متوجه می‌شدند که آنها به اندازه کافی سخت کار نمی‌کنند، آنها را مورد آزار و اذیت‌های جسمی قرار می‌دادند.

شهبیب ۱۷ ساله در حال عبور از مرز از ایالت نیمروز افغانستان به ایران، به همراه ۱۳ افغان دیگر دستگیر شد. افراد این گروه را از هم جدا کردند و او و دو تن دیگر را به پاسگاه مرزی انتقال دادند. وی گفت: «آنها ما را مجبور کردند سه روز پشت سر هم کار کنیم. آنها ما را وادار کردند بار کامیون‌هایی که حامل سیب زمینی، گوجه فرنگی و غیره بودند را تخلیه کرده و به دنبال مواد مخدر بگردیم و سپس آنها را مجدداً بار کامیون‌ها کنیم. اگر کامیونی نبود می‌توانستیم بخوابیم. اگر هر یک از ما بیش از حد خسته بود و توان کار نداشت، آنها او را می‌زدند و مجبور می‌کردند به کار ادامه دهد.»^{۳۳۵}

امان‌الله ۱۵ ساله می‌گوید: «در سفید سنگ آنها مرا مجبور کردند ۹ روز [در ناوایی بازداشتگاه] بدون دریافت دستمزد، کار کنم.»^{۳۳۶} شهبیب م، ۱۷ ساله، می‌گوید: «در یزد سه روز ما را در پاسگاه پلیس نگاه داشتند. آنها ما را مجبور کردند تمام آن روزها را کار کنیم. من یک روز بدون اجازه صحبت کردم و یکی از مأموران به من گفت بلند شوم و به عنوان تنبیه ۸۰ بار نشست و برخاست انجام دهم. او گفت: "خفه شو حرامزاده."» شهبیب م. بعداً به بازداشتگاه سفید سنگ فرستاده شد. او گفت: «در سفید سنگ اگر حرفی می‌زدیم آنها با باتوم به سر ما می‌کوبیدند.»^{۳۳۷}

آزار و اذیت و بدرفتاری با عودت‌شوندگان افغان، نقض قوانین داخلی ایران و نیز تعداد بیشماری از قوانین بین‌المللی است. قانون اساسی ایران، مأموران را از تحقیر زندانی در طی مراحل دستگیری، بازداشت، حبس یا تبعید منع می‌کند.^{۳۳۸} ضمناً قانون حقوق شهروندی ایران که در سال ۲۰۰۴ توسط قوه قضائیه منتشر گردید، تصریح می‌کند که «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.»^{۳۳۹} ماده ۱۶۹ آیین‌نامه سازمان زندان‌های کشور ایران نیز می‌گوید: «تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک نسبت به متهمان و محکومان به کلی ممنوع است.» این ماده همچنین می‌گوید: «تنبیه بدنی و اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت‌بار و موهن در مؤسسه‌ها و زندان‌ها به کلی ممنوع است.»^{۳۴۰}

^{۳۳۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با سهیل الف»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۵} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شهبیب م»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۶} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با امان‌الله»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با شهبیب م»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۳۸} «قانون اساسی ایران، اصل ۳۹». این اصل می‌گوید: «هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

^{۳۳۹} «قانون حقوق شهروندی»، ماده ۶، در ۱۹ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب مجلس رسیده است، در ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ توسط مجلس، اصلاح و تصویب گردیده است. همچنین نگاه کنید به مواد ۱ و ۹ که اشکال دیگر بدرفتاری با زندانیان را ممنوع می‌کند.

^{۳۴۰} «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، ۱۳۸۴ [در سال ۱۹۸۵ تصویب و در سال ۲۰۰۵ اصلاح گردیده است]، ماده ۱۶۹.

شکنجه نیز بر طبق اصل ۳۸ قانون اساسی ایران ممنوع گردیده است.^{۳۴۱} بر طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مأموری که «اذیت و آزار بدنی» نسبت به شخص بازداشت شده وارد آورد، مستوجب مجازات است، که می‌تواند شامل مقابله به مثل یا پرداخت دیه و نیز حبس از شش ماه تا سه سال باشد.^{۳۴۲} ماده ۵۷۸ تعیین می‌کند که اگر مقامات عالی‌رتبه دستور چنین آزار و اذیتی را داده باشند، مسئولیت آسبایی که توسط مأموران پائین رتبه زندان یا بازداشتگاه وارد گردیده، متوجه مقامات مافوق آنهاست.^{۳۴۳}

جدا شدن از خانواده

همانطور که در بالا شرح داده شد، در حالیکه بسیاری از کودکان تنها به ایران سفر می‌کنند، بسیاری نیز با خانواده خود این مسیر را طی می‌کنند، اما در طول مراحل اخراج از کشور، از آنها جدا می‌شوند. در اکثر مواقع این کودکان راه حل مشخصی برای دوباره پیوستن به خانواده‌هایشان ندارند.^{۳۴۴}

در بسیاری از موارد خانواده‌ها در طی یک لحظه به دلیل اخراج از کشور، تجزیه می‌شوند، و هیچ امکانی برای تماس گرفتن با یکدیگر، یا مخالفت با اخراج خود از کشور، ندارند و یا اینکه امکانی وجود ندارد که فقط افراد بخصوصی از خانواده بازگردند تا بتوانند چنین تصمیم سختی در باره تحمل جدایی و یا اخراج جمعی با همدیگر را اتخاذ کنند. حقوق بین‌الملل، حق برخورداری از زندگی خانوادگی را محترم می‌شمارد و این حق، با جدا کردن خودسرانه اعضا خانواده از یکدیگر، نقض می‌شود.

شرح حال حسینا و زهره و خانواده

حسینا ۱۵ ساله و زهره ۱۷ ساله، دخترهای افغان و متعلق به خانواده‌ای هستند که حدود ۱۵ یا ۱۶ سال در ایران زندگی کرده است. پدر آنها به صورت کارگر روز مزد کار می‌کرد و زندگی خود، همسرش، حسینا، زهره و سه فرزند جوانترش (یک خواهر ۱۲ ساله، یک برادر ۸ ساله و یک برادر ۳ یا ۴ ساله) را تأمین می‌کرد. به گفته این دخترها، خانواده آنها دارای مدارک معتبر پناهندگی بود. زهره اخیراً با محمد ج، مرد افغان ۲۱ ساله‌ای که ۲ سال در ایران زندگی کرده بود، نامزد شده بود. محمد ج. نیز دارای کارت معتبر طرح جامع ساماندهی بود.

در روز ۱۵ آوریل ۲۰۱۲ حسینا و زهره برای زیارت به شهر مقدس قم که در حدود ۳۵ کیلومتری محل زندگی شان قرار داشت رفتند. این دو دختر به ما گفتند که در قم مأموران پلیس آنها را به علت کفش‌هایشان که خیلی جلب توجه می‌کرد، متوقف کردند. حسینا کفش‌های اسپورت صورتی شاد پوشیده بود و زهره هم کفش‌های پاشنه بلند به پا داشت. به گفته این دخترها، پلیس آنها را متوقف ساخت و گفت شما نمی‌توانید کفش‌های رنگی شاد مثل این بپوشید، اینجا شهری مقدس است. حسینا و زهره با پلیس به جر و بحث پرداختند و پلیس هم آنها را دستگیر کرده و به داشتن آرایش و بدحجابی متهم کرد.

^{۳۴۱} «قانون اساسی ایران»، اصل ۳۸. این اصل تصریح می‌کند که «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است.»

^{۳۴۲} «قانون مجازات اسلامی»، ماده ۵۷۸ (۱۹۹۶).

^{۳۴۳} همان.

^{۳۴۴} این مشکل عمومی‌تری است. در تحقیقاتی که در سال ۲۰۰۸ در مورد خانواده‌های افغان اخراج شده از ایران شد، ۶٫۵٪ افرادی که مصاحبه شدند، اظهار داشتند که در طی مراحل دستگیری و اخراج از خانواده‌های خود جدا شدند. «همکاری کمیسریای پناهندگان و دفتر بین‌المللی کار برای راه حل‌های جامع برای آوارگان افغان: مطالعات تحقیقاتی در باره افغان‌های اخراج شده از ایران» [ILO-UNHCR]، اوت ۲۰۰۸، مشاورین آلتای [Altai Consulting] (بایگانی شده در آرشیو سازمان دیده‌بان حقوق بشر)، ص. ۸۴.

پس از دستگیری، پدر و نامزد زهره به پاسگاه پلیس محل بازداشت دخترها رفتند. هنگامی که به آنجا رسیدند، پلیس آنها را نیز دستگیر و هر چهار نفر آنها را فوراً به بازداشتگاه اخراجی‌ها منتقل کرد و چند روز بعد هم آنها را از کشور اخراج کرد. مادر این دخترها و سه فرزند جوانتر در ایران باقی مانده‌اند. خاله و پدر بزرگ و مادر بزرگ آنها نیز در آنجا به سر می‌برند. پدر آنها گفت: «من نمی‌دانم چه باید بکنیم. ما اینجا هیچ پولی نداریم. برای بازگشت پولی نداریم. همسر من کار نمی‌کند... او بیسواد است.»^{۳۴۰}

شرح حال عارف و خانواده

عارف و همسرش ۱۰ سال بود که در ایران زندگی می‌کردند. آنها چهار فرزند دارند که کوچکترین آنها در ایران به دنیا آمده است. تا حدود یک سال قبل از اینکه آنها را ملاقات کنیم، آنها جزو ساکنان فاقد مدارک بودند. اما در سال ۲۰۱۱ بالاخره توانستند بر طبق طرح جامع ساماندهی اجازه اقامت قانونی بگیرند. برای آنها کارت‌هایی صادر شد که به آنها اجازه می‌داد [در ایران] بمانند به شرط آنکه درخواست پاسپورت افغان و ویزای ایرانی کنند. فرزندان آنها برای نخستین بار قادر بودند به مدرسه بروند. قبل از دریافت این کارت‌ها، فرزندان بزرگتر خانواده با پدرشان که به کارگری در امور کشاورزی و ساختمانی اشتغال داشت، کار می‌کردند.

هفت روز پیش از آنکه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عارف و همسرش مصاحبه کند، این دو خانه خود را در مشهد ترک کرده و برای زیارت به شهر مقدس قم رفتند. آنها فرزند یک ساله شان را با خود به سفر بردند اما سه فرزند بزرگتر خود را که ۱۲، ۱۰، و ۸ سال داشتند در خانه تنها گذاشتند. عارف می‌گوید: «ما با مینی بوس در منطقه سرهک سفر می‌کردیم. یک مأمور پلیس آمد و از ما خواست کارت شناسایی خود را نشان دهیم. مأمور پلیس کارت شناسایی ما را با خود برد و گفت: «فردا کارت را به شما پس می‌دهم. ساعت ۸ صبح اینجا باشید.» من هم رفتم و آنها همگی ما را داخل اتومبیلی گذاشته و به یک بازداشتگاه [مخصوص اخراج از کشور] بردند.» عارف می‌گوید پلیس به آنها گفت که کارت‌های طرح جامع ساماندهی آنها فقط برای مشهد معتبر است. وی می‌گوید او به اداره تابعیت دولت ایران مراجعه کرده بود و مخصوصاً درخواست کرده بود نامه‌ای برای او صادر کنند که به آنها اجازه دهد برای چهار روز به قم سفر کنند، اما آنها به وی گفته بودند به چنین نامه‌ای نیاز ندارد. همسر عارف می‌گوید: «اینقدر به آنها [مسئولین ایرانی] التماس کردم که فقط شوهرم را اخراج کنند و بگذارند من [به خاطر بچه‌ها] باز گردم، اما آنها قبول نکردند.»

مراحل اخراج عارف و همسرش هفت روز به طول انجامید و در طی این مدت آنها قادر نبودند با فرزندانشان تماس بگیرند تا آنکه به افغانستان رسیدند. مسئولین ایرانی نه تنها به آنها اجازه ندادند فرزندانشان را به نزد خود بیاورند، بلکه تلفن‌های آنها را نیز از ایشان گرفتند و دیگر راه‌های تماس با کودکانشان را نیز بر آنها بستند. در زمان مصاحبه، فرزندان آنها هنوز در خانه تنها بودند. عارف گفت: «من نمی‌دانم چه باید بکنم. پولی ندارم که پاسپورت و ویزا بگیرم. ما هیچکس را در مشهد نداریم که به ما کمک کند. ما به مزار شریف خواهیم رفت. در آنجا خانه‌ای نداریم، اما سعی می‌کنیم خانه‌ای اجاره کرده و فرزندانمان را از ایران به اینجا بیاوریم. نمی‌دانم خداوند چه راهی پیش پای من خواهد گذاشت.»^{۳۴۱}

شرح حال نصرت ب

نصرت ب، ۱۵ ساله، به تنهایی از ایران اخراج گردید با وجود آنکه خانواده وی در ایران، مقیم قانونی بودند.

نصرت ب. به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «من بزرگترین پسر خانواده هستم. من ۱۵ سال دارم.» نصرت گفت هنگامی که پدر و مادرش به ایران فرار کردند او نیز که تنها یک ماه بیشتر نداشت با آنها به ایران رفت. او سه برادر و

^{۳۴۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حسینا، زهره، پدرشان، و نامزد زهره»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۴۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عارف»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

سه خواهر جوانتر از خود دارد که همگی در ایران به دنیا آمده‌اند. با وجود آنکه به گفته نصرت، خانواده وی سال‌ها مقیم فاقد مدارک بوده‌اند، اخیراً توانسته بودند وضعیت اقامت خود را قانونی کنند؛ ابتدا با تهیه کارت‌های طرح جامع ساماندهی و سپس با استفاده از این کارت‌ها برای گرفتن پاسپورت افغان و ویزای ایرانی. خانواده آنها مجبور بود برای تهیه این مدارک، مبالغی را بپردازد. پدر نصرت به عنوان کارگر روزمزد کشاورزی کار می‌کرد و نصرت هم هنگامی که به مدرسه نمی‌رفت در مزرعه کار می‌کرد، اما خانواده آنها خیلی فقیر بود. نصرت گفت: «تمام پولی که به دست می‌آوردیم مصرف می‌شد. هیچ پس اندازی نداشتیم. من به دیدن عموی خود می‌رفتم چون به پول احتیاج داشتیم. تمام پول خود را صرف تهیه پاسپورت کرده بودیم. عموی ما سرکارگر کارهای ساختمانی است و به ما مبلغی پول بدهی داشت.»

نصرت در هنگام سفر برای دیدن عموی خود، دستگیر شد. او توانست یک روز بعد با خانواده خود تماس بگیرد و به گفته نصرت، خانواده اش به دیدن شخصی که برای آنها گذرنامه صادر کرده بود رفتند و سعی کردند از او در این مورد کمکی بگیرند. نصرت به ما گفت که مرد مزبور اظهار داشت: «نه، او راهی جز اخراج شدن ندارد.» هنگامی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نصرت مصاحبه کرد، او به تازگی وارد افغانستان شده و تنها بود و این نخستین باری بود که وی از سن یک ماهگی به بعد به این کشور آمده بود. او تصمیم داشت به یکی از ولایات افغانستان در نزدیکی مرز ایران که برخی از بستگانش در آن زندگی می‌کردند برود. او گفت: «من با خانواده‌ام صحبت خواهم کرد تا تصمیم بگیریم چه باید کرد.»

شرح حال نادر

نادر ر. نیز مانند نصرت هنگامی که در ایران بود از خانواده اش جدا شد و نمی‌داند چگونه دوباره به آنها بپیوندد. وی ۱۴ سال دارد و از ولایت بامیان در افغانستان است. وی در سن ۸ سالگی به همراه پدر و مادر و خواهر و برادرهایش به ایران رفت.

تنها پس از آنکه نادر از مرز عبور کرده و وارد افغانستان شد توانست با خانواده خود تماس بگیرد. در زمانی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نادر مصاحبه کرد وی در مرز و در خاک افغانستان تنها بود. سازمان بین‌المللی مهاجرت در مرز، برای افرادی که «افراد بینهایت آسیب پذیر» نامیده می‌شوند، از جمله برای خردسالان بدون سرپرست مانند نادر، خدماتی را فراهم می‌کند. این خدمات شامل کمک به اینگونه کودکان در ملحق شدن به خانواده شان است. اما اصلاً معلوم نبود چگونه انجام چنین کاری برای نادر ممکن است. او گفت: «من نمی‌دانم حالا چه باید بکنم. من در این منطقه کسی را نمی‌شناسم. من در هرات خانواده‌ای ندارم. من باید به ایران باز گردم. مادرم از من می‌خواهد برگردم.»^{۳۴۷}

شرح حال مریم گ

مریم گ. در ایران متولد گردید. او دوره شش ساله دبستان را به اتمام رسانده بود که در سن ۱۴ سالگی برای ثبت نام در دوره متوسطه، تنها به دبیرستان رفت. دبیرستان که متوجه شد وی افغان است، به پلیس اطلاع داد. او را دستگیر و از کشور اخراج کردند. او می‌گوید: «من می‌خواستم به مدرسه بروم و آنها مرا گرفتند و گفتند باید اخراج شوی چون تنها هستی. من گفتم نه، من خانواده دارم. آنها گفتند چون من افغان هستم باید از کشور اخراج شوم.» پس از اخراج مریم از ایران، پلیس مرزی افغانستان او را به یکی از مراقبتگاه‌های ویژه زنان در یکی از شهرهای افغانستان در همان نزدیکی انتقال داد. مریم دو سال در آنجا ماند. خانواده وی هرگز برای بردن او نیامدند. او فقط یک بار توانست با آنها صحبت کند. پس از دو سال هنگامی که مریم ۱۶ سال داشت، مسئولین مراقبتگاه برای او شوهری پیدا کردند و وی با او ازدواج کرده و مراقبتگاه را ترک کرد.

^{۳۴۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با نادر ر.»، اسلام قلعه، ۱۶۹ آوریل ۲۰۱۲.

پس از بدرفتاری و آزار و اذیت شوهر و مادر شوهر جدید با مریم، او چندین بار به مراقبتگاه پناه آورد اما مسئولین آنجا هر بار او را نزد شوهرش فرستادند. بالاخره مریم تصمیم گرفت که چاره‌ای به جز بازگشت به ایران ندارد. او با زن دیگری که در مراقبتگاه ملاقات کرده بود قرار گذاشت که هر دوی آنها وجهی را به قاچاقچی بپردازند تا آنها را به ایران ببرد و مریم دوباره بتواند به خانواده خود بپیوندد. زن دیگر باید به ایران باز می‌گشت تا پدر بیمارش را ببیند. آنها در هنگامی که منتظر بودند تا از مرز عبور کنند دستگیر شدند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در زندان افغانستان با مریم مصاحبه کرد. هر دوی این زن‌ها گفتند که در خانه‌ای که قاچاقچی آنها را به آنجا هدایت کرده بود، منتظر بودند. دو مرد هم در آنجا منتظر بودند و هر چهار تن به جرم زنا (داشتن روابط جنسی بدون ازدواج) تحت پیگرد قرار گرفتند زیرا همگی آنها در آن خانه با هم تنها بودند. شوهر مریم پس از دستگیری مریم او را طلاق داد، و او و مادرش دیگر مایل نیستند او باز گردد. او به تحمل سه سال حبس محکوم شد و تصمیم دارد پس از آزادی، به مراقبتگاه باز گردد.^{۳۴۸}

در برخی از موارد، افرادی که دستگیر و با اخراج از کشور مواجه هستند، اجازه دارند با خانواده خود تماس گرفته و ترتیبی دهند که خانواده آنها آمده و در پاسگاه پلیس یا در بازداشتگاه به آنها بپیوندند به طوری که تمام خانواده بتوانند با هم از کشور بازگردانده شوند. در یک مورد، مردی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که مأمورهای پلیس خود رفتند تا همسر و فرزندان وی را برای اخراج از کشور بیاورند. اما در موارد دیگر، از قبیل آنهایی که در فوق شرح داده شد، اعضای خانواده‌ها از هم جدا می‌شوند و هیچ فرصتی به آنها داده نمی‌شود که حتی با یکدیگر تماس بگیرند.

حق برخورداری از زندگی خانوادگی به عنوان یکی از حقوق انسان‌ها در بسیاری از معاهدات بین‌المللی حقوق بشر بیان گردیده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار می‌دارد: «خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.»^{۳۴۹} ماده (۱) ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند که هیچکس نباید «در زندگی خصوصی، خانواده، محل اقامت، یا مکاتبات خود، مورد مداخله خودسرانه یا غیر قانونی قرار گیرد.» ماده ۲۳ می‌گوید: «خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.» و اینکه همه مردان و زنان از حق «ازدواج و تشکیل خانواده» برخوردار هستند. حق تشکیل خانواده، شامل حق «زندگی در کنار یکدیگر» می‌شود.^{۳۵۰} این حق توسط تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون سال ۱۹۵۱ در ارتباط با وضعیت پناهندگان، به رسمیت شناخته شده است که در کنفرانس مربوط به اتخاذ این کنوانسیون اعلام کردند که «اتحاد خانواده ... یکی از حقوق بنیادین پناهندگان است.»^{۳۵۱}

کمیته حقوق بشر، نهاد بین‌المللی معاهدات که مسئول صدور تفاسیر معتبر در مورد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، صراحتاً بیان نموده است که موضوع اتحاد خانواده، محدودیتی‌هایی را در مورد اخراج افراد غیر تبعه از کشور، برای دولت‌ها ایجاد می‌کند.^{۳۵۲}

^{۳۴۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با مریم گ.»، هرات، افغانستان، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱.

^{۳۴۹} «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، تاریخ تصویب: ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، قطعنامه مجمع عمومی (III) 217A، سند سازمان ملل A/810، ص. ۷۸ (۱۹۴۸)، ماده (۳) ۱۶. این اعلامیه همچنین می‌گوید: «مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند.» اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده (۲) ۲۵.

^{۳۵۰} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی شماره ۱۹: محافظت از خانواده، حق ازدواج و برابری طرفین ازدواج»، ماه ۲۳، ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۰.

^{۳۵۱} «لایحه نهایی سال ۱۹۵۱ کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار سازمان ملل متحد در مورد وضعیت پناهندگان و افراد بدون تابعیت»، پیشنهاد «ب» [Status of Refugees and Stateless Persons,] Final Act of the 1951 U. N. Conference of Plenipotentiaries on the Status of Refugees and Stateless Persons,] ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۱، قابل دسترسی در: [Recommendation B]

(تاریخ دسترسی: ۲ نوامبر ۲۰۱۳). <http://www.unhcr.org/40a8a7394.html>

^{۳۵۲} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر عمومی ۱۵: موقعیت بیگانگان بر طبق میثاق»، ۴ نوامبر ۱۹۸۶.

معاهدات بین‌المللی همچنین از حقوق کودکان برای اینکه توسط والدین شان پرورش یابند، حمایت می‌کند و هنگامی که این کودکان در طی اخراج از کشور از والدین شان جدا می‌شوند، این حق شدیداً تأثیر می‌پذیرد. ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضا کنندگان آن است به کودک این حق را می‌دهد که «از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضعیت صغیر بودنش از طرف خانواده او، جامعه، و حکومت کشور او باید به عمل آید، برخوردار گردد.» ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک که ایران از امضاء کنندگان آن است^{۳۰۳} نیز ملزم می‌دارد که «کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌کنند که کودکان علیرغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که این جدایی به نفع کودک است.»^{۳۰۴}

هزینه‌های مربوط به اخراج از کشور و کار اجباری

افغان‌هایی که از ایران اخراج می‌گردند باید در طی راه هزینه‌هایی را بپردازند - هزینه حمل و نقل، هزینه‌های اسکان در بازداشتگاه‌ها، و هزینه‌های شهرداری. افرادی که پولی برای پرداخت این مبالغ ندارند، یا مجبور می‌شوند برای پرداخت «بدهی» خود کار کنند و یا مجبورند با حقارت به دیگر اخراج‌شوندگان التماس کنند و تا زمانی که پول کافی جمع آوری نکرده‌اند، باید در بازداشتگاه بمانند.

اگر چه بعضی از کشورها سیستم‌هایی را به اجرا گذاشته‌اند که اخراج‌شوندگان را مجبور می‌سازد هزینه‌های بازداشت و انجام امور اداری خود را بپردازند، چنین سیاست‌هایی شدیداً مورد اعتراض سازمان‌ها و ارگان‌های حقوق بشر قرار گرفته است، زیرا با معیارهای حقوق بشر ناهمخوانی دارد. اگرچه هیچیک از معاهدات بین‌المللی بالاخص به این مسئله که آیا بازداشت‌شدگان باید هزینه‌های به حبس افتادن خود را پرداخت کنند یا خیر، اشاره نکرده‌اند، اما ماده (۳) ۴۵ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، مشخصاً بیان می‌کند که «هزینه انتقال زندانیان باید بر عهده سازمان‌های اداره مربوطه باشد.»^{۳۰۵}

از آنجا که این هزینه‌ها صرفاً شامل حال خارجیانی می‌گردد که از کشور اخراج می‌گردند، معیارهای مربوط به عدم تبعیض، در باره آنها صدق پیدا می‌کند. کمیته نظارت بر کنوانسیون منع تمام اشکال تبعیض‌های نژادی، پیمانی که ایران نیز از اعضا آن است، اظهار می‌دارد که «هر گونه تفاوت در برخورد با افراد که بر پایه وضعیت تابعیت یا مهاجرت آنها باشد، اگر معیار چنین تفاوتی بر حسب تشخیص اهداف و مقاصد این کنوانسیون، برای نیل به یک هدف قانونی، اعمال نشده باشد و متناسب با دستیابی به این هدف نباشد، تبعیض محسوب خواهد شد.»^{۳۰۶}

هر گونه توجیهی که مقامات برای گرفتن هزینه بازداشت زندانیان از خود آنها ارائه کنند، چه قانونی و چه غیر آن، این شیوه و روال از دیدگاه زندانیان، با اخاذی‌های مفسدانه‌ای که آنها در طی هر مرحله از این سفر طولانی خود تجربه کرده‌اند، هیچگونه تفاوتی ندارد.

^{۳۰۳} «کنوانسیون حقوق کودک» [Convention on the Rights of the Child (CRC)]، تاریخ تصویب: ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۴/۲۵، پیوست، سوابق رسمی مجمع عمومی شماره ۴۴، سند ۴۹ [44 U.N. GAOR Supp. (No. 49)]، ص. ۱۶۷، سند سازمان ملل A/44/49 (۱۹۸۹)، از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ به اجرا گذاشته شده، تاریخ تصویب توسط ایران: ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۴.

^{۳۰۴} «کنوانسیون حقوق کودک»، ماده (۱) ۹.
^{۳۰۵} توسط نخستین کنفرانس سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرائم، و برخورد با متخلفین که در ۱۹۵۵ در ژنو برگزار گردید، به تصویب رسیده، و بر طبق قطعنامه‌های شماره ۳۱ 663 C (XXIV) از ژوئیه ۱۹۵۷ و شماره 2076 (LXII) ۱۳ مه ۱۹۷۷ شورای اقتصادی و اجتماعی تصویب گردیده است.

^{۳۰۶} «توصیه عمومی شماره ۳۰: تبعیض علیه اتباع خارجی»، از ۱۰ ژانویه ۲۰۰۴. «کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی»، قطعنامه شماره (XX) 2106 مجمع عمومی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، از ۴ ژانویه ۱۹۶۹ به اجرا گذاشته شده، تاریخ تصویب توسط ایران: ۲۹ اوت ۱۹۶۸.

جمیل م، ۲۱ ساله، گفت: «ما حدود ۳۸ نفر بودیم که به طور قاچاق سفر می‌کردیم. شب را در مکانی نزدیک به یزد سپری می‌کردیم که پلیس ناگهان سر رسید و ما را دستگیر کرد. آنها ما را به بازداشتگاه یزد منتقل نمودند و حدود یک روز و نیم در آنجا ماندیم و سپس به سفید سنگ منتقل شدیم که 30,000 تومان (۲۴,۵ دلار آمریکا) برایمان تمام شد. یک روز در سفید سنگ ماندیم اما من دیگر پولی برای انتقال به مرز نداشتم، بنابراین دوستانم حدود ۲۰,۰۰۰ تومان (۱۶ دلار آمریکا) به من دادند تا بتوانم [هزینه انتقال] را پرداخت کرده و آنجا را ترک کنم.»^{۳۰۷}

فرهاد، ۲۴ ساله، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «ما به بازداشتگاه اراک [در شمال غربی ایران] منتقل شدیم و ۴ یا ۵ روز در آنجا ماندیم. هزینه انتقال، 12,000 تومان (۱۰ دلار آمریکا) بود. سپس در مقابل پرداخت ۴۱,۰۰۰ تومان (۳۳ دلار آمریکا) ما را به سفید سنگ منتقل کردند. ما یک شب در آنجا ماندیم و با پرداخت ۲۷,۰۰۰ تومان (۲۲ دلار آمریکا) به مرز منتقل شدیم.»^{۳۰۸}

هیچ نوع معافیتهی برای پرداخت هزینه‌ها، حتی برای کودکان بدون سرپرست، وجود ندارد.

عبدل ک، پسر ۱۸ ساله ای است که به همراه دو پسر ۱۳ و ۱۴ ساله که با هم نسبتی ندارند، سفر می‌کند. وی به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که هر یک از آنها برای انتقال از پاسگاه پلیس محلی به بازداشتگاه کرمان باید ۲۵,۰۰۰ تومان (۲۰ دلار آمریکا) پرداخت می‌کردند. عبدل ک گفت: «ما پولی نداشتم، بنابراین دوستانمان کمک کردند تا این مبلغ را بپردازیم. سپس ما را به بازداشتگاه سفید سنگ منتقل کردند. ما دو روز و دو شب را در آنجا سپری کردیم. آنها ۶۲,۰۰۰ تومان (۵۱ دلار آمریکا) برای همه ما می‌خواستند، اما ما پولی نداشتم. ما از دیگران [که در بازداشتگاه زندانی بودند] پول جمع کردیم و از آنجا بیرون آمدیم.»^{۳۰۹}

اخراج شوندگان نه تنها باید هزینه‌های انتقال خود و نیز اقامت در بازداشتگاه را پرداخت کنند، بلکه هزینه‌های شهرداری برای عبور از مرز در حال اخراج را نیز باید بپردازند.

فرشته ک. همراه با شوهر و پنج فرزندشان از کشور اخراج گردید. او می‌گوید: «برای انتقال از بازداشتگاه اراک به سفید سنگ، ما ۳۰۰,۰۰۰ تومان (۲۴۵ دلار آمریکا) پرداختیم. مأموران برای هر یک از ما ۲۰,۰۰۰ تومان (۱۶ دلار آمریکا) می‌خواستند، اما ما پولی نداشتم. من خیلی داد و فریاد و جر و بحث کردم و در مجموع ۳۰,۰۰۰ تومان (۲۵ دلار آمریکا) پرداختیم.»^{۳۱۰}

عبدالرحیم گ، ۴۸ ساله، می‌گوید «آنها اکنون 20,000 تومان (۱۶ دلار آمریکا) مالیات شهرداری می‌خواهند. آنهایی که می‌گفتند پولی ندارند را [نگهبانان بازداشتگاه] بیرون برده و برای پیدا کردن پول تفتیش می‌کردند. آنها می‌گفتند شهرداری زباله‌های شما را جمع می‌کند. آنها بابت هر اتوبوسی ۵۰۰,۰۰۰ تومان (۴۰۸ دلار آمریکا) به دست می‌آورند. آیا این خشم خداوند نیست؟»^{۳۱۱}

^{۳۰۷} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با جمیل م.»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۰۸} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فرهاد.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۰۹} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فرید ح، جاهد م، و عبدل ک.»، اسلام قلعه، ۱۸ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۰} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با فرشته ک.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۱۱} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با عبدالرحیم گ.»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

سید گل ح، ۱۸ ساله گفت: «در طول راه آنها همه ما را تفتیش کردند تا پول‌های ما را گرفته و به آنهایی بدهند که پول نداشتند تا آنها هم بتوانند هزینه اخراج خود را بپردازند.» او گفت هنگامی که دستگیر شد، ۱۰۰،۰۰۰ تومان (۸۲ دلار آمریکا) همراه داشت، اما پلیس کیف او را تفتیش کرد و تمام آن پول را از او گرفت.^{۳۶۲}

حبیبه، ۳۰ ساله، که به همراه شوهر و پنج فرزندش و نیز برادر و خانواده همسر برادرش اخراج شد، می‌گوید: «آنها تمام پول‌های ما را در پاسگاه پلیس شهباز گرفتند. ما مجبور شدیم از دیگران قرض کنیم چون پولی نداشتیم که خود را به مرز برسانیم.»^{۳۶۳}

اخراج شدگان به ما گفتند افرادی که قادر نبودند هزینه‌های بازداشتگاه را بپردازند اغلب مجبور می‌شدند در بازداشتگاه بمانند و به جای پرداخت پول، کار کنند. بعضی دیگر هم به علت آنکه متخلف تکراری بودند (اگر بانک اطلاعاتی دولت نشان می‌داد این افراد قبلاً اخراج شده بودند) به عنوان مجازات مجبور بودند کار کنند.

حسین، ۷۰ ساله، هنگامی که در راه بازگشت به خانه دستگیر شد، دو سال بود که در ایران در کارهای ساختمانی مشغول به کار بود. او دو پسر و چهار دختر دارد. او می‌گوید ابتدا او را به بازداشتگاه بندری شهر بندرعباس بردند و سپس از آنجا به بازداشتگاه دیگری در زاهدان در نزدیکی مرز ایران و پاکستان انتقال داده شد. او می‌گوید: «در زاهدان هنگامی که نام مرا ثبت کردند متوجه شدند که من قبلاً هم از ایران اخراج شده‌ام. بنابراین در بازداشتگاه سفید سنگ مرا مجبور کردند به عنوان مجازات به مدت ۱۰ روز در آنجا مانده و کار کنم. در سفیدسنگ به ما غذای خیلی کمی می‌دادند و مرا مجبور کردند کار کنم با وجود آنکه من پیر هستم و پام هم مشکل دارد.»^{۳۶۴}

^{۳۶۲} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حمید ح.»، اسلام قلعه، ۱۶ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۶۳} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حبیبه»، اسلام قلعه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۶۴} «مصاحبه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با حسین»، اسلام قلعه، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲.

۵. توصیه ها

به جمهوری اسلامی ایران

دسترسی پناهندگان و پناجویان و محافظت از آنها

- به افغان‌های تازه وارد و به افغان‌هایی که به دلیل حضور غیر قانونی در کشور دستگیر شده‌اند اجازه دهید در صورت تمایل، درخواست پناجویی کنند، درخواست‌های این افراد را به طور منصفانه و مؤثر مورد بررسی قرار دهید و تضمین کنید به متقاضیان پذیرفته نشده حق استیناف داده شود.
- پناجویان و پناهندگان ثبت نام شده افغان را به اجبار به افغانستان باز نگردانید، و بر افغان‌هایی که مایلند در مرز درخواست پناهندگی به ایران کنند راه را مسدود نکنید.
- به دارندگان کارت‌های آمایش همچنان اجازه دهید وضعیت پناهندگی خود را برای مدت‌های طولانی‌تری تمدید کنند؛ اگر طرح آمایش متوقف شود، به تمام دارندگان کارت‌های آمایش که در معرض خطر آزار و اذیت در افغانستان قرار دارند اجازه دهید درخواست پناهندگی کنند و به چنین درخواست‌هایی به طور منصفانه رسیدگی کنید.
- اطمینان حاصل کنید که به هر افغان که با اخراج مواجه است فرصتی داده شود تا قاضی به پرونده او رسیدگی کند و وی به کمک‌های حقوقی و حق استیناف دسترسی داشته باشد.
- به کلیه اتباع خارجی در ایران، بدون هیچگونه تبعیض، آزادی تردد بدهید، و طرح فعلی و غیر قانونی «مناطق ممنوعه» را که افراد غیر شهروند را از اقامت و تردد از ۲۸ استان کشور ممنوع می‌کند لغو کنید.
- اطمینان حاصل کنید که تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور دادرسی مهاجرت که در ارتباط با کودکان است، «بیشترین منفعت را برای کودک داشته باشد»، همانطور که در کنوانسیون حقوق کودک و رویه‌های قضائی بین‌المللی مربوطه مطرح شده است.
- اطمینان حاصل کنید که کودکان مهاجر و بی سرپرست تحت تکفل قرار بگیرند، در طول مراحل رسیدگی به امور مهاجرت و بازداشت از کمک‌های حقوقی رایگان برخوردار شوند و به پناهگاه مناسب، غذا، مراقبت‌های بهداشتی و تحصیلات دسترسی داشته باشند.
- اطمینان حاصل کنید که بازگشتن داوطلبانه پناهندگان به کشور خود حقیقتاً داوطلبانه و بدون هیچگونه زور و اجبار باشد، و در طول مراحل بازگرداندن آنها، امنیت و حرمت آنها حفظ شود و احترام کامل به حقوق انسانی پناهندگان گذاشته شود.
- اطمینان یابید که برنامه بازگشت داوطلبانه پناهندگان شامل اطلاعات به روز شده و عینی در باره شرایط داخل افغانستان باشد و به پناهندگانی که معتقدند بازگشت آنها خطری نخواهد داشت اجازه دهید پیش از تصمیم‌گیری در باره بازگشت، دیدار مختصری از مناطق مسکونی خود داشته باشند تا بتوانند درباره ماندن یا بازگشتن، آگاهانه تصمیم بگیرند.
- اطمینان حاصل کنید که برنامه بازگشت داوطلبانه به اصل اتحاد خانواده احترام کامل بگذارد.
- به بیانیه‌های عمومی در باره پناهندگان افغان که اعمال تبعیض آمیز و غیر قانونی را تشویق می‌کند، از جمله توسط مسئولین غیر دولتی (از قبیل اجرای قوانین مهاجرتی کشور توسط عوامل غیر دولتی) خاتمه دهید.
- مرتکبین خشونت‌های نژاد پرستانه و ملیت‌گرایانه و تبعیض علیه پناهندگان، پناجویان و مهاجرین را تحت تعقیب قانونی قرار دهید.
- برنامه‌ها و محیط داخل بازداشتگاه‌ها را با توجه خاص نسبت به فصول ۷ تا ۹ راهنمای محافظت و مراقبت از کودکان پناهنده و فصول ۳ تا ۵ راهنمای محافظت از زنان پناهنده، که هر دو توسط کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تهیه شده، سازماندهی و طراحی کنید.

- به سازمان‌های غیر دولتی اجازه دهید در مورد شرایط و وضعیت پناهندگان و پناهجویان در ایران تحقیق کنند. در حال حاضر دولت خیلی از سازمان‌های غیر دولتی را از انجام چنین تحقیقاتی ممنوع ساخته است.

دسترسی به تحصیل، استخدام، و خدمات دیگر برای پناهندگان و پناهجویان

- به کلیه پناهندگان و پناهجویان، از جمله افغان‌ها، اجازه دهید از پرداخت هزینه‌های اقامت معاف شوند.
- به تمام کودکان افغان، صرف نظر از وضعیت مهاجرت آنها، اجازه دهید فوراً به طور رایگان برای انجام تحصیلات ابتدایی ثبت نام کنند. تمام هزینه‌های مربوط به تحصیلات ابتدایی را هرچه سریعتر لغو کنید.
- موانع تبعیض آمیز موجود بر سر راه تحصیلات افغان‌ها، از جمله الزام افغان‌ها به صرف نظر کردن از وضعیت پناهندگی خود برای پذیرفته شدن در دانشگاه را بردارید، و همانگونه که قانون بین المللی مکلف کرده است به تدریج در مقاطع متوسطه و عالی، تحصیلات رایگان را معمول کنید.
- برای کلیه پناهندگان و پناهجویان، از جمله افغان‌ها، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمان را حد اقل در همان سطحی که برای افراد غیر شهروند دیگر در کشور موجود است، فراهم کنید.
- به تمام پناهندگان و پناهجویان، از جمله افغان‌ها، اجازه کار دهید و در صورت لزوم متقاضیان را از پرداخت هزینه‌های مربوطه معاف کنید.
- محدودیت‌هایی که به افغان‌ها اجازه می‌دهد فقط در مشاغل خاصی به کار بپردازند را لغو کنید، و تنها افراد غیر شهروند را از استخدام در تعداد محدود و مشخصی از سمت‌ها که به دلایل آشکار با موضوع شهروندی آنها مربوط است، ممنوع کنید. میان اتباع گوناگون از بابت این محدودیت‌ها تبعیض قائل نشوید.

گزینه‌های منصفانه برای کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها

- مراحل مربوط به «طرح ساماندهی اتباع خارجی» را ساده کنید و به افرادی که برای کسب روادید از طریق این طرح حائز شرایط هستند، روادید بلند مدت تری صادر کنید و به آنها حق تمدید روادید را بدهید.
- اطمینان یابید تمام افغان‌هایی که داوطلبانه تصمیم به تحویل دادن و یا نگهداشتن جواز پناهندگی خود می‌گیرند، کاملاً از عواقب آن آگاه هستند.
- اطمینان حاصل کنید که افغان‌هایی که داوطلبانه در ازای به دست آوردن انواع دیگر جوازهای اقامتی از جواز پناهندگی خود صرف نظر کرده اند، در صورت باطل شدن این پروانه و قرار داشتن در معرض خطر آزار و اذیت در افغانستان بتوانند مجدداً درخواست پناهندگی کنند.

قانونی و انسانی بودن مراحل اخراج از کشور

- اطمینان حاصل کنید که تمامی نیروهای امنیتی و مقامات دیگر دولتی با پناهندگان، پناهجویان و مهاجرین افغان بدون استثنا با شرافت و احترامی که شایسته حقوق انسانی این افراد است، و نیز مطابق با تعهدات حقوقی آنها بر طبق قوانین داخلی و بین المللی می‌باشد، رفتار کنند.
- به نهادهای امنیتی دستور دهید افرادی که دارای مدارک پناهندگی یا کارگر مهاجر هستند را هرگز نمی‌توان به طور شتابزده از کشور اخراج کرد، و برای تشخیص و مجازات مأمورینی که این قانون را نقض می‌کنند شیوه‌های مناسبی به کار بندید.
- اطمینان حاصل کنید تمام افرادی که قرار است اخراج شوند مهلت کافی برای تماس با اعضای خانواده داشته باشند، و این فرصت در اختیار آنها گذاشته شود که اگر دیگر اعضای خانواده آنها که قرار نیست اخراج شوند مایلند به آنها بپیوندند بتوانند به این کار اقدام کنند.
- به تمام افرادی که قرار است اخراج شوند، فرصت دهید دستمزدها و وجوه دیگری که از کارفرماها، صاحبخانه‌ها و افراد دیگر طلب دارند را دریافت کرده و نیز دارائی شخصی خود را جمع آوری کنند.

- به تحمیل هزینه‌های اخراج و مالیات [برعهده اخراج شوندگان] به عنوان بخشی از مراحل اخراج از کشور پایان دهید.
- در طی مراحل توقیف، کودکانی را که با افراد بزرگسال هیچگونه نسبتی ندارند در همه حال از آنها جدا نگهدارید و برای تمام کودکان بی سرپرست که در حال حاضر در ایران هستند و یا به ایران وارد می‌شوند، تأمین اجتماعی، کمک‌های قانونی، مسکن امن و کمک‌های مربوطه دیگر را فراهم آورید.
- مقررات جدی و اکیدی برای ممنوع ساختن آزار و اذیت لفظی و جسمی و نیز سرقت و اخاذی توسط پلیس و نگهبانان ایستگاه پلیس و بازداشتگاه‌ها و در طول مراحل اخراج، وضع کنید؛ ساز و کارهای مربوط به اجرای این ممنوعیت‌ها را گسترش داده و تقویت کنید.
- شرایط ایستگاه‌های پلیس و بازداشتگاه‌ها را به گونه‌ای نگاه دارید که با تعهدات ایران نسبت به قوانین بین المللی مطابقت داشته باشد.
- به سازمان‌های ملی و بین المللی حقوق بشر، از جمله کمیته بین المللی هلال احمر، اجازه دهید به تمام بازداشتگاه‌ها دسترسی داشته باشند و به بازداشت شدگان، به ویژه کودکان بی‌سرپرست، کمک کنند.

به جمهوری اسلامی افغانستان

- به دولت ایران فشار آورید تضمین کند که مهاجرین افغان از حمایت‌ها و تشریفات حقوقی لازم، که بر طبق حقوق بین الملل به آنها اعطا شده، برخوردار شوند.
- مراکز پذیرش برای کودکان بی سرپرست فراهم کنید و مراحل ردیابی خانواده‌ها را بهبود بخشید تا اطمینان یابید که این کودکان بی سرپرست بتوانند دوباره به خانواده‌های خود بپیوندند.
- کمک‌های بیشتری برای افغانهای اخراجی در تمام مرزهای مشترک با ایران فراهم آورید و سیستم جمع آوری اطلاعات از اخراج شدگان را بهبود بخشید تا موارد نقض حقوق بشر را بتوان بهتر ردیابی کرد.
- کمک‌های دولتی را گسترش دهید و بهتر کنید-هم از جهت مالی و هم از جهت فراهم نمودن فرصت‌های شغلی-تا به افغان‌های بی بضاعتی که از ایران و کشورهای دیگر اخراج شده اند و یا به میل خود بازگشته اند کمک شود.
- برای مبارزه با آزار و اذیت‌های قاچاقچیان انسان‌ها که در افغانستان فعال هستند اقدامات فوری صورت دهید.
- از دولت ایران جداً بخواهید با اجرای توصیه‌های فوق، به آزار و اذیت پناهندگان و مهاجرین افغان خاتمه دهد.
- به مستند سازی و انتشار اخبار آزار و اذیت افغان‌ها در ایران توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ادامه دهید.

به کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

- نحوه کار دولت ایران را بررسی کنید تا اطمینان حاصل کنید افغان‌هایی که به دنبال پناهنجونی در ایران هستند بتوانند به ایران وارد شوند، درخواست پناهنجویی کنند، و به درخواست آنها به طور منصفانه و مؤثر رسیدگی شود؛ همچنین بر طرز کار ایران نظارت کنید تا تضمین شود که هیچیک از پناهندگان ثبت نام شده مجبور به بازگشت به افغانستان نشوند.
- اطمینان حاصل کنید که کلیه اتباع خارجی، از جمله پناهندگان، اطلاعات کافی در باره برنامه‌های تغییر مکان که به علت تعیین «مناطق ممنوعه» به وجود آمده، اطلاعات کافی دریافت کرده‌اند، و اطمینان یابید که شرایط

تمام توافق نامه‌های تغییر مکان و توافق‌های دیگر با دولت ایران، اکیداً توسط این دولت‌ها و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اجرا می‌شود.

- به دولت ایران فشار اورید تا هر پناهنده‌ای که کارت آمایش خود را با هر یک از جوازهای دیگر اقامتی تعویض می‌کند، در صورت ابطال پروانه اقامت جدید و اگر با بازگشت به افغانستان در خطر آزار و اذیت قرار دارد، بتواند مجدداً درخواست پناهنجویی کند.
- بر طرز کار دولت ایران نظارت کنید تا آموزش‌های مناسب برای نیروهای امنیتی در بازداشتگاه‌ها فراهم شود و اطمینان حاصل کنید که حداقل استانداردهای بین المللی برای بازداشتگاه‌ها رعایت شود، و امکان آزار و اذیت در بازداشتگاه‌ها به حداقل رسد.
- از دولت ایران درخواست کنید هزینه‌های آمایش را کاهش دهد، زیرا چنین هزینه‌هایی می‌تواند پناهندگان را از ثبت نام مجدد برای کارت‌های آمایش منصرف کند و سبب غیر قانونی شدن اقامت و اخراج آنها می‌شود؛ از مقامات ایران جداً بخواهید ایجاد مزاحمت، اخاذی، محبوس نمودن، و بازگرداندن اجباری پناهندگان افغان که به طور غیر قانونی حذف نام شده اند را پایان دهد.
- در زیر نظر داشتن ایران برای دنبال نمودن جدی معیارهای بین المللی در مورد کمک به بازگشت داوطلبانه افراد با هشیاری کامل عمل کنید.
- در شرایطی که در مرحله انتقال قدرت در افغانستان، ناامنی و عدم اطمینان رو به افزایش گذاشته است، از تأکید بر بازگشت افراد به عنوان یک راه حل پایدار خودداری کنید.
- از نقطه نظر برنامه ریزی،
- برای افرادی که مایلند داوطلبانه باز گردند امکانات زیر را فراهم کنید:
 - برنامه‌های مناسب برای جوانان که بتواند نیازهای نسل دوم پناهندگان افغان که در تبعید متولد شده و پرورش یافته اند را پاسخگو باشند، چه از جهت مهارت‌ها، امرار معیشت، و یا تحصیلات؛
 - برنامه‌های مناسب برای زندگی در شهر که تمایل بیشتر پناهندگان افغان که از ایران بازگشته اند را در نظر گیرد.
- برای افرادی که گزینه بازگشت را در نظر دارند،
 - اطلاعات به روز شده در باره وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در هر منطقه و هر ولایت افغانستان را در اختیار این افراد قرار دهید؛
 - ابتکارهای تحقیقاتی در مرزها را برای تهیه اطلاعات مناسب برای برنامه ریزی افزایش دهید؛
 - همکاری و مشارکت اطلاعات با سازمان‌های غیر دولتی داخل ایران و افغانستان را افزایش دهید تا برای افرادی که در ایران برای کمک به پناهندگان افغان فعالیت می‌کنند، حمایت بیشتری فراهم شود.

به سازمان ملل متحد و شرکای جهانی افغانستان و ایران

- ایران را برای پایان دادن به آزار و اذیت پناهندگان، پناهنجویان و کارگران مهاجرین افغان تحت فشار قرار دهید.
- فراهم کردن کمک‌های بیشتر به دولت ایران برای تأمین هزینه‌های پناهندگان افغان در ایران، از جمله بهبود وضعیت دسترسی به تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی را در نظر بگیرید.

- تأثیر تحریم‌های ایران را بر روی پناهندگان و مهاجرین افغان و نیز ایرانیان ارزیابی کنید، و برای کسب اطمینان از اینکه مردمی که حتی پیش از این هم آسیب پذیر بوده و در فقر به سر می‌برند در اثر این تحریم‌ها آسیب نبینند، اقداماتی انجام دهید.
- در ملاقات با مقامات رسمی ایران، بر این نکته تأکید کنید که ایران برای محافظت از پناهندگان و پناهنجویان ایران تعهداتی دارد، از جمله اطمینان یافتن از اینکه آنها برای همیشه به افغانستان باز نمی‌گردند، و نیز اینکه در مورد افغان‌هایی که حقیقتاً مایلند داوطلبانه بازگردند این کار با حفظ امنیت و حرمت آنها و با احترام کامل نسبت به حقوق انسانی آنها انجام شود.
- بودجه کافی برای برنامه‌های بازگشت داوطلبانه فراهم کنید تا اطمینان یابید این برنامه‌ها مطابق استانداردهای بین‌المللی باشند، به ویژه معیارهایی که در کتاب راهنمای ۱۹۹۶ کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، «بازگشت داوطلبانه: کتاب راهنمای محافظت بین‌المللی» و نیز نتیجه‌گیری‌های نهاد «اکس‌کام» [ExCom] تصریح گردیده، رعایت شوند. چنین برنامه بازگشت داوطلبانه باید با فعالیت‌های بازسازی در داخل افغانستان از قبیل نظارت بر حقوق بشر، برنامه‌های توسعه مناطق روستایی و طرح‌های مین زدایی و تخلیه نیروهای نظامی هماهنگ شود.

۶. قدردانی و سپاس

این گزارش توسط هیدر بار پژوهشگر ارشد افغانستان و فراز صناعی پژوهشگر ایران در سازمان دیده‌بان حقوق بشر نوشته شده است. صناعی و بار، و نیز دو معاون، زمان سلطانی و احمد شجاع این پژوهش را انجام داده‌اند. فلیم کاین، معاون رئیس بخش آسیا؛ کلایو بالدوین، مشاور حقوقی ارشد؛ و ژوزف ساندرز، معاون رئیس برنامه آن را ویرایش کرده‌اند. بیل فرالیک، رئیس بخش برنامه ریزی سیاست پناهندگی؛ جری سیمپسون، پژوهشگر و مشاور ارشد برنامه پناهندگان؛ الیس فارمر، پژوهشگر بخش حقوق کودکان؛ جو استورک، معاون رئیس بخش خاورمیانه و شمال آفریقا؛ و برد ادامز رییس بخش آسیا گزارش را مرور کرده و به تهیه آن یاری رسانده‌اند.

جولیا بلکنر و استورم تیو، دستیاران بخش آسیا؛ کارولین کنی و الیزابت ویلک، اینترن‌های بخش آسیا؛ گریس چوی، مدیر انتشارات؛ کتی میلز کارشناس انتشارات؛ و فتیزوی هیپیکیز، مدیر بخش اداری گزارش را برای نشر آماده کرده‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر همچنین از همکاری متخصصان و کارشناسان بسیاری که اطلاعات یا تحلیل‌هایشان را با ما در میان گذاشته‌اند و نامشان به دلیل حساسیت موضوع در اینجا ذکر نشده است سپاسگزار است. همچنین از افغان‌هایی که در "نقطه صفر" مرز اسلام قلعه در نهایت لطف داستان زندگیشان را در شرایط دشواری با ما در میان گذاشتند سپاسگزاریم.

ضمیمه ۱ - نامه دیده‌بان به وزیر عبدالرضا رحمانی فضل‌ی و مدیر کل اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، دکتر عزیز کاظمی

23 اکتبر ۲۰۱۳

عبدالرضا رحمانی فضل‌ی
وزیر کشور
جمهوری اسلامی ایران

دکتر عزیز کاظمی
مدیر کل اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی
جمهوری اسلامی ایران

حضور محترم جنابان آقای رحمانی فضل‌ی و آقای دکتر کاظمی:

سازمان دیده‌بان حقوق بشر یک سازمان مستقل بین‌المللی است که وضعیت حقوق بشر را در بیش از ۹۰ کشور در سراسر جهان زیر نظر دارد. در حال حاضر دیده‌بان در صدد تهیه گزارشی در باره وضعیت اتباع افغان، از جمله پناهندگان، در ایران است. این گزارش بخشی از بدرفتاری‌ها و تضييع حقوق اتباع افغان توسط مقامات ایرانی را مستند می‌سازد. سازمان از آوریل سال ۲۰۱۲ تا اوت سال جاری بیش از ۸۰ مورد مصاحبه با افغان‌هایی که از ایران اخراج و به افغانستان بازگردانده شده‌اند، و نیز مصاحبه‌هایی با نمایندگان سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیر دولتی، و مقامات دولت افغانستان انجام داده است.

ما از حضورتان تقاضا می‌کنیم به هیئت نمایندگان سازمان دیده‌بان حقوق بشر اجازه دهید از ایران دیدار کرده و با شما ملاقات کنند تا در مورد یافته‌های اصلی این گزارش که نتیجه تحقیقات سازمان دیده‌بان بر روی وضعیت حقوق بشر پناهندگان و مهاجرین افغان در ایران است با شما به گفتگو پردازیم. هدف از این دیدار، تکمیل تحقیقات ما از طریق انجام مصاحبه‌هایی است که با مقامات رسمی دولتی و نیز سازمان‌های غیر دولتی مشغول به کار برای بهبود وضعیت مهاجرین و پناهندگان افغان در ایران خواهیم داشت تا اطمینان حاصل کنیم که دیدگاه‌های دولت هم به طور کامل در گزارش گنجانده شده است.

ایران از دهه ۸۰ میلادی بار سنگین جذب تعداد کثیری از افغان‌ها را به دوش کشیده است و این کشور با دریافت حداقل حمایت از جامعه بین‌المللی، سیاست‌های مثبت بسیاری را نسبت به پناهندگان و مهاجرین افغان به اجرا درآورده است. ما متوجه هستیم که ایران در محدوده حاکمیت خویش از این حق برخوردار است که اتباع کشورهای دیگر که اجازه ورود به ایران و یا اقامت در آن و نیز نیاز به حفاظت بین‌المللی ندارند را از کشور اخراج و یا از ورود آنها به کشور جلوگیری کند. ما همچنین در نظر داریم که ایران از سال ۲۰۰۳ بیش از ۸۰۰،۰۰۰ پناهنده افغان را تحت سیستم ثبت نام خود، به نام آمایش، ثبت نام کرده است.

با وجود این نتایج تحقیقات ما حاکی از آن است که در سال‌های اخیر، رفتار دولت با افغان‌ها، معیارهای مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی از قبیل تعهد کشورها بر اساس کنوانسیون پناهندگان سال ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن که

دولت ایران از امضاء کنندگان و مصوبین آن بوده را رعایت نکرده است. از جمله این نواقص فقدان قوانین داخلی در مورد پناهندگان و نحوه رسیدگی به وضعیت پناجویان است تا تعهد ایران نسبت به کنوانسیون پناهندگان رعایت شده باشد؛ فقدان دسترسی پناجویان افغان‌های تازه وارد به سیستمی که ثبت نام آنها را به عنوان پناهجو یا دیگر وضعیت‌های محافظتی فراهم آورد؛ موانع غیر معقول برای سد کردن دسترسی افغان‌ها به کمک‌های انسان دوستانه و خدمات اجتماعی؛ دستگیری و بازداشت خودسرانه افغان‌ها؛ و وجود مصونیت برای دولت و گردانندگان غیر دولتی در برابر آزار و اذیت نسبت به افغان‌ها است.

جزئیات یافته‌های اصلی ما که در نتیجه تحقیق در باره نحوه رفتار با پناهندگان و مهاجران افغان در ایران به دست آمده، به شرح زیر است:

- فقدان دسترسی به یک سیستم عادلانه و شفاف برای رسیدگی به امور پناجویی و محرومیت از حق اعتراض نسبت به بازگرداندن پناجویان به افغانستان: افغان‌هایی که در حال حاضر وارد ایران می‌شوند امکانی برای طرح درخواست پناجویی یا ثبت نام برای برخورداری از آشکال دیگر محافظت که به دلیل شرایط فعلی موجود در افغانستان است را ندارند. پناجویان افغان باید این امکان را داشته باشند که درخواست پناجویی خود را به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، که مسئول رسیدگی به درخواست‌های مهاجرت است، تحویل دهند. اما به دلیل فقدان آئین‌نامه عادلانه و شفاف برای رسیدگی به امور پناجویان افغان برای افغان‌هایی که اکنون وارد ایران می‌شوند ارائه درخواست پناجویی غیر ممکن است. افغان‌های دیگری که سال‌ها و یا حتی چندین دهه در ایران زندگی کرده‌اند نیز قادر به طرح تقاضای پناجویی نیستند. به افغان‌هایی که از ایران بازگردانده می‌شوند، از جمله افرادی که ممکن است در صورت بازگشت با آزار و اذیت یا آسیب جدی روبرو شوند، هیچگونه فرصتی برای ابراز مخالفت با اخراج داده نمی‌شود.

- مشکلات موجود برای ابقای وضعیت پناهندگی: افغان‌هایی که بر اساس طرح آمایش به عنوان پناهنده ثبت نام شده اند برای حفظ وضعیت خود هر روز با مراحل پیچیده تری روبرو هستند. این مشکلات عبارتند از ثبت نام‌های مکرر نزد ادارات مختلف دولتی، فقدان کمک‌های رسمی برای افراد کم سواد که درک مراحل مختلف اداری برای آنها دشوار است، و پرداخت میالغ سنگینی که پناهندگان تنگدست بضاعت آن را ندارند. تعدادی از افغان‌ها به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته اند کوچکترین اشتباه قانونی، از جمله اشتباهاتی که در طی مراحل ثبت نام صورت می‌گیرد، می‌تواند سبب ابطال دائمی پناهندگی شود.

- نگرانی در مورد «داوطلبانه بودن» تغییر وضعیت پناهندگی: تحقیقات ما نشان می‌دهد در سال‌های اخیر مقامات دولت ایران از ابتکارات بیشتری از قبیل طرح جامع قانونی سازی، که برای اتباع خارجی غیر مجاز اقامت موقت و اجازه کار فراهم می‌آورد، استفاده می‌کنند تا افغان‌ها را قانع کنند که از وضعیت خود به عنوان پناهنده دست بکشند. بخشی از این برنامه‌های دولتی ممکن است بدون رضایت آگاهانه افغان‌ها منجر به بازگرداندن یا بازگشت اجباری آنها به افغانستان شده باشد.

- تبعیض و محدودیت در مورد اتباع افغان: اتباع افغان در ایران با محدودیت‌های شدیدی در ارتباط با آزادی سفر و نیز محدودیت‌های خودسرانه در مورد دسترسی آنها به تحصیلات، استخدام، کسب تابعیت ایرانی و حقوق مربوط به ازدواج، روبرو هستند. تمامی اتباع خارجی در بسیاری از نقاط کشور دچار محدودیت‌های سفر هستند، اما اینگونه محدودیت‌ها برای افغان‌ها در مقایسه با دیگر خارجی‌ها به ویژه شدیدتر است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر حتی موارد مربوط به پناهندگانی را مستند کرده است که اگرچه در صورت بازگشت به

افغانستان در معرض خطر قرار داشته اند، به علت آنکه به گفته مقامات محدودیت‌های مربوط به سفر را نقض کرده اند اجباراً به افغانستان بازگردانده شدند. قوانین ایران به افغان‌هایی که دارای مدارک مهاجرت قانونی هستند، بدون توجه به میزان تحصیلات یا صلاحیت‌های حرفه‌ای آنها، تنها اجازه استخدام در مشاغل را می‌دهد که پست و حقیر و یا خطرناک هستند.

- بدرفتاری در طی مراحل اخراج از کشور: افغان‌هایی که از کشور اخراج می‌شوند، چه آنهایی که دارای وضعیت قانونی هستند و چه آنهایی که دارای این وضعیت نیستند، دائماً در معرض بدرفتاری نیروهای انتظامی، از جمله خشونت، دزدی، درخواست مبالغ غیر معقول در ارتباط با اخراج، کار اجباری در طی دوران بازداشت پیش از اخراج، و تحمل شرایط دشوار در بازداشتگاه‌ها هستند. سازمان دیده‌بان به ویژه در رابطه با اطفال مهاجر بدون همراه به علت فقدان محافظت‌های لازم در طی مراحل اخراج ابراز نگرانی می‌کند.

سازمان دیده‌بان در نظر دارد یافته‌های خود را در طی ماه‌های آینده به صورت گزارشی منتشر کند. ما امیدواریم که شما به سازمان دیده‌بان حقوق بشر اجازه دهید از ایران دیدار کند، ملاقات‌هایی را صورت دهد، و هر گونه تحقیقات دیگری را که ممکن است پیش از انتشار این گزارش لازم باشد نیز انجام دهد. در ضمن بسیار سبب امتنان خواهد گردید اگر دولت شما این امکان و اجازه را در اختیار ما قرار دهد تا گزارش فوق‌الذکر را طی برگزاری جلسه مطبوعاتی در تهران منتشر کنیم. حتی اگر شما به ما اجازه دیدار ندهید، پاسخ شما به سوالاتی که ذیلاً تهیه کرده ایم و همچنین هر گونه اطلاعات دیگری که در اختیار ما قرار دهید نیز موجب سپاس و قدردانی ما خواهد بود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سعی دارد در تحقیقات خود کلیه جوانب را منعکس کند و در انتظار پاسخ شماست. به دلیل زمان‌بندی انتشارات این سازمان، بسیار ممنون خواهیم بود اگر تا تاریخ ۳ نوامبر یا در اسرع وقت پاسخ شما را دریافت کنیم. لطفاً پاسخ خود را از طریق دورنما 1-212-736-1300+ و یا ایمیل storkj@hrw.org به آقای جو استورک [Joe Stork]، معاون بخش خاورمیانه و شما افریقا، ارسال فرمایید.

با احترام،



جو استورک [Joe Stork]،
معاون بخش خاورمیانه و شما افریقا
سازمان دیده‌بان حقوق بشر

پرسش‌ها:

- (۱) آیا می‌توانید اطلاعاتی در زمینه‌های زیر در اختیار ما قرار دهید؟ (الف) تعداد کل درخواست‌های پناهندگی یا پناهجویی که از سال ۲۰۰۳ به بعد توسط اتباع افغان ارسال شده است، و (ب) در مورد افغان‌هایی که از سال ۲۰۰۳ به بعد وارد کشور شده اند، تعداد کل اتباع افغان که کارت‌های آمایش و یا انواع دیگر مدارک محافظتی پناهجویی برایشان صادر شده است. دولت شما چه اقداماتی انجام داده است تا اطمینان حاصل کند که افغان‌هایی که وارد کشور شده اند و یا با اخراج مواجه هستند و در افغانستان در معرض خطر آزار و اذیت یا

انواع آسیب‌های دیگر قرار خواهند داشت، این امکان را خواهند داشت که برای پناهجویی یا دیگر اشکال محافظت از قبیل کارت آمایش درخواست کنند؟

- (۲) آیا دولت شما با تمدید ویزای موقت چند صد هزار افغان که تحت طرح ساماندهی مهاجرین افغان ثبت نام کرده اند و قرار بود تا تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ منقضی شود موافقت کرده است، و یا اینکه با تعلیق اخراج این افراد یا، در صورت تمایل آنها، ایجاد فرصتی برای درخواست پناهجویی توافق کرده است؟ اگر پاسخ این سؤال منفی است، لطفاً به تفصیل بفرمایید اگر این افراد قرار است به افغانستان بازگردانده شوند دولت شما چگونه می‌خواهد آنها را در برابر بازگشت غیر قانونی به موقعیتی که ممکن است در آن تحت آزار و اذیت و صدمه قرار گیرند محافظت کند؟
- (۳) در مورد افرادی که دارای کارت آمایش هستند و توافق می‌کنند که از وضعیت پناهنده بودن خود دست بکشند و در عوض تحت طرح ساماندهی مهاجرین افغان ثبت نام کنند... با توجه به اینکه تضمینی برای تجدید وضعیت آنها بر طبق این برنامه وجود ندارد، دولت ایران چه تضمینی به این افراد خواهد داد که در صورت عدم تمدید وضعیت قانونی‌سازی آنها می‌توانند مجدداً برای کارت آمایش یا طرح پناهجویی ثبت نام کنند؟
- (۴) دولت شما چه تلاش‌هایی در مورد پناهندگان افغان که تحت پوشش آمایش هستند انجام داده است تا اطمینان حاصل کند که این افراد بالاجبار به افغانستان بازگردانده نخواهند شد تا در معرض خطر قرار گیرند؟ در ضمن چه تلاش‌هایی صورت گرفت تا اطمینان حاصل شود که باز گرداندن پناهندگان افغان که قبلاً تحت پوشش آمایش قرار داشته اند اما به گفته دولت «داوطلبانه» از وضعیت خود دست کشیده اند با آگاهی کامل این کار را انجام داده اند و اجبار در کار نبوده است؟
- (۵) دولت شما چه اقداماتی انجام داده است تا اطمینان حاصل کند که در طول مراحل اخراج افغان‌ها، به ویژه کودکان، در کلانتری و بازداشتگاه‌ها توسط نیروهای انتظامی و نگهبانان در معرض بدرفتاری‌های جسمی و زبانی، آزار و اذیت، هراس و وحشت قرار نگیرند؟
- (۶) دولت شما چه اقداماتی انجام داده تا اطمینان حاصل کند که افغان‌ها توسط مسئولان غیر دولتی مورد آزار و اذیت، از جمله تبعیض‌های غیر قانونی و خشونت، قرار نگیرند؟

ضمیمه ۲ - نامه دیده‌بان به رییس جمهور، حامد کرزای

7 عقرب ۱۳۹۲

حضور رئیس جمهور محترم جلالتماب آقای حامد کرزی،
دفتر ریاست جمهوری، جمهوری اسلامی افغانستان

نسخه به: جلالتماب آقای ضرار احمد مقبل عثمانی، وزیر امور خارجه
جلالتماب آقای دکتر جماهر انوری، وزیر مهاجرین و عودت کنندگان

جمهوری اسلامی افغانستان،
ارگ ریاست جمهوری
کابل، افغانستان

حضور محترم جلالتماب آقای رئیس جمهور:

سازمان دیده‌بان حقوق بشر یک سازمان مستقل بین المللی است که وضعیت حقوق بشر را در بیش از ۹۰ کشور در سراسر جهان، زیر نظر دارد. ما در حال حاضر، در حال تهیه گزارشی در باره وضعیت اتباع افغان، از جمله پناهندگان، در ایران هستیم که یک سلسله بدرفتاری‌ها و تضييع حقوق اتباع افغان توسط مقامات ایرانی را مستند می‌سازد.

ما این نامه را حضورتان ارسال می‌کنیم تا شما را از وضعیت حقوق بشر در مورد پناهندگان و مهاجرین افغان در ایران مطلع کرده و از شما خواهش کنیم تا لطفاً این امکان را در اختیار ما قرار دهید تا در مورد یافته‌های خود با مقامات رسمی مربوطه در دولت شما به مذاکره پردازیم. از اینکه چنین فرصتی در اختیار ما گذاشته شود تا نظرات مقامات افغان را در مورد نتایج تحقیقاتمان بشنویم، بسیار سپاسگزار خواهیم شد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر از حمل ۱۳۹۱ تا اسد ۱۳۹۲ بیش از ۸۰ مورد مصاحبه را با افغان‌هایی انجام داده که قربانی بدرفتاری‌هایی شده‌اند که مربوط به عدم احترام دولت ایران به قوانین و معیارهای بین‌المللی رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و پناهندگی ایشان بوده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر همچنین با نمایندگان سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیر دولتی، و مقامات رسمی دولت افغانستان که با اینگونه مسائل آشنائی دارند، مصاحبه‌هایی انجام داده است.

ذیلاً برخی از یافته‌های خود را حضورتان ارسال می‌نمائیم:

- فقدان دسترسی به یک نظامنامه عادلانه و شفاف برای رسیدگی به امور پناهندگی و محرومیت از حق اعتراض نسبت به بازگرداندن پناجویان به افغانستان: افغان‌هایی که در حال حاضر وارد ایران می‌شوند هیچگونه امکانی برای طرح درخواست پناهندگی یا ثبت نام برای برخورداری از اشکال دیگر محافظت که به دلیل شرایط فعلی موجود در افغانستان است، را ندارند. پناجویان افغان باید بتوانند درخواست پناهندگی

- خود را به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی کشور ایران که مسئول رسیدگی به درخواست‌های مهاجرت است، تحویل دهند، اما به دلیل فقدان آئین نامه عادلانه و شفاف برای رسیدگی به امور پناجویان افغان، برای افغان‌های که اکنون وارد ایران می‌شوند ارائه درخواست پناجویی کاملاً غیر ممکن است. افغان‌های دیگری که سالها و یا حتی چندین دهه در ایران زندگی کرده‌اند نیز قادر به طرح تقاضای پناجویی نیستند. به افغان‌های که از ایران بازگردانده می‌شوند، از جمله افرادی که ممکن است در صورت بازگشت با آزار و اذیت یا آسیب جدی روبرو شوند، هیچگونه فرصتی برای ابراز مخالفت با اخراج ایشان داده نمی‌شود.
- مشکلات موجود برای ابقای وضعیت پناهندگی: افغان‌هایی که بر اساس طرح آمایش به عنوان پناهنده ثبت نام شده‌اند، برای حفظ وضعیت خود هر روز با مراحل پیچیده تری روبرو هستند، که مشکلات زیر از جمله آنها هستند: ثبت نام‌های مکرر نزد ادارات مختلف دولتی، فقدان کمک‌های رسمی برای افراد کم سواد که درک مراحل مختلف اداری برای آنها دشوار است، و پرداخت مبالغ سنگینی که پناهندگان تنگدست، بضاعت پرداخت آن را ندارند. افغان‌ها به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند کوچکترین اشتباه قانونی، از جمله اشتباهاتی که در طی مراحل ثبت نام صورت می‌گیرد، می‌تواند سبب ابطال دائمی پناهندگی شود.
 - نگرانی در مورد «داوطلبانه» بودن تغییر وضعیت پناهندگی: تحقیقات ما نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، مقامات دولتی ایران از ابتکارات بیشماری از قبیل طرح جامع قانونی سازی که برای اتباع خارجی غیر مجاز اقامت موقت و اجازه کار فراهم می‌آورد، استفاده می‌کنند تا افغان‌ها را قانع کنند از وضعیت خود به عنوان پناهنده دست بکشند. اینچنین برنامه‌هایی نیز ممکن است بدون رضایت آگاهانه افغان‌ها، سبب بازگرداندن یا بازگشت اجباری ایشان به افغانستان شود.
 - تبعیض و محدودیت در مورد اتباع افغان: اتباع افغان در ایران با محدودیت‌های شدیدی در ارتباط با آزادی سفر، و نیز محدودیت‌های خودسرانه در مورد دسترسی ایشان به تحصیلات، استخدام، کسب تابعیت ایرانی، و حقوق مربوط به ازدواج، روبرو هستند. تمامی اتباع خارجی در بسیاری از نقاط کشور دچار محدودیت‌های سفر هستند، اما اینگونه محدودیت‌ها برای افغان‌ها در مقایسه با دیگر خارجیان، به ویژه شدیدتر است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر حتی موارد مربوط به پناهندگانی را مستند کرده است که اگر چه در صورت بازگشت به افغانستان در معرض خطر قرار داشته‌اند، به علت آنکه به گفته مقامات، محدودیت‌های مربوط به سفر را نقض کرده‌اند، اجباراً به افغانستان بازگردانده شده‌اند. قوانین ایران به افغان‌های که دارای اسناد مهاجرت قانونی هستند، بدون توجه به میزان تحصیلات یا صلاحیت‌های حرفه‌ای ایشان، فقط اجازه استخدام در مشاغل را می‌دهد که پست و حقیر و/یا خطرناک هستند.
 - بدرفتاری در طی مراحل اخراج از کشور: افغان‌هایی که از کشور اخراج می‌شوند، چه آنهایی که دارای وضعیت قانونی هستند و چه آنهایی که دارای وضعیت قانونی نیستند، دائماً در معرض بدرفتاری نیروهای انتظامی، از جمله خشونت، دزدی، درخواست مبالغ غیر معقول در ارتباط با اخراج ایشان، کار اجباری در طی دوران بازداشت پیش از اخراج، و تحمل شرایط دشوار در بازداشتگاه‌ها هستند. به ویژه در مورد اطفال مهاجر بدون همراه، به علت فقدان محافظت‌های لازم در طی مراحل اخراج، نگرانی خاصی وجود دارد. این گزارش که هنوز به صورت پیش‌نویس است، حاوی توصیه‌های بسیاری برای دولت ایران به منظور رفع این بدرفتاری‌ها است. این گزارش همچنین شامل چند توصیه برای دولت افغانستان، سازمان ملل متحد، و دیگر شرکای افغانستان در صحنه بین‌المللی است. موارد زیر، توصیه‌هایی هستند که در حال حاضر در این گزارش برای دولت افغانستان عنوان شده‌اند:
- به جمهوری اسلامی افغانستان
- در تمام مذاکراتی که با دولت ایران دارید، وضعیت مهاجرین افغان، از جمله پناهندگان را در درجه نخست اولویت قرار دهید.

- برای اطفال بدون همراه، مراکز پذیرشی تأسیس کنید و ردیابی خانواده‌ها را بهبود بخشید تا از بازگشت مجدد کودکان بدون همراه به خانواده هایشان اطمینان حاصل گردد.
- در سراسر مرزهای مشترک با ایران، کمک‌های بیشتری در اختیار افغان‌ها اخراج شده قرار دهید و نیز کمیت و کیفیت جمع‌آوری اطلاعات از اخراج‌شدگان را افزایش دهید تا روال‌های موجود و موارد احتمالی نقض حقوق بشر را بتوان بهتر ردیابی کرد.
- کمک‌های مالی و غیره را برای افغان‌های بی‌بضاعتی که از ایران و دیگر کشورها بازگشته‌اند، افزایش دهید.
- برای مبارزه با آزار و اذیت‌های قاچاقچیان و افرادی که در افغانستان به خرید و فروش افراد می‌پردازند، اقدامات فوری انجام دهید.
- از دولت ایران مُجدّانه خواستار پایان دادن آزار و اذیت پناهندگان و مهاجرین افغان شوید.
- از طریق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به مستندسازی و انتشار موارد آزار و اذیت افغان‌ها در ایران ادامه دهید.

ما از اینکه فرصتی در اختیارمان گذاشته شود تا با مقامات مربوطه در دولت شما در باره این گزارش به گفتگو بنشینیم و به نظرات ایشان در باره این مسائل و همچنین هر گونه اقدامی که آنها انجام داده‌اند و یا قصد انجام آن را دارند، گوش فرا دهیم، بسیار ممنون و سپاسگزار خواهیم شد. از پاسخ شما به پرسش‌های زیر و نیز هر گونه اطلاعات اضافه بر آن که مایل باشید در اختیار ما قرار دهید، بسیار متشکریم.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سعی دارد در تحقیقات خود کلیه جوانب را منعکس کند و در انتظار پاسخ شما است. به دلیل زمان بندی انتشارات این سازمان، بسیار ممنون خواهیم بود اگر تا تاریخ ۱۲ عقرب پاسخ شما را دریافت نماییم. لطفاً پاسخ خود را از طریق فاکس +1-212-736-1300 Fax و یا ایمیل adamsb@hrw.org به آقای برد ادمز [Brad Adams]، رئیس بخش آسیا ارسال فرمایید.

از توجه شما به مطالب فوق تشکر می‌کنیم و در انتظار دریافت پاسخ شما خواهیم بود.

ارادتمند،

برد ادمز [Brad Adams]

رئیس بخش آسیا،

سازمان دیده‌بان حقوق بشر

- ۱) مذاکرات میان دولت افغانستان و دولت ایران در خصوص مسئله افغان‌های مقیم ایران در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ آیا دولت افغانستان به ویژه در مورد بدرفتاری‌هایی که در فوق شرح داده شد، نگرانی خود را به دولت ایران ابراز داشته است؟ اگر چنین است و نگرانی‌های مزبور کتباً مطرح گردیده‌اند، موجب امتنان و سپاس فراوان ما خواهد بود اگر نسخه‌هایی از مکاتبات مربوطه را در اختیار ما قرار دهید.
- ۲) ما از برنامه دولت افغانستان برای حل مشکل پناهندگان افغان که مشترکاً با دولت‌های ایران و پاکستان طراحی شده، آگاه هستیم. در حال حاضر وضعیت این برنامه از جهت مبالغ جمع‌آوری شده و نحوه به اجرا درآوردن آن چیست؟
- ۳) به جز برنامه ریزی برای حل این مشکل، دولت افغانستان برای تضمین حمایت و مساعدت پناهندگان و مهاجرین افغان در سال آتی چه طرح‌هایی را تهیه نموده است؟



(عکس بالا و عکس روی جلد) افغان‌ها در حال عبور مرز از ایران به سوی افغانستان؛ اسلام قلعه، آوریل 2013

© Mikhail Galustov for Human Rights Watch

ایران هر سال هزاران افغان را بدون انجام تشریفات حقوقی و یا دادن فرصتی برای اعتراض قانونی، بازداشت و از مرزهای خود اخراج می‌کند. مراحل اخراج به طور شتابزده انجام می‌شود و به افغان‌ها مهلت نمی‌دهد اثبات نمایند که این حق قانونی آنهاست که در ایران بمانند و یا درخواست پناجویی کنند. این گزارش که بخشی از آن بر پایه مصاحبه با پناهندگان و کارگران مهاجر است خشونت‌ها و آزار و اذیت‌هایی که با اخراج این افراد همراه می‌باشد را مستند می‌سازد. این موارد نقض حقوق بشر عبارتند از اجازه ندادن به افغان‌های تازه وارد برای درخواست جواز پناهندگی، ندادن فرصت به افرادی که در معرض اخراج شدن هستند برای ارائه درخواست پناجویی، تحت فشار گذاشتن پناهندگان ثبت نام شده افغان برای بازگشت به افغانستان و ایداء و بدرفتاری در طول مراحل اخراج از کشور.

گزارش «مهمانان ناخوانده» بر پایه مصاحبه‌هایی است که با 90 تن افغان با خانواده‌های آنها که اخیراً در ایران حضور داشتند، و نیز با تعدادی از مقامات رسمی افغانستان و متخصصین امور پناهندگی و مهاجرت بین آوریل 2012 و اوت 2013 انجام شده است. این گزارش به تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات ایران و نیز معیارهای بین‌المللی حاکم بر نحوه برخورد با پناهندگان و پناجویان می‌پردازد و نشان می‌دهد که خط مشی و عملکرد دولت ایران حقوق و امنیت حدود یک میلیون پناهنده رسمی افغان در ایران و صدها هزار تن دیگر که از ناپسامانی و ناامنی جنگ در افغانستان گریخته‌اند را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. سپس برای چگونگی حل این مشکلات، این گزارش پیشنهادهایی را به دولت ایران ارائه می‌کند.